

۳۹۷

# کتابخانه

KAYHAN.LONDON

بنیانگذار: دکتر مصطفی مصباح زاده

جمعه ۷ تا ۱۳ اسفندماه ۱۴۰۱ خورشیدی

سال سی و نهم - شماره ۱۸۶۳



# وکالت سیاسی در خدمت همبستگی ملی



بنیانگذار:

دکتر مصطفی مصباح زاده

\*\*\*\*\*

**KAYHANLIFE**  
SPOTLIGHT ON A GLOBAL IRANIAN COMMUNITY

@KayhanLife

@kayhanlife

@KayhanLife

<https://kayhanlife.com/newsletters-subscription>

**کیهان شما ، کیهان لندن**

@KayhanLondon

@kayhanlondon

@kayhanlondon

[https://t.me/kayhan\\_london](https://t.me/kayhan_london)

\*\*\*\*\*

P.O. Box 435, Old Brompton Road 2, London, SW7 3DQ

Tel: +(44)-(0)20 3633 3684

Fax: +(44)-(0)20 3633 3685

e-mail: [ads@kayhan.london](mailto:ads@kayhan.london)

[www.kayhan.london](http://www.kayhan.london)

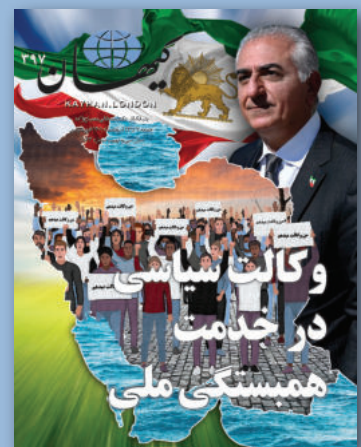
\*\*\*\*\*

سال سی و نهم

کیهان شماره ۱۸۶۳ (۳۹۷)

جمعه ۷ تا ۱۳ اسفندماه ۱۴۰۱

۲۷ ژانویه تا ۲ فوریه ۲۰۲۳



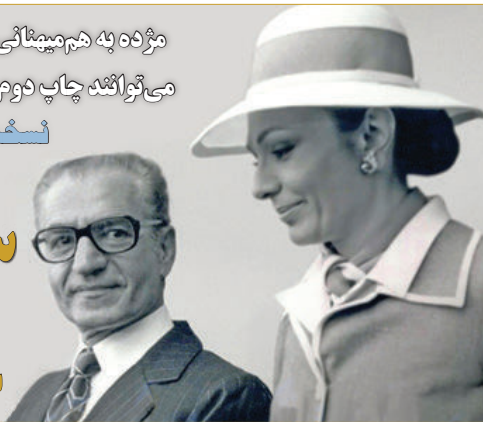
مژده به هم میهنائی که خواستار کتاب **سقوط بهشت** بودند می توانند چاپ دوم این کتاب را از کیهان خریداری نمایند

نسخه دیجیتال کتاب نیز به زودی در دسترس خواهد بود

**سقوط بهشت**

خاندان پهلوی و روزهای پایانی ایران پادشاهی

اندرو اسکات کوپر ترجمه رضا تقی زاده



**آگهی در کیهان آگاهی می آورد**

نشانی سایت:

[www.kayhan.london](http://www.kayhan.london)

روابط عمومی:

[info@kayhan.london](mailto:info@kayhan.london)

آگهی و تبلیغات:

[ads@kayhan.london](mailto:ads@kayhan.london)

سردبیری:

[editorial@kayhan.london](mailto:editorial@kayhan.london)

**دارالترجمه بین المللی فریس**

زیر نظر و بامسئولیت دکتر ناصر رحیمی (استاد دانشگاه)

ترجمه رسمی شناسنامه، قبالة ازدواج و طلاق، مدارک حقوقی، تجاری، طبی، تحصیلی و مدارک مربوط به تقاضای پناهندگی  
تلفن: 8831 020-8222/8884020-8222/6500020-8735

فکس: 020-7760 7160

[www.assot.co.uk](http://www.assot.co.uk) / Email: [assot@aol.com](mailto:assot@aol.com)

Suite 611 , Britannia House , 11 Glenthorne Road Hammersmith , London W6 0LH

دوشنبه تا جمعه ۱۰ صبح تا ۵ بعداز ظهر

**کیهان لندن منتشر کرد:**



کتاب «سوریه: چاله عنکبوت» به قلم حامد محمدی (افسر خلبان)

برای نخستین بار ابعاد گسترده حضور نظامی و ناگفته های دخالت رژیم جمهوری اسلامی در جنگ داخلی سوریه را به صورت مستند از آغاز این جنگ تا به امروز به تصویر می کشد. علاقمندان می توانند این کتاب را مستقیماً از طریق تماس با کیهان لندن [ads@kayhan.london](mailto:ads@kayhan.london) و یا انتشارات ساتراپ و سوپر هرمز در لندن و کتابفروشیهای معتبر ایرانی در اروپا و آمریکا به نشانی های زیر به مبلغ معادل ۲۰ پوند شامل هزینه بسته بندی و پست خریداری کنند.

Satrap Publishing: Email: [satrap@btconnect.com](mailto:satrap@btconnect.com) [www.satrap.co.uk](http://www.satrap.co.uk)

Super Hornumz, Finchley Road, Golders Green, NW11 0AD

Ibex Publishers Bookshop, Inc. PO Box 30087, Bethesda, MD 20824-0087, USA

Ferdosi Bookshop, Box 45095, SE-104 30 Stockholm, SWEDEN

UTOPIRAN, 89 Rue du Ruisscau, 75018 Paris , FRANCE

Forough Publishing and Bookshop, Jahnstraße 24, 50676 Köln, GERMANY

سرمقاله- امروز سر نوشت ایران دغدغه جهان نیز هست /الاهه بقرراط..... ۴

وکالت سیاسی در خدمت همبستگی ملی ... /روشنک آسترکی ..... ۴-۵

گزارش «شورای آتلانتیک» در مورد «#من\_وکالت\_میدهم»... /..... ۶-۷

شاهزاده رضا پهلوی درباره کمپین #من\_وکالت\_میدهم... /..... ۷

ما ایرانیان و شاهزاده رضا پهلوی ... /مهدی مظفری ..... ۸-۹

روزنامه آلمانی: شعار اعتراضات در ایران «ولیعهد رهبر انقلاب ماست»... /..... ۹

شاهزاده رضا پهلوی در مصاحبه با «اسکای نیوز»: من فارغ از گرایش سیاسی... /..... ۱۰

با من به حکمران بیایید... (پایان) ... /احمد احرار ..... ۱۱

نکته‌هایی درباره «معمای هویدا» (۱) ... /منوچهر فرمانفرمائیان ..... ۱۲-۱۳

اروپا برای مجازات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به همکاری اسر ائیل ... /..... ۱۴

تعرض و آزار جنسی کودکان یک مدرسه فوتبال در مشهد ... /..... ۱۵

گزارش ویژه: آیا رهبران اتحادیه اروپا برای ترور بست اعلام کردن سپاه ... /..... ۱۶-۱۷

تصویب چهارمین بسته تحریمی اتحادیه اروپا علیه جمهوری اسلامی ... /..... ۱۷

نتایج یک نظر سنجی: ۶۰ درصد از پاسخ دهندگان در تظاهرات ... /..... ۱۸

افزایش تاریخی تورم دردی ماه: موج بزرگتری از فقر و فلاکت ... /..... ۱۹

باز شیطان نقاب از چهره برداشت: سپاه پاسداران می تواند پاشنه آشیل ... /..... ۲۰-۲۱

روزنامه «اکسپرس»: دستیابی به بمب اتم یکی از گزینه‌های جمهوری اسلامی ... /..... ۲۱

حمایت سینمای جهان از «زن، زندگی، آزادی» ... /احمد رأفت ..... ۲۲

ممنوع الکار شدن مادر کیان پیر فلک ... /..... ۲۳

«ششیده‌هایی از غزه» پرورژه‌ای میدانی با انیمیشن از «مرکز ارتباطات صلح» (۲) ... /..... ۲۴-۲۷

خبرگزاری فرانسه: با وجود اعدام و سرکوب، معترضان در ایران همچنان ... /..... ۲۷

تصویب کلیات لایحه بودجه ۱۴۰۲: فاجعه اندر فاجعه! ... /..... ۲۸-۲۹

بریتانیا هفت مقام و نهاد سرکوبگر جمهوری اسلامی را تحریم کرد ... /..... ۲۹

اوکراین: با تلاق مهلک دیگری که روس‌ها جمهوری اسلامی را به آن کشاندند ... /..... ۳۰-۳۱

جوزپ بورل: قرار گرفتن سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در فهرست تروریستی ... /..... ۳۱

فیلم‌های کارگردانان زن ایرانی در جشنواره سینمای مستقل ... /احمد رأفت ..... ۳۲

نمایش دولت رئیسی: کارگروهی برای بررسی وقایع و اعتراضات اخیر ... /..... ۳۳

اروپایی‌هایی دانند سپاه پاسداران انقلاب اسلامی یک سازمان تروریستی است ... /..... ۳۴-۳۵

چهار ماه پس از ثبت شکایت: هیچ اقدامی در روند پرونده ... /..... ۳۵

ارتجاع سرخ و سپاه، از جمهوری اسلامی تا گروه‌های ۵۷، پس از چهاردهه ... /..... ۳۶-۳۷

«ساخت سنگ مز از جانب‌اختگان» نیز در جمهوری اسلامی جرم است! ... /..... ۳۷

نازنین افشین جم: سیاستمداران غرب قبل از رها کردن ... /ناتاشا فیلیس (کیهان لایف) ..... ۳۸

ادامه بحران آلودگی هوا؛ بی‌اعتنایی دولت صدای «خودی» هارا ... /..... ۳۹

موج جدید مهاجرت ایرانیان به دلیل فیلترینگ و اختلال در اینترنت ... /..... ۴۰-۴۱

گزارش ویژه: نگرانی از افزایش حضور نظامی جمهوری اسلامی در ... /احمد رأفت ..... ۴۱

افزایش تجمعات و اعتراضات صنفی؛ تهدیدی جدی علیه جمهوری اسلامی ... /..... ۴۲-۴۳

پارلمان اروپا قطعنامه قرار گرفتن سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در فهرست ... /..... ۴۳

تعرض جنسی علیه نوجوانان؛ از معلم قرآن و خادم مسجد تا مربی فوتبال و ... /..... ۴۴

جمهوری اسلامی همچنان به جرم عدم رعایت حجاب پلمپ و اخراج و ... /..... ۴۵

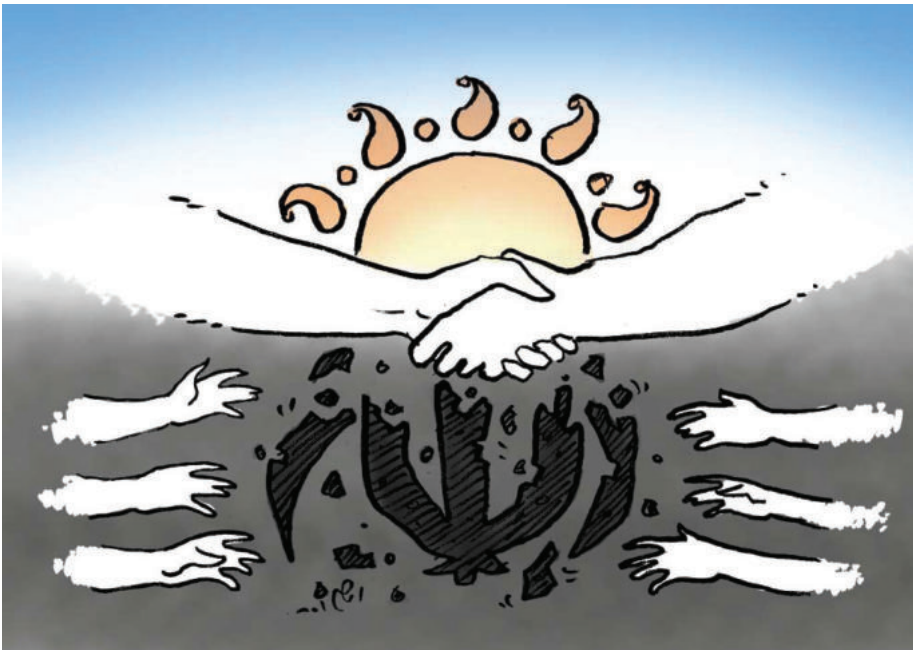
اسلامگرایان در دوران مشروطیت ایران ... /احمد تاج‌الدینی ..... ۴۶-۴۹

پشت جلد-عکس هفته/اعتراض ایرانیان به حکم ۴۰ سال زندان و ۷۴ ضربه شلاق علیه اولیویه و اندکاستیل ..... ۵۰

بازنشر  
بازنشر



## وکالت سیاسی در خدمت همبستگی ملی



سال‌ها بخشی از شهروندانی که جامعه مهاجران ایرانی را با همه تنوع فکری و اجتماعی تشکیل می‌دهند، دغدغه سرنوشت ایران را، با درجات متفاوت، داشتند. برخی به دلایل شخصی و منافع فردی از جمله داشتن امنیت برای رفت و آمد و یا معاملات تجاری و امور مشابه و برخی دیگر به دلایل فراتر از خود و به خاطر تغییر شرایط غیرعادی کشور و آرزوی یک زندگی عادی با آزادی و امنیت و رفاه برای مردمی که مانند ساکنان دیگر کشورها شایسته‌ی آن هستند.



تظاهرات ایرانیان در پشتیبانی از مردم ایران / ۲۱ ژانویه ۲۰۲۳

این در حالیست که به دلایلی مانند صدور انقلاب فرقه‌ای و بنیادگرایی اسلامی و تروریسم و جنگ‌افروزی و برنامه اتمی و گسترش گروه‌های شبه‌نظامی و در مرحله آخر، شاید حقوق بشر، در چهار دهه گذشته، نه «ایران» بلکه جمهوری اسلامی همواره دغدغه کشورهای غربی بوده و «دیپلماسی» آنها اعم از «دیالوگ انتقادی» و «مذاکرات اتمی» بر اساس همین دغدغه‌ی البته ماشااترگانه تنظیم می‌شد. آنها نیز ترجیح می‌دادند جمهوری اسلامی با «اصلاحات» بطوری که خطری برای کشورهای منطقه به ویژه اسرائیل و عربستان نداشته باشد، و همچنین متلا به صدور تروریسم و مواد مخدر به اروپا نپردازد و خارجی‌ها و دوتابعیتی‌ها را نیز به گروگان نگیرد، «تحول» پیدا کند تا هم دیپلماسی و هم معاملات اقتصادی ادامه یابد. اما نابودی «ایران» و حقوق و آزادی «مردم ایران» چه؟! همانگونه که خیزش‌های مختلف اعتراضی و سرکوب خشن و وحشیانه‌ی آنها در چهار دهه گذشته نشان داد و در کشتار آبان ۹۸ به اوج خود رسید، برای جهان «یک مسئله داخلی» است که می‌بایست بین «مردم» و حکومت «ضد مردم» حل شود. قتل حکومتی مهسا امینی دختر جوانی که به جرم بدحجابی در بازداشت گشت ارشاد اسلامی جان باخت، سرانجام کبریت بر خرمن خشم و انزجار جامعه علیه شرایط تحمیلی و غیرانسانی کشید. البته رویدادها و چهره‌هایی که در انواع اعتراضات به نماد تبدیل شده‌اند کم نیست؛ نمادهایی که به زندگی در حکومت اسلامی و اعتراض علیه آن جنبه‌های اسطوره‌ای بخشیده‌اند. اما اینکه اعتراضاتی بتوانند چنین توجه افکار عمومی جهان و دولت‌های خارجی را ماه‌ها به خود جلب و مشغول کند، بطوری که مهم‌ترین موضوع کشورهای غربی، یعنی تجاوز روسیه علیه اوکراین را در سایه قرار دهد، رویدادی بی‌سابقه است اگرچه نقش خرابکارانه و همدستی نظامی و تسلیحاتی جمهوری اسلامی با روسیه نیز در قاطعیت مواضع غرب برای پشتیبانی از آزادیخواهی مردم نقشی مهم دارد. جلب این توجه جهانی مدیون ابتکارات و پایداری بی‌نظیر جوانان و خانواده‌های آنان در سراسر ایران است که بهایی سنگین برای آن پرداخته و می‌پردازند. اکنون نوبت ایرانیان خارج کشور و دموکراسی‌هاست تا پشتیبانی و تلاش‌ها و همبستگی بی‌نظیری را که همزمان با مردم داخل هم در ماه‌های گذشته و هم این روزها در سراسر جهان به نمایش گذاشته و می‌گذارند، در گام‌های عملی و مرادوه و گفتگو با یکدیگر به نتیجه برسانند.

● «ائتلاف» امری مربوط به جریانات سیاسی و احزاب است. «اتحاد» موضوعی عمومی است که به روشنی در بین مردم ایران وجود دارد و در خارج کشور می‌بایست در اتحاد عمل افراد شکل بگیرد. خیزش انقلابی ملت اکنون نیازمند روشن شدن رهبری و فعال‌تر شدن سازمان‌ها و احزاب سیاسی به عنوان بازوهای اجرایی و سازماندهی مسیر انقلاب تا پیروزی است.

## موافقان چه می‌گویند؟

«وکالت سیاسی به شاهزاده رضا پهلوی» هرچند از اوایل سال ۱۴۰۱ و توسط منوچهر بختیاری پدر دادخواه پویا بختیاری و تعداد دیگری از زندانیان سیاسی مطرح شده بود اما در روزهای گذشته صدها هزار نفر از طریق امضا و هشتگ #من\_وکالت\_میدهم در شبکه‌های اجتماعی به کارزاری پیوسته‌اند که از مدت‌ها پیش ضرورت آن از سوی نیروها و جریان‌های مختلف اپوزیسیون تأکید شده بود: شکل‌گیری رهبری.

جداً از شهروندان عادی که غالباً از درون ایران و حتی با ضبط ویدئو وکالت سیاسی به شاهزاده رضا پهلوی را مطرح کرده‌اند، ده‌ها تن از چهره‌های هنری، فرهنگی و فعالان سیاسی نیز به این کمپین پیوسته‌اند. برای نخستین بار است که این تعداد هنرمند از خواننده و آهنگساز تا سینماگر برای حمایت از یک چهره سیاسی و با هدف روشن پا به میدان گذاشته‌اند.

برخلاف آنچه منتقدان کمپین، به ویژه جمهوری اسلامی و عوامل‌اش، ادعا دارند افرادی که به این حرکت پیوسته‌اند لزوماً طرفدار نظام پادشاهی مشروطه نیستند. بخشی از آنها شهروندان جمهوریخواه یا شهروندانی هستند که شکل نظام برایشان اهمیتی ندارد و یا هنوز برای شکل حکومت آینده ایران به جمع‌بندی نرسیده‌اند و یا انتخاب خود را به ماهیت و عملکرد جریان‌سازان هر یک از اشکال حکومت در زمان خود موکول کرده‌اند؛ اما همه آنها در اینکه شاهزاده رضا پهلوی شخصیت سیاسی مورد اعتماد برای اعطای وکالت سیاسی است نقطه نظر مشترک دارند.

آنچه مشخص است بسیاری از ایرانیان کارزار وکالت به شاهزاده رضا پهلوی را گامی رو به جلو ارزیابی می‌کنند ←

در روزهای گذشته کارزار «من وکالت میدهم» از جمله مهم‌ترین خبرهای مربوط به حوزه سیاسی ایران با بازتاب داخلی و بین‌المللی بود و به یکی از محورهای اصلی بحث و اظهارنظر فعالان و کاربران در شبکه‌های اجتماعی تبدیل شده است.

این کارزار پس از آن آغاز شد که شاهزاده رضا پهلوی در مصاحبه با تلویزیون «منوتو» در پاسخ به اینکه مردم از او انتظار ظاهر شدن در قامت یک رهبر در شرایط کنونی را دارند گفت که هر کسی برای این کار می‌بایست از سوی مردم مشروعیت و نمایندگی داشته باشد تا بتواند با دولت‌های دیگر نیز به گفتگو بپردازد.

از فردای این مصاحبه بسیاری از ایرانیان به صورت خودجوش در شبکه‌های اجتماعی با استفاده از هشتگ #من\_وکالت\_میدهم و همچنین با انتشار پیام‌های نوشتاری و ویدئویی با ابراز اعتماد و حمایت از شاهزاده رضا پهلوی او را به عنوان «وکیل» خود معرفی کردند. همچنین طوماری نیز برای امضا منتشر شده که گذشته از مشکلات اینترنتی و امنیتی در ایران، طی یک هفته حدود ۴۰۷ هزار نفر آن را امضا و با حمایت از شاهزاده رضا پهلوی به او وکالت دادند.

این کارزار آنقدر برجسته است که مورد توجه رسانه‌های خارجی نیز قرار گرفته؛ از جمله روزنامه «فرانکفورتور آلگماینه» با عنوان «اپوزیسیون ایرانی می‌گوید که ولیعهد رهبر انقلاب ماست» به این کارزار پرداخته است.

در پی راه‌اندازی این کارزار از یکسو موجی از همبستگی بیشتر در مبارزه با جمهوری اسلامی، به ویژه از سوی مردم درون ایران، شکل گرفت و از سوی دیگر بخشی از فعالان سیاسی را برافروخته کرده است.

بلکه در گفتگویی که روز پنجشنبه ۵ بهمن با «اسکای نیوز» داشت بار دیگر موضوع همکاری با همه جریانات فکری اعم از چپ و راست و میانه را مطرح کرد.

به نظر می‌رسد برخی گروه‌ها و احزابی که نه در انقلاب ۵۷ موفقیتی داشتند و نه در چهار دهه گذشته کارنامه مثبتی در همبستگی برای گذار از جمهوری اسلامی داشتند، امروز نیز به دلیل تن ندادن به مبانی همبستگی ملی، خواسته یا ناخواسته همسو با جمهوری اسلامی به سنگ اندازی، تخریب و تخطئه می‌پردازند. حال آنکه نه نقد و استدلال، بلکه برخوردهای تند و افراطی و همراه با فحاشی، از هر سویی که باشد تنها در خدمت جمهوری اسلامی است. این نوع برخوردها برای تفرقه در دستور کار سایبری‌های رژیم قرار دارد و جالب توجه اینکه برخی افراد اپوزیسیون با نام و نشان خود همین مسیر را می‌روند!

نکته مهم دیگر اینکه افرادی از ابتدای جنبش انقلابی ۱۴۰۱ با کمک برخی رسانه‌های فارسی‌زبان به دنبال این بودند که با درست کردن یک «ائتلاف» که مضمون و محور آن و خاستگاه و پیشینه سیاسی برخی از افرادش مشخص نیست، شاهزاده را به درون آن بکشاند تا با همین اعتماد عمومی نسبت به وی، برای یک گروه ائتلافی اعتبار و مشروعیت کسب کنند. اینهمه در حالیست که «ائتلاف» امری مربوط به جریانات سیاسی و احزاب است. «اتحاد» موضوعی عمومی است که به روشنی در بین مردم ایران وجود دارد و در خارج کشور می‌بایست در اتحاد عمل افراد شکل بگیرد.

از سوی دیگر اعطای وکالت سیاسی با «توکیل و وکیل و موکل» در حقوق قضائی ارتباطی ندارد! بلکه این وکالت به معنی فرآیند مدرن شکل گرفتن یک رهبری دموکراتیک و تلاش برای درست کردن بنیادهای مشروعیت/حقانیت از سوی مردم و حلقه‌های پیوند میان رهبری یک جنبش و معترضان و مبارزان است. امری که در حقوق سیاسی موضوعیت دارد.

### ضرورت «من وکالت می‌دهم»

در پنج ماه گذشته مردم ایران به عنوان عامل اصلی و بدنه جنبش انقلابی نقش خود را به خوبی و با تحمل رنج و فداکاری و هزینه بالا تثبیت کرده‌اند. ایرانیان خارج کشور نیز با حمایت گسترده و برگزاری صدها تجمع در بیش از ۱۵۰ شهر جهان نقش مکمل بدنه جنبش انقلابی شدند. کارزار «من وکالت می‌دهم» به عنوان طبیعی‌ترین گام در مرحله کنونی برای تعیین رهبری جنبش شکل گرفت. خیزش انقلابی ملت اکنون نیازمند روشن شدن رهبری و فعال‌تر شدن سازمان‌ها و احزاب سیاسی به عنوان بازوهای اجرایی و سازماندهی مسیر انقلاب بسوی پیروزی است تا از به انحراف کشیده شدن جنبش انقلابی به سود جمهوری اسلامی یا احزاب و جریانات ضدایرانی جلوگیری شود. هیچ جنبش انقلابی و رهبری آن هرگز و در هیچ جا صد درصد جامعه و جریانات سیاسی را با خود نداشته و در مورد انقلاب کنونی ایران نیز چیزی جز این نیست. در این میان عملکرد و نقطه نظرات شفاف و صریح شاهزاده رضا پهلوی طی چهار دهه گذشته او را در جایگاهی قرار داده که دارای اقبال عمومی باشد و توان خود را مانند همیشه در این مرحله نیز در خدمت آزادی ایران و ایرانیان به کار بگیرد تا بر اساس تأکيدات مکرر وی، به شرایطی برسند که حق انتخاب داشته و خود تصمیم بگیرند که اعمال حاکمیت ملی خود را چگونه و در کدام نظام می‌پسندند.

روشنگ آسترکی

می‌رسد اصرار نادرست بر اینکه «این جنبش نیاز به رهبری ندارد» سبب شده برخی از شهروندان تصور کنند واقعا براندازی حکومتی ایدئولوژیک که چهار دهه منابع کشور را برای تثبیت قدرت هزینه کرده، شبکه گسترده‌ای



از نیروهای نظامی و شبه‌نظامی و تروریستی، و مافیاهای اقتصادی داخلی و بین‌المللی دارد، بدون رهبری و همبستگی ملی و سراسری ممکن است! این نگاه خام عمدتا از سوی برخی باصطلاح «کارشناسان» تلویزیون‌های فارسی‌زبان مطرح می‌شود. در جهان امروز که برای ساده‌ترین اقدامات سازمانی، بدون مشخص نبودن جایگاه افراد و سازماندهی یک تیم کاری از پیش نمی‌رود، نهایت ساده‌انگاری است که کسی تصور کند حدود ۹۰ میلیون ایرانی در داخل و خارج کشور می‌توانند بدون نهادهای رهبری و سازماندهی، انقلاب کنند و نتیجه‌اش هم حتما یک کشور دموکرات و آزاد و آباد باشد!

جریانات سیاسی مخالف نیز که از حامیان انقلاب ۵۷ هستند، بیش از آنکه معادله را در ظرف زمان امروز بسنجند، همچنان در جبهه‌بندی دهه ۴۰ و ۵۰ خورشیدی، مبارزه علیه پادشاهی مشروطه و خاندان پهلوی را پیش می‌برند. در این میان، مشخص نیست جریانات و گروه‌هایی که چون نتوانستند بعد از ۵۷ سهم خود را از جمهوری اسلامی بگیرند به مخالف تبدیل شدند، امروز همچنان در حال پیشبرد آن انقلاب و به دنبال سهم خود هستند یا برای آزادی مردم ایران و تحقق دموکراسی در کشور تلاش می‌کنند!

دو موضوع مورد اشاره درباره این کارزار نیز موضوع «همکاری با دیگر جریانات سیاسی» و حد و حدود «وکالت سیاسی» است. شاهزاده رضا پهلوی بارها از همه جریانات و گروه‌های سیاسی خواسته در راستای براندازی جمهوری اسلامی با هم همراهی و همکاری داشته باشند. او نه تنها در پیامی که پس از آغاز «من وکالت می‌دهم» منتشر کرد با تأکید بر اینکه «نجات ایران جز با همبستگی ملی ممکن نیست» نوشت: «امروز نیز بار دیگر، دست همکاری به سوی همه نیروهای دموکراسی‌خواه اعم از شخصیت‌ها و احزاب و گروه‌ها دراز می‌کنم تا بر پایه‌ی سه اصل مشترک حداقلی: تمامیت ارضی ایران، دموکراسی سکولار مبتنی بر حقوق بشر، و حق مردم برای تعیین شکل نظام سیاسی از طریق یک انتخابات آزاد، یاریگر انقلاب ملی ایران باشیم»

→ اصول مطرح شده از سوی وی را بستر ضروری برای عبور از جمهوری اسلامی و ساختن آینده ایران می‌دانند. ریشه این کارزار را باید در سال‌ها قبل و مسیری که جنبش اعتراضی مردم علیه جمهوری اسلامی طی کرده جستجو کرد.

مرحله نونین مبارزات جامعه ایران از تجمع هزاران نفر در پاسارگاد در هفتم آبان ۹۵ آغاز شد که مردم صف‌بندی مشخصی را نه تنها با نظام بلکه با اندیشه‌های اسلامگرا و جهان‌وطنی که نتیجه آن انقلاب ۵۷ بود ترسیم کردند. در دی ۹۶ اعتراضاتی بی‌سابقه علیه جمهوری اسلامی شکل گرفت که بزرگترین ویژگی آن نگرش ملی و خارج کردن تحولات سیاسی از زیر چتر و نگاه اصلاح‌طلبان بود. این جنبش سال ۹۸ با قدرت بیشتری به صحنه آمد و طی سال‌های گذشته با اشکال مختلف از جمله نقش‌آفرینی خانواده‌های دادخواه آبان ۹۸ ادامه پیدا کرد. طی ماه‌های گذشته نیز سراسر ایران به شکل همبسته با دو پیام اصلی، یکی براندازی جمهوری اسلامی و دیگری یکپارچگی ملی، بپا خاست و مجموعه‌ی اعتراضات سال‌های گذشته را وارد مرحله انقلابی کرد.

نیروی بزرگی که با وجود خشن‌ترین و وحشیانه‌ترین سرکوب‌ها انقلاب را پیش می‌برد، دارای هویت شاخص ملی و تاریخی و فرهنگی است. به همین دلیل پروژه‌های ماه‌های گذشته با نقش‌آفرینی برخی رسانه‌های فارسی‌زبان برای متناقض جلوه دادن خواسته‌های مردم معترض با شکست روبرو شده و به همین دلیل همین مردم با حضور در کارزار «من وکالت می‌دهم» شاهزاده رضا پهلوی را فرد شایسته برای گشودن چتر ملی بر سر ایران و پیشبرد خواسته‌هایی خود ارزیابی می‌کنند.

شاهزاده رضا پهلوی پیشتر اصولی شامل تمامیت ارضی ایران، دموکراسی سکولار مبتنی بر حقوق بشر، و حق مردم برای تعیین شکل نظام سیاسی از طریق یک انتخابات آزاد را به عنوان بستر اتحاد در میان گروه‌ها و شخصیت‌های اپوزیسیون مطرح کرده بود. این مبانی که به تازگی بار دیگر توسط وی مطرح شده، هم یکی از دلایل حمایت مردم از وی و هم دلیل انتقاد بخشی از مخالفانش است!

### مخالفان چه می‌گویند؟

مخالفان این کارزار را باید به دو گروه شهروندان مخالف، و جریانات و احزاب سیاسی مخالف تقسیم کرد. به نظر

# گزارش «شورای آتلانتیک» در مورد «#من\_وکالت\_میدهم»: آیا رضا پهلوی می‌تواند به اتحاد اپوزیسیون ایران کمک کند؟

این گزارش بدون اشاره به نام «سعید حافظی» می‌نویسد، در واکنش به این اظهارات یک روزنامه‌نگار ایرانی ساکن آلمان کارزار «#من\_وکالت\_میدهم» را به راه انداخت که با سرعت مورد استقبال ایرانیان داخل و خارج کشور قرار گرفت. بر همین اساس رضا پهلوی و حامیانش می‌گویند این یک کمپین خودجوش آنلاین بوده، بدون اینکه آنها در جریان باشند، در حالی که مخالفان پهلوی ادعا می‌کنند که این کار احتمالاً از قبل هماهنگ شده بود.

پس از این جریان توماری در در وبسایت change.org در حمایت از رضا پهلوی به راه افتاد که تعداد امضاهای آن به بیش از ۳۹۰ هزار نفر رسید.

به گزارش کیهان لندن، تا صبح ۲۵ ژانویه شمار امضاها به بیش از ۴۰۲ هزار رسیده آنهم با توجه به اینکه شرکت در آن از داخل ایران هم از نظر دسترسی به اینترنت و هم مسائل فنی و امنیتی که بدون داشتن ایمیل و تأیید پیام دریافتی هیچ امضایی ثبت نمی‌شود، بسیار مشکل است.

در ادامه گزارش «شورای آتلانتیک» آمده بسیاری از امضاکنندگان این تومار آنلاین تأکید کردند که از پهلوی برای بازگرداندن پادشاهی حمایت نکرده‌اند بلکه از وی به عنوان شخصیتی برای عبور از نظام در دوران گذار وکالت داده‌اند.

در همین ارتباط کیهان لندن یادآوری می‌کند که از سال‌ها پیش شاهزاده رضا پهلوی نقش خود را همواره نه در شکل نظام بلکه دفاع از دموکراسی و حقوق بشر و حمایت از ملت ایران برای عبور از جمهوری اسلامی و رسیدن به شرایطی تعریف کرده که مردم بتوانند آزادانه درباره سرنوشت خود از جمله تعیین شکل نظام سیاسی آینده تصمیم بگیرند.

در کنار بسیاری از چهره‌های هنری و فرهنگی که از این کارزار حمایت کرده‌اند، گزارش «شورای آتلانتیک» به داریوش اشاره کرده و می‌نویسد، یکی از این حامیان این کمپین داریوش اقبالی از محبوب‌ترین خواننده‌های تاریخ ایران است که در پاریس زندگی می‌کند و به خاطر همدردی‌هایش یکی از محبوب‌ترین خواننده‌های تاریخ ایران مدرن بود. داریوش یک چهره با دیدگاه‌های چپ‌گرایانه شناخته می‌شود که حتا پیش از انقلاب ۵۷ به زندان هم افتاد. این خواننده که مجموعاً بیست و شش ماه را در زمان شاه در زندان سپری کرد اکنون اعلام کرده است از آنجا که «انقلاب ایران وارد فاز تازه‌ای شده است و نیازمند راهکارهای تازه است» پس «آقای رضا پهلوی را گزینه مناسبی برای نمایندگی اپوزیسیون خارج» می‌داند.

بسیاری از سلب‌ریتی‌ها به این کارزار پیوسته و حمایت خود از رضا پهلوی را اعلام کرده‌اند. یکی از آنها علی کریمی است که زمانی به مارادونای آسیا شهرت داشت. وی گفت که از شاهزاده پهلوی «برای دوره گذار... تا رسیدن به یک انتخابات آزاد» حمایت می‌کند. ابراهیم حامدی (ای)، شهرونده آغداشلو بازیگر نامزد اسکار، حمید فرخ‌نژاد بازیگری که همین چند هفته پیش ایران را ترک کرد، شاهین نجفی خواننده، کیمیا علیزاده ورزشکار تکواندو از مدال‌آوران المپیک ۲۰۱۶ و خیلی‌های دیگر به این کارزار پیوسته‌اند.

حمایت از پهلوی به ایرانیان مقیم خارج محدود نمی‌شود. ویدئوهایی در شبکه‌های اجتماعی از اعلام حمایت ایرانیان داخل کشور در شهرهای مختلف نیز منتشر شده است. مثلاً در ایذه مردم در حمایت از پهلوی شعار دادند یا



اولین قدم آنها برای تشکیل چنین ائتلافی توییت مشترک چند چهره سرشناس در اپوزیسیون در اول ژانویه برای تبریک سال ۲۰۲۳ و آرزوی پیروزی برای ملت ایران و تحقق آزادی و عدالت در ایران بود.

شاهزاده رضا پهلوی، مسیح علی‌نژاد روزنامه‌نگار و فعال حقوق زنان، حامد اسماعیلیون سخنگوی انجمن خانواده‌های قربانیان پرواز «پس‌۷۵۲» و علی کریمی اسطوره پیشین فوتبال ایران و شیرین عبادی حقوقدان و تعدادی دیگر این متن را به اشتراک گذاشتند. با اینهمه اختلاف نظرها همچنان ادامه یافت.

چند روز بعد در ۱۶ ژانویه دومین توییت هماهنگ آنها منتشر شد. آنها از جامعه بین‌الملل خواستند سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را در فهرست سازمان‌های تروریستی قرار دهد اما اینبار حامد اسماعیلیون در بین آنهایی که متن مشترک را منتشر کردند نبود و خودش جداگانه با همین مضمون توییت دیگری منتشر کرد. اسماعیلیون بخشی از مخالفان جمهوری اسلامی را نمایندگی می‌کرد و این کار او از نظر بسیاری ضربه به این ائتلاف بود.

در این گزارش با اشاره به راه افتادن کارزار «#من\_وکالت\_میدهم» در حمایت از شاهزاده رضا پهلوی به مصاحبه او با تلویزیون «منوتو» نیز اشاره شده است. آنجا که شاهزاده پهلوی بار دیگر به بیان دیدگاه‌های همیشگی خود در مورد دموکراسی پرداخت و گفت از یک انتخابات آزاد برای تشکیل مجلس مؤسسان و سپس فرزنددومی جهت تعیین شکل نظام سیاسی آینده ایران با رأی مردم دفاع می‌کند.

رضا پهلوی در پاسخ به مجری برنامه در مورد «ضرورت پذیرش یک نقش ملی یا هماهنگ‌کننده» گفت: «هرکاری که انجام می‌دهیم باید یک مبنای مشروعیت یا یک نوع وکالت از داخل ایران داشته باشد. ساده بگویم مثلاً فردا من بتوانم برای گفتگو با شخصیت‌های سیاسی دیدار کنم... باید مبنای مشروعیت و مقبولیت از داخل داشته باشد و باید این در عمل دیده شود. باید بتوانیم بگوییم حرفی که می‌زنیم پشت آن زندانیان سیاسی و جریانات داخلی هستند و آنها این نمایندگی را به ما دادند.»

● «شورای آتلانتیک» در گزارشی به قلم آرش عزیزی می‌نویسد یک روزنامه‌نگار ایرانی ساکن آلمان کارزار «#من\_وکالت\_میدهم» را به راه انداخت که با سرعت مورد استقبال ایرانیان داخل و خارج کشور قرار گرفت. بر همین اساس رضا پهلوی و حامیانش می‌گویند این یک کمپین خودجوش آنلاین بوده، بدون اینکه آنها در جریان باشند، در حالی که مخالفان پهلوی ادعا می‌کنند که این کار احتمالاً از قبل هماهنگ شده بود.

● حمایت از پهلوی به ایرانیان مقیم خارج محدود نمی‌شود. ویدئوهایی در شبکه‌های اجتماعی از اعلام حمایت ایرانیان داخل کشور در شهرهای مختلف نیز منتشر شده است. مثلاً در ایذه مردم در حمایت از پهلوی شعار دادند یا نسرین شاکرمی (مادر نیکا) از پهلوی حمایت کرد اما در عین حال خاله نیکا اعلام کرد که «هیچکس نمی‌تواند من نیست». منوچهر بختیاری که پسرش پویا در اعتراضات ابان ۱۳۹۸ کشته شد نیز از حامیان پهلوی است و با پیمان قلی‌پور که برادرش پژمان در اعتراضات سال ۹۸ کشته شده بود متن داریوش اقبالی در حمایت از پهلوی را لایک کرده است.

● آرش عزیزی می‌نویسد در نگاه هر ناظر منصفی از ایران، پهلوی در جامعه ایران تا حدی از حمایت برخوردار است، اگرچه تشخیص اینکه چقدر این حمایت گسترده است دشوار است. خشایار دیهیمی از روشنفکران ساکن تهران، در تحلیل خود از آخرین وقایع مدعی شد: «به راحتی می‌توانم بگویم اگر چنین فرزنددومی برگزار شود و یکطرف ماجرا رضا پهلوی باشد در دست همه به او رای خواهند داد چون هیچکس دیگر غیر از او را نمی‌شناسند.»

«شورای آتلانتیک» که طی سال‌های اخیر همسو با منافع ملایان از «احیای برجام» و ضرورت مذاکره با رژیم ایران دفاع می‌کرد در گزارشی با عنوان «آیا رضا پهلوی می‌تواند به اتحاد اپوزیسیون ایران کمک کند؟» به تفسیر از فضای سیاسی ایران و کارزار «#من\_وکالت\_میدهم» و انعکاس دیدگاه موافقان و مخالفان پرداخته است.

نویسنده این گزارش که ۲۴ ژانویه (۴ بهمن) منتشر شده، آرش عزیزی خبرنگار و پژوهشگر سیاسی است که خود را در شبکه‌های اجتماعی حامی «حزب توده» معرفی کرده اما اخیراً در موضع‌گیری‌های شخصی خود تلاش می‌کند با مواضع متعادل نسبت به شاهزاده پهلوی و به اتحاد اپوزیسیون کمک کند.

در مقدمه این گزارش آمده کسانی که می‌خواهند پایان جمهوری اسلامی را ببینند، مدت‌هاست یک مشکل بزرگ وجود دارد: جایگزین آن چیست؟ عدم سازماندهی و اتحاد در میان مخالفان جمهوری اسلامی مشکلی آشنا و همیشگی است.

هرچند اختلافات سیاسی بین اپوزیسیون همچنان وجود دارد اما تداوم اعتراضات پس از قتل مهسا امینی در بازداشت «گشت ارشاد» همستگی بی‌سابقه‌ای ایجاد کرده و بسیاری به فکر کنار گذاشتن اختلاف و رسیدن به اتحاد افتاده‌اند. در هفته‌های اخیر، بسیاری از حامیان انقلاب آزادیخواهانه مردم ایران از چهره‌های سرشناس خارج کشور خواستار تشکیل یک «ائتلاف» شده‌اند.



## شاهزاده رضا پهلوی درباره کمپین #من\_وکالت\_میدهم: یار و یاور شما، از شما و با شما، در مبارزه برای آزادی ایران بوم و هستم

می‌آورد، آگام و همچون چهار دهه گذشته، بدون هرگونه چشم‌داشت و یا انگیزه شخصی، با تمام توانم همراه شما در این مبارزه خواهم بود.

ابراز عمومی این اعتماد، از جمله این امکان را به من و دیگر افراد مورد وثوق شما می‌دهد تا با قدرت و صراحت بیشتری به نمایندگی از شما در سطح بین‌المللی گفتگو و مذاکره کنیم. همانطور که در مهرماه ۱۳۹۹ در «پیمان نوین» تأکید کردم، نجات ایران جز با همبستگی ملی ممکن نیست. امروز نیز بار دیگر، دست همکاری به سوی همه نیروهای دموکراسی‌خواه اعم از شخصیت‌ها و احزاب و گروه‌ها دراز می‌کنم تا بر پایه‌ی سه اصل مشترک حداقلی: تمامیت ارضی ایران، دموکراسی سکولار مبتنی بر حقوق بشر، و حق مردم برای تعیین شکل نظام سیاسی از طریق یک انتخابات آزاد، یاریگر انقلاب ملی ایران باشیم.

مسیر پیروزی روشن، و آزادی میهن از چنگ اهریمن نزدیک است. هیچ نظامی هر اندازه خشن و خونخوار نخواهد توانست در برابر اراده پولادین ملتی متحد تاب بیاورد. از شما هستم و با شما، و تا روزی که حکومتی ملی، دموکراتیک و منتخب مردم در ایران زمام امور را در دست بگیرد، از پا نخواهم نشست.

زن زندگی آزادی

پاینده ایران - رضا پهلوی

۱ بهمن ۱۴۰۱ / ۲۱ ژانویه ۲۰۲۳

بسیاری نظرات مشابهی را بیان کرده و می‌گویند «در حالی که پهلوی از محبوبیت خاصی برخوردار است، تنها یک جبهه گسترده‌تر می‌تواند رژیم را با موفقیت شکست دهد و این کارزار می‌تواند ایجاد ائتلاف متحد را منحرف کند.»

آتنا دانجی فعال مقیم تهران با هشدار نسبت به تفرقه، تویییتی با هر دو هشتمگ «من وکالت می‌دهم» و «من وکالت نمی‌دهم» منتشر کرد و با تأکید بر ضرورت ائتلاف احزاب تأکید کرد «هیچ فردی نمی‌تواند نماینده کل کشور باشد.» وی در عین حال مشاجره در صفوف مخالفان را محکوم کرد.

در پایان این گزارش آمده به نظر می‌رسد خود پهلوی همچنان به آن خیمه گسترده‌تر اعتقاد دارد. پهلوی در بیانیه‌ای در ۲۱ ژانویه از کمپین آنلاین در حمایت از خودش استقبال کرد اما فراخوان خود را برای «همبستگی ملی» که پاییز ۲۰۲۰ درمورد آن صحبت کرده بود نیز یادآور شد.

● بیش از چهار دهه قبل، زندگی سیاسی خود در تبعید را با این ماموریت آغاز کردم که یار و یاور شما در مبارزه برای آزادی ایران باشم. در مسیر انجام این ماموریت، اعتماد روزافزون شما ارزشمندترین سرمایه‌ی من بوده است. بدانید که به مسئولیتی که این اعتماد با خود به همراه می‌آورد، آگام و همچون چهار دهه گذشته، بدون هرگونه چشم‌داشت و یا انگیزه شخصی، با تمام توانم همراه شما در این مبارزه خواهم بود.

● امروز نیز بار دیگر، دست همکاری به سوی همه نیروهای دموکراسی‌خواه اعم از شخصیت‌ها و احزاب و گروه‌ها دراز می‌کنم تا بر پایه‌ی سه اصل مشترک حداقلی: تمامیت ارضی ایران، دموکراسی سکولار مبتنی بر حقوق بشر، و حق مردم برای تعیین شکل نظام سیاسی از طریق یک انتخابات آزاد، یاریگر انقلاب ملی ایران باشیم. هم‌میهن‌انم در ایران و سراسر جهان،

این روزها پیام‌های شما را در کمپین #من\_وکالت\_میدهم می‌خوانم و می‌بینم. از مهربانان سپاسگزارم و موجب افتخارم است که تا این اندازه مورد اعتماد شما هستم.

بیش از چهار دهه قبل، زندگی سیاسی خود در تبعید را با این ماموریت آغاز کردم که یار و یاور شما در مبارزه برای آزادی ایران باشم. در مسیر انجام این ماموریت، اعتماد روزافزون شما ارزشمندترین سرمایه‌ی من بوده است. بدانید که به مسئولیتی که این اعتماد با خود به همراه

نه شیخ» است. بعضی دفاع از پهلوی را دفاع کورکورانه و احساسی شبیه حمایت از روح‌الله خمینی می‌دانند. یکی از آنها ضیاء نبوی فعال دانشجویی است که سال‌ها در زندان بوده. او می‌گوید «حمایت از پهلوی نشان می‌دهد که مردم به دنبال یافتن رهبر هستند.» او از کمپین حامی پهلوی انتقاد کرده و آن را واپس‌گرایانه خوانده است.

حتا برخی از دلسوزان پهلوی هشدار می‌دهند که تمرکز باید بر تشکیل یک ائتلاف فراگیر و گسترده باشد و نه فقط یک نفر. کاوه شهروز وکیل و فعال مقیم تورنتو در این ارتباط می‌نویسد: «شما بدون پهلوی نمی‌توانید این کار را انجام دهید. اما فقط با پهلوی هم نمی‌توانید این کار را انجام دهید... برای ایجاد اتحادی که قدرت براندازی جمهوری اسلامی را داشته باشد، نیازمند همکاری افراد با دیدگاه‌های مختلف از جمله آقای پهلوی هستیم.»

➔ نسرین شاکرمی (مادر نیکا) از پهلوی حمایت کرد اما در عین حال خاله نیکا اعلام کرد که «هیچکس نماینده من نیست.» منوچهر بختیاری که پسرش پویا در اعتراضات ابان ۱۳۹۸ کشته شد نیز از حامیان پهلوی است و با پیمان قلی‌پور که برادرش پژمان در اعتراضات سال ۹۸ کشته شده بود متن داریوش اقبالی در حمایت از پهلوی را لایک کرده است.

بسیاری نیز یادآور می‌شوند که برخی معترضان که اخیراً توسط رژیم اعدام شده‌اند، از جمله محمد حسینی در پست‌های خود در شبکه‌های اجتماعی از پهلوی حمایت می‌کرده‌اند. یکی دیگر از این افراد امیرحسین مرادی و زندانیان سیاسی مثل محمد دانیالی و رضا نوروزی هستند که به حمایت از رضا پهلوی پرداختند.

آرش عزیزی در ادامه می‌نویسد در نگاه هر ناظر منصفی از ایران، پهلوی در جامعه ایران تا حدی از حمایت برخوردار است، اگرچه تشخیص اینکه چقدر این حمایت گسترده است دشوار است. خشایار دیهیمی از روشنفکران ساکن تهران، در تحلیل خود از آخرین وقایع مدعی شد: «به راحتی می‌توانم بگویم اگر چنین فراندومی برگزار شود و یکطرف ماجرا رضا پهلوی باشد درست همه به او رای خواهند داد چون هیچکس دیگر غیر از او را نمی‌شناسند.»

در ادامه این گزارش آمده «اگرچه پهلوی هرگز حکومت استبدادی پدر و پدر بزرگش را محکوم نکرده» اما حمایت‌ها از وی مبتنی برای دفاع او از استقرار یک نظام دموکراتیک و لیبرال در ایران است.

در یک فضای تند سیاسی پهلوی هرگز با دیگر چهره‌های اپوزیسیون درگیر نمی‌شود و توانسته موقعیت فراچنانی خود را حفظ کند. برخلاف برخی از حامیان افراطی ملی‌گرا، راستگرا و خشن خود، او اغلب سعی می‌کند یک چتر بزرگ بسازد. او از متعهد شدن به احیای سلطنت امتناع کرده- اما لقب «شاهزاده» را که اکثر حامیانش برای خطاب به او استفاده می‌کنند، محکوم نکرده است- حتا اگرچه گفته است که ترجیح می‌دهد نظام آتی جمهوری باشد. در حالی که برخی مخالفان رژیم، اسلام را به عنوان یک کل مقصر می‌دانند اما رضا پهلوی مذهب شیعه خود را تأیید می‌کند و پیوسته از «روحانیون غیرحکومتی» خواسته است تا به مردم بیوندند. او پیشنهاد مشابهی را به پرسنل نیروهای مسلح ایران و سپاه داده است که به گفته او باید بخشی از آینده ایران باشند.

پهلوی بارها حمایت خود از شخصیت‌های متنوع و محبوب داخلی مثل نسرین ستوده وکیل مدافع حقوق بشر و مولوی عبدالحمید روحانی اهل سنت ابراز داشته است. حمایت قاطع او از تمامیت ارضی ایران نیز برای بسیاری جذاب بوده. حتا مخالفان او نیز در مواقعی میهن‌پرستی او را ستوده‌اند. بسیاری به یاد دارند که رضا پهلوی به عنوان جوانی که به خاطر «انقلاب ۵۷» از کشورش بیرون رانده شده بود، به این خاطر که دوره خلبانی دیده بود اعلام کرد که آماده است برای دفاع از ایران در مقابل تهاجم عراق خدمت کند اما پیشنهاد او رد شد.

در بخش دیگری از این گزارش آمده مواضع سرسختانه پهلوی در ایراندوستی باعث انتقاد برخی از حامیان اقلیت‌های قومی شده با این حال پهلوی از سوی احزاب اصلی که خاستگاه قومی دارند نیز حمایت می‌شود و در نهایت اکثر با او در این دیدگاه که باید تمامیت ارضی ایران حفظ شود همسو هستند. عبدالله مهتدی رهبر حزب چپ‌گرای کومله کردستان ایران معتقد است رضا پهلوی «سرمایه سیاسی» است و او باید بخشی از ائتلاف مخالفان باشد.

اما کمپین آنلاین حمایت از پهلوی منتقدان زیادی نیز دارد که هشتمگ «او نماینده من نیست» و «#من\_وکالت\_نمیدهم» را راه انداختند. شعار بعضی از آنها «نه شاه و

## ما ایرانیان و شاهزاده رضا پهلوی

همینجاست که او مدّت‌هاست بدون وابستگی به عنوان شاهزادگی، خودکفا شده است. آری، او «پسر شاه» است، اما «رضا پهلوی»، دیگر یک شخصیت سیاسی و یک نیروی مستقل ایرانی است. به اصطلاح جوان‌ها، یک «پرنده» پرترفدار شده است. منتها، برخی که بیشترشان، کسانی هستند که همین «انقلاب شکوهمند» را به ارمغان آورده‌اند، یا از روی غفلت و یا به خاطر غیظ به خاندان پهلوی، از پذیرش این واقعیت سر باز می‌زنند. گویی اینان نمی‌دانند که این جنبش انقلابی جوانان عمدتاً ۱۷ تا ۲۵ ساله، نه تنها علیه حکومت جبار آخوند و سپاهی است، که علیه خود آنان هم هست! جوانان می‌پرسند: چرا با این انقلاب‌تان، مارا به این روز سیاه نشانید؟ خانم‌ها، آقایان انقلاب کرده، پاسخ درست این سؤال، غیظ به خاندان پهلوی نیست!

این غیظ با خرد سیاسی و با خرد عملی در تعارض است. این غیظ، تنها به تداوم رژیم می‌کند که شما خود را مخالف آن می‌پندارید. خرد سیاسی حکم می‌کند که این غیظ را متوجه دشمن اصلی که قدرت را در دست دارد بکنید. این پس از فروپاشی رژیم جنایتکار است که هر ایرانی می‌تواند، در شرایط آزاد و در پای صندوق رأی، اگر غیظ و عقده ای دارد، آن را با ورقه رأی ابراز کند.

این درست همان کاری است که بخشی از فرانسوی‌ها پس از اشغال کشورشان توسط ارتش هیتلر کردند. افسری به نام شارل دوگل خود را به لندن رساند و با کمک چرچیل، نخست وزیر وقت انگلستان، نهضت مقاومت فرانسه را پایه‌ریزی کرد. بخشی از فرانسویان، از راست و چپ و میانه، از ادیان و اعتقادات مختلف، از زن و مرد، به او پیوستند. کمونیست‌ها هم پس از حمله هیتلر به شوروی، چنین کردند. آن زمان، کسی شرط نگذاشت که حکومت بعدی باید سوسیالیست یا کمونیست باشد؛ لیبرال یا محافظه‌کار. هدف آنان، در آن شرایط، بیرون راندن ارتش نازی از کشورشان بود. این پس از پیروزی بود که دولت موقت با شرکت همان نیروها، به ریاست ژنرال دوگل تشکیل شد؛ که بهترین قوانین اجتماعی را همان دولت وضع کرد. از جمله قانون بیمه‌های اجتماعی. سپس دولت موقت منحل و انتخابات برگزار شد. دوگل کنار رفت. دوازده سال بعد که مملکت به خاطر جنگ الجزایر به حضور او نیاز پیدا کرد، او به صحنه سیاست بازگشت. به این می‌گویند: خرد سیاسی یک ملت!

واقعیت آنست که در طول این چهل و چهار سال، بیشتر ما ایرانیان، از خرد سیاسی فاصله گرفتیم. اشتباه بزرگ، همانا شناخت نادرست ماهیت نظام جمهوری اسلامی بود. نخواستیم قبول کنیم که این رژیم، از سر تا پا، یک نظام توتالیتر است. و رژیم توتالیتر، اصلاح‌ناپذیر است! اگر فقط همین نکته را می‌پذیرفتیم، سال‌های سال برای «اصلاح» این رژیم اصلاح‌ناپذیر وقت صرف نمی‌کردیم. در طول اینهمه سال‌ها، ما «براندازان» گروه اندکی بودیم که بیشتر وقت و انرژی‌مان صرف بحث و جدال با همین اصلاح‌طلبان تلف شد. اصلاح‌طلبان رنگارنگ: از ملی-مذهبی‌ها بگیرد تا چپی‌های گوناگون. بسیاری از اینان، برای تشویق مردم به شرکت در «انتخابات»‌های جمهوری اسلامی، فراخوان می‌دادند. با این استدلال که شرکت در این انتخابات‌ها، تمرین دموکراسی است! این دیگر جهل مرگب است و نه اشتباه تاکتیکی!

اشتباه بزرگ دیگر که هنوز هم ادامه دارد، اینکه درست بر خلاف مدل نهضت مقاومت فرانسه، هر گروهی،



نداشته باشد. اما راه دیگری برگزید؛ دشوارترین راه: کوشش برای نجات ایران از یَد دشمنان آن.

نمی‌دانیم آن جوان باریک‌اندام که با چشمانی پر از سیاهی غم، به همراه زنده‌یاد، محمد انورسادات (رییس جمهور وقت مصر)، پشت تابوت پدر گام بر می‌داشت، چه فکر می‌کرد. در آن زمان، او در صحنه سیاسی تنها نبود. اشخاصی مثل علی امینی، ارتشبد غلامعلی اویسی و شاپور بختیار هنوز بودند. قاتلان جمهوری اسلامی، اویسی را به گلوله بستند و سر بختیار را از تن جدا کردند. او تنها ماند. روزگار عجیبی بود! به سختی می‌شد، نامی از خاندان پهلوی به زبان آورد. «طاغوت» بودند و دست‌نشانده امپریالیسم جهانی! اما آن جوان، ناامید نشد. دست برنداشت. خود را ساخت. مهارت و تجربه سیاسی آموخت. بیانش را به چند زبان آراست. با وجود ترک وطن در عنفوان جوانی، به زبان مادری، روان، وزین و پاکیزه سخن گفت.

زمانی که شاه و شهبانو خواستند «ولیعهد» در ایران تحصیل کند و نه در خارج، بررسی و نیز تهیه مواد آموزشی دانشکده افسری به چند استاد دانشگاه واگذار شد. من یکی از آنان بودم و عهده‌دار درس مربوط به علوم سیاسی و روابط بین‌الملل. انقلاب شد و فرصت از دست رفت. اما امروز که شاهد عمق و گسترش دانش سیاسی او و احاطه‌اش به سیاست بین‌المللی هستیم، می‌دانیم که اینها به آسانی به دست نیامده. نتیجه سال‌ها کار و زحمت خود او بوده است.

همراه با گذشت زمان، روز به روز، اعتماد به نفس‌اش بیشتر شد. روی پای خود ایستاد. ردای شاهزادگی را هم کنار گذاشت و جامه کار و لباس رزم به تن کرد. نکته مهم

● نمی‌دانیم آن جوان باریک‌اندام که با چشمانی پر از سیاهی غم، به همراه زنده‌یاد، محمد انورسادات (رییس جمهور وقت مصر)، پشت تابوت پدر گام بر می‌داشت، چه فکر می‌کرد. در آن زمان، او در صحنه سیاسی تنها نبود. اشخاصی مثل علی امینی، ارتشبد غلامعلی اویسی و شاپور بختیار هنوز بودند. قاتلان جمهوری اسلامی، اویسی را به گلوله بستند و سر بختیار را از تن جدا کردند. او تنها ماند. روزگار عجیبی بود! به سختی می‌شد، نامی از خاندان پهلوی به زبان آورد. «طاغوت» بودند و دست‌نشانده امپریالیسم جهانی! اما آن جوان، ناامید نشد. دست برنداشت. خود را ساخت. مهارت و تجربه سیاسی آموخت. بیانش را به چند زبان آراست. با وجود ترک وطن در عنفوان جوانی، به زبان مادری، روان، وزین و پاکیزه سخن گفت.

● مدّت‌هاست بدون وابستگی به عنوان شاهزادگی، خودکفا شده است. آری، او «پسر شاه» است، اما «رضا پهلوی»، دیگر یک شخصیت سیاسی و یک نیروی مستقل ایرانی است. به اصطلاح جوان‌ها، یک «پرنده» پرترفدار شده است. منتها، برخی که بیشترشان، کسانی هستند که همین «انقلاب شکوهمند» را به ارمغان آورده‌اند، یا از روی غفلت و یا به خاطر غیظ به خاندان پهلوی، از پذیرش این واقعیت سر باز می‌زنند. گویی اینان نمی‌دانند که این جنبش انقلابی جوانان عمدتاً ۱۷ تا ۲۵ ساله، نه تنها علیه حکومت جبار آخوند و سپاهی است، که علیه خود آنان هم هست!

● این غیظ با خرد سیاسی و با خرد عملی در تعارض است. این غیظ، تنها به تداوم رژیم می‌کند که شما خود را مخالف آن می‌پندارید. خرد سیاسی حکم می‌کند که این غیظ را متوجه دشمن اصلی که قدرت را در دست دارد بکنید. این پس از فروپاشی رژیم جنایتکار است که هر ایرانی می‌تواند، در شرایط آزاد و در پای صندوق رأی، اگر غیظ و عقده ای دارد، آن را با ورقه رأی ابراز کند.

● تا کنون دیده نشده کسانی که در یک انقلاب شرکت داشته‌اند، همانها توانسته باشند رژیم برآمده از همان انقلاب را به زیر بکشند. شاهزاده رضا پهلوی از «انقلاب نکرده‌ها» است. او نه انقلاب (اسلامی) کرده و نه «صدای انقلاب» را به او شنونده‌اند!

مهدی مظفری - روزی که محمدرضاشاه پهلوی، مدال اول شاگردی رشته علوم سیاسی دانشکده حقوق دانشگاه تهران را از دست دکتر احمد فرهاد معتمد، رییس دانشگاه گرفت و به سینه من سنجاق کرد، شاه پدر پرسی یکساله شده بود. با نگاهی مهربان به من گفت: «شما خیلی جوان هستید!» آنروز، هیچیک از ما نمی‌توانستیم بدانیم که روزی آن پسر یکساله، درگیر یکی از مهیب‌ترین دوران‌های تاریخ کشور ما خواهد شد.

عمر شاه کفاف نداد که ببیند روزی همان پسر که او را «ولیعهد» می‌خواندیم، عهده‌دار سکان کشتی سردر گمی‌پشود که در لجنزارپلیدترین حکومت‌های جهان به گل نشسته است. آن مرد «خیلی جوان» آن زمان و مرد کهنسال این زمان، با دیدن موهای سپید «پسر شاه»، گذر شصت و دو سال عمر او را می‌بیند که بیشتر آن در غربت و همواره در تلاش یافتن راهی برای نجات ایران بوده است. او می‌توانست بهترین سال‌های عمر را مثل ملک فاروق (پادشاه مخلوع مصر) در کارباره‌ها، رستوران‌های مجلل و مجالس عیش و عشرت بگذراند. یا با خانواده خود، به گوشه‌ای بخزد و کاری به کار ایران و سرنوشت مردم آن



## روزنامه آلمانی فرانکفورتر آگماینه:

### شعار اعتراضات در ایران «ولیعهد رهبر انقلاب ماست»



سطح بین‌المللی قویتر و مصمم‌تر به عنوان نمایندگی مخالفان جمهوری اسلامی مراد شده است. «ولیعهد رهبر انقلاب ماست»

در اعتراضات اخیر ایران با سرکوب وحشیانه توسط جمهوری اسلامی بیش از ۵۰۰ تن کشته شده‌اند. در تظاهرات روزهای گذشته در تهران و یا همچنین زاهدان و ایزد شاعرایی مانند «وکالت میدهم به شاهزاده رضا پهلوی» و «شاهزاده رهبر انقلاب ماست» سر داده شد.

در این میان آنانکه ضدپادشاهی هستند از این روند انتقاد می‌کنند. عبدالله مهتدی از حزب کومله کردستان ایران [فرانکفورتر آگماینه نوشته است از حزب دمکرات کردستان] درخواست کرده که بجای تمرکز روی شاهزاده یک جبهه وسیع در برابر جمهوری اسلامی شکل بگیرد. برخی دیگر انتقاد می‌کنند که این کارزار به کیش شخصیت دامن می‌زند که به حکومت فردی منجر شده و برخلاف روح همبستگی همه مخالفان جمهوری اسلامی است.

فرانکفورتر آگماینه در پایان گزارش خود می‌نویسد، رضا پهلوی روز شنبه به این نگرانی‌ها واکنش نشان داد و در توییت نوشت که وی فقط سه اصل را به رسمیت می‌شناسد و برای همانها مبارزه می‌کند: تمامیت ارضی ایران، دموکراسی سکولار بر اساس حقوق بشر و همچنین برای این حق تصمیم گرفتن مردم برای نظام سیاسی آینده ایران در یک انتخابات آزاد. وی تأکید کرده که خودش همواره از احیای سلطنت در ایران صرف نظر کرده و یک نظام دموکراتیک را ترجیح می‌دهد.

کیهان لندن یادآوری می‌کند که شاهزاده رضا پهلوی از سال‌ها پیش در گفتگوها و پیام‌ها و سخنرانی‌های خود همواره بر حق مردم برای تصمیم گرفتن درباره شکل نظام سیاسی آینده ایران که جمهوری مبتنی بر دموکراسی و یا پادشاهی پارلمانی باشد، تأکید کرده است.

\*منبع: روزنامه فرانکفورتر آگماینه

\*نویسنده: رایتر هرمان سردبیر سیاسی فرانکفورتر آگماینه

\*ترجمه و تنظیم از کیهان لندن

● سردبیر سیاسی فرانکفورتر آگماینه می‌نویسد که موافقت با رضا پهلوی برای بر عهده گرفتن راهبری اپوزیسیون در جامعه مهاجران ایرانی گسترش می‌یابد. در مدت کوتاهی بیش از ۳۰۰ هزار تن یک کارزار اینترنتی را مبنی بر دادن وکالت سیاسی به وی در دوران انتقالی تا رسیدن به برگزاری رفراندوم درباره آینده ایران امضا کردند تا به نام اپوزیسیون صحبت کند.

● در میان موافقان این کارزار شماری از افراد شاخص مخالف جمهوری اسلامی را می‌توان دید از جمله خوانندگان و بازیگران و همچنین اسطوره فوتبال علی کریمی. فعالان دیگر مانند حامد اسماعیلیون و نازنین بنیادی فعال حقوق بشر و مسیح علینژاد فعال حقوق زنان هنوز چیزی نگفته‌اند.

● در این میان آنانکه ضدپادشاهی هستند از این روند انتقاد می‌کنند. عبدالله مهتدی از حزب کومله کردستان ایران [فرانکفورتر آگماینه نوشته است از حزب دمکرات کردستان] درخواست کرده که بجای تمرکز روی شاهزاده یک جبهه وسیع در برابر جمهوری اسلامی شکل بگیرد. برخی دیگر انتقاد می‌کنند که این کارزار به کیش شخصیت دامن می‌زند که به حکومت فردی منجر شده و برخلاف روح همبستگی همه مخالفان جمهوری اسلامی است.

روزنامه آلمانی «فرانکفورتر آگماینه» در گزارشی به قلم رایتر هرمان سردبیر سیاسی این رسانه می‌نویسد: «اپوزیسیون ایرانی می‌گوید که ولیعهد رهبر انقلاب ماست.» این روزنامه با اشاره به کمپین گردآوری امضا در اینترنت اشاره کرده که بیش از ۳۰۰ هزار نفر اعلام کرده‌اند که پسر شاه سخنگویی و نمایندگی اپوزیسیون را برعهده بگیرد. اما مخالفان پادشاهی منتقد این حرکت هستند.

سردبیر سیاسی فرانکفورتر آگماینه ادامه می‌دهد که موافقت با رضا پهلوی برای بر عهده گرفتن راهبری اپوزیسیون در جامعه مهاجران ایرانی گسترش می‌یابد. در مدت کوتاهی بیش از ۳۰۰ هزار تن یک کارزار اینترنتی را مبنی بر دادن وکالت سیاسی به وی در دوران انتقالی تا رسیدن به برگزاری رفراندوم درباره آینده ایران امضا کردند تا به نام اپوزیسیون صحبت کند.

در میان موافقان این کارزار شماری از افراد شاخص مخالف جمهوری اسلامی را می‌توان دید از جمله خوانندگان و بازیگران و همچنین اسطوره فوتبال علی کریمی. فعالان دیگر مانند حامد اسماعیلیون و نازنین بنیادی فعال حقوق بشر و مسیح علینژاد فعال حقوق زنان هنوز چیزی نگفته‌اند.

رایتر هرمان ادامه می‌دهد، اپوزیسیون ایرانی از آغاز موج جدید اعتراضات در ۲۶ سپتامبر با یکصد سخن می‌گوید. دوشنبه هفته گذشته رضا پهلوی در گفتگویی با شبکه تلویزیونی «منوتو» در پاسخ به این پرسش که چرا رهبری این حرکت را بر عهده می‌گیرد، گفت که از نظر وی این موضوع بستگی به داشتن مشروعیت و تأیید اعتماد از سوی مردم دارد تا بتوان از سوی اپوزیسیون صحبت کرد.

این روزنامه سپس به نقل از شاهزاده رضا پهلوی می‌نویسد، در اینصورت می‌توان با دیگر افراد شاخص در

پیوست خود را به ائتلاف براندازی، مشروط به آن می‌کند که پس از پیروزی، رژیم و سازماندهی سیاسی دلخواه او روی کار بیاید! این بود که کوشش برای بهم پیوستن، تبدیل شد به همت در کارشکنی یکدیگر! اینگونه بود و اینچنین هست که رژیم آخوندی- سپاهی می‌تواند همچنان به قتل مردم و غارت کشور ادامه دهد. این سناریوی اسفناک و دلخراش، عاری از عقلانیت سیاسی، به حدی زشت و ناشایست بوده و هست که کاسه صبر و شکیبایی نوجوانان و جوانان داخل ایران نیز لبریز شد. با تماشای این سیرک نازیبا، جوانان ما نمی‌دانستند بخندند یا بگیرند. نه خندیدند و نه گریستند. برخاستند. آری، برخاستند!

خانم‌ها، آقایان! این جنبش انقلابی زن و مرد جوان ایرانی است. و این اولین بار است که بالاخره، جامعه جهانی به پشتیبانی از این جنبش برخاسته. و باز این اولین بار است که ایرانیان خارج کشور، چنین یکپارچه، دست به دست هم داده، شگفتی‌ها آفریده و به موفقیت‌های بزرگ دست یافته‌اند.

این جنبش خودجوش، سخنگو می‌خواهد. شخصی و گروهی، زبده و قابل اعتماد که با تماس با سیاستمداران کشورهای مختلف، با سازمان‌های جهانی، با سندیکاها، با رسانه‌های دنیا، حمایت مستمر آنها را از این جنبش انقلابی به دست آورد. و صدای زندانیان سیاسی ما را به گوش جهانیان برساند. در حال حاضر، این کار، متأسفانه، از شخصیت‌های سیاسی زندانی بر نمی‌آید. آنان در بند هستند. این کار یک گروه امین، متشکل و منظم است.

دنیا مترصد تصمیم ما ایرانیان است. غیظ و لجاجت را کنار بگذاریم. اگر نمی‌توانیم، یا نمی‌خواهیم، دست‌کم، کنار بنشینیم و چوب لای چرخ نگذاریم. تجربه تلخ شکست زنده‌یاد شاپور بختیار را تکرار نکنیم.

او با الهام از همان نهضت مقاومت فرانسه که خود نیز در آن شرکت کرده بود، بر احساساتش فائق آمد. پدرش در زمان رضاشاه، در نتیجه سیاست تصفیه سران ایلات، کشته شده بود. خودش هم در زمان محمدرضاشاه، به جرم آزادیخواهی، سال‌ها در زندان بسر برده بود. اما وقتی مسئله نجات ایران و مردم ایران پیش آمد، وقتی اختابوس خمینی در افق ظاهر شد، او غیظ نکرد، فرمان نخست وزیری را از دست محمدرضاشاه گرفت؛ آنچه توانست کرد، اما چشم‌های بسته، نخواستند ببینند. و آنچه گفت، گوش‌های بسته نخواستند بشنوند. بعدها، بسیاری اظهار پشیمانی کردند و به خود سرزنش که چرا بختیار را تنها گذاشتند. حال، در این شرایط حساس کنونی، مواظب باشیم که اینبار اشتباه نکنیم. باز توجیه نکنیم که «دیر شده بود!»

اگر امروز، شخص رضا پهلوی را- با «شاهزادگی» یا بی‌«شاهزادگی» نداشتیم، دلتان خنک می‌شد؟ آیا ایقاع سیدعلی خامنه‌ای و نظام‌اش را ترجیح می‌دهید؟ البته، چنانچه روزی، افراد شاخص‌تر و زبده‌تری پیدا شوند، طبیعی است آنها کار را ادامه خواهند داد. اینهم در طبیعت کارزار مبارزاتی است. اما، امروز که چنین نیست. اگر کس و کسان دیگری هستند، وقت آنست که از پرده بیرون بیایند. از این گذشته، تا کنون دیده نشده کسانی که در یک انقلاب شرکت داشته‌اند، همانها توانسته باشند رژیم برآمده از همان انقلاب را به زیر بکشند. شاهزاده رضا پهلوی از «انقلاب‌نکرده‌ها» است. او نه انقلاب (اسلامی) کرده و نه «صدای انقلاب» را به او شنونده‌اند!

\*دکتر مهدی مظفری استاد و پژوهشگر علوم سیاسی ساکن کپنهاگ و استاد دانشگاه در دانمارک است.

◆ انتشار مطالب دریافتی در «دیدگاه» و «تریبون آزاد» به معنی همکاری با کیهان لندن نیست.

# شاهزاده رضا پهلوی در مصاحبه با «اسکای نیوز»: من فارغ از گرایش سیاسی چه چپ چه راست یا میانه دست همکاری به سوی دیگران دراز کرده‌ام

دوره گذار را همراه با تدارک شرایط انتخابات و تشکیل مجلس مؤسسان به عهده خواهد گرفت؛ تمامی مسائل مانند شکل نظام سیاسی آینده، قانون اساسی و اصول آن در فرآیند نهایی به مردم ارائه خواهد شد. این فرآیند آینده ایران و شکل نظام سیاسی آن و انتخابات اولین پارلمان این دموکراسی نوین و روند انتخاباتی جهت تشکیل دولت را تعیین خواهد کرد.

- آیا شما برمی‌گردید و در این انتخابات شرکت خواهید کرد؟

- من به دنبال هیچ نقش سیاسی و دولتی نیستم. ترجیح می‌دهم که نماینده مردم و در کنار آنها باشم تا اطمینان حاصل کنم که حقوق آنها همیشه توسط مسئولان تأمین می‌شود. من بلندپروازی برای قدرت و مقام ندارم. فکر می‌کنم تجربه من در ۶۲ سالگی بعد از زندگی در جهان آزاد این است که تمامی ارزش‌هایی که می‌تواند در ایران جاری شود را معرفی کنم و نمادهایی را پایه‌گذاری کنم که مهمترین ضامن دموکراسی و شفافیت هستند تا از تمرکز دوباره قدرت و شکل‌گیری فساد جلوگیری شود.

اینها مسائل مهمی هستند اما در این لحظه و در این دوره از کارزار من همواره دست خود را برای همکاری با هر ایرانی دموکراسی‌خواه فارغ از گرایش سیاسی، چه چپ باشند چه راست یا میانه دراز کرده‌ام. در این لحظه ما باید با یک صدای متحد صحبت کنیم که درخواست اصلی و اساسی هموطنانمان در داخل ایران است. از فعال سیاسی گرفته تا طیف‌های دیگر و این دقیقاً همان کاری است که در این مرحله من انجام می‌دهم.

- به نظر شما غرب باید چه کارهای بیشتری برای ایجاد تغییر در ایران انجام دهد؟

- راه‌های مختلفی وجود دارد. خوشبختانه در هفته‌های آینده قصد سفر به چند کشور را دارم و امیدوارم بتوانم در مورد مسائل ایران با مقامات بلندپایه آن کشورها صحبت کنم. هم مقامات بلندپایه و هم اعضای پارلمان آن کشورها. درباره این گفتگو خواهیم کرد که آنها بطور مشخص چه کمکی می‌توانند به ما بکنند که این روند انتقالی صورت بگیرد.

از مهم‌ترین و فوری‌ترین نگرانی‌های ما این است که رژیم ایران به دنبال ایجاد اینترنت داخلی برای جدا کردن مردم ایران از دنیاست و می‌خواهد وضعیتی شبیه کره شمالی ایجاد کند. این چیزی نیست که ما اجازه بدهیم حکومت پیش برد. یکی از کمک‌ها این است که نگذاریم ایرانیان راه‌های ارتباطی خودشان را از دست بدهند.

اگر از لحاظ فنی بخواهیم صحبت کنیم اینکه مردم دسترسی به اینترنت آزاد داشته باشند یکی از مسائل حیاتی است. کار دیگر می‌تواند این باشد که بودجه‌ای برای اعتصابات در نظر گرفته شود که من سال‌هاست درباره آن صحبت می‌کنم. صندوق حمایت از کارگران می‌بایست ایجاد شود. آنها دستمزد کافی ندارند که بتوانند شکم خانواده را سیر کنند. برای اینکه بتوانند برای این چند هفته که در اعتصاب هستند پولی داشته باشند. دارایی‌های زیادی از رژیم بلوکه شده که می‌تواند به ایجاد صندوق اعتصابات کمک کند. اینها فقط نمونه کارهایی هستند که می‌توان انجام داد و گزینه کار زیاد است.



عکس از توئیتر شاهزاده رضا پهلوی

و پسران حمایت می‌شود. در کارزاری که شعار آن «زن، زندگی، آزادی» است من دیگر آن را اعتراضات نمی‌خوانم این یک انقلاب حقیقی است. حتا تانک و تسلیحات برای کشتار مردم به مناطقی مانند کردستان ارسال کردند. چرا که می‌خواهد مانند هر رژیم تمامیت‌خواهی از هر طریقی شهروندان را سرکوب کند. شهروندانی که خواسته‌شان برای آزادی را فریاد زده و با «مرگ بر دیکتاتور» خواستار پایان این رژیم شده‌اند. این شرایط حال حاضر است. مردم دیگر چیزی برای از دست دادن ندارند. ما زندانیان سیاسی داریم که بعضی از آنها با مجازات اعدام روبرو شده‌اند تنها برای اینکه خواستار آزادی و حق تصمیم‌گیری برای زندگی خود هستند. اکنون زمانی است که جهان باید این واقعیت را درک کند و همزمان با هر کارزار فشار حداکثری بر رژیم به این فکر کند که چگونه می‌توان همزمان با افزایش فشار به رژیم، حمایت از مردم ایران را هم در استراتژی خود گنجانند تا از شر این رژیم که معضل اساسی است و در درجه اول قرار دارد، رها شد.

- اگر نتیجه‌ی این انقلاب یک کشور دموکراتیک باشد آیا شما می‌توانید نقش یک متحدکننده یا نقش رهبری در یک ایران نوین و دموکراتیک ایفا کنید؟

- من در تمام ۴۳ سال گذشته تأکید کردم که تنها هدفم رساندن ایران به نقطه‌ای است که مردم ایران در انتخاباتی آزاد و منصفانه بتوانند در مورد آینده خود تصمیم‌گیری کنند. از نگاه من رهبری این جنبش را من به تنهایی نخواهم داشت و با کمک دیگرانی خواهد بود که هر یک نقش خودمان را داریم و به دنبال جلب حمایت و همراهی جامعه جهانی هستیم تا بالاخره این رژیم را به زانو درآوریم. شاید اعتصابات سراسری سریع‌ترین راه برای فلج کردن رژیم و سوق دادن آن به سمت نابودی باشد. در سناریوی عبور از این رژیم یک دولت موقت مدیریت

● «اکنون زمانی است که جهان باید این واقعیت را درک کند و همزمان با هر کارزار فشار حداکثری بر رژیم به این فکر کند که چگونه می‌توان همزمان با افزایش فشار به رژیم، حمایت از مردم ایران را هم در استراتژی خود گنجانند تا از شر این رژیم که معضل اساسی است و در درجه اول قرار دارد، رها شد.»

● «از نگاه من رهبری این جنبش را من به تنهایی نخواهم داشت و با کمک دیگرانی خواهد بود که هر یک نقش خودمان را داریم و به دنبال جلب حمایت و همراهی جامعه جهانی هستیم تا بالاخره این رژیم را به زانو درآوریم.»

● «در هفته‌های آینده قصد سفر به چند کشور را دارم و امیدوارم بتوانم در مورد مسائل ایران با مقامات بلندپایه آن کشورها صحبت کنم. هم مقامات بلندپایه و هم اعضای پارلمان آن کشورها. درباره این گفتگو خواهیم کرد که آنها بطور مشخص چه کمکی می‌توانند به ما بکنند که این روند انتقالی صورت بگیرد.»

● «از مهم‌ترین و فوری‌ترین نگرانی‌های ما این است که رژیم ایران به دنبال ایجاد اینترنت داخلی برای جدا کردن مردم ایران از دنیاست و می‌خواهد وضعیتی شبیه کره شمالی ایجاد کند. این چیزی نیست که ما اجازه بدهیم حکومت پیش برد. یکی از کمک‌ها این است که نگذاریم ایرانیان راه‌های ارتباطی خودشان را از دست بدهند.»

همزمان با ادامه کارزار #من\_وکالت\_میدهم شاهزاده رضا پهلوی در مصاحبه با «اسکای نیوز» به بیان دیدگاه‌های همیشگی خود در مورد وضعیت ایران و آینده آن پرداخت. وی با تأکید بر لزوم اتحاد مخالفان جمهوری اسلامی برای گذار از رژیم و فراهم آوردن شرایط لازم جهت تحقق دموکراسی در ایران، از برنامه خود برای سفر به کشورهای مختلف در چند هفته آینده و دیدار با مقامات دولتی و نمایندگان پارلمان این کشورها خبر داد.

شاهزاده رضا پهلوی تأکید کرد به فکر «پست و مقام» در آینده نبوده و نیست و بار دیگر تکرار کرد «تنها هدفم رساندن کشورمان به نقطه‌ای است که مردم در انتخاباتی آزاد سرنوشت خود را تعیین کنند.»

در مقدمه این مصاحبه مجری برنامه گفت «تخمین زده می‌شود بیش از ۵۰۰ نفر در ایران از زمان شروع اعتراضات سراسری که از سپتامبر آغاز شده کشته شدند. مرگ دختری جوان [مهسا امینی] در بازداشت گشت ارشاد که حجابش مطابق استاندارد حکومت نبود آغازگر این اعتراضات شد. اما اگر این اعتراضات موفق شده و به جمهوری اسلامی پایان دهد مسئله مهمی که مطرح می‌شود اینست که سیستم با چه کسی و چه چیزی جایگزین شود؟» وی بنای گفتگوی خود با شاهزاده رضا پهلوی را بر همین مبنا گذاشت که در ادامه می‌خوانید.

- راهپیمایی‌ها تبدیل به اعتراضات گسترده‌ای علیه حکومت شدند. چالشی که رژیم با آن روبروست تا چه اندازه جدی است؟

- به عنوان یک ایرانی افتخار می‌کنم که شاهد اولین انقلاب زنان هستیم که از سوی دیگر ایرانیان، مردان و پدران

بر اثبات این فتوی در جایی ندیده‌ام. آن شخص گفت در کتاب تهذیب شیخ طوسی در فلان باب و فلان صفحه و فلان سطر این حدیث منقول است. علامه از این درجه تسلط در حیرت شد. پرسید آیا در این زمان که غیبت کبری است آیا می‌توان به دیدار حضرت صاحب‌الامر نائل شد؟ در این هنگام تازیانه از دست علامه به زمین افتاد. آن شخص خم شد و تازیانه را از زمین برداشت و به دست علامه داد و گفت چگونه نمی‌توان صاحب‌الزمان را دید در حالی که هم اکنون دستش در دست تو است! علامه بی‌اختیار خود را از درازگوش به زیر انداخت تا بر پای آن حضرت بوسه بزند. در این حال غش کرد و چون به‌هوش آمد کسی را در کنار خود ندید.

وقتی به خانه رسید کتاب تهذیب را گشود و به همان نشانی که حضرت صاحب‌الامر داده بود آن حدیث را یافت! در «دُرالمثور» مذکور است که شیخ محمدبن شیخ حسن نواده شیخ زین‌الدین معروف به شهید ثانی کعبه را طواف می‌کرد. مردی آمد و دسته گلی به او داد از گل‌های گوناگون که در مکه و اطراف آن چنان گل‌هایی وجود نداشت، علاوه بر این فصل گل هم نبود. شیخ از آن مرد پرسید که این گل از کجاست؟ فرمود که از خرابات است. شیخ خواست چیز دیگری بپرسد، هرچه نگاه کرد دیگر مخاطب خود را ندید و پیداست که او کسی جز حضرت صاحب‌الامر نبود! حضرت صاحب‌الزمان نه تنها در زمان حیات و به‌هنگام طواف برای شیخ محمدبن شیخ حسن دسته گل می‌برد بلکه پس از وفات نیز بر سر جنازه او قرآن می‌خواند.

شیخ اسدالله کاظمینی در کتاب «مقایس» از زوجه شیخ محمد که دختر صاحب «مدارک» بوده نقل کرده است: شیبی که آنجناب وفات کرده و هنوز دفن نشده بود، از کنار نعش او صدای قرائت قرآن شنیده شد. کسی از بستگان به شنیدن صدا پیش می‌رود و از هویت قاری سؤال می‌کند. جواب می‌دهد که من مهدی موعود و قائم آل محمد!

مجلسی در بحارالانوار و جزایری در انوارالنعمانیه نوشته‌اند مقدس اردبیلی از علمای معاصر شاه‌عباس شاگردی داشت به‌نام میرغلام از اهل تفرش. این میرغلام می‌گوید شب‌انگاهی از مطالعه فراغت یافتم و از حجره خود در صحن مطهر امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام بیرون آمدم. در تاریکی شب مردی را دیدم که به جانب حرم می‌رود. به‌تصور آن که مبادا دزدی بوده و به‌قصد ربودن قنادیل حرم آمده باشد، سایه به سایه او رفتم و مراقبش بودم. آن مرد در برابر حرم ایستاد. قفل باز شد و در گشوده شد. به قبر مطهر نزدیک شد و سلام کرد. جواب سلام او شنیده شد. صدای او را شناختم و دانستم که استاد مقدس اردبیلی است. با امام به تکلم درآمد. بعد به جانب کوفه روانه شد و من همچنان در قفای او می‌رفتم. در محراب مسجد کوفه صدای مکالمه او را با شخص دیگری شنیدم. از آنجا دوباره به سوی نجف برگشت و چون صبح شده بود خود را به او رساندم و گفتم من از اول تا به آخر همراه شما بودم. مرا آگاه کن از هویت آن شخصی که در قبر با شما سخن گفت و این که در محراب کوفه با او گفت‌وگو داشتی.

از من قول موثق گرفت که تا او زنده است از این موضوع چیزی با کسی اظهار نکنم و پس به من فرمود ای فرزند، بعضی شبها که مسائلی بر من مشتبه می‌شود به سوی قبر مطهر امیرالمؤمنین می‌روم و از ایشان سؤال می‌کنم و جواب می‌شنوم. امشب در موضوعی سؤال کردم. فرمودند فرزند ما مهدی صلوات‌الله علیه امشب در مسجد کوفه است. نزد او برو و در باب این مسأله از او سؤال کن.

پس آن اولی مولا علی بود و این دومی حضرت صاحب‌الامر!

بازشم

با من

## به جمکران بیایید... (۴)

(کیهان لندن شماره ۱۱۴۴-۱۱۴۱)

بهمن تا اسفند ۱۳۸۵

احمد احرار



رد آن نماید. لاجرم به‌بهانه روابط استاد - شاگردی کتاب را عاریه خواست. آن شخص عذر آورد که من سوگند یاد کرده‌ام این کتاب را بیش از یک شب نزد کسی نگذارم. علامه گفت همان یک شب مرا کافی ست. کتاب را گرفت و به خانه برد تا هر اندازه ممکن است از مطالب آن نقل کند. نیمه‌شب خواب بر جناب علامه غلبه نمود. در این حال، ناگهان حضرت صاحب‌الامر ظاهر شد و به علامه فرمود تو بخواب و کار کتاب را به من واگذار. علامه به‌خواب رفت و صبحگاهان چون دیده از خواب گشود مشاهده کرد کتاب، تمام و کمال استنساخ و در آخر آن نوشته شده است کتبه محمد ابن الحسن العسكري صاحب‌الزمان!

حکایت دیگری هم در کرامات علامه حلی (متوفی به‌سال ۷۲۶ هـ. ق.) نقل شده است بدین قرار: علامه در شب جمعه بر درازگوشی سوار بود و به زیارت حضرت سیدالشهداء (ع) می‌رفت. در بین راه شخص عربی پیاده با او همراه شد و با هم به مکالمه پرداختند. به‌زودی علامه دریافت که همصحبت او یک شخص عادی نیست و از فضل بسیار بهره دارد. چند مشکلی را که در مسائل علمیه برایش وجود داشت با آن شخص در میان نهاد و جواب کافی گرفت. در یکی از مسائل، بین فتوای آن شخص و نظری که علامه داشت اختلاف بود. علامه گفت من حدیثی مستند

سوء استفاده از نام و عنوان امام زمان حدیث کهنه‌ای است که نه با قضیه جمکران آغاز می‌شود و نه با قضیه جمکران پایان می‌پذیرد.

خواندید که در عراق قرار بوده است نایب امام زمان روز عاشورای امسال نجف را به خون بکشد. استاندار نجف - عبدالحسین عبطان - در توضیح عملیات پیشگیرانه که طبق اظهار سخنگوی وزارت دفاع عراق ۲۶۳ کشته و ۲۱۰ زخمی داشته است می‌گوید رهبر «جندالسماء» یا ارتش آسمان طرحی برای حمله به نجف در روز عاشورا تدارک دیده بود و می‌خواست بعد از تسخیر شهر و کشتن مراجع و علمای صاحب‌نام - از جمله آیت‌الله‌العظمی علی سیستانی - به‌عنوان زمینه‌ساز ظهور مهدی موعود، تشکیل دولت آخرالزمانی را اعلام کند.

این طلايه‌دار موكب امام زمان، که در حمله گسترده هوایی به منطقه «الرزکه» در شمال نجف کشته شد، یک مهندس عمران چهل‌ساله بود به‌نام احمد حسن الیمانی. او، به‌قراری که گفته‌اند، در سال ۱۹۹۹ مدعی شد که با حضرت صاحب‌الامر دیدار داشته و طبق فرمان آن حضرت مأمور شده است از لبنان به عراق برود و مقدمات ظهور را فراهم کند. مقدمات ظهور، لازمه‌اش هرج و مرج عظیم (آپوکالیپس) است. همان که آقای احمدی‌نژاد در مذاکراتش با وزرای خارجه سه کشور آلمان، انگلستان و فرانسه (تروئیکای اروپایی) یادآور شده است. وزیر امور خارجه فرانسه، در کتاب خاطرات خود که اخیراً انتشار یافت می‌نویسد در پانزدهم سپتامبر ۲۰۰۵ به هنگام گشایش اجلاس سالانه مجمع عمومی سازمان ملل متحد، با حضور محمود احمدی‌نژاد و خاویر سولانا مسؤول دیپلماسی اتحادیه اروپا جلسه داشتیم و راجع به پرونده هسته‌ای ایران گفت و گو می‌کردیم. در وسط مذاکرات ناگهان رئیس جمهوری ایران صحبت را کشاند به آخرالزمان و گفت می‌دانید به چه دلیل باید خواستار هرج و مرج باشیم؟ چون بعد از هرج و مرج است که حضرت ظهور می‌کند و حکومت عدل الهی را در جهان برقرار می‌سازد.

و اما این عملیاتی که «جندالسماء» تدارک دیده بود به چه دلیل با کشتار علماء و مراجع ملازمه داشت؟ به دلیل آن که در روایات آمده است در آستانه ظهور قائم آل محمد شخصی به‌نام یمانی در اطراف نجف قیام می‌کند و زد و خوردی واقع می‌شود که هفتاد تن از علما در آن بلوا به‌قتل می‌رسند. این روایات را چه کسانی جعل کرده و در باورهای مردم نشانده‌اند؟ همانها که دکانهایی مانند جمکران دایر ساخته و مرتب و مقام حضرت صاحب‌الامر را تا درجه جن‌گیر و دعانویس و قاری و کاتب پایین آورده‌اند.

در بحارالانوار مجلسی، که عنوان بحرالاراجیف آن را بیشتر می‌زیبد، آمده است که جعفر بن محمد بن موسی بن قولویه، مؤلف کتاب «مداوات‌الحسد» و کتاب «الصلوة» و کتاب «جمع» مراسله‌ای به حضرت صاحب‌الزمان نوشت و از مدت عمر خود استفسار کرد. زمانی که حجرالسود را به‌جایش می‌گذاشتند قاصد کاغذ را به آن حضرت داد (آن زمان چاه جمکران وجود نداشت و نامه‌ها از طریق حجرالسود به دست ایشان می‌رسید) آن حضرت بی آن که کاغذ را بخواند پاسخ داد و تعیین مدت کرد!

در کتاب «مجالس‌المؤمنین» قاضی نورالله مسطور است که یکی از علمای اهل تسنن که بر علامه حلی سمت استادی داشت کتابی در رد عقاید شیعه امامیه نوشته بود و با خواندن آن در مجلس درس خود، مردمان را گمراه می‌کرد. از بیم آن که کتاب به دست یکی از علمای شیعه بیفتد و ردیه بر آن بنویسد به کسی می‌داد تا استنساخ کند. علامه حلی همیشه حيله می‌انگيخت تا کتاب را به دست آورده

## نگته‌هایی در باره «معمای هویدا» (۲)



منوچهر فرمانفرمایان

انتظام و چوبک به هویدا گفته بودند صلاح  
هیچکس نیست که بیش از ۵ سال در شغلی بماند

هویدا آدم ملایمی بود و می‌توانست هرناملایمی را هم تحمل کند  
اگر اردشیر زاهدی جانشین هویدا می‌شد آیت‌الله خمینی به این آسانی قدرت  
را تصاحب نمی‌کرد

تاریخ نشر در کیهان لندن:

مهر تا آبان ماه ۱۳۸۰

شماره‌های ۸۸۰-۸۷۸)



«معمای هویدا» - که بخشی از آن را در خاطرات و تاریخ کیهان خواندید - کتابی است بحث برانگیز. همان گونه که در بازار کتاب مورد توجه قرار گرفت و تیراژ قابل توجهی به دست آورد، در محافل و مجالس نیز موضوع بحث ایرانیان آشنا به مسائل سیاسی و اجتماعی یا دست اندرکاران امور در رژیم پیشین بوده است.

ما وعده کرده بودیم نظریات و انتقادات صاحبزنان و مطلعین را، مشروط به آن که مربوط به موضوع و عاری از حب و بغض یا کلی بافی باشد، راجع به این کتاب منعکس کنیم. مقاله مسووط دکتر منوچهر فرمانفرمایان نمونه یک نقد متین و منطقی در باره «معمای هویدا» است. این مقاله را به نقل از «ره آورد» در سه شماره به نظرتان می‌رسانیم. منوچهر فرمانفرمایان با امیر عباس هویدا دوستی نزدیک داشته است و زمانی هر دو از مدیران شرکت ملی نفت ایران بودند.

هویدا را می‌شناختم، آدم خیلی با فهمی بود و مثل بسیاری از فرنگیها اطلاعات بین‌المللی وسیعی را از خواندن و تحقیقات در سر داشت و قادر بود در هر گفتگویی که می‌شد تجزیه و تحلیل صحیح بکند و نظری صایب بدهد. آقای میلانی چندین صفحه را که لایه همگی نقل قول است از اقدامات هویدا در شرکت نفت می‌نویسد. مثل این است که هیات مدیره فقط منظر بود هویدا برسد تا تغییرات لازم، چه در شرکت نفت و چه در کنسرسیوم به عمل بیاورد. شرکت ملی نفت مدیرانی داشت که همگی از دانشگاه بیرمنگام فارغ التحصیل فنی از نفت و از برق و از مکانیکی بودند. دکتر فلاح و نفیسی و مستوفی و فرخان و حقوقدانی مانند فواد روحانی را داشت که نظیرشان در تمام ادارات ایران یافت می‌شد. ایشان در صفحه ۱۴۰ می‌نویسند که هویدا ایرانی کردن ادارات شرکت نفت را شروع کرد، غافل از اینکه شرکت نفت در درجه اول فقط از طریق مدیران که در کنسرسیوم داشت می‌توانست به این امر بپردازد و او مدیر کنسرسیوم نبود، و کنسرسیوم پس از ملی شدن نفت تحت فشار مدیران مربوطه در سالهایی که عمل می‌کرد به جای دو تا سه هزار کارمند خارجی شرکت سابق B.P. مقیم آبادان و مناطق، فقط دارای یکصد و سی کارمند خارجی بود که برای تولید چهار میلیون بشکه در روز رقم قابلی نیست و حتی در زمانی که بنده عضو هیات مدیره شرکت تصفیه بودم آقای لطیف رمضان نیا به ریاست تصفیه خانه آبادان انتخاب شد که بعداً آمد مدیر شرکت ملی شد (در زمان دکتر اقبال) بنابراین بلند پایه ترین مقام به ایرانیها داده می‌شد. در بسیاری از مناطق نفت خیز



محمد رضا شاه پهلوی و اردشیر زاهدی

دیگر در این امر مداخله نداشت. بعد از هویدا، اوپک از شرکت ملی به وزارت داری منتقل شد و اصولاً کنسرسیوم قراردادی داشت که از می‌توانستیم نکول کنیم. قرار داد ۵۰-۵۰ بود. حساب و کتاب آن هم از طریق حسابداران متخصص و موسسات بین‌المللی مورد رسیدگی قرار می‌رفت. اعلیحضرت و دولت ایران که احتیاج به درآمد بیشتر داشتند، در بدو امر وقتی هنوز بهای نفت خام در دست کنسرسیوم بود فقط پافشاری می‌کردند که از استخراج عربستان سعودی و یا کویت یا عراق کم بشود و ایران جانشین صادرات نفت آنها بشود، یعنی به صورت واضح مقدار بشکه‌هایی که استخراج می‌کنیم اضافه شود نه بهای نفت.

## جانشینان هویدا

آقای میلانی به کرات در کتاب، از جانشینان هویدا صحبت می‌کنند، در صورتی که جانشین به صورت مبارزه کن وجود نداشت و از وقتی که تصادفاً و بدون هیچ زمینه هویدا نخست وزیر شده بود گمان می‌کنم همگی خود را کاندیدای می‌دانستیم ولی از شوخی گذشته کاندیدایی را که آقای میلانی معرفی می‌کنند که عالیخانی باشد هیچ وقت نشنیده بودم و چون او نوچه علم بود و علم در حزب مخالف قرار داشت و مریض هم بود. آمدن عالیخانی بعید به نظر می‌رسید و چنان که عرض کردم در کاندیدای بودن به نخست وزیری اصلاً مبارزه وجود نداشت. مجلس شورا و مجلس سنا و اشخاص با نفوذ در این امر رأیی داشتند. بنابراین کاندیداهای را به استنباط مردم و یا به اعتقاد اسم می‌بردند که مهمترین آنها این اشخاص بودند: ۱- دکتر جمشید آموزگار - در بدو امر وزیر داری کابینه هویدا شد و تقریباً تا آخر دوام آورد و چون پایه و

هم ایرانیها رئیس منطقه بودند منجمله محمود پوزشی - ابراهیم سلجوقی و تقی مصدقی. مضافاً داشت متخصص و کارمند خارجی عیبی نیست چنانکه امروز هم عده‌ای خارج در شرکت نفت به عنوان مقاطعه کار خدمت می‌کنند. در باره مقاله مجله شرکت نفت، صفحه ۱۴۱، به قلم هویدا که می‌نویسند در دنیا کمبود متخصصین فنی احساس می‌شود و کسانی که ماشین آلات به ایران وارد کرده‌اند می‌بایست از روز اول فکر آموزش امور فنی را می‌کردند تا از ماشین آلات نگاهداری شود، سؤال می‌کنم آیا ممکن است چنین حرف بی‌اساسی را زد؟ مگر در دنیا با اتومبیل چکار کردند؟ مگر دنیا نباید کامپیوتر بخرد چون محتاج به تعمیر و اسباب یدکی است؟ مگر نفت کش‌های بزرگ را فقط کسانی که آنها را می‌سازند باید مصرف کنند؟ اتفاقاً تنها چیزی که در دنیا می‌توان به ارزانی و آسانی تهیه کرد متخصص و اشخاص فنی است که استخدامشان سهل است و هم تعدادشان زیاد. این حرف که اول باید به فن تعمیر و نگهداری ماشین آلات پرداخت بعد ماشین را خرید بی‌گانه است و بی‌اطلاعی محض را نشان می‌دهد، و نویسنده کتاب با نوشتن جمله بعدی که «لایه هویدا از شتاب صنعتی شدن ایراد می‌گیرد او را تیرنه می‌خواهد بکند در صورتی که باز هم نویسنده می‌گوید که خود هویدا در اواخر حکومتش به همین بلا گرفتار شد ولی می‌نویسد چاره جلوگیری از شتاب چیست؟

در جای دیگر می‌نویسند که هویدا در وزارت داری (چون رئیس شورای عالی نفت بود) سعی کرد که به درآمد دولت از نفت اضافه شود چنین چیز خلاف است. تنها کسی که درآمد نفت را از زیر ذره بین می‌گذاشت خود شاه بود هیچکس

هر مزخرفی را می‌خواستند در آن يك ساعت با بی‌باکی می‌زدند و بعد اغلب می‌رفتیم منزل من ناهار.

### مباحثی که در آن مجلس جنون می‌رفت

#### ورای مدرسه و قبل وقال مسأله بود

ما همگی عادت شدید روز آخر هفته را داشتیم که همدیگر را ملاقات کنیم. بعد از چندی دکتر اقبال به من گفت که میل ندارد در شرك نفت این جماعت جمع بشوند. نتیجتاً مستقیم به منزل من آمدند. در هر حال با صادق چوبک مجدداً دوست صمیمی شده بودم او سعی می‌کرد اختلافات رفقا را رفع کند و دو مرتبه هم در منزلش در زمان نخست وزیری با هویدا ملاقات کردیم ولی هر چه بود بی‌نتیجه بود، چون او به من می‌گفت که با او حسادت می‌ورزم و من به

به او خدمت بکنم و کانگیدا بودن او به نخست وزیری به جا بود ولی با ملاحظاتی که شاه داشت گمان نمی‌کنم که نخست وزیری را هیچگاه به او واگذار می‌کرد چنان که بعد از هویدا، دکتر جمشید آموزگار را به نخست وزیری برگزید.

#### من و چوبک

از میان دوستان نزدیک هویدا، صادق چوبک را از زمان جنگ می‌شناختم. مثل خیلی‌ها به توده‌های ما تمایل داشت ولی برو به سفارت شوروی تعظیم بکن نبود و تصور می‌کنم هیچ وقت به سفارت شوروی پا نگذاشت در صورتی که توده‌های ما اغلب با همدیگر به سفارت شوروی در قلهک می‌رفتند و علناً کوس نوکری روس‌ها را می‌زدند (خلاف طرفداران انگلیس که نوکر حقیقی و معتقد بودند) چون خودشان ره به کمونیسم

→ اساس دولت بود و آن را آموزگار از طریق اوپک اداره می‌کرد و حتی وقتی هم به وزارت کشور منصوب گردید باز هم امور اوپک به وزیرکشور تفویض شد. بنده تعجب کردم که چطور آقای میلانی فقط اسم جمشید آموزگار را در صفحه ۲۲ آورده‌اند و بعد در صفحه ۲۸۳ هنگام رسیدن ایشان به نخست وزیری. و چطور دکتر جمشید آموزگار که مهمترین امور مملکت را اداره می‌کرد و شهرت جهانی کسب کرده بود، در ۲۵۰ صفحه کتاب ناپدید می‌شود.

۲- هوشنگ انصاری - شکی نیست که انصاری آدم بی نهایت با فهم و کاردان و با مغزی بود. پشتکار و حوصله او را به وزارت دارایی رسانید و تاحدودی دکتر آموزگار را جا به جا کرد ولی چنان که گفتم گر چه در اموراوپک به وزارت کشور با دکتر آموزگار منتقل شد لابد شاه دنبال فرصت می‌گشت که این قسمت را هم به هوشنگ انصاری بدهد.

در هر حال چون انصاری بیشتر خود را به امریکایی‌ها متصل کرده بود، توانست برای مخارج عمده ارتش مبلغی مطابق پانزده هزارمیلیون دلار برای پنج سال اختصاص بدهد و کمیسیون تشکیل داد به اتفاق کیسینجر و گمان می‌کنم ویلیام راجرز. وزیرخارجہ امریکا تا این مبلغ را به مصرف احتیاجات ارتش برسانند.

۳- اردشیر زاهدی - چنان که آقای میلانی مفصلاً در ۷ صفحه از اردشیر زاهدی صحبت می‌کنند، اردشیرمنحصر کاندیدی حقیقی نخست وزیری بود و اگر سرکار می‌آمد محققاً به این آسانی آیت‌الله خمینی امور را در دست نمی‌گرفت و اگر موفق می‌شد با خونریزی زیاد انجام می‌گردید. من اردشیر را بعد از آزادی سپهبد زاهدی از زندان انگلیسها در منزل پدرش شناختم. تیمسار زاهدی با مظفر فیروز ارتباط نزدیک داشت و زاهدی به مظفر می‌گفت مژگی جان چون با پدرش خصوصیت زیاد در فارس پیدا کرده بود. اولاً وقتی نصرالدوله به حکومت فارس منصوب شد، زاهدی رئیس کل ژاندارمری فارس بود و از همان موقع، سیاست و اقتدار زیادی به خرج داد و بامذاکرات زیاد با خوانین قشقایی و ایالات جنوب مشکلات فارس را حل و فصل کرد. در اصل همدانی بود. با ما هم که املاکمان در همدان و کرمانشاه بود همیشه با نهایت محبت و احترام رفتار می‌کرد. در بدو نخست وزرایش، کمیسیونی تشکیل داد که به امور نفت نفت رسیدگی شود و از چهار نفر: دکتر حسین پیرینی - فتح‌الله نفیسی، ابوالفضل لسانی و اینجانب. گزارشی در این باب دادیم و لابد مورد پسند واقع شد چون کمیسیون را منحل کردند. با اردشیر زاهدی هیچوقت دوست نزدیک نشدم و صمیمیت پیدا نکرد. اردشیر مثل پدرش آدم دست و دل بازی است و سر سفره‌اش بسیاری نشسته‌اند و بسیاری دیگر بازهم خواهند نشست. او لیاقت نخست‌وزیری را داشت چون بسیار مردم دار بود و می‌توانست شخصیت خودش را حفظ کند. مثلاً اردشیر وقتی وزیرخارجہ شد، خودش را همان خدمتگزار شاه مثل سابق می‌دانست و حاضر نبود به ساز منصور و هویدا برقصد و چنان که آقای میلانی نوشته‌اند در هیات دولت حاضر نمی‌شد و معاون وزارت خارجه را به جانشینی می‌فرستاد. وقتی سفیر شد در امریکا اعلیحضرت همایونی سال آخر قبل از انقلاب، مسافرتی به ونزویلا و امریکا فرمودند، در ونزویلا بنده که سفیر بودم طبق دستور وزارت خارجه برنامه‌ای که قبلاً تنظیم و تصویب کرده بودیم را اجرا کردم ولی بعداً اعلیحضرت تشریف بردند به امریکا. اول در فلوریدا توقف فرمودند. اردشیر زاهدی کل برنامه وزارت خارجه را دور ریخت و برنامه خودش را اجرا کرد. او طرف محبت اعلیحضرت بود و توانست تا روز آخر این محبت را با وفاداری و صمیمیت حفظ کند و اگر شاه با شك و تردید رفتار نمی‌کرد، اردشیر زاهدی بهتر از هر کسی می‌توانست در حفظ سلطنت



هویدا «نخست وزیر» در مراسم سلام رسمی از طرف هیات وزیران و کارکنان دولت به شاه تهنیت می‌گوید. در سمت راست عکس امیر اسدالله علم وزیر دربار و در سمت چپ به ترتیب امیر عباس هویدا، اردشیر زاهدی، جمشید آموزگار، عطاءالله خسروانی، سپهبد اسدالله صنیعی و مهرداد پهلبد دیده می‌شوند.

او می‌گفتم که تو لیاقت این کار را نداری و هیچ کاره هستی و این ملاقاتها سبب ازدیاد کدورت ما می‌شد. صادق چوبک بعداً به من گفت که هر وقت هویدا را ملاقات می‌کنم به او می‌گویم که صلاح هیچ کس نیست که بیش از پنج سال در شغلی بماند مگر اینکه که رئیس جمهوری یا شاه باشد و دوام آنها هم فقط در اثر عدم مداخله در امور مملکت است حتی آنان باید از راهنمایی خودداری کنند، چنان که چرچیل بیش از قاعده در نخست‌وزیری پافشاری کرد و روزی که چرچیل رفت جانشین آنتونی ایدن با آن افتضاحات مصر و سوئز گرفتار شد که منجر به شکست انگلیس گردید و ناچار به استعفا گردید. به او گفتم که اتفاقاً انتظام همین حرف‌ها را به او زده ولی گوش شنوا کجاست.

جان کلام این است که ما همه تقصیرکار بودیم که این ایرادات را برای هزارمین بار به هویدا می‌آوردیم چون بیچاره می‌آمد منزل چوبک که یک گیلان و یسکی را به راحتی بخورد و باز با همین گفتگوهای روزانه گرفتار می‌شد و حجب و حیا مانع بود که به ما بگوید از این حرفها نزنید من خسته شده‌ام بگذارید استراحت کنم. همین نمونه‌ای از اخلاق و روحیات او است، چون آدم ملایمی بود و می‌توانست هر ناملامی را هم تحمل کند و مسلماً هر آدم عادی در این مدت نخست وزیری تند و خشن می‌شد. فقط هویدا بود که لابد با امید بهبود اوضاع وضعیت خودش را با این ناسازگارها تطبیق می‌داد. هویدا برای رسیدن به مقصود ملکه فرح را با خودش همراه کرده بود و چون خود ملکه فرح از بعضی از کارهایی که پیش می‌آمد ناراضی داشت لابد به همین دلیل با هویدا دوستی پیدا کرده بود.

(دنباله دارد)

بین المللی می‌چسباندند و بیشتر برای نمونه از کمونیستهای فرانسه و ایتالیا یاد می‌کردند تا اعمال خودشان را به وطن پرستی تعبیر کنند. لابد اگر بنده هم نانی نداشتم بخورم می‌رفتم کمونیست می‌شدم چنان که در صفحات پیش عرض شد شکم و زن و بچه معلوم نیست چه اقتضا می‌کند و برای همه ما گرسنگی پیش نیامده تا بفهمیم چطور باید به وظایفمان عمل کنیم.

پس از جنگ نمی‌دانم به چه علت از صادق چوبک دور شده بودم و سالها او را دیگر ندیدم. در شرکت نفت وقتی در خیابان فرانسه محلی را اجاره کردند و سهم السلطان بیات ریاست هیات مدیره را عهده دار بود، در زیر زمین کتابخانه‌ای بود ولی صادق درست نمی‌دانست با بودجه آن چه کند. آیا می‌بایست بودجه فقط صرف خرید نوشتجات و کتابهای مربوط به نفت باشد و یا کتابخانه جامعی است که بتواند کتاب تاریخ و جغرافیا هم بخرد. نظر به اینکه در آن موقع در ایران کتابخانه مفصلی در باره ایران شناسی بودم لذا آمد مشورت کرد. باز هم در مشورت اختلاف نظر بین ما پدید آمد که مجدداً برای یکی دو سال از صادق دور شدم ولی وقتی رفتم به اداره مرکزی و من مدیر بودم اغلب روزها او را می‌دیدم و این ملاقاتها منجر شد به اینکه دوره‌ای در دفتر من از چند نفر که مرکب بودند از اشرف شیبانی رئیس دفتر انتظام، صادق چوبک - حسن ایزدی (رئیس آمار سازمان بخش) پرویز آرمون (یکی از کارمندان سازمان بخش مامور کارهای افغانستان)، دکتر تقی رضوی، ابوالحسن ورزی، مرتضی عبدالرسولی (خطاط)، ابوالقاسم حالت، احمد بختیاری (شاعر) و عده‌ای دیگر از جمله هویدا تشکیل گردد.

# اروپا برای مجازات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به همکاری اسرائیل نیاز دارد



از مأموریت‌های دائمی سپاه در خلیج فارس و دریای عمان اخلاف در مسیر کشتیرانی آزاد است

فشارها علیه رژیم ایران را از طریق شکست ستون‌های اقتصاد مرتبط با سپاه پاسداران بیشتر کند و همزمان رژیم ایران خود را در داخل و فضای بین‌المللی بی‌دفاع ببیند هرچند که احتمالاً ریزش‌ها و اختلافات آنها بیشتر خواهد شد اما احتمالاً گروه‌هایی در داخل رژیم را وادار به واکنش‌های سخت‌تر برای حفظ موقعیت آن کنند و این همان نقطه‌ای است که اروپا می‌تواند روی همکاری اسرائیل حساب باز کند.

بعد از آنکه پارلمان اروپا قرار دادن سپاه پاسداران در فهرست سازمان‌های تروریستی را تصویب کرد، چیک سالیوان مشاور امنیت ملی آمریکا با بنیامین نتانیاهو نخست‌وزیر اسرائیل و شماری از فرماندهان ارشد ارتش اسرائیل درباره برجام و مقابله با عملیات منطقه‌ای رژیم ایران گفتگو کرد.

تجربه ثابت کرده در مواقع بحرانی جمهوری اسلامی «غرب» و اسرائیل و شرکای عربی آنها در منطقه را در جبهه‌ای واحد می‌بیند که چندان هم اشتباه نیست. بنابراین صرفاً برای «ضربه زدن» و «انتقام» به حرکت می‌افتد. یکی از اقدامات اولیه رژیم اقدام علیه کشتی‌هاست. جمهوری اسلامی خلیج فارس و دریای عمان را کارت برنده خود از نظر ژئوپلیتیک می‌داند. به همین علت سپاه بلافاصله برای انجام رزمایش در آب‌های جنوبی ایران دست به کار شد.

در این میان، هرچند اختلافات میان اسرائیل و اروپایی‌ها بر سر مسائلی مثل فلسطین کم نیست اما تهدیدات رژیم ایران را آنقدر اهمیت دارد که آنها را وادار به توسعه همکاری‌های اطلاعاتی و نظامی بیشتر در خاورمیانه کند.

میخائیل اولیانوف نماینده روسیه در مذاکرات امی می‌گوید «آمریکا و اتحادیه اروپا وسوسه رفتن به طرح B علیه ایران را دارند» و مقامات تهران به این یقین رسیده‌اند که این وضعیت نتیجه فشارهای اسرائیل است.

احتمالاً ائتلاف امنیتی-سیاسی اسرائیل و کشورهای عربی منطقه در چارچوب «پیمان ابراهیم» برای هر دو طرف رضایت‌بخش بوده که همچنان به گسترش همکاری‌های خود ادامه می‌دهند.

در تمام ۳۴ سالی که اروپایی‌ها سرگرم تجارت و معامله با رژیم ایران بودند، اسرائیل برای دفاع از موجودیت خود در برابر تهدیدات جمهوری اسلامی و نیروهای وابسته به آن در منطقه مشغول برنامه‌ریزی بوده و تجربه لازم برای همکاری با کشورهای عربی و اسلامی را نیز دارد. گذشته از همه اینها، نفوذ سرویس‌های اطلاعات اسرائیل در نهادهای امنیتی و حکومتی ایران بسیار زیاد است و قدرت اجرایی برای عملیات خاص نیز دارند.

هرچند پهلوپنجه‌های سپاه پاسداران ثابت کردند که این مردم هستند که می‌بایست تاوان اقدامات تلافی‌جویانه آنها علیه غرب را بدهند- مثل سرنگونی هواپیماهای مسافربری «اوکراین اینترنشنال» یا سرکوب خشونت‌بار اعتراضات به بهانه توطئه خارجی- اما در مواردی اقدامات ایدایی علیه منافع غربی‌ها و شرکای منطقه‌ای آنها مرتکب شده و می‌شود.

حمله به تأسیسات نفتی و کشتی‌های تجاری در آب‌های آزاد، گروگانگیری خدمه نفتکش‌ها و کشتی‌های تجاری، حملات پهلپادی و راکتی به پایگاه‌های نظامی دولت‌های خارجی، گروگانگیری شهروندان خارجی و دوتابعیتی در ایران با اتهامات امنیتی، ارسال سلاح برای شبه نظامیان، ترانزیت مواد مخدر، اقدامات تروریستی علیه شهروندان اروپایی یا مخالفان جمهوری اسلامی در خاک اروپا و آمریکا، برنامه‌ریزی برای قتل یا ربودن شهروندان خارجی در منطقه تنها بخشی از فهرست طولانی اقدامات تروریستی حکومت ایران علیه دولت‌های خارجی است.

اکنون مقامات و رسانه‌های حکومتی برای تکرار این دست اقدامات ایدایی دوباره زمینه‌سازی می‌کنند. حسین شریعتمداری مدیر مسئول تپه‌کار روزنامه «کیهان» چاپ تهران هشدار داده در صورتی که شورای وزیران اتحادیه اروپا سپاه را تروریستی اعلام کند «نظامیان کشورهای اروپایی در منطقه در دسترس جمهوری اسلامی قرار دارند و به آنها حمله خواهد شد».

ارتش جمهوری اسلامی نیز در بیانیه‌ای اعلام کرد «منسجم‌تر از گذشته، دست در دست سپاه پاسداران نظام جمهوری اسلامی حراست می‌کند».

هرچند در روزهای آتی قرار است اروپایی‌ها شمار دیگری از مقامات جمهوری اسلامی را به اتهام نقض حقوق بشر در فهرست تحریم‌ها قرار دهند اما در تهران به این دست فشارها عادت کرده‌اند. آنها متوجه شده‌اند این قبیل تحریم‌ها دست‌کم در کوتاه‌مدت اثر خاصی روی منافع فردی و حتا گروهی سپاه پاسداران یا سایر باند‌های امنیتی- اقتصادی جمهوری اسلامی ندارد.

«خودی»های جمهوری اسلامی مرتب هشدار می‌دهند که باید «اقدامات اخیر اروپا را خیلی جدی گرفت». حسن بهشتی‌پور کارشناس سیاسی معتقد است اروپایی‌ها افکار عمومی دنیا را آماده می‌کنند تا هر اقدامی علیه جمهوری اسلامی مقبولیت داشته باشد. همزمان انتقادات درون نظام به شیوه «حکمرانی» علی‌خامنه‌ای آشکارتر شده است. در چنین شرایطی اگر منافع اروپا اقتضاء کند که شدت

● اگر منافع اروپا اقتضاء کند که شدت فشارها علیه رژیم ایران را از طریق شکست ستون‌های اقتصاد مرتبط با سپاه پاسداران بیشتر کند و همزمان رژیم ایران خود را در داخل و فضای بین‌المللی بی‌دفاع ببیند هرچند که احتمالاً ریزش‌ها و اختلافات آنها بیشتر خواهد شد اما احتمالاً گروه‌هایی در داخل رژیم را وادار به واکنش‌های سخت‌تر برای حفظ موقعیت آن کنند و این همان نقطه‌ای است که اروپا می‌تواند روی همکاری اسرائیل حساب باز کند.

● حسین شریعتمداری مدیر مسئول تپه‌کار روزنامه «کیهان» چاپ تهران هشدار داده در صورتی که شورای وزیران اتحادیه اروپا سپاه را تروریستی اعلام کند «نظامیان کشورهای اروپایی در منطقه در دسترس جمهوری اسلامی قرار دارند و به آنها حمله خواهد شد». این تهدیدات و عملی شدن آنها سابقه‌دار است.

● میخائیل اولیانوف نماینده روسیه در مذاکرات امی می‌گوید «آمریکا و اتحادیه اروپا وسوسه رفتن به طرح B علیه ایران را دارند» و مقامات تهران به این یقین رسیده‌اند که این وضعیت نتیجه فشارهای اسرائیل است.

تصویب قطعنامه قرار گرفتن سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در فهرست سازمان‌های تروریستی توسط پارلمان اروپا با استقبال مقامات ارتش اسرائیل مواجه شده است.

آنچه اعضای پارلمان اروپا در جریان نشست بررسی وضعیت سپاه پاسداران در مورد نقش این تشکیلات در سرکوب مردم ایران و گسترش تروریسم در خاورمیانه و همکاری با روسیه در تجاوز به اوکراین بیان کردند، همان مواضع رسمی دولت اسرائیل در تمام سال‌های گذشته است.

در تهران مقامات جمهوری اسلامی می‌گویند «سپاه پاسداران رکن رکین و نقطه قوت جمهوری اسلامی است». این ادعا کاملاً با واقعیت مطابق است. اگر سپاه نباشد نظام جمهوری اسلامی در مقابل خیزش آزادیخواهانه مردم ایران دوام نمی‌آورد. سپاه پاسداران در کنار بسیج و نیروی انتظامی موتور محرک ماشین سرکوب و تروریسم بین‌المللی است. سوخت این ماشین از طریق دو سوم اقتصاد ایران که زیر سلطه سپاه پاسداران قرار داد تأمین می‌شود.

آنچه اروپایی‌ها از قرار دادن سپاه در فهرست سازمان‌های تروریستی در سر دارند اعمال تحریم‌های شدید بین‌المللی است اما فرماندهان سپاه و همچنین مقامات ارتش نظام جمهوری اسلامی چون می‌دانند برای تلافی زورشان به اروپایی‌ها برای اقدام متقابل اقتصادی نمی‌رسد میدان تهدیدات خود را بیش از پیش امنیتی و نظامی اعلام می‌کنند.



# تعرض و آزار جنسی کودکان یک مدرسه فوتبال در مشهد توسط مربی

فریاد شیران از مربیان مشهور فوتبال ایران اوایل دهه ۹۰ خورشیدی با افشای دربارۀ آزار و اذیت جنسی در مدارس فوتبال گفته بود که «در برخی از این مدارس افرادی هستند که از بچه‌ها بهره‌برداری جنسی می‌کنند. نه تنها خود کودکان، بلکه از مادران‌شان هم سوء استفاده می‌شود.»

ناصر فریاد شیران این موارد را در گفتگو با روزنامه «روزگار» مطرح و تأکید کرده بود که «شما به تپه‌های داوودیه سر بنزید. خیلی چیزها را متوجه می‌شوید.»

روزنامه «همشهری جوان» نیز چند سال پیش در مطلبی با عنوان «هیس، پسرها فریاد می‌زنند» به آزار جنسی در مدارس فوتبال پرداخته بود. آزارهایی که از خواندن آب‌میوه خواب‌آور توسط مربی تا تجاوز به بازیکنان آکادمی باشگاه توسط لیدر شرور در آن مطرح شده بود.

در این گزارش غلامرضا سرخه‌ای دروازه‌بان اسبق و مربی پایه نیز از رواج تجاوز به خردسالان با وعده بازی دادن بیشتر در جریان مسابقات خبر داده بود.

یکی از جنجالی‌ترین خبر آزار و اذیت جنسی کودکان پسر مربوط به سعید طوسی، قاری قرآن محبوب علی‌خامنه‌ای، بود. محمد گندم‌نژاد طوسی معروف به سعید طوسی «کارشناس شورای عالی قرآن و قاری» و عضو «جلسات محفل انس با قرآن» علی‌خامنه‌ای بود که کلاس‌های آموزش قرآن را برای کودکان و نوجوانان پسر برگزار می‌کرد.

ماجرای تجاوز و آزار جنسی کودکان و نوجوانان توسط سعید طوسی در سال ۹۵ افشا شد و والدین شماری از کودکان قربانی از سعید طوسی شکایت کردند اما پس از یک سال قوه قضاییه جمهوری اسلامی حکم «تبرئه» قاری محبوب علی‌خامنه‌ای را صادر کرد.

گزارش‌های تکمیلی مشخص کرد پرونده سال ۹۵ سومین مرحله شکایت از سعید طوسی بوده و او پیشتر نیز سوابقی در آزار جنسی کودکان داشته است. ویسایت «انصاف نیوز» در همین باره گزارش داده بود که نخستین شکایت از سوی خانواده‌ها مرداد سال ۹۱ صورت گرفته و منجر به صدور وثیقه ۱۰۰ میلیون تومانی برای این قاری قرآن شده و در نوبت دوم هم در سال ۹۳، طرح مجدد شکایت منجر به صدور قرار بازداشت می‌شود ولی شورای عالی قرآن با قبول کردن «قرار کفالت ۶۰۰ میلیون تومانی» مانع از بازداشت این متهم می‌شوند.

رضوی اما بلافاصله پس از انتشار این خبر به آن واکنش نشان داد و گفت: «پس از مطرح شدن خبر اولیه دستور داده شد حراست اداره کل ورزش و جوانان به دقت تمامی ابعاد موضوع را مورد تحقیق و بررسی قرار دهد تا صحت و سقم و ابعاد آن مشخص شود و در مبارزه با فساد ذره‌ای کوتاه نمی‌آییم.»

به گفته مدیرکل ورزش و جوانان خراسان رضوی «تا به امروز کوتاهی‌های متعددی از هیأت فوتبال استان مشاهده شده که اگر این موضوع نیز در بررسی‌های مامورد تأیید قرار بگیرد، مسلمانا با عوامل دخیل در ماجرا برخورد قاطع و قانونی خواهد شد.» احسان اصولی سخنگوی فدراسیون فوتبال می‌گوید فدراسیون از طریق رسانه‌ها متوجه موضوع شده است: «چنین موضوعی در یکی از مدارس فوتبال مطرح شده، اما تا کنون شکایتی در هیأت فوتبال خراسان رضوی یا فدراسیون دریافت نکرده‌ایم.»

اینهمه در حالیست که به گزارش رسانه‌های داخلی حمید سجادی وزیر ورزش و جوانان امروز شنبه اول بهمن‌ماه دستور بررسی و پیگیری گزارش تعرض جنسی در یک مدرسه فوتبال در شهر مشهد را صادر کرده است.

وزارت ورزش و جوانان طی بیانیه‌ای اعلام کرده که «دو هفته پیش و به محض وصول گزارش‌هایی از تخلف در یکی از مدارس فوتبال در شهر مشهد، سید حمید سجادی، وزیر ورزش و جوانان به حراست این وزارتخانه دستور داد که به موضوع رسیدگی کرده و پس از بررسی این ادعاها، در صورت صحت گزارش‌های رسیده با عامل یا عاملان این اتفاق با قاطعیت برخورد شود. پس از دستور دکتر سجادی، اداره کل حراست ورزش و جوانان خراسان رضوی با همکاری یکی از نهادهای امنیتی در حال بررسی دقیق موضوع هستند و قرار است گزارش بررسی این ادعاها به محض تکمیل، تقدیم وزیر ورزش و مراجع ذی‌صلاح شود.»

ویسایت «رادیو فردا» هم گزارش داده است تیم مورد نظر که مربی آن ۱۵ کودک را مورد آزار جنسی قرار داده، تیم «مازگزاران مساجد مشهد» نام دارد و در دو صفحه اینستاگرام خود، تصاویری از تیم‌های نونهالان و نوجوانان، همچنین مراسم مذهبی، زیارت و نماز جماعت در زمین فوتبال دیده می‌شود. آزار و اذیت جنسی کودکان دختر و پسر توسط «مربی‌ها» در مراکز مختلف آموزشی پیشتر هم خبرساز شده بود. ناصر

● در پی آزار و تعرض جنسی به ۱۵ نوجوان، خانواده‌هایشان برای پیگیری و ثبت شکایت، در حراست اداره کل ورزش و جوانان خراسان رضوی تجمع کردند.

● دبیر هیئت فوتبال خراسان رضوی مدعی شده که «این خبر چون اثبات نشده به دروغ منتشر شده است و تا این لحظه ما شکایتی در این خصوص نداشته‌ایم» اما وزیر ورزش و جوانان دستور پیگیری موضوع را داده است.

در یکی از تازه‌ترین پرونده‌های آزار جنسی کودکان در ایران، مربی یک باشگاه فوتبال در مشهد، کودکان را مورد آزار و اذیت جنسی قرار داده است. این خبر در ابتدا با تکذیب مقامات استان خراسان رضوی روبرو شد اما در نهایت با دستور وزیر ورزش و جوانان برای «بررسی و پیگیری» موضوع، درست بودن آن تأیید شد.

جواد طاری‌بخش مدیر رسانه سابق تیم «شهر خودرو» نخستین بار با انتشار یک استوری در اکانت اینستاگرامی خود، خبر از وقوع یک «فاجعه» برای فوتبال خراسان رضوی داد و نوشت که در یک تیم فوتبال مشهدی در رده سنی پایه‌ها، به ۱۵ نوجوان تعرض صورت گرفته و خانواده‌های این افراد برای پیگیری و ثبت شکایت، در حراست اداره کل ورزش و جوانان خراسان رضوی حضور یافته‌اند.

به نوشته مدیر رسانه‌های سابق تیم «شهر خودرو»، براساس صحبت‌های مطرح‌شده از سوی خانواده‌های این بازیکنان، پس از «تغییر رفتار» فرزندانشان و پیگیری و بررسی «محتوای گوشی تلفن همراه بازیکنان»، متوجه می‌شوند «مربی این باشگاه» آنها را مورد «آزار و اذیت» قرار می‌دهد.

محسن حیدری دبیر هیئت فوتبال خراسان رضوی در برنامه ورزشی شبکه خراسان رضوی در واکنش به این خبر گفته که «پول خرج شده تا این خبر در همه کانال‌های خبری درج شود. این موضوع منطقی و اخلاقی نیست. بحث اخلاقی رسانه‌ها را باید بیشتر مورد توجه قرار دهیم.»

دبیر هیئت فوتبال خراسان رضوی مدعی شده که «این خبر چون اثبات نشده به دروغ منتشر شده است و تا این لحظه ما شکایتی در این خصوص نداشته‌ایم. موضوع را اگر مطلع بودم در نطفه خفه می‌کردم.»

علی‌اکبر هاشمی جواهری مدیرکل ورزش و جوانان خراسان

# گزارش ویژه؛ آیا رهبران اتحادیه اروپا برای تروریست اعلام کردن سپاه پاسداران انقلاب اسلامی با رژیم ایران مماشات می‌کنند؟!



حسین امیرعبداللهیان وزیر خارجه جمهوری اسلامی، جوزپ بورل مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا و امانوئل ماکرون رئیس جمهور فرانسه در حاشیه «کنفرانس بغداد» که ۱۲ دسامبر ۲۰۲۲ در اردن برگزار شد (AFP via Getty Images)

آنها زمان می‌خرند تا وقتی اپوزیسیون خودش و برنامه‌هایش را معرفی کند تا بدانند خلاء قدرت در ایران اتفاق نمی‌افتد و ایران به سمت جنگ داخلی می‌رود.»

مسئول کمیسیون اقتصادی پارلمان بلژیک که خودش در تظاهرات ۱۲ هزار نفری ایرانی‌ها در استراسبورگ حضور داشت می‌گوید: «فرانسوی‌ها هنوز معتقدند سطح اعتراضات در ایران آنقدر بالا نیست؛ هرچند تلاش می‌شود با ارائه مدرک به آنها گفته شود که مردم عادی با دست خالی مقابل رژیم تروریست ایستاده‌اند که تا دندان مسلح است.» وی همچنین با اشاره به اینکه پارلمان اتحادیه اروپا اصلاحیه پیشنهادی برای «تعلیق مذاکرات برجام را نیز تصویب نکرد» گفت: «متأسفانه زمان زیاد نیست و این احتمال وجود دارد که غربی‌ها به مذاکرات بازگردند.»

با توجه به شرایط فعلی این پرسش مطرح است که اگر به دلایل مختلف تصمیم شورای وزرای اروپا در مورد قرار گرفتن سپاه پاسداران در فهرست سازمان‌های تروریستی به تأخیر بیفتد آیا قرار گرفتن آن در زمره سازمان‌های تروریستی در پارلمان اروپا می‌تواند اهرم فشار علیه این تشکیلات سرکوبگر و جمهوری اسلامی باشد؟

**بخش خصوصی در اروپا دیگر وارد معامله با ایران می‌شود**  
دکتر حسن منصور اقتصاددان ساکن بریتانیا با اشاره به اینکه «۷۰ تا ۸۰ درصد اقتصاد ایران زیر نگین سپاه قرار دارد» به کیهان لندن می‌گوید، «کشورهای عضو اتحادیه اروپا منافع متعارض دارند و این احتمال که قطعنامه مصوب پارلمان اروپا علیه سپاه پاسداران به تأیید شورای وزرای اتحادیه اروپا نرسد وجود دارد با این حال تا همینجا که پارلمان اروپا سپاه در فهرست سازمان‌های تروریستی قرار داده باعث خواهد شد شرکت‌های خصوصی در اروپا از تجارت با ایران خودداری کنند. آنها اصلاً نمی‌خواهند زیر تیغ تحریم‌های دولت‌های اروپایی و غیراروپایی بروند. آنجا که فکر کنند به مشکل می‌خورند وارد معامله نمی‌شوند.»

بسیاری تحلیلگران معتقدند ترس اروپایی‌ها از تشدید درگیری‌ها با سپاه پاسداران است اما دکتر حسن منصور در مورد پیامدهای احتمالی قرار گرفتن سپاه در فهرست تروریستی اروپا می‌گوید: «واکنش سپاه نمی‌تواند بزرگ باشد چون تجارت اروپا در مقایسه با ایران بسیار بزرگتر است و از نظر اقتصادی رژیم ایران توان اقدام اثربخش روی اقتصاد اروپا را ندارد. در مورد انرژی اروپا هم، باز معامله احیای برجام انجام نشد و در این مورد اروپا نگرانی از طرف ایران ندارد اما تنها

به عنوان سازمان تروریستی شناختند اما به «تعلیق مذاکرات برجام» رأی ندادند که انتقادات زیادی را در پی داشت.

چارلی ویمرز عضو پارلمان اروپا از سوئد که از موافقان توقف هرگونه مذاکره با رژیم ایران است در توثیقی نوشت هنوز راه برای آماده شدن نمایندگان پارلمان اروپا جهت متوقف کردن مذاکرات «بی‌ثمر» احیای برجام باقی مانده است.

هانا نیومن نماینده پارلمان اروپا از آلمان نیز در جریان سخنرانی در پارلمان با انتقاد از عدم حضور جوزپ بورل مسئول سیاست خارجی اتحادیه در جریان نشست بررسی وضعیت سپاه پاسداران گفته بود «این برای سومین بار است که بورل از حضور در جلسه پارلمان اروپا در مورد جمهوری اسلامی خودداری می‌کند که بی‌احترامی به نمایندگان و ۱۲ هزار ایرانی است که در استراسبورگ تظاهرات کردند.»

برخی منابع می‌گویند شورای وزرای اتحادیه اروپا قصد ندارد در جلسه روز دوشنبه ۲۳ ژانویه (سوم بهمن) سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را به عنوان سازمان تروریستی معرفی کند. بورل به عنوان مسئول سیاست خارجی اتحادیه همچنان موافق بسته شدن کانال مذاکره با جمهوری اسلامی نیست. اما مسئله چیست؟!

ملیسا امبرخیزی مسئول کمیسیون اقتصادی پارلمان بلژیک معتقد است، «جوزپ بورل مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا باید متوجه بشود که ما این رژیم را نمی‌خواهیم.» او به کیهان لندن می‌گوید: «قاعدتاً تا رأی شورای اتحادیه اروپا و گروه هفت را نداشته باشیم جوزپ بورل هیچ حرکتی نمی‌کند.»

**اروپایی‌ها نگران خلاء قدرت در ایران و وقوع جنگ داخلی‌اند**

از سوریه و یمن تا حتی قاره‌های دیگر و شهرهای خود ایران شواهد برای تروریست بودن سپاه پاسداران کم نیست اما به اعتقاد ملیسا امبرخیزی، بورل و برخی وزرا زمانی قرار گرفتن سپاه در فهرست سازمان‌های تروریستی را قبول می‌کنند که در مورد این قضیه توجیه شده باشند اما وی می‌گوید «مشکل اینجاست که متأسفانه اپوزیسیون که با آنها گفتگو کنند نداریم.»

مسئله اصلی دولت‌های اروپایی خلاء قدرت در خاورمیانه پس از فروپاشی احتمالی رژیم ایران است. ملیسا امبرخیزی می‌گوید: «اروپایی‌ها از آغاز یک جنگ دیگر در منطقه بسیار نگرانند به ویژه اینکه الان درگیر حمله روسیه به اوکراین هستند و اصلاً نمی‌خواهند وارد جنگ و ناامنی دیگری شوند.

سه تحلیلگر سیاسی و اقتصادی در گفتگو با کیهان لندن ضمن بیان دیدگاه‌های خود در مورد رأی نمایندگان پارلمان اروپا به تروریستی بودن سپاه پاسداران، به بررسی موانع پیش رو برای تأیید تروریستی خواندن سپاه در شورای وزیران اتحادیه اروپا و دلایل مقامات غربی برای متوقف نکردن رسمی مذاکرات برجام پرداخته‌اند.

ملیسا امبرخیزی مسئول کمیسیون اقتصادی پارلمان بلژیک: «اروپایی‌ها از آغاز یک جنگ در منطقه بسیار نگرانند به ویژه اینکه الان درگیر حمله روسیه به اوکراین هستند و اصلاً نمی‌خواهند وارد جنگ و ناامنی دیگری شوند. آنها زمان می‌خرند تا وقتی اپوزیسیون خودش و برنامه‌هایش را معرفی کند تا بدانند خلاء قدرت در ایران اتفاق نمی‌افتد و ایران به سمت جنگ داخلی می‌رود.»

دکتر حسن منصور اقتصاددان: «کشورهای عضو اتحادیه اروپا منافع متعارض دارند و این احتمال که قطعنامه مصوب پارلمان اروپا علیه سپاه پاسداران به تأیید شورای وزرای اتحادیه اروپا نرسد وجود دارد با این حال تا همینجا که پارلمان اروپا سپاه را در فهرست سازمان‌های تروریستی قرار داد باعث خواهد شد شرکت‌های خصوصی در اروپا از تجارت با ایران خودداری کنند. آنها اصلاً نمی‌خواهند زیر تیغ تحریم‌های دولت‌های اروپایی و غیراروپایی بروند.»

مقامات ارشد جمهوری اسلامی دولت‌های غربی را به دلیل قرار دادن سپاه پاسداران در فهرست سازمان‌های تروریستی اروپا تهدید می‌کنند. همزمان تحلیلگران معتقدند برای پشتیبانی از خیزش آزادیخواهانه مردم ایران ادامه فشارهای بین‌المللی علیه رژیم ملایان به ویژه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و انسداد کانال‌های تأمین مالی تروریسم ضروریست اما موانع دشوار در این مسیر کم نیست.

در واکنش به تصویب قطعنامه قرار گرفتن سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در فهرست سازمان‌های تروریستی توسط پارلمان اروپا، مقامات رژیم ایران می‌گویند این اقدام «از روی استیصال» به خاطر «تلاش‌های ناموفق خیابانی آنها برای ضربه به جمهوری اسلامی» است.

سردار پاسدار محمدباقر قالیباف رئیس مجلس شورای اسلامی تهدید کرد «قطعاً به شیوه کاملاً متفاوت با اروپایی‌ها برخورد می‌کنیم!» برخی نمایندگان مجلس نیز ادعا کردند «مسیر ترانزیتی اروپا در منطقه دیگر امنیت نخواهد داشت.» اگرچه اعضای پارلمان اروپا با اکثریت آراء سپاه پاسداران را



## تصویب چهارمین بسته تحریمی اتحادیه اروپا علیه جمهوری اسلامی به علت سرکوب مردم معترض



ابراهیم رئیسی «قاضی مرگ» در کنار حسین سلامی و اسماعیل قانانی

توسط پارلمان اروپا فشار بر جمهوری اسلامی را به شدت افزایش داده است. با اینهمه برای شناسایی آن توسط شورای وزیران اروپا راه دشواری باقی مانده است. شورای اتحادیه اروپا قرار بود در بروکسل وضعیت سپاه پاسداران را بررسی کند اما از قرار معلوم این موضوع به هفته‌های آتی موکول شده است.

جو زپ بول مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا و از حامیان دواتشه «احیای برجام» می‌گوید «تروریستی اعلام کردن سپاه مسئله‌ای است که منوط به تصمیم حداقل یک دادگاه در یکی از کشورهای عضو اتحادیه اروپاست و قبل از اینکه اتحادیه اروپا بتواند اقدام کند باید یک محکومیت حقوقی مشخص برای سپاه صادر شود.»

پیش از این شماری از نمایندگان پارلمان اروپا از جمله هانا نوین نماینده پارلمان اروپا از آلمان گفته بودند «پیام پارلمان اروپا روشن است، سپاه یک سازمان تروریستی است و باید در لیست ترور باشد.» او در توییتی نوشته بود «انتظار داریم تعداد بیشتری از نهادهای سپاه در لیست تحریم‌ها قرار گیرند و راه‌های قرار گرفتن سپاه پاسداران در فهرست سازمان‌های تروریستی بررسی شود و تا وقتی که خشونت علیه معترضان و زندانیان سیاسی ادامه دارد، هیچ مذاکره‌ای در مورد برجام وجود نداشته باشد.»

اخیراً «راديو فردا» گزارش داد به سندی دست یافته که نشان می‌دهد حمید سجادی هزاه وزیر ورزش و جوانان، مصطفی آقامیرسلی نماینده مجلس شورای اسلامی، عباس نیلفروشان جانشین فرمانده بخش عملیاتی سپاه پاسداران و محمد کرمی از فرماندهان ارشد قرارگاه «قدس سپاه» و استاندار سیستان و بلوچستان به همراه شماری از مسئولان صداوسیما جمهوری اسلامی از جمله افرادی هستند که در صورت تصویب، مشمول تحریم‌های جدید اتحادیه اروپا خواهند شد.

● وزیر خارجه اتحادیه اروپا ۳۷ نفر از عوامل جمهوری اسلامی و سازمان‌های مرتبط با سرکوب اعتراضات را به لیست تحریم‌ها اضافه کرد.

● نمایندگی سوئد که ریاست شورای اتحادیه اروپا را بر عهده دارد در توییتی نوشت «وزیر خارجه کشورهای عضو اتحادیه اروپا بسته جدیدی از تحریم‌ها را علیه ایران تصویب کردند که عوامل سرکوب را هدف قرار می‌دهد... اتحادیه اروپا استفاده وحشیانه و نامتناسب از زور از سوی مقام‌های جمهوری اسلامی علیه معترضان مسالمت‌آمیز را به شدت محکوم می‌کند.»

براساس گزارش منابع خبری آلمان وزاری خارجه اتحادیه اروپا دوشنبه ۲۳ ژانویه (سوم بهمن) در نشست بروکسل در مورد تحریم بیش از ۳۰ نفر از عوامل و نهادهای وابسته به جمهوری اسلامی را که در نقض جدی حقوق بشر و سرکوب اعتراضات و همچنین ارسال تسلیحات از جمله پهپادهای انتحاری به روسیه دخالت داشتند به توافق رسیدند.

تحریم‌های جدید اروپا چهارمین بسته تحریمی علیه رژیم ایران در چهار ماه اخیر است که طی آن ۳۷ نفر از عوامل سرکوب اعتراضات مردم از جمله فرماندهان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در لیست سپاه قرار می‌گیرند.

نمایندگی سوئد که ریاست شورای اتحادیه اروپا را بر عهده دارد در توییتی نوشت «وزیر خارجه کشورهای عضو اتحادیه اروپا بسته جدیدی از تحریم‌ها را علیه ایران تصویب کردند که عوامل سرکوب را هدف قرار می‌دهد... اتحادیه اروپا استفاده وحشیانه و نامتناسب از زور از سوی مقام‌های جمهوری اسلامی علیه معترضان مسالمت‌آمیز را به شدت محکوم می‌کند.»

اینهمه در حالیست که تا کنون نیز تصویب قطعنامه قرار گرفتن سپاه پاسداران در فهرست سازمان‌های تروریستی

→ نگرانی آنها اقدامات ایدایی سپاه از جمله گروگانگیری و آسیب به شهروندان خارجی است.»

در صورت عدم تأیید تروریستی بودن سپاه پاسداران در شورای وزیران اتحادیه اروپا این احتمال که دولت‌های اروپایی بطور مستقل اقدام به مجازات این نهاد نظامی نامتعارف و تروریستی کنند وجود دارد.

ملیسا امیرخیزی در همین ارتباط می‌گوید: «انگلیس که به هر حال جدا از اتحادیه تصمیم می‌گیرد احتمالاً شروع کننده تحریم‌ها خواهد بود اما در داخل اتحادیه اروپا، فرانسه به عنوان یکی از دو قدرت اصلی همچنان باید در مورد وضعیت ایران قانع و توجیه شود. آلمان راضی شده اما آنچیزی که می‌شنویم با آنچه اجرا می‌کند متفاوت است. کشورهای کوچک اروپا نیز در روابط اقتصادی با ایران منافع دارند. بنابراین باید در داخل اروپا با خودشان توافق کنند.»

### نگرانی فرانسه از تشدید اقدامات تروریستی است

سعید بشیرتاش فعال سیاسی و از مؤسسان «جبهه ۷ آبان» به در مورد مواضع دولت فرانسه به کیهان لندن می‌گوید: «به صورت کلی برای آنها دو مسئله وجود دارد: اول اینکه هنوز جمهوری اسلامی بر سر قدرت است و جایگزین ندارد و اصولاً فرانسه می‌خواهد کانال‌های مذاکره با رژیم باز بماند. مسئله دوم آنها برجام است و نگرانی از تشدید اقدامات تروریستی و می‌گویند اگر رژیم جایگزینی نداشته باشد و همزمان درهای مذاکرات برجام بسته شود جمهوری اسلامی به تروریسم دامن می‌زند. برای همین فعلاً در فراخواندن سفرا محتاط عمل کرده‌اند.»

با اینهمه بشیرتاش معتقد است «شرایط از چهار ماه پیش تا کنون بطور کلی تغییر کرده است.» او می‌گوید: «حتا خود ما ایرانی‌ها فکر نمی‌کردیم پارلمان اروپا سپاه را تروریستی اعلام کند.» به اعتقاد این فعال سیاسی و بسیاری دیگر از تحلیلگران، «دید غربی‌ها نسبت به مسائل ایران تغییر کرده است.»

دولت‌های غربی همانطور که فکر نمی‌کردند اوکراین در مقابل تهاجم روسیه مقاومت کند، به همان شکل محاسبه نکرده بودند که مردم ایران نیز با دست خالی در مقابل رژیم سرکوبگر و تشکیلاتی جنایتکار و تروریست مثل سپاه پاسداران به خیزش آزادخواهانه‌ی خود ادامه دهند.

بشیرتاش در تأیید این موضوع می‌گوید: «هیچوقت اروپایی‌ها تا این اندازه با مردم ایران همدل نبودند. به ویژه آنکه ارزش‌هایی که امروز مردم مترقی ایران دنبال آن هستند شبیه همان ارزش‌هایی است که دموکراسی‌های لیبرال غربی پایبند و مدافع آن هستند. درواقع مردم ایران به دنبال کرامت و آزادی و ارزش‌های فردی‌اند که مدافع چنین تفکری کشورهای غربی‌اند و به گوش رهبران آنها رسیده که مردم ایران خواهان تغییر رژیم هستند.»

این فعال سیاسی بیان می‌کند: «اگر رهبران آلمان و فرانسه متقاعد شوند که سپاه باید در فهرست سازمان‌های تروریستی قرار گیرد سایر دولت‌های اروپایی را دنبال خود خواهند کشاند. به ویژه آنکه دولت جدید ایتالیا علناً مخالف جمهوری اسلامی است.»

در این میان، هرچند جو زپ بول در مورد هرگونه اقدام اروپایی‌ها علیه جمهوری اسلامی محتاط عمل می‌کند اما در واقع او معتقد است هر آن احتمال وقوع یک جنگ با رژیم ایران وجود دارد. وی در اواخر مهرماه ۱۴۰۱ به حسین امیرعبداللہیان وزیر خارجه جمهوری اسلامی پیام داد که اگر مذاکرات برجام نتیجه نداشته باشد «گزینه بعدی چیز خوبی نخواهد بود!» وی همچنین طی سه سال گذشته بارها به تهران توصیه کرده برجام موشکی و منطقه‌ای را بپذیرد و دست از ماجراجویی بردارد اما گوش شنوایی برای آن نبوده است.

## نتایج یک نظرسنجی: ۶۰ درصد از پاسخ‌دهندگان در تظاهرات شرکت کرده و یک سوم آنها مجروح شدند



اعتراضات شبانه در تهران

اعتراضات شرکت کرده‌اند. از سوی دیگر افراد دارای «شغل دائمی» بیشتر با همراهی دیگران در اعتراضات شرکت کرده‌اند و افراد دارای مشاغل قراردادی و موقت بیشتر به تنهایی به اعتراضات پیوسته‌اند. حدود یک سوم از پاسخ‌دهندگان که در اعتراضات شرکت کرده‌اند، می‌گویند در جریان اعتراضات مجروح شده‌اند. در این میان درصد مجروح شدن افراد متاهل کمتر از افراد مجرد بوده است. «پایگاه داده‌های باز ایران» در گزارش این نظرسنجی تأکید کرده که در غیاب اطلاعات میدانی دقیق در مورد میزان شرکت افراد در اعتراضات، داده‌های باز ایران تلاش کرده است با استفاده از مشارکت افراد در فضای آنلاین بتواند در این زمینه اطلاعات روشن‌تری گردآوری کند. واضح است که این اطلاعات قابل تعمیم به کل مردم نیست اما روابط بین متغیرهای فردی و اجتماعی با موضوع شرکت در اعتراضات، می‌تواند در این فضای تاریک بی‌اطلاعی، نوری بر واقعیت بیندازد. این نظرسنجی آنلاین برای مدت ده روز، از ۵ تا ۱۵ آذرماه ۱۴۰۱ در دسترس کاربران بوده و در این مدت، ۷۹۳/۱ نفر از کاربران فضای مجازی در این فراخوان مشارکت کرده‌اند و به پرسش‌های این فراخوان پاسخ داده‌اند. ۹۴ درصد از پاسخ‌دهندگان در مناطق شهری و ۶ درصد در مناطق روستایی ساکن بوده‌اند. شرکت‌کنندگان در ۳۱ استان کشور پراکنده بوده‌اند. بیشترین پاسخ‌دهندگان می‌گویند ساکن تهران هستند. کمترین میزان پاسخ‌دهندگان ساکن استان خراسان جنوبی و ایلام بوده‌اند. میانگین سنی نظردهندگان ۳۴ سال بوده. ۲۸ درصد از شرکت‌کنندگان زن و ۶۹ درصد مرد بوده‌اند و ۳ درصد جنسیت دیگری را برای خود انتخاب کرده‌اند. ۴۸ درصد از پاسخگویان تحصیلاتی کمتر از کارشناسی داشته‌اند و ۵۲ درصد پیش از کارشناسی.

در این گزارش همچنین آمده که «در یک نظرسنجی متناسب به نهاد نمایندگی رهبری در دانشگاه‌های کشور گفته شده است که ۸۳ درصد از مردم در این اعتراضات شرکت نکرده‌اند، اما معتزند. مطابق این نظرسنجی ۶۵ درصد مردم اعتراض‌ها و حتی آن چه «اغتشاشات» نامیده شده را تایید کرده‌اند.»

در اعتراضات شرکت کرده‌اند. ۵۵ درصد از نظردهندگان که در اعتراضات اخیر شرکت کرده‌اند، می‌گویند در فاصله‌ی یک ماه پس از قتل حکومتی مهسا امینی در اعتراضات شرکت کرده‌اند و ۴۵ درصد می‌گویند در فاصله دو ماه پس از آن رویداد شروع به شرکت در اعتراضات کرده‌اند. تعداد دفعات حضور هر شهروند در اعتراضات نیز قابل توجه است. نظرسنجی پایگاه «داده‌های باز ایران» نشان می‌دهد که ۷۱ درصد از پاسخگویانی که در اعتراضات شرکت کرده‌اند، می‌گویند ۱۰ بار یا کمتر، و ۲۹ درصد دیگر می‌گویند بیشتر از ۱۰ بار در اعتراضات شرکت کرده‌اند. بخش دیگری از این نظرسنجی نشان می‌دهد که دفعات شرکت مردان در اعتراضات بیش از تعداد دفعات شرکت زنان در اعتراضات بوده. دفعات شرکت افراد بدون تحصیلات دانشگاهی در اعتراضات بیش از دفعات شرکت افراد دارای تحصیلات دانشگاهی در اعتراضات بوده است. یکی دیگر از نتایج قابل توجه این نظرسنجی اینست که زنان می‌گویند که بیشتر با همراهی دیگران به اعتراضات پیوسته‌اند، اما مردان بیشتر به تنهایی و یا گاهی همراه با دیگران در اعتراضات شرکت کرده‌اند. ۴۱ درصد از پاسخگویان می‌گویند برای شرکت در اعتراضات به محله دیگری غیر از محل سکونت خود رفته‌اند و ۱۶ درصد در محل خودشان به اعتراض پرداخته‌اند. در مقابل ۴۳ درصد از آنان می‌گویند هم در محله خود هم در محله‌های دیگر در اعتراضات شرکت کرده‌اند. بیش از یک سوم از افرادی که در اعتراضات شرکت داشته‌اند با «اعضای خانواده» به اعتراضات رفته‌اند. آمارهای استخراج‌شده از این نظرسنجی بیانگر اینست که «۵۷ درصد از پاسخگویانی که برای شرکت در اعتراضات همراه داشته‌اند، می‌گویند با دوستانشان، ۳۷ درصد از آنان با اعضای خانواده‌شان، و ۶ درصد دیگر با همکاران‌شان در این اعتراضات حضور داشته‌اند.» همچنین افراد زیر ۴۰ سال بیشتر با دوستان و همکاران و افراد بالاتر از ۴۰ سال بیشتر با یکی از اعضای خانواده در

۵۷ درصد از پاسخ‌دهندگان می‌گویند دست‌کم یکی از اعضای خانواده آنها در اعتراضات اخیر شرکت کرده است. همچنین ۷۶ درصد از شرکت‌کنندگان می‌گویند خود آنان و یا یکی از اعضای خانواده‌شان در اعتراضات حضور داشته‌اند. ۴۰ درصد از افراد زیر ۴۰ سال بیشتر با دوستان و همکاران و افراد بالاتر از ۴۰ سال بیشتر با یکی از اعضای خانواده در اعتراضات شرکت کرده‌اند. مردان بیش از زنان در اعتراضات حضور داشته‌اند. زنان می‌گویند که بیشتر با همراهی دیگران به اعتراضات پیوسته‌اند، اما مردان بیشتر به تنهایی و یا گاهی همراه با دیگران در اعتراضات شرکت کرده‌اند.

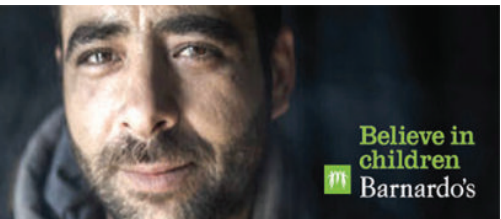
«پایگاه داده‌های باز ایران» نتایج یک نظرسنجی درباره اعتراضات چهارماه گذشته در ایران را منتشر کرده که نشان می‌دهد ۶۰ درصد از پاسخ‌دهندگان در اعتراضات شرکت کرده و یک سوم از آنها توسط مأموران جمهوری اسلامی زخمی شده‌اند. «پایگاه داده‌های باز ایران» نتایج تازه‌ترین یک نظرسنجی با عنوان «میزان مشارکت در اعتراضات ۱۴۰۱» را منتشر کرده که آمارهای قابل توجهی درباره شرکت‌کنندگان در جنبش انقلابی را نشان می‌دهد.

بر اساس نتایج استخراج شده از این نظرسنجی حدود ۶۰ درصد از پاسخ‌دهندگان گفته‌اند در اعتراضات سال ۱۴۰۱ شرکت کرده‌اند. حدود یک سوم از نظردهندگان که در اعتراضات شرکت کرده‌اند، گفته‌اند که مجروح شده‌اند. همچنین مردان بیشتر از زنان و به دفعات بیشتری نسبت به زنان در اعتراضات شرکت داشته‌اند. افراد مجرد بیش از افراد متأهل در اعتراضات خیابانی حضور داشته و ۴۱ درصد از پاسخ‌دهندگان گفته‌اند برای شرکت در اعتراضات به محله‌هایی غیر از محل سکونت خود رفته‌اند.

نتایج این نظرسنجی نشان می‌دهد که ۵۷ درصد از پاسخگویان می‌گویند دست‌کم یکی از اعضای خانواده آنها در اعتراضات اخیر شرکت کرده است. همچنین ۷۶ درصد از پاسخگویان می‌گویند خود آنان و یا یکی از اعضای خانواده‌شان

**Boloh** مشاوران سازمان کمک‌دهنده  
 با تسلط به زبان مادری شما، همواره آماده همکاری و کمک به متقاضیان بزرگسال پناهندگی در بریتانیا هستند.

لطفاً با شماره تلفن:  
**۰۸۰۰۱۵۱۲۶۰۵**  
 تماس بگیرید.



حال افزایش باشد. در نتیجه افزایش سالانه حقوق نتوانسته به بهبود شرایط معیشتی این اقشار کمک کند بلکه ارزش واقعی دستمزد آنها نیز سالانه، و با افزایش تورم، کاهش یافته است. فرامرز توفیقی فعال کارگری و نماینده کارگران در شورای عالی کار معتقد است که «از سال ۶۹ که قانون کار تصویب شد تا کنون، ماده ۴۱ قانون کار رنگ واقعیت به خود ندیده و همواره با دروغ، تورم را به دستمزد افزوده‌اند، در صورتی که تورم روی مخارج است نه روی مداخل!»

فرامرز توفیقی توضیح داده که «وقتی سبد معیشت واقعی تعیین شود و تورم بر آن بنشیند، آن وقت است که ارزش دستمزد واقعی مشخص می‌شود؛ تا به حال هیچ ارگان رسمی

## افزایش تاریخی تورم در دی‌ماه؛ موج بزرگتری از فقر و فلاکت در راه است



جرات تعیین قیمت واقعی مزد را نداشته، چون دستمزد حال حاضر کارگران در واقع رقم ۴ یا ۵ میلیون نیست بلکه ارزش این پول در حد یک میلیون و ۸۷۰ هزار تومان است!» از سوی دیگر در حالی که بر اساس قوانین جمهوری اسلامی رقم حداقل دستمزد باید در کمیته‌ای متشکل از نمایندگان کارگران، کارفرمایان و وزارت کار تعیین شود. اما امسال بر خلاف این قانون، افزایش تنها ۲۰ درصدی حقوق کارگران در لایحه بودجه گنجانده شده و انتقادهای زیادی را در پی داشته است. امید علی ناظری فعال کارگری معتقد است که «قانون کار به صراحت تعیین دستمزد بر اساس تورم و سبد معیشت خانوار را تعریف نموده و مجلس هرگز نمی‌تواند نسبت به افزایش مزد برای جامعه کارگری تصمیم بگیرد و فقط قادر به نظارت می‌باشد. زمانی می‌توان ۲۰ درصد افزایش مزد گنجانده شده در لایحه بودجه را پذیرفت که نرخ ارز ثابت باقی بماند. جامعه کارگری حتی نسبت به ۵۷ درصد افزایش حقوق سال جاری نیز معترض می‌باشد زیرا با بالا رفتن چند صد درصدی قیمت‌ها، مزد دریافتی بی ارزش شد.»

امیدعلی ناظری افزوده که «بخش عظیمی از کارگران و بازنشستگان فاقد مسکن می‌باشند و بیش از نصف حقوق خود را صرف اجاره بها می‌کنند؛ لذا افزایش دستمزد کم‌تر از ۷۰ یا ۸۰ درصد بی فایده می‌باشد؛ اگر نمایندگان کارگری در شورای عالی کار مانند گذشته رضایت نسبی نداشته باشند قطعا بدون امضای صورتجلسه، جلسه را ترک خواهند کرد.» فاجعه‌ی افزایش تورم و عدم حمایت از اقشار حداقل‌بگیر بدون شک سبب گسترش فقر و فلاکت طی ماه‌های آینده خواهد شد. در شرایطی که ایران با جنبشی انقلابی علیه جمهوری اسلامی روبروست، افزایش مشکلات اقتصادی خانوارها به عنوان محرک مهمی در تشدید اعتراضات عمل خواهد کرد.

افزایش تورم در دی‌ماه امسال و در شرایطی که طی هفته‌های گذشته با افزایش شدید نرخ ارز، بهای ارزش پول ملی کاهش یافته، پیام خوبی برای اقشار تنگدست و حقوق‌بگیر در بر ندارد. با جهش قیمت ارز در دی‌ماه، ارزش ریال ایران نسبت به آذرماه حدود ۱۰ درصد کاهش یافت. در حالیکه در دی‌ماه هر دلار آمریکا در بازار آزاد ایران به طور میانگین ۴۱ هزار تومان معامله شد که افزایش نرخ ارز ادامه دارد و هم‌اکنون نرخ دلار به حدود ۴۵ هزار تومان رسیده است که نشان از کاهش بیشتر پول ملی و افزایش تورم دارد.

در چنین شرایطی بیشترین فشار تورمی بر دهک‌های کم‌درآمد از جمله اقشار کارگری وارد می‌شود. فعالان کارگری از ابتدای امسال و در شرایطی که دولت با حذف ارز ترجیحی، سرعت تورم را با سرعت بالایی روبرو کرد، خواستار افزایش دستمزدها بودند. در حال حاضر رقم دستمزد کارگری حدود ۶ میلیون تومان در ماه است اما برآوردها نشان می‌دهد که هزینه سبد معیشت که شامل هزینه‌های ضروری زندگی یک خانواده سه تا چهار نفره در یک ماه است، برای ساکنان پایتخت ۳۲ میلیون تومان و برای دیگر شهرهای بزرگ و کوچک ۲۰ تا ۱۸ میلیون تومان است.

اینهمه در حالیست که مذاکرات تعیین رقم حداقل دستمزد برای سال آینده نیز آغاز شده و فعالان کارگری معتقدند با توجه به فشار شدید معیشتی بر خانواده‌های کارگری باید رقم دستمزد در سال آینده با افزایش متناسب با تورم روبرو شود.

در شرایطی که ماده ۴۱ قانون کار تأکید دارد که «حداقل مزد کارگران با توجه به درصد تورمی که از طرف بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران اعلام می‌شود» اما سالهاست که رقم حداقل دستمزد تعیین شده از سوی وزارت کار هیچ تناسبی با نرخ تورم ندارد. این روند باعث شده که فاصله میان دستمزدها و هزینه‌ها برای اقشار کارگری و دیگر حداقل‌بگیران مدام در

● مرکز آمار ایران تازه‌ترین گزارش تورمی کشور مربوط به دی‌ماه ۱۴۰۱ را منتشر کرده که نشان می‌دهد شاخص‌های تورمی نقطه‌ای، سالانه و ماهانه، عین‌ماه‌های پیش از آن، با افزایش روبرو بوده است.

● تورم همچنان برای فقیرترین دهک‌های جامعه حدود ده درصد بیش از تورم برای غنی‌ترین دهک کشور است.

مرکز آمار ایران گزارش تورم دی‌ماه ۱۴۰۱ را منتشر کرده که نشان از ثبت رکورد تازه‌ای در تورم کشور دارد. تورم نقطه‌ای به ۳/۵۱ درصد و تورم سالانه به ۳/۴۶ درصد رسیده است. آمار جدید تورم نگرانی نسبت به وضعیت اقشار کم‌درآمد و حقوق‌بگیر، و گسترش فقر را بیش از پیش افزایش داده است. مرکز آمار ایران تازه‌ترین گزارش تورمی کشور مربوط به دی‌ماه ۱۴۰۱ را منتشر کرده که نشان می‌دهد شاخص‌های تورمی نقطه‌ای، سالانه و ماهانه مانند ماه‌های پیش از آن با افزایش روبرو بوده است.

به گزارش مرکز آمار، نرخ تورم نقطه‌ای در دی‌ماه ۱۴۰۱ به ۳/۵۱ درصد رسیده است. منظور از نرخ تورم نقطه‌ای، درصد تغییر شاخص قیمت، نسبت به ماه مشابه سال قبل است. نرخ تورم نقطه‌ای در دی‌ماه ۱۴۰۱، به عدد ۳/۵۱ درصد رسیده است؛ یعنی خانوارهای کشور به طور میانگین ۳/۵۱ درصد بیشتر از دی ۱۴۰۰ برای خرید یک «مجموعه کالاها و خدمات یکسان» هزینه کرده‌اند.

نرخ تورم نقطه‌ای دی‌ماه ۱۴۰۱، در مقایسه با ماه قبل ۸/۲ واحد درصد افزایش یافته است. نرخ تورم نقطه‌ای مواد غذایی با افزایش ۹/۳ واحد درصدی به ۲/۶۹ درصد رسیده و گروه «کالاهای غیرخوراکی و خدمات» با افزایش ۳/۲ واحد درصدی به ۲/۴۱ درصد رسیده است.

همچنین طبق این گزارش، نرخ تورم ماهانه دی ۱۴۰۱ به ۳/۴ درصد رسیده که در مقایسه با همین آمار در ماه قبل، ۴/۲ واحد درصد افزایش داشته است. تورم ماهانه برای گروه‌های عمده «خوراکی‌ها، آشامیدنی‌ها و دخانیات» ۱/۴ درصد و برای گروه مواد غذایی و مصرفی بی‌دوام ۵/۴ درصد بوده است. این در حالی است که نرخ تورم ماهانه برای خانوارهای شهری و روستایی به ترتیب ۳/۴ درصد و ۳/۴ درصد می‌باشد که نسبت به ماه قبل برای خانوارهای شهری ۲/۲ واحد درصد افزایش و برای خانوارهای روستایی ۱/۳ واحد درصد افزایش داشته است. منظور از نرخ تورم سالانه، درصد تغییر میانگین اعداد شاخص قیمت در یک سال منتهی به ماه جاری، نسبت به دوره مشابه قبل از آن می‌باشد. نرخ تورم سالانه دی‌ماه ۱۴۰۱، برای خانوارهای کشور به ۳/۴۶ درصد رسیده که نسبت به همین اطلاع در ماه قبل، ۳/۱ واحد درصد افزایش نشان می‌دهد. طبق اعلام مرکز آمار، در گروه مواد غذایی بیشترین افزایش قیمت نسبت به ماه قبل مربوط به گروه «سبزیجات» (پیاز، بادمجان و کاهو) و گروه «انواع گوشت» (گوشت گوسفند، گوشت گاو یا گوساله و انواع ماهی) و گروه «میوه و خشکبار» می‌باشد. در گروه عمده «کالاهای غیرخوراکی و خدمات»، گروه «حمل و نقل» (انواع اتومبیل سواری)، گروه «هتل و رستوران» (انواع غذاهای سرو شده در رستوران) و گروه «بهداشت و درمان» (انواع دارو) بیشترین افزایش قیمت را نسبت به ماه قبل داشته‌اند. مرکز آمار ایران آمار تورم ماهانه و سالانه را همچنین برای دهک‌های مختلف درآمدی جداگانه محاسبه کرده و سبد مختلف مصرفی را با احتساب نسبت تورم مواد غذایی در برابر تورم کلیه کالاها حساب کرده است. براساس این محاسبات، دامنه تغییرات نرخ تورم سالانه در دی‌ماه ۱۴۰۱ برای دهک‌های مختلف هزینه‌ای از ۴۳.۷ درصد برای دهک دهم تا ۲/۵۳ درصد برای دهک اول است. این نشان می‌دهد تورم همچنان برای فقیرترین دهک‌های جامعه حدود ده درصد بیش از تورم برای غنی‌ترین دهک کشور است.

# باز شیطان نقاب از چهره برداشت؛ سپاه پاسداران می‌تواند پاشنه آشیل جمهوری اسلامی باشد



حسین سلامی فرمانده سپاه پاسداران در کنار حسین اشتری فرمانده پیشین نیروی انتظامی و یحیی رحیم صفوی فرمانده پیشین سپاه

● به نظر می‌رسد غرب و متحدانش در منطقه اجرای «پلان B» را آغاز کرده‌اند. اگر روزی «گزینه نظامی» به عنوان راه حل جایگزین برای مهار تهدیدات جمهوری اسلامی به ویژه در زمینه هسته‌ای مطرح می‌شد اما اکنون غرب می‌تواند روی خیزش مردم علیه جمهوری اسلامی و «تغییر رژیم» حساب باز کند. حسابی که منفعت مشترک مردم ایران و غربی‌ها در آن است.

● در فضایی مسموم که مقامات سیاسی و لشکری مجبورند دائم میزان وفاداری خود را به نظام و خامنه‌ای اثبات کنند حتی اگر مأموریت به ارتشی‌ها برای سرکوب مردم اغراق باشد ولی کیومرث حیدری برای آنکه خیال «فرمانده کل قوا» را از وضعیت نیروهای تحت امرش راحت کند و از رقابت در چاکرمایی عقب نماند، زیر تیغ تحریم‌ها رفت.

● روزنامه «فرهیختگان» که زیر نظر علی‌اکبر ولایتی مشاور خامنه‌ای منتشر می‌شود می‌نویسد اروپایی‌ها اقداماتشان علیه سپاه و اقتصاد ایران را بی‌سر و صدا شروع کردند. این روزنامه پیشنهاد داده برای مقابله با این وضعیت «نهادهای امنیتی باید لیستی از لابیگران ایرانی تبار تهیه کرده و منافع سیاسی و شخصی آنها را تحت فشار متقابل قرار دهد. ضربات باید شامل تحریم وابستگان در دسترس این افراد شده و برخی حقوق شهروندی آنان مانند دسترسی به حساب‌های بانکی و وام مسدود گردد. خود آنها نیز باید تحت فشارهای چندگانه قرار گیرند».

● در شرایطی که مذاکرات آژانس بین‌المللی انرژی اتمی با مقامات رژیم به بن‌بست رسیده، برای جلوگیری از دسترسی رژیم تروریست‌ها به تسلیحات هسته‌ای، در دسترس‌ترین گزینه‌ی غرب، کمک به مردم ایران برای «تغییر رژیم» است. مأموریت‌های سپاه پاسداران انقلاب اسلامی اعم از سیاسی، اقتصادی، امنیتی و نظامی، در داخل و خارج ایران از ظرفیت و توان ساختاری این تشکیلات فراتر رفته و همین پاشنه آشیل جمهوری اسلامی است که آن را از پای در خواهد آورد.

حامد محمدی- نوع تحریم‌های غرب علیه جمهوری اسلامی تغییر کرده و تشدید شده است. این فقط یک ادعا نیست. در بیانیه وزارت خارجه انگلیس که در آن شماری از مقامات ارشد جمهوری اسلامی به اتهام نقض حقوق بشر و دخالت در سرکوب‌ها تحریم شده‌اند نام کیومرث حیدری فرمانده نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی دیده می‌شود.

اینکه یک مقام ارشد نظامی در ایران تحریم می‌شود اتفاق جدیدی نیست اما وزارت خارجه انگلیس در مورد اینکه چرا فرمانده نیروی زمینی ارتش را تحریم کرده توضیح می‌دهد که «حیدری علناً به دخالت خود و نیروهایش در سرکوب اعتراضات اعتراف کرده است».

در همین بیانیه جیمز کلورلی وزیر خارجه بریتانیا می‌گوید «کسانی که تحریم شده‌اند، عواملی هستند که اعدام می‌کنند و اراذل و اوباش را برای کتک زدن مردم به خیابان‌ها می‌فرستند و تحریم آنها این پیام را می‌فرستد که راه گریزی نخواهند داشت».

ادعای وزارت خارجه بریتانیا کاملاً درست است. حیدری اسفند ۱۳۹۹ در مصاحبه با وبسایت دفتر رهبر جمهوری اسلامی ادعا (یا اعتراف) کرد که یکی از مأموریت‌های نیروی زمینی ارتش (نزاجا) مربوط به «ناآرامی‌ها» بوده است.

## اثبات وفاداری به خامنه‌ای کار دست ارتش می‌دهد

اگرچه در مورد دخالت ارتش در سرکوب‌ها گزارش‌ها بسیار ضد و نقیض است اما در فضایی مسموم که مقامات سیاسی و لشکری مجبورند دائم میزان وفاداری خود را به نظام و خامنه‌ای اثبات کنند حتی اگر مأموریت به ارتشی‌ها برای سرکوب مردم اغراق باشد، ولی کیومرث حیدری برای آنکه خیال «فرمانده کل قوا» را از وضعیت نیروهای تحت امرش راحت کند و از رقابت در چاکرمایی عقب نماند، زیر تیغ تحریم‌ها رفت. در این میان اما بعید نیست تحریم‌های مربوط به نقض حقوق بشر یا تحریم‌های مربوط به پشتیبانی تسلیحاتی از روسیه در تجاوز به اوکراین، ارتش جمهوری اسلامی را بیش از اینها گرفتار کند.

## بدبینی به داخل نظام رسوخ می‌کند

با تداوم وضعیت انقلابی در کشور، در خود نظام در نزدیک‌ترین لایه‌ها به مرکز اصلی قدرت اختلافات بیشتر علنی شده است. آنها نیز همدیگر را رصد می‌کنند که کدام مقام در جریان اعتراضات ساکت ماند و آنطور که باید پشت نظام نایستاد! در همین ارتباط اردشیر مطهری نماینده مجلس شورای اسلامی در نطقی گفته «در اتفاقات اخیر برخی از مسئولان وسط لحاف خوابیدند و غلت نخوردند در حالی که این روزهاست که نظام نیاز دارد ما پشت و کنار آن بایستیم».

به دنبال سرکوب شدید و وحشیانه‌ی مردم به همراه بازداشت‌های گسترده، اجرای حکم اعدام چند معترض جوان و قتل‌های مشکوک فعالان میدانی و فشار بر خانواده‌های جانب‌باختگان امسال و سال گذشته، مدتی است تظاهرات ضدحکومتی در خیابان‌های ایران فروکش کرده بدون اینکه به وضعیت انقلابی در کشور پایان داده باشد. از همین رو نیز دولت‌های غربی که طی چهار ماه اخیر به این نتیجه رسیده بودند که آنچه در ایران اتفاق افتاده یک انقلاب است، اکنون نیز توجه دارند که حداقل خواسته‌ی مردم، رفتن جمهوری اسلامی و «تغییر رژیم» است. این واقعیت در نطق‌های شدید و صریح شماری از نمایندگان پارلمان اروپا در جریان نشست‌های برای تصویب قرار دادن سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در

فهرست سازمان‌های تروریستی برگزار شد کاملاً آشکار است. «تغییر رژیم» یکی از گزینه‌های اصلی پلان B به نظر می‌رسد غربی و متحدانش در منطقه اجرای «پلان B» را آغاز کردند. اگر روزی «گزینه نظامی» به عنوان راه‌حل جایگزین برای مهار تهدیدات جمهوری اسلامی به ویژه در زمینه هسته‌ای بود اما اکنون غرب می‌تواند روی خیزش جمهوری اسلامی و «تغییر رژیم» حساب باز کند که منفعت مشترک مردم ایران و غربی‌هاست.

حسین امیرعبداللهیان وزیر خارجه جمهوری اسلامی ادعا می‌کند اقدام پارلمان اروپا برای قرار دادن سپاه در فهرست سازمان‌های تروریستی «شو»، «غامبشی» و «غیرالزام‌آور» است. او حتی به نقل از جوزپ بورل گفت این اقدام «احساسات هیچانی» است. اما روزنامه «فرهیختگان» چاپ تهران که تیم مطبوعاتی علی‌اکبر ولایتی مشاور خامنه‌ای آن را اداره می‌کند می‌نویسد «در حالی که تبلیغ می‌شود تروریستی اعلام کردن سپاه توسط اروپا غیرالزام‌آور بوده است، اما به نظر می‌رسد این اقدام نوعی فریبکاری برای انجام یک اقدام ضدایران و فرار از پاسخ‌های انتقام‌جویانه تهران است».

«فرهیختگان» در تفسیر اوضاع می‌نویسد: «با تروریستی اعلام کردن سپاه توسط پارلمان اروپا هرچند دستوری به شرکت‌ها و دولت‌های اروپایی ابلاغ نشده، اما با اتکا به این اقدام، آنها می‌توانند دست به اقدامات محدودکننده‌ی نه‌تنها علیه سپاه، بلکه دولت ایران و شرکای تجاری‌اش بزنند».

## فروپاشی ساختار نظامی موازی با فروپاشی اقتصادی

نه فقط اقدامات جمهوری اسلامی برای افزایش سطح غنی‌سازی اورانیوم، بلکه سرکوب اعتراضات و پشتیبانی از روسیه در جنگ اوکراین و گروه‌انگیزی شهروندان خارجی تا حمله به کشتی‌ها به نوعی مرتبط با سپاه پاسداران انقلاب اسلامی است. همزمان بیش از دو سوم اقتصاد ایران نیز در سلطه سپاه است. احتمالاً برآورد غربی‌ها اینست که هرقدر تحریم‌های سپاه پاسداران شدیدتر باشد، تأمین مالی طیف گسترده‌ای از مأموریت‌های سپاه محدودتر می‌شود. در این وضعیت، همزمان و موازی با روند فروپاشی اقتصادی رژیم، ساختار نظامی و امنیتی نظام هم بطور کنترل شده دچار فروپاشی خواهد شد.

## وضعیتی شبیه «زمستان ۵۷»

مشابه این وضعیت به نوعی در ساقط کردن حکومت پهلوی تکرار شده بود. یک سال قبل از انقلاب اسلامی در ایران، قرارداد کنسرسیوم نفت رو به پایان بود و شرکت‌های نفتی به تجدید قرارداد خرید نفت از ایران تمایلی نشان نمی‌دادند. رضا تقی‌زاده در ایندیپندنت (فارسی) با اشاره به این



## روزنامه «اکسپرس»: دستیابی به مپ اتم یکی از گزینه‌های جمهوری اسلامی برای جلوگیری از تغییر رژیم!



پرتاب موشک بالستیک در کویر مرکزی ایران / دی ماه ۱۴۰۰

است این احتمال وجود دارد که برای مقابله با فروپاشی با سرعت بیشتری برای به دست آوردن سلاح هسته‌ای تلاش کند تا از سقوط محتوم خود جلوگیری نماید.

دکتر بهرام غیائی کارشناس هسته‌ای می‌گوید: «از نظر فنی هفته‌ها طول می‌کشد تا ایران به غنی‌سازی ۹۰ درصد برسد.» تهران حتی در حالی که به آژانس بین‌المللی انرژی اتمی اجازه دسترسی محدود به تأسیسات می‌دهد، این نکته همچنان پابرجاست که جمهوری اسلامی در حال مسابقه با زمان است و برای زمان خریدن به هر اقدامی دست می‌زند.

دکتر بهرام غیائی می‌گوید «اعتراضات در ایران در سطح بی‌سابقه‌ای قرار دارند و نرخ ارز به شدت افزایش پیدا کرده. تهران معتقد است که با تسلیحاتی کردن برنامه هسته‌ای خود، موقعیت خود را مستحکم می‌کند و با دستیابی به سلاح اتمی از فروپاشی نظام جلوگیری می‌شود.»

«اکسپرس» همچنین می‌نویسد، محور «جمهوری اسلامی با چین و روسیه» مانع افزایش آسیب‌پذیری‌های رژیم ایران هستند و غرب و بازیگران منطقه‌ای مانند اسرائیل در حال از دست دادن زمان هستند.

یک منبع ارشد اسرائیلی می‌گوید «با چین یک مشکل بلندمدت وجود دارد زیرا درآمدهای نفتی که به ایران می‌رسند به رژیم اجازه می‌دهد تا اثرات تحریم‌ها را کاهش دهد و از سوی دیگر همکاری جمهوری اسلامی با روسیه مهم‌ترین نگرانی است.»

«اکسپرس» در ادامه می‌افزاید، جمهوری اسلامی پهپادهای «شاهد-۱۳۱» و «شاهد-۱۳۶» را برای حملات به زیرساخت‌های اوکراین به روسیه ارسال کرد و حالا انتظار دارد که این خدمتگزاری از سوی مسکو جبران شود.

هرچند نسبت به کمک‌های ولادیمیر پوتین به جمهوری اسلامی برای ساخت مپ اتم تردید وجود دارد اما روسیه همچنان می‌تواند سیستم‌های دفاع هوایی و قابلیت‌های سایبری در اختیار رژیم ایران قرار دهد. همچنین روسیه می‌تواند ماهواره‌هایی برای اطلاعات سایبری، ارسال سیگنال و اطلاعات ارائه دهد. این موارد می‌تواند حملات نظامی علیه تأسیسات اتمی جمهوری اسلامی را دشوارتر کند.

● برخی کارشناسان می‌گویند «اعتراضات در ایران در سطح بی‌سابقه‌ای قرار دارند و نرخ ارز به شدت افزایش پیدا کرده. تهران معتقد است که با تسلیحاتی کردن برنامه هسته‌ای، موقعیت خود را مستحکم می‌کند و با دستیابی به سلاح اتمی از فروپاشی رژیم جلوگیری می‌شود.»

● محور «جمهوری اسلامی با چین و روسیه» مانع افزایش آسیب‌پذیری‌های رژیم ایران شده و غرب و بازیگران منطقه‌ای مانند اسرائیل در حال از دست دادن زمان هستند.

● جمهوری اسلامی پهپادهای «شاهد-۱۳۱» و «شاهد-۱۳۶» را برای حملات به زیرساخت‌های اوکراین به روسیه ارسال کرد و انتظار دارد که مسکو این خدمتگزاری را جبران کند.

روزنامه بریتانیایی «اکسپرس» ۲۲ ژانویه (دوم بهمن) گزارش داد که بر اساس تازه‌ترین ادعاهای موثق، رژیم ایران فقط «چند هفته» تا غنی‌سازی ۹۰ درصدی اورانیوم فاصله دارد. سطحی از غنی‌سازی اورانیوم که برای ساخت مپ اتم نیاز است.

در حالی که کارشناسان معتقدند ایجاد یک سامانه اتمی تسلیحاتی برای جمهوری اسلامی ۱۸ ماه دیگر طول می‌کشد، اما بیم آن می‌رود که رسیدن به آستانه غنی‌سازی ۹۰ درصد، غرب و بازیگران منطقه را مجبور به ارزیابی مجدد گزینه‌های خود برای مهار رژیم شورش جمهوری اسلامی کند.

اسرائیل اعلام کرده حمله به تأسیسات اتمی جمهوری اسلامی یکی از گزینه‌های روی میز برای خنثی کردن تهدیدات اتمی رژیم است و مقامات امنیتی این کشور تاکید کرده‌اند که در صورت لزوم چنین کاری، حمله هوایی باید هرچه زودتر انجام شود، چرا که اگر رژیم ایران به اورانیوم در سطح مپ اتم دست یابد، آن را ۶۰ متر زیر زمین در تأسیسات فردو پنهان خواهد کرد.

میزان ذخایر اورانیوم ۶۰ درصدی در ایران به ۷۵ کیلوگرم رسیده است که برای ساخت یک مپ هسته‌ای کافیست هرچند کلاک موشکی حامل آن بسیار سنگین خواهد شد. در شرایطی که کارشناسان بر این باورند رژیم ایران تحت فشار شدید داخلی و خارجی قرار گرفته و در آستانه سقوط

«رفتار» می‌نویسد «رفتاری که شاه از آن به عنوان تهدید و باج‌خواهی شرکت‌های نفتی یاد کرده بود. شاه به این نتیجه رسیده بود که آمریکایی‌ها و بریتانیا به تلافی اقدام‌های نفتی او در سال ۱۳۵۲ و افزایش قیمت نفت علیه او توطئه کرده‌اند.» مطابق اسناد محرمانه آمریکا که از وضعیت اسناد طبقه‌بندی شده خارج شد، دولت کارتر در دی‌ماه ۱۳۵۷ پذیرفت با پایان دادن به نظام پادشاهی و خنثی کردن ارتش در ایران مشکلی ندارد. در آن تاریخ، ژنرال آمریکایی در تهران در حال مذاکرات روزانه با فرماندهان ارشد ارتش بود و هنگام ترک تهران اطمینان داشت که ماموریت خود را با موفقیت به پایان برده است.

### دست انگلیس کوتاه شد؟

حالا چهل و چهار سال بعد مقامات جمهوری اسلامی می‌گویند با اعدام علیرضا اکبری به انگلیس و مهره‌های داخلی آن در ایران پیام فرستاده‌اند! بعد از این اعدام، وزیر خارجه بریتانیا به آمریکا و کانادا سفر کرد و در نهایت گفت اعدام «اکبری» بی‌پاسخ نخواهد ماند. بدیهی است انگلیس هرگز تأیید نمی‌کند اکبری «ابرجاسوس» آنها بوده اما روشن است که وی به عنوان معاون وزیر دفاع آنقدر ارزشمند بوده که با وجود ارتباطات نظامی و امنیتی که داشت برایش پاسپورت انگلیسی صادر شد! مقامات جمهوری اسلامی می‌گویند اطلاعاتی که اکبری در داد مربوط به مسائل هسته‌ای بود که به ترور محسن فخری‌زاده نیز منجر شد.

در همین ارتباط، نشریه «ساندی تلگراف» ۲۴ دی‌ماه به نقل از یک مقام بریتانیایی نوشت، «به دنبال اعدام اکبری، لندن در حال بازنگری در حمایت خود از برجام است.» آیا بعد از اعدام علیرضا اکبری، دامنه‌ی نظارت انگلیسی‌ها بر فعالیت‌های اتمی جمهوری اسلامی جمهوری اسلامی کم شده است؟! این تصویری احتمالی از بن‌بست و تنگایی است که رژیم ایران در آن گیر افتاده است. اما چرا این تصویر به واقعیت نزدیک است؟ چون شیطان را وادار کرده تا نقاب از چهره بردارد و بار دیگر با صورت کریه خود ظاهر شود.

### شیطان نقاب برداشت!

روزنامه «فرهیختگان» می‌نویسد برای مقابله با این وضعیت «نهادهای امنیتی ایران، باید لیستی از لابیگران ایرانی تبار تهیه کرده و منافع سیاسی و شخصی آنها را تحت فشار متقابل قرار دهند. ضربات باید شامل تحریم وابستگان در دسترس این افراد شده و برخی حقوق شهروندی آنان مانند دسترسی به حساب‌های بانکی و وام مسدود گردد. خود آنها نیز باید تحت فشارهای چندگانه قرار گیرند.»

حتا در این گزارش تأکید شده «ایران باید در برخورد با پرونده اروپا، نظامی- امنیتی اقدام کند.» همه این تهدیدات و توصیه‌های به معنی این است که شیطان نقاب از مظلوم‌نمایی و چهره‌ی ناهمخوان «دیپلماتیک» خود برداشته است.

اهرم اروپایی‌ها برای فشار به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی تقویت شده آنهم همزمان با اینکه رابرت مالی نماینده آمریکادر مذاکرات اتمی و از مدافعان سرسخت معامله اتمی با جمهوری اسلامی، می‌گوید با آغاز خیزش سراسری در ایران و سرکوب معترضان، واشنگتن دیگر به دنبال احیای برجام نیست. او اعلام کرد ایالات متحده آمریکا برای توقف صادرات نفت ایران به چین، فشارهای خود را علیه پکن نیز تشدید خواهد کرد. در شرایطی که مذاکرات آژانس بین‌المللی انرژی اتمی با مقامات رژیم به بن‌بست رسیده، برای جلوگیری از دسترسی رژیم تروریست‌ها به تسلیحات هسته‌ای، در دسترس‌ترین گزینه‌ی غرب، کمک به مردم ایران برای «تغییر رژیم» است. مأموریت‌های سپاه پاسداران انقلاب اسلامی اعم از سیاسی، اقتصادی، امنیتی و نظامی، در داخل و خارج ایران از ظرفیت و توان ساختاری این تشکیلات فراتر رفته و همین پاشنه آشیل جمهوری اسلامی است که آن را از پای درخواهد آورد.

همبستگی جهان سینما با انقلاب «زن، زندگی، آزادی» و محکوم کردن سرکوب و اعدام در جمهوری اسلامی تنها به جشنواره برلین محدود نمی شود. در روزهای گذشته نزدیک به یکصد بازیگر بریتانیایی در نامه‌ای خطاب به پارلمان بریتانیا خواستار حمایت دولت این کشور از خیزش مردم ایران و پایان دادن به اعدام معترضان در این کشور شدند. ابتکار نگارش این نامه با بابک انوری فیلمساز ایرانی- بریتانیایی بوده است. در این نامه بازیگران بریتانیایی از اعضای پارلمان کشورشان می‌خواهند «فعالانه» برای «توقف خشونت و اعدام علیه معترضان، پایان دادن به نقض فاحش حقوق بشر و حقوق زنان، و آزاد کردن تمام زندانیان سیاسی» جمهوری اسلامی را تحت فشار قرار دهند. در حالی که جمع‌آوری امضا زیر این این نامه هنوز در جریان است، در میان چهره‌هایی که آن را امضا کرده‌اند می‌توان به اولیویا کولمن بازیگر نقش ملکه الیزابت دوم در سریال «تاج»، جاناتان پرایس بازیگر

## حمایت سینمای جهان از «زن، زندگی، آزادی»

● جشنواره سینمایی برلین یا برلیناله که از ۱۶ تا ۲۶ فوریه در پایتخت آلمان برگزار می‌شود، با انتشار بیانیه‌ای اعلام کرد که به سینمای حکومتی جمهوری اسلامی در جشنواره امسال اجازه حضور نخواهد داد.

● در بیانیه مدیریت برلیناله آمده است که این جشنواره «در کنار معترضان شجاع ایران که از خود در برابر یک رژیم خشن و غیردموکراتیک دفاع می‌کنند ایستاده است.»

● البته در برلیناله امسال سینماگران مستقل ایرانی در بخش‌های مختلف حضور دارند که سیده فارسی، میلاد عالمی و نگین احمدی از آن جمله هستند.

● یکصد بازیگر بریتانیایی به ابتکار بابک انوری کارگردان ایرانی- بریتانیایی در نامه‌ای خطاب به پارلمان بریتانیا خواستار حمایت دولت این کشور از خیزش مردم ایران و پایان دادن به اعدام معترضان در این کشور شدند.

● بیشتر پنجاه هنرپیشه مشهور هالیوود نیز در یک بیانیه تصویری با تابلوهایی با هشتگ #Stop ExecutionsInIran (اعدام در ایران را متوقف کنید) صادر کرده و خواستار پایان دادن به اعدام معترضان شدند. این ویدئو نیز به ابتکار چند هنرمند ایرانی‌تبار چون آنا لیلی امیرپور، مژگان مارن و نیکول نجفی تهیه شده بود.

احمد رأفت - جشنواره سینمایی برلین یا برلیناله که از ۱۶ تا ۲۶ فوریه در پایتخت آلمان برگزار می‌شود، با انتشار بیانیه‌ای اعلام کرد که به سینمای حکومتی جمهوری اسلامی در جشنواره امسال اجازه حضور نخواهد داد. این تصمیم مدیریت جشنواره برلین در نوع خود تقریباً بی‌سابقه است و حکایت از انزوای روزافزون جمهوری اسلامی در جهان از جمله در دنیای فرهنگ و هنر دارد. بنا بر این تصمیم، فیلم‌هایی که با سرمایه‌های چون «بنیاد فارابی»، سازمان صداوسیما جمهوری اسلامی، «مرکز گسترش سینمای تجربی»، «سازمان سینمایی اوج»، «مؤسسه سوره»، حوزه هنری «سازمان تبلیغات اسلامی» و هر موسسه دیگر وابسته به دولت جمهوری اسلامی تولید شده باشند نخواهند توانست در برلیناله آینده شرکت کنند.

در سال‌های اخیر چنین محدودیتی تنها در مورد روسیه پس از حمله به اوکراین اعمال شده بود. در بیانیه مدیریت جشنواره برلین در اشاره به اعتراض گسترده مردم ایران آمده است که برلیناله «در کنار معترضان شجاع ایران ایستاده که از خود در برابر یک رژیم خشن و غیردموکراتیک دفاع می‌کنند.» در همین بیانیه اشاره می‌شود که این محدودیت شامل فیلمسازان، هنرپیشگان و یا روزنامه‌نگاران تنها به دلیل داشتن شهروندی ایران نمی‌شود بلکه تنها مانع حضور فیلم‌هایی خواهد شد که با سرمایه دولتی تهیه و یا دست اندرکاران آنها از عملکرد حکومت جمهوری اسلامی دفاع کرده باشند. در جشنواره‌های گذشته برلین فیلم‌هایی که توسط «بنیاد فارابی» و یا در همکاری با صداوسیما جمهوری اسلامی ساخته شده بودند همیشه حضور داشته‌اند.

این ممنوعیت یا محدودیت شامل کارهای سینماگران مستقل ایرانی در جشنواره برلین نخواهد شد. اگرچه برنامه کامل ۱۷۳مین جشنواره برلین هنوز اعلام نشده، ولی از هم‌اکنون مشخص شده است که کارهایی از سینماگران ایرانی و ایرانی‌تبار و یا فیلم‌هایی از کارگردانان غیرایرانی در رابطه با ایران در بخش‌های مختلف این جشنواره ارکان خواهد شد. از جمله این فیلم‌ها می‌توان به آخرین کار سیده فارسی کارگردان ایرانی- فرانسوی با عنوان «آزیر- پری



فیلم «برزیل»، هیو بانویل بازیگر سریال «داون‌تن آبی»، ایین گلن بازیگر سریال «بازی تاج و تخت»، اندی سرکیس بازیگر مجموعه فیلم «ارباب حلقه‌ها» و امید جیلی کمدین ایرانی- بریتانیایی و بازیگر فیلم‌های هالیوودی مشهوری همچون «مومیایی» اشاره کرد. در متن این نامه آمده است: «مردم ایران شجاعانه در برابر قوانین ظالمانه‌ای که رژیم جمهوری اسلامی بر آنها اعمال می‌کند، مقاومت می‌کنند و خواهان پایان دادن به چندین دهه ظلم و ستم هستند. دیگر بس است. اگر جامعه جهانی که بریتانیا از اعضای فعال و تأثیرگذار آنست قاطعانه عمل نکند، این جنایات ادامه خواهد یافت. ما باید از صمیم قلب از مبارزه مردم ایران برای عدالت و آزادی پشتیبانی کنیم.»

همچنین پیشتر در اوایل سال ۲۰۲۳، پنجاه هنرپیشه مشهور هالیوود که کیت بلانشت، جیسون موموا و ساموئل ال جکسون از جمله آنها هستند در یک بیانیه تصویری مشترک با تابلوهایی با هشتگ #Stop ExecutionsInIran (اعدام در ایران را متوقف کنید) صادر کردند و خواستار پایان دادن به اعدام معترضان شدند. این ویدئو نیز به ابتکار چند هنرمند ایرانی‌تبار چون آنا لیلی امیرپور، مژگان مارن و نیکول نجفی تهیه شده بود.

آبادان» اشاره کرد. سیده فارسی را بسیاری با آخرین فیلم بلند او «گل سرخ» شناختند. «گل سرخ» که در سال ۲۰۱۴ برای اولین بار در جشنواره تورنتو ارکان شد، داستان رابطه بین یک دختر جوان و مرد میان‌سالی در جریان تظاهرات سال ۸۸ است. «آزیر- پری آبادان» یک انیمیشن است که روزهای اول جنگ ۸ ساله ایران و عراق را از زبان جوانی به نام «امید» روایت می‌کند که پس از بمباران پالایشگاه آبادان در جستجوی برادرش و راهی برای خروج از این شهر جنگ‌زده است.

«دشمن» کاری از میلاد عالمی که در بخش «پانوراما» ارکان خواهد شد در سوئد ساخته شده و نقش اول آنرا پیمان معادی هنرپیشه سرشناس ایرانی ایفا می‌کند. «دشمن» داستان مشکلات یک پناهجوی ایرانی و خانواده‌اش در سوئد است. «جائی که خدا نیست» به کارگردانی مهران تمدن، «پرواز رویاها» ساخته نگین احمدی و «هفت زمستان در تهران» از کارگردان آلمانی، اشتفی نیندرزول از دیگر کارهای کارگردانان ایرانی و یا خارجی با فیلمی در مورد ایران هستند که در این جشنواره حضور خواهند داشت. سرمیثی سینگ کارگردان هندی نیز با فیلم «و بسوی کوچه‌های شاد» که با موضوع سینما و ادبیات ایران ساخته شده در بخش «پانوراما» گنجانده شده است.

## ممنوع‌الکار شدن مادر کیان پیرفلک؛ فرزند را کشتند و مادر تا اطلاع ثانوی حق کار کردن ندارد!



زینب مولایراد به همراه پسرش کیان

جمهوری اسلامی در دروغی وقحیانه ادعا کرد تیراندازی به سمت مردم از سوی مأموران حکومتی نبوده و یک حمله تروریستی بوده است! شهروندان اما چنین ادعایی را رد کرده‌اند و در مراسم خاکسپاری کیان پیرفلک، مادرش پشت بلندگو ماجرای شب حادثه را تعریف و تأکید کرد این حمله تروریستی نبود و مأموران حکومتی به سوی آنها و دیگر شهروندان شلیک کردند.

مراسم خاکسپاری کیان در حالی برگزار شد که پدرش در بیمارستان گلستان اهواز تحت مراقب‌های ویژه بود و یک عمل جراحی ناموفق بر روی او انجام شده بود. میثم پیرفلک نیازمند عمل دوم بود تا زنده بماند و نیروهای امنیتی از این موضوع به عنوان ابزاری برای زیر فشار قرار دادن مادر کیان استفاده کردند. آنها زینب مولایراد مادر کیان پیرفلک را زیر فشار قرار دادند تا افشاجاری در مراسم خاکسپاری فرزندش را پس بگیرد و اعترافات اجباری انجام دهد.

همزمان اما عمومی کیان در گفتگو با روزنامه «اعتماد»، صحبت‌های مادر کیان را تأیید کرده و گفته که حرف‌های وی تمام ابعاد پنهان موضوع را نمایان کرد و واقعیت‌همانی است که او در مراسم خاکسپاری کودکش گفت.

سجاد پیرفلک افزوده که مادر کیان «به عنوان فردی که دقیقاً در صحنه حادثه حضور داشته در جمع هزاران نفر از مردم به صورت شفاف توضیح داد که چه اتفاقی برای کیان، پدرش و کل خانواده افتاده است.»

به گفته سجاد پیرفلک، هنگام شلیک مأموران به ماشین این خانواده، رادین برادر سه ساله کیان و مادرش، زینب مولایراد در صندلی سمت شاگرد نشسته بودند و تیرهای شلیک شده از سمت راننده به ماشین برخورد کرد و کیان هم که در سمت راننده نشسته بود تیرها به پهلوی او اصابت کرد.

عمومی کیان افزود که «من فیلم‌های فاجعه را دیدم و متوجه شدم که روایت صحیح‌همانی است که مادر کیان مطرح می‌کند. نه رادین و نه مادرش تیر نخوردند از سوی دیگر کیان فوت کرد و پدرش هم در بیمارستان است.»

سجاد پیرفلک تأکید کرده که مادر کیان معلم هنر است و نه تنها زن بسیار روشنفکر و آگاهی است بلکه همه وقت خود را صرف تربیت فرزندانش کرده بطوری که کیان ضرورت حفاظت از محیط زیست را درک می‌کرد و در همین سن کارهای زیادی برای محیط زیست انجام می‌داد، حقوق شهروندی را درک و رعایت می‌کرد، به هنر عشق می‌ورزید، به فردیت و حریم خصوص افراد احترام می‌گذاشت، و معزف نسلی بود که می‌شد به آنها امید داشت که بتوانند ایران را آباد و آزاد کنند.

وضعیت میثم به حدی وخیم بود که شبانه از ایذه به بیمارستان گلستان اهواز منتقل شد. در بیمارستان گلستان چند عمل جراحی روی میثم انجام شد و در نهایت پس از سه هفته، در پی ناپایدار شدن دوباره وضعیت و به توصیه پزشکان، او به بیمارستان «عرفان» در تهران منتقل کردند. هفته گذشته میثم پیرفلک از بیمارستان به خانه‌ای در تهران منتقل شد تا ادامه روند درمان در خانه ادامه پیدا کند. او به دلیل آسیب نخاعی توان نشستن، راه رفتن و ایستادن را ندارد.

خانواده تصمیم گرفته بودند خبر جان باختن کیان را از او پنهان کنند تا این خبر ناگوار بر روند بهبود و درمان او اثر منفی نگذارد. دوم دی‌ماه همزمان با چهلم کیان پیرفلک میثم از جان باختن فرزندش مطلع شد. رضا پیرفلک برادر میثم با انتشار تصویری که رادین، برادر کوچک‌تر کیان پیرفلک، را در آغوش پدرش میثم نشان می‌دهد، نوشت: «رادین جان پدرت را محکم در آغوش بگیر و آرومش کن چون اون الان دیگه میدونه که کیان نیست. الان دلخوشیش تو هستی، تو بوی کیان را میدی و خاطرات کیان را برای بایابی زنده میکنی.»

جانباختن کیان، کودکی تیزهوش و دوست‌داشتنی و با استعداد و با آرزوهای بزرگ بود از جمله اینکه مخترع شود، نه تنها خانواده بلکه کل ایرانیان را تحت تأثیر قرار داد. شب حادثه پس از آنکه کیان در بیمارستان ایذه جان می‌بازد، مادر کیان از هراس اینکه مبادا مأموران امنیتی پیکر کودک‌اش را بدزدند و پنهانی به خاک بسپارند، با کمک اقوام نزدیک پیکر کیان را از بیمارستان تحویل گرفت و به خانه برد و با گرفتن یخ از همسایه‌ها برای قرار دادن روی پیکر فرزندش تا صبح در کنار او ماند تا ساعت خاکسپاری فرا برسد.

بلافاصله پس از جان باختن وی ویدئوهای او که از علاقه‌اش به اختراع و رباتیک گفته بود و ویدئوی قایقی که خودش اختراع کرده بود تا در جشنواره علمی «جابرین حیان» شرکت کند در شبکه‌های اجتماعی هزاران هزار بار چرخید و دیده شد. کیان در ویدئوی آزمایش قایق‌اش با عبارت «به نام خدای رنگین کمان» توضیحات‌اش را آغاز کرد و با «پس نتیجه می‌گیریم که کار می‌کند» به پایان برد.

«به نام خدای رنگین کمان» و «قایق» به سرعت با نام کیان پیرفلک پیوند خورد. همچنین «یخ» برای بسیاری از ایرانیان یادآور رنج بی‌پایان و توصیف‌ناشدنی و تصورناپذیر مادر کیان در شب از دست دادن فرزندش است.

شامگاه چهارشنبه ۲۵ آبان بیش از ۱۰ نفر در ایذه با شلیک مأموران حکومتی کشته و زخمی شدند. در این میان به جز کیان، دو کودک دیگر به نام سپهر مقصودی و آرتین رحمانی نیز جان باختند.

● زینب مولایراد تا کنون هیچگونه ابلاغیه‌ای مبنی بر ارتکاب تخلف دریافت نکرده و منع حضور او در محل کار به صورت «شفاهی» و بدون «مجوز کتبی» اعلام شده است. ● زینب مولایراد در حالی از کار منع شده که همسرش میثم نیز حدود دو ماه است بر اثر جراحات ناشی از شلیک مأموران جمهوری اسلامی بستری است و به دلیل آسیب نخاعی توان ایستادن و نشستن ندارد.

حراست آموزش و پرورش ایذه از بازگشت به کار زینب مولایراد مادر کیان پیرفلک و دبیر هنرستان «فاطمیه» ایذه جلوگیری کرده و او را «تا اطلاع ثانوی» از حضور در مدرسه منع کرده است. سال‌هاست جمهوری اسلامی با فشار بر خانواده جانب‌باختگان اعتراضات، از جمله بیکار کردن و فشارهای امنیتی و قضایی، به دنبال ساکت کردن و جلوگیری از دادخواهی آنها است.

کانال شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران گزارش داده که روز شنبه یک بهمن ۱۴۰۱، زینب مولایراد مادر کیان پیرفلک در هنرستان فاطمیه شهرستان ایذه، محل خدمت خود حضور یافته اما به او گفته شده باید به حراست اداره مراجعه کند.

این کانال نوشته که حراست آموزش و پرورش ایذه بعد از مراجعه به او گفته تا اطلاع ثانوی حق حضور در مدرسه را ندارد. بر اساس این گزارش زینب مولایراد تا کنون هیچگونه ابلاغیه‌ای مبنی بر ارتکاب تخلف دریافت نکرده و منع حضور او در محل کار به صورت «شفاهی» و بدون «مجوز کتبی» اعلام شده است.

شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران تأکید کرده که «سوال اینجاست طبق کدام قانون و مجوز خانم مولایراد حق ورود به محل خدمت را ندارد؟ اگر ایشان تخلفی انجام دادند و باید مجازات شوند چرا تا کنون بصورت کتبی ابلاغ نشده؟ و در آخر چگونه امکان دارد بدون هیچ مجوز کتبی از ورودشان جلوگیری شود؟»

زینب مولایراد در حالی از کار منع شده که همسرش، میثم، نیز حدود دو ماه است به دلیل جراحات ناشی از شلیک مأموران جمهوری اسلامی در بستر بیماری است.

میثم پیرفلک روز چهارشنبه ۲۵ آبان به همراه همسر و دو فرزند ۱۰ ساله و ۵/۳ ساله‌اش، کیان و رادین، در ایذه در حال عبور از خیابان بودند که اتومبیل آنها از سوی مأموران جمهوری اسلامی هدف رگبار گلوله قرار گرفت. میثم و کیان فرزند ۱۰ ساله‌اش که روی صندلی عقب سمت راننده نشسته بودند مورد اصابت گلوله قرار گرفتند. کیان در دم جانباخت و میثم بیهوش به بیمارستان منتقل شد.

## بخش دو؛ «شنیده‌هایی از غزه» پروژه‌های میدانی با انیمیشن از «مرکز ارتباطات صلح» که فارسی آن در همکاری با کیهان لندن منتشر می‌شود



«اشرف» می‌گوید «اینجا در همه چیز خویشاوندسالاری و پارتی‌بازی وجود دارد». از یکطرف، برای مثال، شما به دوستانی در شرکت برق که توسط حماس اداره می‌شود نیاز دارید تا به صورت حساب شما رسیدگی کنند. همچنین باید مالیات زیادی بپردازید به‌خصوص اگر جزو هفده هزار نفری باشید که مجوز کار در اسرائیل دارند. از سوی دیگر، «اشرف» شاهد بود که یکی از بستگان جوانش که یکی از مقامات حماس را مسخره می‌کرد و به اسلام لعنت می‌فرستاد، تنها دو روز بعد دستگیر شد و برای جرمی که در غزه عادیست «تا امروز در زندان بسر می‌برد!»

این باور که تشکیلات حماس فاسد هستند بر اساس نظرسنجی سپتامبر ۲۰۲۲ از سوی ۷۳ درصد از ساکنان غزه نیز تأیید شده است. همچنین بر اساس مطالعاتی در سال ۲۰۲۲ توسط «سازمان شفافیت امان فلسطین»، خویشاوندسالاری و پارتی‌بازی یکی از رایج‌ترین فسادهاست. رسانه‌های اجتماعی غزه تابستان گذشته شاهد شدت گرفتن انتقادات از رهبران حماس بودند که «می‌توانند در غزه در تجمیل زندگی کنند و در عین حال هر وقت خواستند آنجا را برای هتل‌ها و ویلاهای دوحه و استانبول رها کنند».

در جریان تلاش تابستان گذشته برای احیای جنبش اعتراضی «ما می‌خواهیم زندگی کنیم» به عنوان یک کمپین که از سوی شبکه‌های اجتماعی راه انداخته شد، یک زن مشاهدات خود را چنین بیان کرد: «همه در غزه از این وضعیت رنج می‌برند. تنها کسانی که از زندگی خود لذت می‌برند مقامات مسئول حماس و فرزندانشان هستند!»

حمایت قاطع از کشور فلسطین، حماس را به عنوان نیرویی که به این هدف با راه انداختن جنگ با اسرائیل آسیب می‌زند، محکوم کردند. حماس در حالی ادعای پیروزی بر اسرائیل دارد که خودش در پناهگاه‌های امن پنهان شده و تلفات را به مردم غیرنظامی تحمیل می‌کند. مصاحبه‌شوندگان به این نکته نیز پرداختند که چطور کمک‌های مالی بین‌المللی به غزه توسط حماس به یغما می‌رود.

در این بخش ما بیشتر با ناراضی‌های محلی و همچنین تلاش‌های داخلی برای غلبه بر مشکلات آشنا می‌شویم؛ تلاشی که تقریباً هزار شهروند ساکن غزه در سال ۲۰۱۹ برای به چالش کشیدن قدرت حماس از طریق تظاهرات خیابانی انجام دادند. چهار تن از شرکت‌کنندگان در آن جنبش اعتراضی تجربیات خود را بازگو می‌کنند و توضیح می‌دهند که چگونه زندگی و دیدگاه آنها تغییر یافت.

### ۱- خویشاوندسالاری همه جا هست



● در بخش نخست این مجموعه که دوشنبه ۱۶ ژانویه پخش شد، مردان و زنان غزه به زیرپا گذاشتن سیستماتیک حقوق خود توسط حماس و سرکوب آزادی‌های شخصی خود پرداختند.

● در این بخش ما بیشتر با ناراضی‌های محلی و همچنین تلاش‌های داخلی برای غلبه بر مشکلات آشنا می‌شویم؛ تلاشی که تقریباً هزار شهروند ساکن غزه در سال ۲۰۱۹ برای به چالش کشیدن قدرت حماس از طریق تظاهرات خیابانی انجام دادند. چهار تن از شرکت‌کنندگان در آن جنبش اعتراضی تجربیات خود را بازگو می‌کنند و توضیح می‌دهند که چگونه زندگی و دیدگاه آنها تغییر یافت.

آنچه در اختیار شما قرار می‌گیرد دومین بخش از مجموعه سه قسمتی «شنیده‌هایی از غزه» است. این بخش نیز شامل ۹ مصاحبه کوتاه با ساکنان غزه است که به صورت انیمیشن تهیه شده. «شنیده‌هایی از غزه» توسط «مرکز ارتباطات صلح»، یک سازمان غیرانتفاعی مستقر در نیویورک، تولید شده و فارسی آن با همکاری کیهان لندن منتشر می‌شود.

این مجموعه به زبان عربی توسط «العربیه»، به زبان انگلیسی و فرانسوی توسط «تایمز اسرائیل»، به زبان اسپانیایی توسط «اینفوآنه» و به زبان پرتغالی توسط «ریکورد تی وی» منتشر می‌شود. به دلایل امنیتی تصمیم گرفته شد چهره مصاحبه‌شوندگان به صورت انیمیشن تصویر شود. در بخش نخست که دوشنبه ۱۶ ژانویه پخش شد، مردان و زنان غزه به زیرپا گذاشتن سیستماتیک حقوق خود توسط حماس و سرکوب آزادی‌های شخصی خود پرداختند. آنها از دستگیری‌های خودسرانه، باج‌گیری حماس از کسبه و بستن دهان روزنامه‌نگاران گفتند. آنها همچنین با ابراز



## ۲- چیزی که برای فرزندانم می‌خواهم



ویدیو

والدینی مانند «آنا» می‌خواهند فرزندان‌شان تحصیلات مناسبی داشته باشند، «عقلانی فکر کنند... و زندگی مدرن داشته باشند»، موضوع آموزش و پرورش یکی دیگر از منابع مشکلات مردم است. «آنا» از فرستادن بچه‌ها به مدارس تحت مدیریت حماس به این دلیل می‌ترسد که «آنجا تلقین می‌کنند و به کودکان آموزش می‌دهند که چگونه می‌توانند از طریق شهادت به بهشت بروند و من نمی‌خواهم فرزندانم در معرض این تلقین قرار بگیرند.»

در سال‌های قبل از به دست گرفتن قدرت حماس در سال ۲۰۰۷، مباحث جدیدی در مورد نیاز به اصلاحات آموزشی کشورهای عربی در منطقه گسترش یافت. همانطور که در گزارش توسعه انسانی عربی سازمان ملل در سال ۲۰۰۲ آمده است، «بازار جهانی اطلاعات امروزی به نوع دیگری از آموزش نیاز دارد، آموزشی که شایستگی‌ها، نگرش‌ها و چابکی فکری را به تفکر سیستمی و انتقادی در اقتصاد دانش‌محور منتقل می‌کند.» در حالی که برخی از کشورهای عربی گام‌هایی رو به جلو در این زمینه برداشته‌اند اما حماس آموزش در غزه را به سیستمی برای تلقین ایدئولوژیک و محل استخدام نظامی تبدیل کرده است. تفکیک جنسیتی نه تنها بین دانش‌آموزان بلکه در میان معلمان نیز اعمال می‌شود. یکی از معلمان غزه به آتلانتیک گفت: «آنها ما را هنگامی که با همکاران مرد خود صحبت می‌کنیم، زیر نظر می‌گیرند و اگر آنطور که آنها می‌خواهند لباس نپوشیم، ما به توهین می‌کنند. قوانین توسط «پلیس اخلاق» اجرا می‌شود که به آزار و اذیت و سوء استفاده از افراد تحت بازداشت نیز معروف است.»

تلقین فراگیر یهودستیزی و انکار هولوکاست از سنین پایین با آموزش استفاده از سلاح و تشویق به انجام «جهاد» پس از پایان مدرسه همراه است. از همین روست که «آنا» به صراحت می‌گوید که آینده‌ای متفاوت برای فرزندانش می‌خواهد.

## ۳- گفتن «نه به جنگ» ممنوع است!



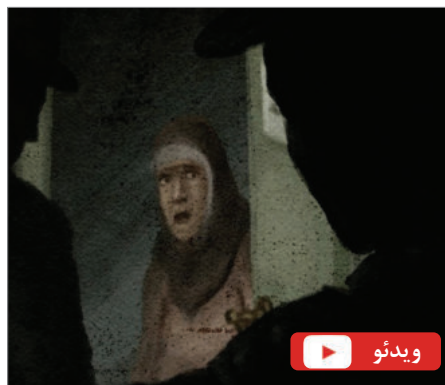
ویدیو

«یاسمین» می‌گوید، «رنج ساکنان غزه تحت حکومت حماس با این احساس تلخ نیز همراه است که اعراب در سراسر منطقه درک نمی‌کنند که زندگی تحت حکومت حماس واقعاً چگونه است». او توضیح می‌دهد: «بسیاری از رسانه‌های عربی برای حماس کار می‌کنند. آنها حماس را به عنوان قهرمان به تصویر می‌کشند. در همین حال اگر شما به عنوان یک شهروند غزه بگویید که من جنگ نمی‌خواهم، شما را خائن خطاب می‌کنند.»

روایات تبلیغ برای حماس و اینکه مردم طرفدارش هستند مدت‌هاست که در رسانه‌های عربی از جایگاه غالب برخوردار بوده است. یک تحلیل از گزارش الجزیره نشان داده است که شبکه «الجزیره» «بطور قابل توجهی حماس و روایت مقاومت آن را پوشش داده و آن را در اولویت قرار داده است.» «الجزیره» حتی به دلیل «حرفه‌ای بودن» خود در پوشش حماس، جایزه نیز دریافت کرد. در همین حال، حماس با داشتن بیش از ۲۱۰ رسانه در ۳۵ کشور جهان و همچنین رسانه‌های تحت حمایت دولت روسیه، که در شمار تأثیرگذارترین رسانه‌های عربی امروزی قرار دارند، از حمایت جدی همه رسانه‌های دولتی جمهوری اسلامی ایران نیز برخوردار است.

یکی از مؤلفه‌های مهم تسلط روایت‌های حماس، کنترل رسانه‌ها و گزارش‌های داخلی خود نوار غزه است. برخی از رسانه‌ها مانند خبرگزاری «شهاب» و رادیو «الاقصی» مستقیم توسط حماس مدیریت می‌شود. «ابراهیم دهر» مدیر رادیو حکومتی «الاقصی» به واشنگتن پست گفت: «ما دلیل اصلی محبوبیت حماس هستیم... خبر هر اقدام حماس را منتشر می‌کنیم و سپس هرگونه شایعه‌سازی در مورد این تشکیلات را متوقف می‌کنیم.» در ارتباط با زمانی که اخبار نامطلوب علیه حماس منتشر می‌شود، او توضیح داد: «سیاست ما همیشه سکوت بوده است.» «دهر» در پاسخ به سؤالی درباره هزینه سیاست‌های حماس در غزه گفت: «ما علاقه‌ای به نشان دادن چیزهای دیگری بجز حماس نداریم، مانند موفقیت اسرائیلی‌ها یا اینکه چگونه کسب و کارها از جنگ آسیب دیده‌اند.» روزنامه‌نگاران غیردولتی اما به اشکال مختلف از جمله دستگیری، بازجویی و آزار فیزیکی تحت فشار قرار می‌گیرند. در سال ۲۰۱۹، پس از گزارش یک رسوایی در ارتباط با فساد حماس، «هاجر حرب» روزنامه‌نگار مستقل دستگیر شد و «در معرض تهدید فیزیکی» قرار گرفت و حتی «متهم به همکاری با اسرائیل» شد. او گفت: «من بهای انجام یک گزارش تحقیقاتی درباره فساد مقامات حماس در غزه را می‌پردازم. این چگونه عدالتی است؟!»

## ۴- جرم مشاوره دادن



ویدیو

در میان فشارهایی که در غزه بر زندگی مردم وارد می‌آید، بسیاری از آنها خواهان مهار و مدیریت احساسات و حالات خود هستند. بنابراین «لیلا» یک مرکز مشاوره در خانه خود افتتاح کرد که به نیازهای عاطفی زنان و کودکان رسیدگی می‌کرد. او می‌گوید: «خوشحال می‌شوم اگر بتوانم به حل مشکلات آنها کمک کنم. اما مقامات حماس از من خواستند که یا این مرکز را تعطیل کنم و یا تحت نظارت آنها کار کنم، تا بتوانند همه چیز را کنترل کنند که مبادا مردم بیرون بروند و به آنچه مقامات انجام می‌دهند اعتراض کنند.» یک روز پلیس از راه رسید و خانه او را از هر طرف محاصره کرد. پانزده سال حکومت حماس فرصتی برای مردم غزه باقی نگذاشته که بتوانند ناراضی‌های غیرمجاز خود را بروز دهند. یکی از گزارش‌های دیده‌بان حقوق بشر اشاره می‌کند که «مقامات حماس بطور معمول منتقدان و مخالفان صلح‌جو را نیز دستگیر کرده و شکنجه می‌کنند.» همچنین این سوء رفتار مداوم ممکن است «با توجه به ماهیت سیستماتیک آن در طول سالیان متمادی، جنایت علیه بشریت» به شمار رود. در همین دوره، آزار و اذیت زنان افزایش یافته است. به گفته «خانه آزادی»، حماس «هیچ تمایلی به پیگیری چنین مواردی ندارد و به همین دلیل درباره «تجاوز و خشونت خانگی نیز کمتر گزارش داده می‌شود و اغلب هم بدون مجازات باقی می‌ماند.» با این حال، یک نظرسنجی به تازگی نشان داد که ۳۷/۵ درصد از زنان غزه در سال گذشته مورد خشونت قرار گرفته‌اند. اگر زنان آزاد می‌بودند که ناراضی‌های خود را در مراکز مشاوره مانند آنچه «لیلا» مدیریت می‌کند، مطرح کنند، ابعاد واقعی مشکل- و بی‌علاقگی مقامات به رسیدگی به آن- ممکن بود برای حاکمان نوار غزه مشکل ایجاد کند. همانطور که حماس در سال ۲۰۱۹ تشخیص داد که تعداد زیادی از جوانان شجاع در منطقه وجود دارند که خواهان تغییر هستند و شجاعت مبارزه برای آن را نیز دارند.

## ۵- به جرم زیستن



ویدیو

در سال ۲۰۱۹، تقریباً ۱۰۰۰ تن از ساکنان غزه یک تظاهرات خیابانی با عنوان «ما می‌خواهیم زندگی کنیم» برگزار کردند. «رعنا» یکی از آنها بود. او توضیح می‌دهد: «مردم می‌خواستند صدای آنها به گوش زمامداران برسد. اما همانطور که حتما دیدید، حماس برخلاف آنچه ما امیدوار بودیم پاسخ داد... با انواع وحشیگری!» در آن تظاهرات گزارش شد که پلیس به سوی تظاهرکنندگان تیراندازی و به خانه‌های اطراف محل اعتراض حمله کرد و هر کسی را که مظنون به شرکت در آن بود دستگیر کرد. یک مقام عفو بین‌الملل اظهار داشت: «سرکوب آزادی بیان و استفاده از شکنجه در غزه به سطح هشداردهنده رسیده... ما شاهد نقض فاحش حقوق بشر بودیم که توسط

➔ نیروهای امنیتی حماس علیه معترضان مسالمت‌جو، روزنامه‌نگاران و کارکنان حقوق بشر انجام شده است.»

در میان بازداشت‌شدگان «مومن الناتور» یکی از سازماندهندگان تظاهرات نیز دیده می‌شد. حماس به خانه او یورش برد و پدر و مادرش را تهدید کرد و خواستار مکان اختفای وی شد. الناتور در همین ارتباط گفت که هم او و هم سایر دستگیرشدگان «شکنجه، تحقیر و متهم به همکاری با اسرائیل و تشکیلات خودگردان شدند». وی افزود، میزان خشونت نشان می‌دهد که «این یک مبارزه جنایی پلیس برای محافظت از حماس است نه نگرانی از مردم.» یکی دیگر از رهبران تظاهرات که خانواده‌اش با بدرفتاری مشابهی روبرو شد، به آسوشیتدپرس گفت: «حماس نمی‌خواهد ما فریاد بزنیم بلکه از ما می‌خواهد که در سکوت بپیریم!»

## ۶- پیشتر رویاپرداز بودم



یکی دیگر از تظاهرکنندگان، «ولید» هفت بار توسط حماس زندانی شده است. او قبل از اعتراضات را به یاد می‌آورد و تعریف می‌کند «تا پیش از آن من یک جوان رویاپرداز بودم و رویای تغییر می‌دیدم. من تصور نمی‌کردم که آنها ما را به عنوان خائن معرفی کنند... ما قصد نداشتیم به کسی آسیبی برسانیم.» او می‌گوید آنچه زندگی او را تغییر داد، تجربه‌اش با شکنجه‌گران‌اش بود.

اگرچه حماس مدعی است که به حق آزادی بیان فلسطینیان احترام می‌گذارد، اما رفتارش خلاف این ادعا را نشان می‌دهد. حماس علاوه بر تیراندازی به جمعیت، یورش به خانه‌ها و دستگیری بیش از ۱۰۰۰ تظاهرکننده، از تعداد نامحدودی نیز در بازداشت سوء استفاده کرد. به عنوان مثال، «امیر ابوعون» نوزده ساله تعریف کرد که «به مدت پنج روز در بازداشت بوده» و همچنین گفت که سیلی و کتک خورده و از غذا محروم شده است.»

بخشی از واکنش حماس به تظاهرات ۲۰۱۹ این بود که بطور سیستماتیک تلاش کند معترضان را خائن معرفی کند. در سال ۲۰۱۹ رسانه‌های طرفدار حماس، چه در نوار غزه و چه در سایر کشورهای عربی، به عنوان «همکار» با نیروهای امنیتی اسرائیل معرفی شدند. یکی از مقامات امنیتی حماس مدعی شد: «این اعتراضات توسط گروه‌های خارجی سازماندهی می‌شود و آنها به دنبال بی‌ثبات کردن نوار غزه هستند.»

همانطور که رسانه‌های طرفدار حماس از کشورهای مختلف عربی این نکات را مرتب تکرار می‌کنند، این احساس نیز در غزه تقویت می‌شود که بسیاری در منطقه حمایت از تشکیلات حماس را با حمایت از فلسطینی‌هایی که تحت کنترل حماس زندگی می‌کنند اشتباه می‌گیرند.

## ۷- دگرگونی از مردم می‌آید



«صفا»، یک عکاس خبرنگار اهل غزه سعی کرد از تظاهرات سال ۲۰۱۹ با ارائه پوشش خبری به رسانه‌های بین‌المللی حمایت کند. پلیس دوربین و دست او را شکست، اعضای خانواده‌اش را زندانی و شکنجه کرد و حتی بستگان او را در خارج کشور تهدید کرد که اگر اطلاعاتی در مورد اعتراضات در شبکه‌های اجتماعی منتشر کنند، عزیزانشان در خانه مجازات خواهند شد. صفا بدون اینکه کوتاه بیاید معتقد است: «در پایان، اتفاقی رخ می‌دهد که باعث می‌شود مردم دوباره به خیابان‌ها بیایند.»

بر اساس گزارش فدراسیون بین‌المللی روزنامه‌نگاران، ۴۲ روزنامه‌نگار غزه در جریان اعتراضات سال ۲۰۱۹ «هدف» قرار گرفتند و با «حمله فیزیکی، احضار، تهدید، بازداشت خانگی و ضبط تجهیزات» مواجه شدند. «خانه آزادی» که به غزه امتیاز ۴/۰ برای آزادی رسانه می‌دهد، گزارش داد: «روزنامه‌نگاران و وبلاگ‌نویسان غزه همچنان با سرکوب و معمولاً توسط دستگاه امنیت داخلی دولت حماس مواجه هستند.» انجمن مطبوعات خارجی نیز خاطرنشان کرد که سرکوب جنبش «ما می‌خواهیم زندگی کنیم» در سال ۲۰۱۹ فقط «یک مورد از یک رشته حملات وحشتناک به خبرنگاران در غزه» بوده است.

تاکتیک حماس برای هدف قرار دادن خانواده‌های منتقدان عمدتاً همان موضوعات مشترک درباره مسائل امنیتی است. در اکتبر ۲۰۲۲، یکی از فعالان رسانه‌ای غزه ویدیویی از یک مأمور امنیتی حماس منتشر کرد که والدین او را تهدید می‌کرد تا وی را ساکت کند. زمانی که «اسامه الخلووت» روزنامه‌نگار مستقل، عکسی از یکی از معترضان منتشر کرد که روی آن نوشته شده بود: «می‌خواهم با کرامت زندگی کنم»، حماس به خانه خانواده او هجوم برد، وسایل خانه را شکست و در راه بازداشتگاه پلیس او را مورد ضرب و جرح قرار داد.

در آنجا به او «توصیه» شد که دیگر درباره اعتراضات گزارش ندهد. اما وی می‌گوید: «من یک روزنامه‌نگار هستم و از پوشش آن اعتراضات پشیمان نیستم.»

اگرچه بیش از سه سال از سرکوب تظاهرات می‌گذرد، ولی به نظر می‌رسد «میخاعمار ابوسعدا» استاد رشته علوم سیاسی غزه نیز با «صفا» موافق است که حماس صدای جنبش «ما می‌خواهیم زندگی کنیم» را نشنیده است. او خاطرنشان می‌کند، به این دلیل که مردم غزه اعتراض نمی‌کنند، «به این معنی نیست که فلسطینی‌های غزه از حماس راضی هستند.»

## ۸- رهبران آنها ثروتمندند



به گفته‌ی «هشام»، بخشی از آنچه خشم و انزجار مردم غزه را برمی‌انگیزد، خودمآیی فریبکارانه‌ی رهبران حماس است. او می‌گوید: «امروزه نیروی اشغالگر نیست که مرا می‌کشد، بلکه حماس است که مالیات‌های سنگینی وضع می‌کند، ساکنان غزه را در فقر مطلق می‌گذارد، در حالی که مقامات آن صاحب زمین و تجارت و مبالغ هنگفت پول هستند.»

حماس بار مالیاتی سنگینی به مردم تحمیل کرده و تقریباً ۳۰ میلیون دلار در ماه از ساکنان غزه دریافت می‌کند. این مالیات‌ها مبالغ عظیمی را تشکیل می‌دهند که نه تنها هدف گردآوری آنها مهم است بلکه اصلاً معلوم نیست خرج چه می‌شوند. به گزارش آسوشیتدپرس، با این حال حماس «خدمات کمی هم در مقابل ارائه می‌دهد که بیشتر آنها پروژه‌های کمک و امداد تحت پوشش جامعه بین‌المللی هستند.» «محمد آقا» صاحب یک پمپ بنزین است و از این وضعیت احساس خفگی می‌کند. او با اظهار تأسف می‌گوید «قبل از حماس، ۱۰۰۰ مثقال (حدود ۳۲۰ دلار) در ماه برای یک خانواده کافی بود. حالا ۵۰۰۰ هم کافی نیست چون از شهروندان مالیات می‌گیرند.»

در همین حال، با وجود اینکه حماس به مردم توصیه می‌کند تا با قناعت زندگی کنند و ریاضت را توصیه می‌کند اما مقامات خودش با خانواده‌هایشان در تجمل و رفاه زندگی می‌کنند. در سال ۲۰۰۹، اسماعیل هنیه، رئیس دفتر سیاسی حماس اعلام کرد: «دست‌های ما پاک است. ما نه پول می‌دزدیم، نه املاک و مستغلات داریم و نه ویلا می‌سازیم.» با این حال، در سال‌های اخیر، پسر هنیه به دلیل داشتن املاک و مستغلات وسیع که با نفوذ پدرش به دست آورده، در غزه به عنوان «ابوالاقارات» (پدر ثروت) شناخته می‌شود. اوایل این ماه، «لارا احمد»، روزنامه‌نگار فلسطینی گزارش داد که هنیه چندین میلیون دلار در خانواده‌اش پولشویی کرده است. همانطور که «اکرم عطالله»، روزنامه‌نگار فلسطینی نیز می‌گوید «دست زمامداران حماس رو شده و مردم دریافته‌اند که آنها بسیار بهتر از آنها زندگی می‌کنند.»

جوانان غزه گاهی با طنز سیاه به چنین افشاهایی پاسخ می‌دهند. سال گذشته، فعالان محلی یک کمپین اینترنتی با عنوان کنایه‌ای «دست‌های ما پاک هستند» راه‌اندازی کردند و توجه افکار عمومی را به ناهنجاری‌های مالی حماس جلب کردند. نظرسنجی اخیر مؤسسه واشنگتن نیز نشان داد که نه تنها اکثریت بزرگی از مردم غزه «از حکومت حماس ناامید هستند»، بلکه ۸۴ درصد از غزه‌ای‌ها «اصلاحات سیاسی و اقتصادی داخلی را بر مسائل سیاست خارجی» در اولویت قرار می‌دهند.



# خبرگزاری فرانسه: با وجود اعدام و سرکوب، معترضان در ایران همچنان رژیم را به چالش می‌کشند



برای اکثریت مردم غزه که به صراحت حماس را محکوم نمی‌کنند، هیچ تضمینی وجود ندارد که حماس آنها را محکوم نکند. در یک کافه در غزه، «لوبنا» و دوست پسرش دست هم را گرفته بودند که پلیس حماس متوجه شد. این موضوع را گزارش کرد و کافه تعطیل شد! امروز آنها ازدواج کرده‌اند و در هر مهمانی خانوادگی، اقوام می‌پرسند چه زمانی بچه‌دار می‌شوند. «لوبنا» اما توضیح می‌دهد: «این اشتباه است کودکی را در شرایطی که ما تحمل می‌کنیم به دنیا بیاوریم. کودک بی‌گناه است و دروس بی‌ارزش و فریبکارانه را شود به مدارس دولتی برود و جوان امیدوارند آینده خود را در جای بیامورد.» این زوج جوان امیدوارند آینده خود را در جای دیگری بنا کنند.

تلاش‌های حماس برای تحمیل آداب اجتماعی سنتی پس از به قدرت رسیدن این گروه تشدید شد. از جمله اعمال تفکیک جنسیتی در مدارس، ممنوعیت کتاب، ممنوعیت دوچرخه‌سواری زنان و تشویق چندهمسری. مقامات حماس ادعا می‌کنند که این اقدامات پاسخ مساعد به خواست‌ها و حساسیت‌های سنتی خود مردم غزه است. اما فعالان حقوق مدنی نظر دیگری دارند. «زینب الغنیمی» مدافع حقوق زنان مستقر در غزه، حماس را به پرسش می‌کشد و می‌خواهد که صریح حرف بزنند: «بجای پنهان شدن در پشت سنت‌ها، چرا آنها به وضوح نمی‌گویند که اسلامگرا هستند و می‌خواهند همه چیز را اسلامی کنند؟»

نگرانی و هراس «لوبنا» در مورد تحصیل کودکان کاملاً موجه است. مدارس و اردوگاه‌های تابستانی تحت مدیریت حماس، کودکان را به سمت زندگی دیگری پر از درگیری سوق می‌دهند. برنامه‌های درسی آنها مهارت‌های اساسی تفکر انتقادی را انکار می‌کند و در عین حال یهودستیزی و انکار هولوکاست را القاء می‌کند. کودکان برای استفاده از سلاح گرم آموزش می‌بینند و از آنها خواسته می‌شود که پس از پایان مدرسه به دنبال «جهاد» بروند. «سمیر زکوت» فعال حقوق بشر در غزه معتقد است که روش‌های آموزشی حماس با هدف «پرورش فرهنگ نظامی، آشنایی پسران با مقاومت و تربیت نسل بعدی ستیزه‌جویان» است. «مخیمار ابوسادا» استادیار علوم سیاسی در دانشگاه «الزهر» شهر غزه نیز تلاش‌های این گروه را محکوم می‌کند: «آنها می‌توانند آن را اردوی تابستانی بنامند، اما درواقع این فقط بخشی از اسلامی کردن جامعه است... آنها این بچه‌ها را برای پیوستن به گردان‌های القسام استخدام می‌کنند. وقتی دور جدیدی از درگیری با اسرائیل رخ دهد، بیشتر پسران برای جنگ به عنوان مپ‌گذار انتحاری یا حداقل برای پیوستن به مقاومت فلسطین استخدام می‌شوند.»



اعتراضات سراسری در ایران (تهران سپتامبر ۲۰۲۲)

در همین ارتباط، خبرگزاری فرانسه به نقل از تحلیلگران می‌نویسد با وجود فروکش کردن اعتراضات خیابانی در ایران به خاطر شدت سرکوب‌های وحشیانه، معترضان ایرانی همچنان رژیم مذهبی جمهوری اسلامی را با گذشت بیش از چهار ماه از جنبش آزادیخواهانه خود به چالش می‌کشند. در این گزارش که یکشنبه ۲۲ ژانویه (دوم بهمن) منتشر شد با اشاره به اینکه سرکوب شدید و اجرای احکام اعدام باعث کاهش نسبی تعداد اعتراضات شده می‌نویسد اعتراضات اگرچه فروکش کرده اما با توجه به بحران شدید اقتصادی همچنان برای رژیم ایران یک تهدید جدی به شمار می‌رود. این در حالیست که اعتراضات به اشکال مختلف از جمله اعتصاب و تظاهرات در بعضی شهرها همچنان ادامه دارد.

در ایران قیمت دلار به بیش از ۴۵ هزار تومان رسیده و آغاز دور تازه‌ای از اعتراضات قابل پیش‌بینی است. علی‌فتح‌الله‌نژاد کارشناس مسائل ایران در آمریکا از مؤسسه «سیاست عمومی و امور بین‌الملل عصام فارس» دانشگاه بیروت به خبرگزاری فرانسه می‌گوید جمهوری اسلامی «در بن‌بست گرفتار شده» و با اینهمه می‌افزاید هم رژیم ایران و هم معترضان «قادر به تحمل خود بر دیگری نیستند» اما «با کاهش قابل توجه ارزش ریال از ابتدای سال، می‌توان انتظار تظاهرات متمرکز بر اقتصاد را داشت.» این تحلیلگر سیاسی می‌گوید اعتراضات حتی اگر ریشه‌های اقتصادی داشته باشد می‌تواند فوراً سیاسی شود.

در ایران قیمت ارز در حالی روز یکشنبه به بیش از ۴۵ هزار تومان رسیده که یک روز پیش از آن ادعا شده بود ۳۰۰ میلیون یورو در منابع بانک مرکزی جمهوری اسلامی در عراق به اقتصاد ایران تزریق شده است.

تحلیلگران با اشاره به تحریم‌های جدید آمریکا علیه ۱۵ بانک عراقی مرتبط با سپاه پاسداران انقلاب اسلامی پیش‌بینی کرده‌اند که کمبود دلار در بازار ایران همراه با سقوط ارزش ریال در مقابل دلار بیش از پیش تشدید خواهد شد.

● احمد وحیدی وزیر کشور جمهوری اسلامی ادعا می‌کند در جریان اعتراضات «حتی یک شعار معیشتی یا یک درخواست معیشتی نداشتیم» در حالی که مردم معترض شعار می‌دهند: فقر فساد گرونی، میریم تا سرنگونی!

● خبرگزاری فرانسه به نقل از تحلیلگران می‌نویسد با وجود فروکش کردن نسبی اعتراضات خیابانی در ایران به خاطر شدت سرکوب‌های وحشیانه، معترضان ایرانی همچنان رژیم مذهبی جمهوری اسلامی را با گذشت بیش از چهار ماه از جنبش آزادیخواهانه خود به چالش می‌کشند.

● علی‌فتح‌الله‌نژاد کارشناس مسائل ایران در آمریکا از «مؤسسه سیاست عمومی و امور بین‌الملل عصام فارس» دانشگاه بیروت به خبرگزاری فرانسه می‌گوید جمهوری اسلامی «در بن‌بست گرفتار» شده و با اینهمه می‌افزاید که هم رژیم ایران و هم معترضان «قادر به تحمل خود بر دیگری نیستند» اما «با کاهش قابل توجه ارزش ریال از ابتدای سال، می‌توان انتظار تظاهرات متمرکز بر اقتصاد را داشت.»

● تحلیلگران با اشاره به تحریم‌های جدید آمریکا علیه ۱۵ بانک عراقی مرتبط با سپاه پاسداران انقلاب اسلامی پیش‌بینی کرده‌اند که کمبود دلار در بازار ایران و سقوط ارزش ریال در مقابل دلار بیش از پیش تشدید خواهد شد.

سردار پاسدار احمد وحیدی وزیر کشور جمهوری اسلامی ادعا می‌کند در جریان اعتراضات «حتی یک شعار معیشتی یا یک درخواست معیشتی نداشتیم.»

وی گفته «اغتشاشات» ناشی از جامعه‌ای است که «نقش والدین کم‌رنگ است» و «مجموعه‌ای از لذت‌ها را به عنوان ایده و روش طراحی کرده‌اند!»

وحیدی در حالی نقش مسائل اقتصادی در اعتراضات را انکار کرده که به باور بسیاری از تحلیلگران و همچنین مقامات ارشد نظام نارضایتی مردم و مشکلات مالی، فقر، فساد و ناکارآمدی اقتصادی از اصلی‌ترین دلایل اعتراض است و برای آن شعار نیز ساخته شده: فقر فساد گرونی، میریم تا سرنگونی!

## تصویب کلیات لایحه بودجه ۱۴۰۲؛ فاجعه اندر فاجعه!



تصویب کلیات بودجه ۱۴۰۲ در مجلس شورای اسلامی

در نخستین ماه‌های سال آینده خبری از رفع تحریم و فروش نفت بر اساس پیش‌بینی بودجه نیست.

یکی دیگر از محورهای درآمد بودجه به مالیات اختصاص دارد که این بخش از درآمدها نیز با واقعیت روند دریافت مالیات فاصله دارد. غلامرضا تاجگردون رئیس سابق کمیسیون بودجه مجلس نه تنها تعدد اشکال دریافت مالیات را در وضعیت اقتصادی کشور فشار مضاعف به مردم و مالیات دهندگان می‌خواند بلکه فرمول آن را نیز با وضعیت تورم فعلی خطرناک عنوان می‌کند.

کاظم دلخوش اباتری سخنگوی کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس شورای اسلامی نیز گفته که «در لایحه بودجه درآمدهای مالیاتی رشد ۴۷ درصدی داشته است که تأمین آن غیرممکن است. افزایش ۴۰ درصدی تورم با افزایش ۲۰ درصدی حقوق و دستمزد برای کارکنان دولت غیرمنصفانه است و مشکلات آنها را حل نخواهد کرد.»

مرتضی افقه استاد اقتصاددان دانشگاه جندی شاپور اهواز نیز معتقد است که «دولت در بودجه سال آینده حدود ۵۹ درصد سهم مالیات‌ها را نسبت به سال قبل افزایش داده و این در حالی است که افزایش حقوق کارکنان دولت را فقط ۲۰ درصد تعیین کرده است. افزایش حقوق به اندازه ۲۰ درصد هم بهانه‌ای است برای آقای میرکاظمی، رئیس سازمان برنامه و بودجه که افزایش حقوق منجر به تورم می‌شود اما عملاً در شرایط فعلی اینگونه نیست. ایشان با این بهانه که افزایش حقوق‌ها منجر به افزایش تورم می‌شود، برای سال دوم افزایش حقوق را فقط ۲۰ درصد در نظر گرفته؛ در حالی که تورم همچنان ۴۵ درصد است. این یعنی قدرت خرید کارکنان مثل سال گذشته حدود ۲۰ تا ۲۵ درصد کاهش پیدا می‌کند.»

بجز موضوع معیشت اقشار حقوق‌بگیر و تورم‌زا بودن بودجه که سبب افزایش جمعیت فقیر در کشور می‌شود، بخش‌های مهم دیگری چون محیط زیست و بهداشت نیز در تنظیم بودجه با بی‌اعتنایی تیم اقتصادی دولت روبروست. در شرایطی که ایران با مشکلات جدی چون کم‌آبی، آلودگی هوا و فرسودگی ناوگان حمل و نقل عمومی روبروست ←

محقق شده است که کافی نیست و باید تلاش بیشتری شود! وی همچنین ادعا کرد «در زمینه کشاورزی رشد ۱۷ درصدی تولید غلات را داشته‌ایم» و «شاهد رشد اقتصادی ۴ درصدی هستیم!»

ابراهیم رئیسی در ادامه درباره نگاه تیم اقتصادی دولت سیزدهم به بودجه سال آینده توضیح داد که «تلاش شده است در بودجه ۱۴۰۲ از درج احکام غیرمرتبط با بودجه جلوگیری شود و احکام دائمی جدا شود. بهبود معیشت مردم، تعادل در پرداخت‌ها و کاهش تورم مدنظر بوده است. تولید خودرو مد نظر است و کمبودها با واردات جبران می‌شود.»

ابراهیم رئیسی نه تنها مدعی کاهش قیمت ارز و طلا شده بلکه گفته که «دولت در زمینه مسکن، معیشت، خودرو و سلامت برنامه کوتاه مدت دارد که حتما وضعیت در آینده نزدیک متفاوت خواهد شد.»

جدا از تخیلات و ادعاها و شعارهای ابراهیم رئیسی و تیم اقتصادی دولت سیزدهم، واقعیت‌های موجود در لایحه بودجه تصویر نگران‌کننده‌ای از تشدید بحران‌های اقتصادی در سال آینده را به نمایش می‌گذارد. همین موضوع سبب شده در حالی که «مجلس انقلابی» حامی دولت سیزدهم است اما شماری از نمایندگان با لایحه مخالفت کرده و مشکلات آن را مطرح کنند.

کسری بودجه و یارانه‌های معیشتی هم از جمله موارد اصلی اختلاف میان دولت و مجلس در بودجه سال آینده است. محمدرضا پورابراهیمی رئیس کمیسیون اقتصادی مجلس شورای اسلامی به «ناترازی‌های بودجه» اشاره کرده و علی حدادی و علیرضا سلیمی به «عدم شفافیت» بودجه سال آینده پرداختند.

دولت سیزدهم منابع حاصل از فروش نفت و فرآورده‌های نفتی را ۶۰۳ هزار میلیارد تومان در نظر گرفته است؛ اما بانک جهانی می‌گوید با توجه به رقابت قیمت با روسیه و ادامه تحریم‌ها تحقق چنین ارقامی بعید به نظر می‌رسد. قابل توجه اینکه بازه زمانی بودجه از حدود دو ماه دیگر و از نخستین روز فروردین ۱۴۰۲ آغاز می‌شود و مشخص است که دست‌کم

● درآمدهای لایحه بودجه ۹۷۸ هزار میلیارد تومان اما هزینه‌های آن ۱۴۵۴ هزار میلیارد تومان است. اختلاف هزینه‌ها و درآمدها پیشاپیش نشان از کسری بودجه ۴۷۶ هزار میلیارد تومانی دارند.

● مقامات دولتی بی‌اعتنا به شرایط کنونی اقتصاد و بحران‌هایی چون تحریم و قرار داشتن ایران در فهرست سیاه FATF و تهدیدهایی که نگاه خصمانه و جنگ‌طلبانه جمهوری اسلامی برای کشور ایجاد کرده، از بودجه‌ای که سر هم کرده‌اند رضایت دارند.

● مرتضی افقه: افزایش حقوق را فقط ۲۰ درصد در نظر گرفته؛ در حالی که تورم همچنان ۴۵ درصد است. این یعنی قدرت خرید کارکنان مثل سال گذشته حدود ۲۰ تا ۲۵ درصد کاهش پیدا می‌کند.

● در شرایطی که ایران با مشکلات جدی چون کم‌آبی، آلودگی هوا و فرسودگی ناوگان حمل و نقل عمومی روبروست اما محاسبات نشان می‌دهد دولت به ازای هر یک نفر از جمعیت تنها یک دلار، و به ازای هر کیلومتر مربع فقط ۵۵ دلار به محیط زیست اختصاص داده است.

کلیات لایحه بودجه ۱۴۰۲ با وجود کسری شدید در تأمین درآمد و هزینه‌های غیرعادی و پولپاشی برای «خودی»ها در شرایط بحرانی اقتصاد کشور به تصویب رسید. برآوردها از کسری عملیاتی ۴۷۶ هزار میلیارد تومانی در لایحه بودجه حکایت دارد و دولت بدون توجه به بحران‌های مهمی چون مشکلات معیشتی مردم، محیط زیست و بهداشت و عمران، مبالغ هنگفتی را به سازمان‌ها و نهادهای بی‌خاصیت تبلیغات حکومتی و ایدئولوژیک که زیانبار نیز هستند داده است.

کلیات لایحه بودجه روز یکشنبه دوم بهمن‌ماه در مجلس شورای اسلامی تصویب شد. دولت مدعی است که «کل منابع و مصارف بودجه ایران به بیش از ۵ میلیون و ۲۶۱ هزار و ۶۹۶ میلیارد تومان می‌رسد» و رشد ۳۷ درصدی منابع حاصل از صادرات نفت و فروش اموال دولتی در بودجه سال ۱۴۰۲ نسبت به بودجه امسال لحاظ شده است.

بودجه ۱۴۰۲ اما پیشاپیش با کسری شدید روبروست. درآمدهای نوشته شده در لایحه بودجه ۹۷۸ هزار میلیارد تومان است اما هزینه‌های پیش‌بینی شده ۱۴۵۴ هزار میلیارد تومان است. اختلاف هزینه‌ها و درآمدها نشان از کسری بودجه ۴۷۶ هزار میلیارد تومانی دارد. این در حالیست که بخش قابل توجهی از درآمدهای نوشته شده در بودجه اصلاً قابل تأمین نیست و در نتیجه کسری بودجه بیش از رقم محاسبه شده کنونی است.

مقامات دولتی اما بی‌اعتنا به شرایط کنونی اقتصاد و بحران‌هایی چون تحریم و قرار داشتن ایران در فهرست سیاه FATF و تهدیدهایی که نگاه خصمانه و جنگ‌طلبانه جمهوری اسلامی برای کشور ایجاد کرده، از بودجه‌ای که در واقع سرهم کرده‌اند رضایت دارند.

ابراهیم رئیسی در دفاع از لایحه بودجه بدون ارائه جزئیات گفته قیمت طلا و ارز «کاهش» خواهد یافت و «تلاش کردیم مغایرتی بین درآمد و هزینه نباشد تا کسری بودجه ایجاد نشود!»

ابراهیم رئیسی در دفاع از این لایحه ادعاهای عجیب دیگری را هم درباره عملکرد اقتصادی دولت سیزدهم مطرح کرده که همگی در تضاد با آمارها و شرایط اقتصادی کنونی است. از جمله اینکه «وعده دولت برای ایجاد یک میلیون شغل

## بریتانیا هفت مقام و نهاد سرکوبگر جمهوری اسلامی را تحریم کرد



کیومرث حیدری فرمانده نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی

تا ارادل و اوباشی که معترضان را در خیابان‌ها ضرب و جرح می‌کنند و بخشی از دستگاه سرکوب جمهوری اسلامی علیه مردم به شمار می‌روند.»

وی تأکید کرد: «بریتانیا و شرکای ما از طریق این تحریم‌ها پیام روشنی ارسال کرده‌اند و آن اینکه برای ناقضان حقوق بشر هیچ راه گریزی وجود ندارد.»

فهرست تحریم‌های بریتانیا علیه جمهوری اسلامی از این قرار است:

- کیومرث حیدری فرمانده نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران که علناً به دخالت خود و نیروهایش در سرکوب اعتراضات «آبان ۹۸» اذعان کرده است.
- حسین نجات جانشین فرمانده «سپاه ثارالله» سپاه پاسداران انقلاب اسلامی که مأموریت اصلی آن سرکوب اعتراضات در تهران و حومه است.
- سالار آبتوش جانشین فرمانده بسیج که به نقش خود و نیروهای تحت امرش در سرکوب اعتراضات اذعان کرده است.
- احمد فاضلیان معاون دادستان کل جمهوری اسلامی
- قاسم رضایی جانشین فرمانده نیروی انتظامی
- همچنین سازمان بسیج و بنیاد تعاون بسیج نیز در فهرست تحریم‌های تازه انگلیس علیه رژیم اسلامی ایران قرار گرفتند. در ماه‌های اخیر بریتانیا حدود ۵۰ تحریم جدید علیه نهادها و عوامل سرکوبگر جمهوری اسلامی اعمال کرده است.

و از طرف دیگر مردمی بودن که در طول تاریخ ویژگی اصلی روحانیت بوده را از دست ندهند.»

او در ادامه نوشته «بهترین اقدام اینست که بزرگان حوزه علمیه پیشقدم شوند و با نگرارش نامه‌ای به دولت و مجلس، نسبت به ردیف بودجه‌ای که برای دستگاه‌های مختلف حوزه‌های علمیه در نظر گرفته شده اعلام بی‌نیازی کنند. این اقدام، اعتقاد و اعتماد مردم به روحانیت را صدچندان خواهد کرد و توده مردم با هدایا و وجوه شرعی خود هزینه‌های حوزه‌های علمیه را همچون گذشته تأمین خواهند نمود. این اقدام، هم اسلامی است، هم انقلابی، هم مردمی و هم شجاعانه.»

- بریتانیا کیومرث حیدری فرمانده نزا، حسین نجات جانشین فرمانده «سپاه ثارالله»، سالار آبتوش جانشین فرمانده بسیج، احمد فاضلیان معاون دادستان کل جمهوری اسلامی، قاسم رضایی جانشین فرمانده نیروی انتظامی، سازمان بسیج و بنیاد تعاون بسیج را تحریم کرد.
- جیمز کلورلی وزیر خارجه بریتانیا می‌گوید «کسانی که امروز تحریم شده‌اند، عوامل قضایی رژیم را که از مجازات اعدام برای اهداف سیاسی استفاده می‌کنند در بر می‌گیرد تا ارادل و اوباشی که معترضان را در خیابان‌ها ضرب و جرح می‌کنند و بخشی از دستگاه سرکوب جمهوری اسلامی علیه مردم به شمار می‌روند.»

- وزیر خارجه انگلیس تأکید کرد: «بریتانیا و شرکای ما از طریق این تحریم‌ها پیام روشنی ارسال کرده‌اند و آن اینکه برای ناقضان حقوق بشر هیچ راه گریزی وجود ندارد.»

همزمان با تصویب چهارمین بسته تحریمی اتحادیه اروپا علیه رژیم ایران، وزارت خارجه بریتانیا روز دوشنبه ۲۳ ژانویه (سوم بهمن) هفت مقام و نهاد جمهوری اسلامی را که در سرکوب خیزش آزادیخواهان در ایران نقش داشته‌اند در فهرست تحریم‌ها قرار داد.

جیمز کلورلی وزیر خارجه بریتانیا می‌گوید «کسانی که امروز تحریم شده‌اند، عوامل قضایی رژیم را که از مجازات اعدام برای اهداف سیاسی استفاده می‌کنند در بر می‌گیرد

دفاع مقدس که نهادهای فعال در حوزه جنگ هشت ساله عراق علیه ایران است، هم بودجه‌اش با ۱۵۹ درصد رشد مبلغ ۴۳۳ میلیارد تومان پیشنهاد شد.

روزنامه جمهوری اسلامی در شماره امروز دوشنبه سوم بهمن‌ماه در سرفاله خود به قلم مسیح مهاجرزای از بودجه‌های دولتی برای حوزه‌های علمیه انتقاد کرده و نوشته است «آنچه مهم‌تر است افکار عمومی است که حرفش اینست که وقتی مردم در فقر دست و پا می‌زنند، حوزه‌های علمیه نباید از بودجه عمومی کشور تغذیه کنند. حوزه‌های علمیه باید به شیوه همیشگی با پول و امکاناتی که مردم در اختیارشان قرار می‌دهند اداره شوند تا از یکطرف استقلال خود را حفظ کنند

اما محاسبات نشان می‌دهد دولت به ازای هر یک نفر از جمعیت تنها یک دلار، و به ازای هر کیلومتر مربع فقط ۵۵ دلار به محیط زیست اختصاص داده است.

بهزاد اشجعی دبیر سابق کمیته فنی صدور مجوزهای زیست محیطی سازمان محیط زیست درباره بودجه سازمان محیط زیست و ارقامی که برای مقاصد مهمی همچون آلودگی هوا اختصاص پیدا کرده گفته «ارقامی که در سال جاری نیز در بودجه اختصاص داده شده بود، برای اجرای وظایف سازمان محیط‌زیست کافی نبود، چه برسد به سال آینده! البته که محیط‌زیست دستگاه اجرایی نیست و بودجه‌ای که به آن اختصاص پیدا می‌کند برای انجام وظایف نظارتی و حاکمیتی است و طبیعتاً بودجه‌های خیلی کلان مدنظر ما نیست، اما در بخش وظایف نظارتی نیز بودجه‌ای که به این سازمان اختصاص داده می‌شود کافی نیست.»

محمدرضا حیدری پژوهشگر حوزه محیط زیست و توسعه پایدار نیز گفته که «بودجه سال ۱۴۰۱ محیط زیست ایران حدود دو هزار و ۱۵۷ میلیارد تومان بوده که به سه‌هزار و ۷۰۰ میلیارد تومان در سال ۱۴۰۲ رسیده که این عدد نیز با محاسبه نرخ ارز و تورم سالانه، خیلی تفاوت چندانی در مقایسه با سال قبل نداشته است. اما در کشورهای دیگر برای مثال بودجه آژانس حفاظت از محیط زیست آمریکا در سال ۲۰۲۰، حدوداً ۹ میلیارد دلار بوده و این عدد در سال ۲۰۲۳ به حدود ۱۲ میلیارد دلار خواهد رسید و رشد ۳۰ درصدی داشته است. اگر این بودجه را به‌ازای هر نفر از اعضای جامعه تقسیم کنیم تا ببینیم دولت‌ها چه بودجه‌ای در اختیار سازمان‌های حفاظت از محیط زیست خود قرار دادند، در کشور ما به ازای هر نفر در سال ۱۴۰۲ حدوداً یک دلار است و به ازای هر کیلومتر مربع از مساحت سرزمینی این بودجه حدوداً ۵۵ دلار خواهد بود.»

بودجه بخش سلامت هم بسیار ناچیز و نامتناسب با نیازهای ضروری این بخش است. زهرا شیخی سخنگوی کمیسیون بهداشت و درمان مجلس شورای اسلامی در اینباره از «حذف ردیفی تحت عنوان سایر موارد که شامل ۱۶ جزء از جمله نگهداری تأسیسات، غذای دانشجویان و حقوق و مزایای کارمندان شرکتی بود» خبر داده است. وی همچنین گفته «پیش‌بینی بودجه حداقلی ۵/۱ همت برای خرید آمبولانس، ۵۰۷ میلیارد تومانی برای واحدهای جدیدالاحداث دانشگاهی و ۶۹ همت برای داروییاری و تجهیزات پزشکی جوابگوی نیاز کشور نیستند.»

در این میان اما بودجه پاشی به نهادهای امنیتی، تبلیغاتی و ایدئولوژیک با افزایش چشمگیری روبرو شده است. کیهان لندن پیشتر در گزارشی به بودجه افزایش یافته این نهادها که در جهت «سرکوب اعتراضات شهروندان» و «جهاد تبیین» صورت گرفته پرداخته است.

بر این اساس دولت سازمان تأمین اجتماعی نیروهای مسلح بالغ بر ۱۱۲ هزار میلیارد تومان یعنی بیش از ۷۴ درصد اعتبار کل وزارت دفاع را پیش‌بینی کرده است. ستاد مشترک سپاه پاسداران انقلاب اسلامی بیش از ۱۱۹ هزار و ۴۴۰ میلیارد تومان بودجه در سال آینده دریافت خواهد کرد. فرماندهی کل انتظامی انتظامی جمهوری اسلامی ایران با بودجه حدود ۶۲ هزار میلیارد تومان در رتبه هفتم در میان دستگاه‌های اجرایی و در رتبه سوم در میان نهادهای نظامی قرار می‌گیرد. بنیاد شهید و امور ایثارگران پس از سپاه پاسداران، بیشترین بودجه را در میان تمام دستگاه‌های اجرایی خواهد گرفت. دولت در لایحه بودجه سال ۱۴۰۲ بیش از ۷۲ هزار و ۴۲۴ میلیارد تومان اعتبار برای این مجموعه در نظر گرفته است. ستاد احیای امر به معروف و نهی از منکر از دیگر نهادهای حاکمیتی خرساز و حاشیه‌ساز است که بودجه آن در لایحه با ۳۳ درصد رشد، به ۷۶ میلیارد تومان رسید. بنیاد حفظ آثار

## اوکراین؛ باتلاق مهلك ديگري كه روس‌ها جمهوري اسلامي را به آن كشاندند:

# با اعلام تروريستي بودن سپاه «توازن راهبردي نظام» در منطقه فرو مي‌ريزد



روغايي از موشك‌هاي بالستيك سپاه پاسداران انقلاب اسلامي

سپاه پاسداران نيز تهديد کرده «تصميم اروپايي‌ها درباره سپاه، ورود به يك دالان تاريخ است؛ ورود با خودشان است، اما قاعدتاً نحوه ادامه و خروجش را از الان مي‌توانند ببينند!»

### همكاري جمهوري اسلامي با روسيه

يكي از دلايل اصلي اعضاي پارلمان اروپا براي قرار دادن سپاه پاسداران انقلاب اسلامي در فهرست سازمان‌هاي تروريستي، پشتيباني رژيم اسلامي و اين سازمان نظامي نامتعارف و موازي از روسيه در تجاوز به اوکراين است. در همين ارتباط، براي اعضاي پارلمان بریتانیا که از ۳۱ ژانويه ۲۰۲۰ ديگر عضو اين اتحاديه نيست ارسال پيغام‌هاي انتحاري از جمهوري اسلامي به روسيه تأثير بيشتري براي شناخت سپاه به عنوان سازمان تروريستي داشت تا مواردی مثل نقض حقوق بشر و سرکوب اعتراضات و کشتار مردم در ايران.

بر همين اساس است که شماری از نمايندگان پارلمان اروپا نيز در سخنانی‌هاي خود عليه سپاه پاسداران بيشتري براي ارسال تسليحات به روسيه توسط جمهوري اسلامي تأکيد کرده‌اند. از هراس تروريستي اعلام شدن سپاه پاسداران است که حسين اميرعبداللهيان در جريان سفرش به آنکارا در مصاحبه با شبکه TRT ادعا کرد «علی‌رغم روابط ممتاز تهران و مسکو، جدا شدن کریمه، لوهانسک و دونسک را از اوکراين به رسميت نشناختيم!» اين در حاليست که جمهوري اسلامي چند هفته بعد از اعلام استقلال دونتسک با رئيس جمهوري خودخوانده آن قرارداد همكاري اقتصادي امضا کرد!

حسين اميرعبداللهيان در گفتگوي تلفني با جوزپ بورل مسئول سياست خارجي اتحاديه اروپا نيز هشدار داد که اروپا «به تبعات منفي رفتار احساسی خود بينديشند» و

«اروپايي‌ها مديون مجاهدت‌هاي سپاه در مسير مبارزه با تروريسم هستند!»

مقامات جمهوري اسلامي اميدوارند از ميان ۲۷ عضو اتحاديه اروپا حداقل يك عضو در شورای وزيران با قرار گرفتن سپاه در فهرست سازمان‌هاي تروريستي مخالفت کند تا اين طرح به تصويب نرسد. هرچند برخي تحليلگران معتقدند اروپايي‌ها منافع متعارض دارند و تأييد نهايي قرار گرفتن سپاه در فهرست سازمان‌هاي تروريستي اروپا دور از انتظار است اما اين قضيه در مورد مجازات روسيه اتفاق افتاد و با وجود منافع اقتصادي و روابط سطح بالای شماری از کشورهای اروپايي با مسکو، تمام ۲۷ عضو اتحاديه در واکنش به تجاوز اين کشور به اوکراين با تحريم‌هاي شديد روسيه موافقت کردند. بنابر اين دور از انتظار نيست که در رأی‌گيري سوم بهمن‌ماه وزرای خارجه اتحاديه اروپا سپاه را به عنوان سازمان تروريستي شناسايي کنند. هر احتمالی همواره احتمال وقوع دارد!

در همين ارتباط در آستانه برگزاري نشست شورای امور خارجي اتحاديه اروپا، هلند اعلام کرد که «به شدت از تروريستي ناميدن سپاه پاسداران انقلاب اسلامي» حمايت مي‌کند.

در اين ميان، مقامات جمهوري اسلامي در بالاترين رده‌هاي حکومتي هنوز به اين جمع‌بندي نرسيده‌اند که با تهديد و نشان دادن چنگ و دندان (اقدام براي حمله به سربازان اروپايي) شورای اتحاديه اروپا را از تروريستي اعلام کردن سپاه منصرف کنند يا با استفاده از ابزار ديپلماتيک!

حسين سلامي فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامي مي‌گويد اروپا با قرار دادن سپاه در فهرست سازمان‌هاي تروريستي خود را در آستانه يك جنگ ديگر قرار داده و مدعی شده «ما قوی عمل مي‌کنيم!» يکی از مشاوران ارشد

● حسين اميرعبداللهيان گفتگو با مقامات اروپايي را براي منصرف کردن آنها از قرار دادن سپاه پاسداران انقلاب اسلامي در فهرست سازمان‌هاي تروريستي اتحاديه اروپا آغاز کرده است.

● مقامات در بالاترين رده‌هاي حکومتي هنوز به اين جمع‌بندي نرسيده‌اند که با تهديد و نشان دادن چنگ و دندان (اقدام براي حمله به سربازان اروپايي) آنها را از تروريستي اعلام کردن سپاه منصرف کنند يا استفاده از ابزار ديپلماتيک!

● حسين سلامي فرمانده کل سپاه مي‌گويد اروپا با قرار دادن سپاه در فهرست سازمان‌هاي تروريستي خود را در آستانه يك جنگ ديگر قرار داده و «ما قوی عمل مي‌کنيم!»

● محمدجواد لاريجاني دبیر سابق ستاد حقوق بشر قوه قضائيه در باره آینده برجام مي‌گويد: «جسد برجام متأسفانه دفن نشده و بو مي‌دهد و اگر دفن مي‌کردند بو مي‌داد.» وی ادامه داد: «برجام يك كجراه است و ما نبايد به اين كجراه دل ببنديم و نبايد به آن دلبندي صورت گيرد.» او همچنين اعتراف کرده «برجام براي اين درست شد که توانمندی هسته‌اي ما را صفر کند که اين شدنی نيست. بنابر اين ما مذاکرات را ادامه مي‌دهيم اگرچه ظاهرش اين نيست!»

● حميد ابوطالبي ديپلمات سابق جمهوري اسلامي به روزنامه «اعتماد» گفته «متأسفانه توسعه همكاري‌هاي امنيتي- نظامي جمهوري اسلامي و روسيه پای جمهوري اسلامي را به بحران اوکراين كشاند... با توجه به اينکه اروپا يکی از مراکز ثقل ديپلماسي و متوازن‌کننده روابط خارجي در برابر روسيه و چين و بحران‌هاست همكاري با روسيه معنایی جز از ميان رفتن توازن حياتي سياست خارجي ايران نخواهد داشت... با تروريستي اعلام شدن سپاه توازن حياتي سياست خارجي ايران از بين خواهد رفت.»

مقامات جمهوري اسلامي که مدعی‌اند «سپاه بزرگ‌ترين نهاد ضدتروريستي عالم است»، علاوه بر تهديد نظامي و امنيتي، تلاش‌هاي ديپلماتيک را براي جلوگيري از تأييد تروريستي بودن سپاه پاسداران انقلاب اسلامي در شورای امورخارجي اتحاديه اروپا آغاز کرده‌اند که همزمان با چاشني تهديد‌هاي تکراري از جمله تهديد‌هاي تروريستي همراه است!

حسين اميرعبداللهيان وزير خارجه جمهوري اسلامي در تماس با وزير خارجه سوئد اقدام نمايندگان پارلمان اروپا براي معرفي سپاه پاسداران به عنوان سازمان تروريستي را «مخرب» و «غيرسازنده» خواند و ادعا کرد «سپاه پاسداران انقلاب اسلامي نقش سازنده‌اي در مبارزه با گروه تروريستي داعش در عراق، سوریه و منطقه غرب آسيا داشته و با نابودي داعش، پايخت‌هاي اروپايي را از شر حملات اين گروه تروريستي نجات داد.»

اميرعبداللهيان که وزير خارجه يك رژيم تروريستي است، در تماس با تويباس بيلستروم مدعی شده است که

# جوزپ بورل: قرار گرفتن سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در فهرست تروریستی نیازمند حکم دادگاه‌های اروپایی است



جوزپ بورل

دیگر گزینه‌ای ندارند. آنها خیلی زودتر از اروپایی‌ها فهمیدند در پس اغتشاشات ایران خبری نیست.»  
وی همچنین در یک مصاحبه گفت رأی پارلمان اروپا به تروریستی بودن سپاه «شو و نمایش» و اقدامی هیچانی بود و شورای وزیران اتحادیه اروپا سپاه را در فهرست سازمان‌های تروریستی قرار نمی‌دهد.

البته امیرعبداللهیان در همین مصاحبه نشان داد حتا به ادعایی که خودش بیان کرده اطمینان ندارد چرا که همزمان هم تهدید کرد اگر اروپایی‌ها سپاه را در فهرست سازمان‌های تروریستی قرار دهند جمهوری اسلامی از پیمان منع گسترش تسلیحات اتمی (NPT) خارج می‌شود و هم به تهدید نیروهای اروپایی در منطقه پرداخت!

اخیراً زهرا شیخی نماینده مجلس شورای اسلامی در واکنش به تصویب قطعنامه پارلمان اروپا برای تروریستی نامیدن سپاه پاسداران گفت: «جواب سیلی، سیلی است!» او افزود: «امنیت تنگه هرمز را سپاه تامین می‌کند و اروپا بابت امنیت کشتی‌هایش باید به سپاه ما خراج دهد.»

تحلیلگران معتقدند که کشورهای اتحادیه اروپا منافع متعارض دارند و ممکن است اعلام تروریستی بودن سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در شورای وزیران این اتحادیه راه دشواری در پیش داشته باشد. با اینهمه تصویب قرار گرفتن سپاه در فهرست سازمان‌های تروریستی توسط پارلمان اروپا دست دولت‌های قدرتمند اروپایی را برای اجرای مستقل تحریم‌ها باز می‌گذارد و همچنین شرکت‌های اروپایی را برای معامله با جمهوری اسلامی و پاسدارانش بیش از پیش محتاط می‌کند.

بر همین اساس قرار است وزیران خارجه کشورهای عضو اتحادیه اروپا دوشنبه ۲۳ ژانویه (سوم بهمن) چهارمین بسته تحریمی علیه جمهوری اسلامی را به خاطر نقض حقوق بشر مرتبط با سرکوب اعتراضات اخیر اعلام کنند.

دیپلمات‌های اروپایی گزارش دادند که تحریم‌های جدید شامل بیش از ۳۰ فرد و نهاد جمهوری اسلامی است که در نقض جدی حقوق بشر در ایران نقش داشته‌اند.

● جوزپ بورل مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا و از حامیان «احیای برجام» می‌گوید «تروریستی اعلام کردن سپاه مسئله‌ای است که ابتدا به تصمیم دادگاه نیاز دارد. نمی‌توانید بگویید من شما را یک تروریست می‌دانم به این دلیل که از شما خوشم نمی‌آید. حداقل دادگاه در یکی از اعضای اتحادیه اروپا قبل از اینکه اتحادیه اروپا بتواند اقدام کند باید یک محکومیت حقوقی مشخص برای سپاه صادر کند.»

● حسن امیرعبداللهیان وزیر خارجه جمهوری اسلامی می‌گوید رأی پارلمان اروپا به تروریستی بودن سپاه «شو و نمایش» و اقدامی هیچانی بود و شورای وزیران اتحادیه اروپا سپاه را در فهرست سازمان‌های تروریستی قرار نمی‌دهد.

● وزیران خارجه کشورهای عضو اتحادیه اروپا قرار است دوشنبه سوم بهمن‌ماه چهارمین بسته تحریمی علیه جمهوری اسلامی را به خاطر نقض حقوق بشر مرتبط با سرکوب اعتراضات اخیر اعلام کنند.

جوزپ بورل مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا اعلام کرد که اعلام سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به عنوان گروه تروریستی نیاز به پیگیری حقوقی توسط کشورهای عضو اتحادیه و «حکم دادگاه‌های اروپایی» دارد.

بورل تأکید کرد، «تروریستی اعلام کردن سپاه مسئله‌ای است که ابتدا به تصمیم دادگاه نیاز دارد. نمی‌توانید بگویید من شما را یک تروریست می‌دانم به این دلیل که از شما خوشم نمی‌آید. حداقل دادگاه در یکی از اعضای اتحادیه اروپا قبل از اینکه اتحادیه اروپا بتواند اقدام کند باید یک محکومیت حقوقی مشخص برای سپاه صادر کند.»

از سوی دیگر، حسین امیرعبداللهیان وزیر خارجه جمهوری اسلامی ادعا می‌کند، «مذاکرات ادامه دارد و پیام‌ها با آمریکا در حال رد و بدل شدن» است. او همچنین مدعی شده «در مسیر توافق گام‌هایی را تعریف کردیم که فکر می‌کنم در آینده نزدیک یکی از این گام‌ها عملیاتی خواهد شد.» امیرعبداللهیان همچنین با اشاره به اعتراضات مردم افزود «آمریکایی‌ها از مسیر رسمی پیام‌هایی می‌دهند و طرف‌های

«عقلانیت کند» و بجای زبان تهدید به سمت افزایش اعتماد و احترام متقابل حرکت کند! این توصیه‌های ریاکارانه‌ی مقام سیاست خارجی جمهوری اسلامی در حالیست که هم اروپا و هم آمریکا سال‌ها برای «افزایش اعتماد» و «احترام متقابل» با جمهوری اسلامی به مامشات و معامله مشغول بوده‌اند!

به دلیل همین تجربه‌ی تلخ و ناکام است که هنوز مشخص نیست آیا اروپایی‌ها خریدار «مواضع دوگانه جمهوری اسلامی در سیاست خارجی» در مورد اوکراین هستند یا نه. اما از یکسو تهدیدات شدید علیه اروپایی‌ها توسط مقامات جمهوری اسلامی و از سوی دیگر تماس‌های پی در پی وزارت خارجه جمهوری اسلامی با آنها نشان می‌دهد که رژیم ایران در تنگنایی دشوارتر از همیشه قرار گرفته است.

## اختلاف بر سر برجام

در این میان، بعضی مقامات جمهوری اسلامی این مسئله را که نمایندگان پارلمان اروپا به «توقف مذاکرات برجام» رأی ندادند مثبت ارزیابی کرده‌اند. اما در این مورد هم بین مقامات ارشد نظام اختلاف نظر زیاد است.

محمدجواد لاریجانی دبیر سابق ستاد حقوق بشر قوه قضائیه در باره آینده برجام می‌گوید: «جسد برجام متأسفانه دفن نشده و بو می‌دهد و اگر دفنش می‌کردند بو نمی‌داد.» وی ادامه داده است: «برجام یک کج‌راه است و ما نباید به این کج‌راه دل بندیم و نباید به آن دل بستگی صورت گیرد.» بخش مهمتر اظهارات لاریجانی اما در این اعتراف است که گفته: «برجام برای این درست شد که توانمندی هسته‌ای ما را صفر کند که این شدنی نیست. بنابراین ما مذاکرات را ادامه می‌دهیم اگرچه ظاهرش این نیست!»

توازن حیاتی سیاست خارجی رژیم ایران فرو می‌پاشد از سوی دیگر، حمید ابوطالبی دیپلمات سابق جمهوری اسلامی به روزنامه «اعتقاد» گفته تروریستی اعلام شدن سپاه حتا در مرحله‌ای که هنوز به تأیید شورای اروپا نرسیده «ایران و غرب را وارد بحران عمیق و چالش‌هایی ویژه کرده است.»

او توضیح می‌دهد «اروپا برای جمهوری اسلامی یکی از مراکز ثقل دیپلماسی و متوازن‌کننده روابط خارجی در برابر روسیه و چین و بحران‌هاست و هرگونه تنش مهم در روابط ایران و اروپا، معنایی جز از میان رفتن توازن حیاتی سیاست خارجی ایران نخواهد داشت.»

ابوطالبی با صراحت به این نکته مهم اشاره کرده که «متأسفانه توسعه همکاری‌های امنیتی- نظامی رو به رشد ایران و روسیه توازن استراتژیک منطقه را بر هم زده و اعراب را بر آن داشت تا با توسعه روابط با چین، عراق، کره جنوبی و... از یکسو و اسرائیل و غرب از سوی دیگر، گام‌هایی ویژه برای برقراری دوباره این توازن راهبردی فروریخته شده بردارند. آنگونه که در این رقابت استراتژیک، توانایی‌های منطقه‌ای ایران کاهش یافته و روسیه و ایران قادر به ایجاد چالش‌های هژمونیک نباشند.»

وی همچنین تأیید کرد که روسیه پای جمهوری اسلامی را به جنگ اوکراین کشاند و حالا به دنبال مطرح شدن آن در شورای امنیت سازمان ملل است تا اروپا را در غیاب آمریکا آرام آرام از معادلات خارجی ایران حذف و سیاست خارجی جمهوری اسلامی را وابسته‌تر کند.

ابوطالبی هشدار داده با ادامه این روند «قدرت و امنیت ملی آسیب‌های غیرقابل جبران خواهد دید و وارد مرحله بحرانی می‌شود.»

## فیلم‌های کارگردانان زن ایرانی در جشنواره سینمای مستقل ساندانس



صحنه‌ای از فیلم «شیدا»

جونز و قلمرو مجموعه بلورین» به شهرت رسید، اشاره کرد. در «نسخه ایرانی» از مریم کشاورز یک دختر ایرانی-آمریکایی به نام لیلا به دلیل گرایش جنسیتی خود و دیدگاه متفاوت در مورد نقش زنان با مادرش که از ایران به آمریکا مهاجرت کرده رابطه مشکلی دارد. در این فیلم که همزمان کم‌دی و درام است، در نهایت لیلا با شناخت از وضعیت زندگی والدین‌اش در ایران و دوران مهاجرت از آن کشور درک بیشتری از مادرش پیدا می‌کند.

مریم کشاورز کارگردان «نسخه ایرانی» در حاشیه اکران فیلم در جشنواره فیلم ساندانس گفت: «واقعا افتخار می‌کنم در این شرایطی که بر ایران حاکم است فیلم من که درباره زنان ایرانی است به ساندانس راه یافته است. به نظرم فیلم من مقاومت زنان نه فقط در شرایط فعلی بلکه طی نسل‌های متمادی را

می‌کنم ایرانی‌ها همواره ناگزیرند بین بیان صادقانه و کامل حوادث و خطراتی که ممکن است در ایران برای آنها ایجاد کند یک تعادل محتاطانه را رعایت کنند» و می‌افزاید به همین خاطر «مادر همیشه سعی کرده بود از من در برابر این سنت سانسور و سرکوب با سکوت محافظت کند».

سیرا اوریچ در گفتگو با رسانه‌ها در این جشنواره در اشاره به خیزش «زن، زندگی، آزادی» می‌گوید «من صد درصد از معترضان که در ایران جان خود را به خطر می‌اندازند حمایت می‌کنم زیرا در ایران کسی حق ندارد آزاده حرف بزند. فیلمسازان و هنرمندان را زندانی می‌کنند». سیرا اوریچ که امیدوار است بتواند بالاخره به ایران سفر کند می‌گوید از راه دور اعتراضات را دنبال می‌کند و فیلم‌اش را «بخش کوچکی از این مبارزه برای آزادی» می‌داند.

● سه کارگردان زن ایرانی و ایرانی‌تبار مهمان جشنواره ساندانس آمریکا هستند. دو فیلم داستانی «شیوا» و «نسخه ایرانی» و مستند «جونم» در این جشنواره اکران شدند.

● «جونم» داستانی سه نسل از زنان ایرانی را روایت می‌کند که در آمریکا زندگی می‌کنند. کارگردان، سیرا اوریچ، در این مستند با مادر و مادر بزرگ خود به گفتگو می‌نشیند.

● «شیدا» به کارگردانی نورا نیاسری کارگردان ایرانی-استرالیایی، حکایت یک زن ایرانی، با نقش‌آفرینی زر امیر ابراهیمی است که همراه دختر ۶ ساله‌اش برای فرار از همسری خشن به استرالیا پناهنده شده است.

● «نسخه ایرانی» از مریم کشاورز داستان یک دختر ایرانی-آمریکایی به نام لیلا است که به دلیل گرایش جنسیتی خود و دیدگاه متفاوت در مورد نقش زنان با مادرش که از ایران به آمریکا مهاجرت کرده رابطه‌ای مشکل‌آفرین دارد.

احمد رأفت - سانداس مهم‌ترین جشنواره سینماگران مستقل آمریکا که ۱۹ ژانویه آغاز به کار کرد و تا ۲۹ همین ماه ادامه خواهد داشت، امسال میزبان فیلم‌هایی از سینماگران زن ایرانی و ایرانی‌تبار است. در این جشنواره که در سال ۱۹۷۸ با مدیریت هنرپیشه سرشناس آمریکائی رابرت ردفورد آغاز به کار کرد، سه فیلم از سه کارگردان زن ایرانی و ایرانی‌تبار اکران شدند: «شیدا» به کارگردانی نورا نیاسری و بازیگری زر امیر ابراهیمی که در آخرین جشنواره کن جایزه بهترین بازیگر زن را دریافت کرد، «نسخه ایرانی» از مریم کشاورز و مستند «جونم» از سیرا اوریچ.

سیرا اوریچ که متولد آمریکاست و هرگز به ایران سفر نکرده، در مستند خود سه نسل از زن ایرانی را در کنار یکدیگر قرار داده است: خود او، مادرش و مادر بزرگش. کارگردان که برای تهیه این مستند زبان فارسی یاد گرفت تلاش کرده از این طریق با کشوری که خانواده‌اش در آن زندگی کرده‌اند و به



سیرا اوریچ



نورا نیاسری



مریم کشاورز

نشان می‌دهد. آنچه امروزه می‌بینیم محصول سال‌های طولانی فشار بر زنان و مقاومت آنها در برابر این فشارها است.» این اولین فیلم مریم کشاورز در رابطه با زنان همجنسگرا نیست. این کارگردان ساکن نیویورک در یکی دیگر از فیلم‌هایش که برای اولین بار در سال ۲۰۱۱ در جشنواره سینمایی رم با عنوان «شرایط» اکران شد و جایزه نوگرایی را دریافت کرد نیز با داستان دو زن جوان در تهران به روایت رابطه همجنسگرایانه آنها می‌پردازد. فیلمی که از سوی رژیم با عنوان «ضدابیرانی» معرفی شد و راه را بر سفر مجدد مریم کشاورز برای ساختن فیلم‌های دیگر در داخل کشور بست.

فیلم «شیدا» به کارگردانی نورا نیاسری کارگردان ایرانی-استرالیایی، حکایت یک زن ایرانی، با نقش‌آفرینی زر امیر ابراهیمی است که همراه دختر ۶ ساله‌اش به استرالیا پناهنده شده و در یک اردوگاه پناهجویان زندگی می‌کند. این مادر و فرزند با کمک جامعه قوی زنان در پناهگاه به دنبال آزادی خود در دنیای جدید هستند ولی نمی‌توانند به راحتی خود را از مواجهه با خشونت که خودشان مدت‌ها با آن مواجه بودند رها سازند. از جمله تهیه‌کنندگان «شیدا» می‌توان به هنرپیشه معروف استرالیایی کیت بلانشت که با نقش‌آفرینی در فیلم‌هایی چون «ارباب حلقه‌ها»، «هابیت» و «ایندیانا

آن تعلق دارند آشنا شود. سیرا اوریچ در جریان تهیه فیلم متوجه می‌شود که یکی از اجدادش به «شهادت» رسیده و مادر بزرگش در ۱۴ سالگی با مردی ازدواج کرده است که قبل از رسیدن به سن بلوغ جنسی با او آشنا شده بود. در این مستند مادر بزرگ کارگردان برای روایت زندگی خود مشکلی ندارد در حالی که مادرش مخالف بیان اسرار خانواده در برابر دوربین است و در جایی به دخترش هشدار می‌دهد که «در ایران فیلمساز را دار می‌زنند».

سیرا اوریچ در حاشیه جشنواره در اشاره به درخواست مادرش برای سکوت در مورد اسرار خانوادگی می‌گوید «فکر



ابتدای اعتراضات تا ۲۸ دی، ۱۹ هزار و ۵۴۶ معترض به دست نیروهای امنیتی بازداشت شده‌اند که از سرنوشت بیش از ۱۴ هزار نفر از آنها اطلاعی در دست منابع حقوق بشری نیست. شمار جانباختگان در طول چهار ماه گذشته ۵۲۴ تن بوده که ۷۱ تن کودکان زیر ۱۸ ساله بوده‌اند. همچنین تا کنون ۷۳۰ نفر از معترضان از دادگاه‌های اسلامی حکم دریافت کرده‌اند که ۱۰۷ نفر از آنها در معرض خطر اعدام هستند و در مجموع ۱۱ هزار و ۹۵۸ ماه حکم زندان علیه این معترضان صادر شده است. وبسایت «رادپو فردا» هم در گزارشی اعلام کرده که هویت ۳۴۵ تن از کشته‌شدگان را تأیید کند که دستکم ۵۲ نفر آنها کودک زیر ۱۸ سال و ۲۱ نفر زن هستند. بر اساس گزارش «رادپو فردا» این احراز هویت از طریق منابع مستقل ما و نیز تماس با خانواده‌ها، نزدیکان کشته‌شدگان و شاهدان عینی انجام شده است.

بر اساس این گزارش نزدیک به یک سوم قربانیان در سیستان و بلوچستان کشته شده‌اند؛ به عبارت دیگر، شمار کشته‌های تأیید شده در این استان محروم ۱۰۴ نفر است و تعداد کشته‌ها در ۲۴ استان دیگر ایران ۲۴۱ نفر است.

همچنین استان آذربایجان غربی با ۴۷ جان‌باخته، و استان کردستان با ۳۵ جان‌باخته در رده بعدی قرار دارند. تعداد تأیید شده کشته‌ها در تهران ۳۱ نفر، کرمانشاه ۲۱ نفر، مازندران ۲۰ نفر، گیلان ۱۹ نفر و البرز ۱۶ نفر است. از سوی دیگر «کمیته پیگیری وضعیت بازداشت‌شدگان» در گزارشی تحقیقی اعلام کرده که از آغاز خیزش انقلابی از شهریور تا کنون دست‌کم ۲۸ شهروند بازداشت‌شده در جریان اعتراضات، زیر شکنجه یا به شکلی مشکوک و غیرقابل توضیح جان باخته‌اند.

از جمله مرگ‌های مشکوک و غیرقابل توضیح عاطفه نعیمی شهروند بازداشت شده که پیکر بی‌جان او در بالکن خانه‌اش پیدا شد یا شهروندانی که به فاصله چند روز از آزادی جان باخته و علت درگذشت آنها «خودکشی» یا «ایست قلبی» عنوان می‌شود. برخی بازداشت‌شدگان هم از داروهایی که در بازداشت به آنها داده شده و مشخص نیست چه بوده‌اند خبر داده‌اند. از جمله این زندانیان محمدرضا آژر نوجوان ۱۸ ساله است که در نخستین روزهای اعتراضات در شهریور ۱۴۰۱ در مشهد بازداشت شد و پس از بیش از سه ماه و نیم بازداشت گفته در روز دوازدهم دی‌ماه رگ‌های چشمانش از شدت فشار عصبی پاره شده و در زندان به او داروهایی داده‌اند که نمی‌داند چه بوده است.

در «کمیته پیگیری وضعیت بازداشت‌شدگان» آمده که اسماعیل دزوار، رامین فاتحی، محمد لطف‌اللهی، سامان قادرپور، یوسف رئیسی، احمد گودرزی، میلاد خوشکام، امید حسنی، هیمن آمان، امیر جواد اسعدزاده، محمد حاجی رسولپور، حامد سلحشور، شهریار عادل، ایلیاد رحمانی‌پور، شادمان احمدی و مهدی زارع اشکذری افرادی هستند که در گزارش کمیته پیگیری بازداشت‌شدگان به عنوان افرادی که در بازداشت و بر اثر جراحات ناشی از شکنجه و ضرب‌وجرح مأموران حکومتی جانباختند، معرفی شده‌اند.

در این گزارش تأکید شده که به غیر از افرادی که شرح آنان آمده از کشته‌شدگان دیگری از جمله: آیدا رستمی، دنیا فرهادی، کورش پاژخ، مصطفی مباشر، عاطفه نعیمی، رضا شرفی، حسن ناصری‌خور، امین خانلو، مرتضی سلطانیان، محمد عبداللهی، عماد حیدری، مهدی کابلی کفشگیری نیز نام برده شده که مرگ‌های مشکوک و غیرقابل توضیح داشتند. این که این افراد در زمان کشته‌شدن در بازداشت بوده‌اند یا در خیابان و مانند سایر معترضان به شکل‌های دیگر جان باختند، هنوز در دست تحقیق است. به اینها باید افرادی را که نامشان هرگز رسانه‌ای نشده و ما هنوز در مورد آنها چیزی نمی‌دانیم را نیز بیافزاییم.

## نمایش دولت رئیسی؛ کارگروهی برای بررسی وقایع و اعتراضات اخیر در کشور!



هر چند در روزهای اخیر تظاهرات خیابانی برگزار نشده اما تجمعات مردم در مراسم جانباختگان، شعارهای شبانه، دیوارنویسی و کمپین‌های فضای مجازی همچنان جنبش انقلابی در درون کشور را پیش می‌برد. وبسایت «خبرآنلاین» نیز روز شنبه اول بهمن با انتشار خبر «تشکیل کارگروه موقت بررسی وقایع و اعتراضات اخیر در کشور» تأکید کرده که «برخی تحلیلگران و کارشناسان نسبت به بروز دوباره اعتراضات اخیر هشدار داده‌اند و این آرامش فعلی در خیابان‌ها را مانند آتشفشان خاموش و یا آتش زیر خاکستر دانسته‌اند که در صورت عدم اصلاحات اساسی و بی‌توجهی دولت به مطالبات معترضان، دوباره وضعیت ناآرام خواهد شد.»

سرکوب شهروندان طی پنج ماه گذشته از سوی جمهوری اسلامی با شدت و ابعاد گسترده‌ای در جریان بوده است. از جمله قوه قضاییه اتهامات سنگین «محرابه» «افساد فی الارض» و «بغی» را علیه بیش از ۱۰۰ تن از معترضان صادر و در این میان بیش از ۲۰ تن را به «اعدام» محکوم کرد. حکم اعدام محسن شکاری، مجیدرضا رهنورد، محمدمهدی کرمی و محمد حسینی در هفته‌های گذشته اجرا شد اما «قتل حکومتی» نتوانست مردم را عقب براند بلکه بر خشم جمع معترضان و منتقدان افزوده شد و تعداد زیادی از وکلای دادگستری و اساتید حقوق را به دلیل دادگاه‌های ناعادلانه حتی با قوانین فسل خود جمهوری اسلامی هم مغایرت دارند و اودار به واکنش کرد.

بر اساس تازه‌ترین گزارش از سوی خبرگزاری «هرانا» از

یک کارگروه موقت برای آسیب‌شناسی و بررسی علل و زمینه‌های وقایع و اعتراضات اخیر و ارائه راهکارهای عملیاتی برای مواجهه اثربخش با این حوادث تشکیل می‌شود.

پیش از این نیز ابراهیم رئیسی در سخنانی با تأکید بر اینکه «اعتراض با اغتشاش متفاوت است» مدعی شده بود که «رویکرد دولت سیزدهم بر شنیدن صدای مردم» است.

از ابتدای اعتراضات تا ۲۸ دی، ۱۹ هزار و ۵۴۶ معترض به دست نیروهای امنیتی بازداشت شده‌اند که از سرنوشت بیش از ۱۴ هزار نفر از آنها اطلاعی در دست منابع حقوق بشری نیست.

معاون اول ابراهیم رئیسی مصوبه «تشکیل کارگروه موقت بررسی وقایع و اعتراضات اخیر در کشور» را ابلاغ کرد. این مصوبه در «ستاد نقشه مهندسی فرهنگی کشور» تصویب شده است. جمهوری اسلامی از ابتدای اعتراضات تا کنون حدود ۲۰ هزار نفر را بازداشت، ۵۲۴ نفر را کشته و علیه ۷۳۰ شهروند حکم زندان و شلاق صادر کرده است. اکنون دولت رئیسی به دنبال نمایش «بررسی» آنچه است که در روند جنبش انقلابی رخ داده است!

خبرگزاری دولتی «ایرنا» روز شنبه اول بهمن گزارش داده که ستاد هماهنگی نقشه مهندسی فرهنگی کشور به‌منظور آسیب‌شناسی، بررسی علل و زمینه‌ها و ارائه راهکارهای عملیاتی برای مواجهه اثربخش با این حوادث را در سیزدهمین نشست این ستاد که نهم مهر ماه برگزار شد، تصویب کرده است.

به موجب این مصوبه، دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی مکلف شده که یک کارگروه موقت به ریاست دبیر شورا برای آسیب‌شناسی و بررسی علل و زمینه‌های وقایع و اعتراضات اخیر و ارائه راهکارهای عملیاتی برای مواجهه اثربخش با این حوادث تشکیل دهد.

رئیس نهاد نمایندگی خامنه‌ای در دانشگاه‌ها، رئیس دانشگاه آزاد اسلامی، معاون رئیس‌جمهور در امور زنان و خانواده، رئیس شورای فرهنگی اجتماعی زنان و خانواده شورای عالی انقلاب فرهنگی، رئیس کمیسیون فرهنگی مجلس، دبیر شورای فرهنگ عمومی و قائم مقام و دبیر ستاد فرهنگ دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی از اعضای این کارگروه خواهند بود. محمد مخبر در حالی مصوبه تشکیل این کارگروه را ابلاغ کرده که هنوز جزئیات فعالیت آن رسانه‌ای نشده است. با اینهمه به نظر می‌رسد جمهوری اسلامی و به ویژه تیم دولت رئیسی، به دنبال اجرای نمایش پیگیری و ریشه‌یابی خواسته‌های مردم و همچنین تهیه گزارشی برای توجیه کشتار و سرکوب شهروندان است.

پیش از این نیز ابراهیم رئیسی در سخنانی با تأکید بر اینکه «اعتراض با اغتشاش متفاوت است» مدعی شده بود که «رویکرد دولت سیزدهم بر شنیدن صدای مردم» است.

اول آذرماه نیز وزارت کشور اعلام کرد در راستای صیانت از حقوق مردم و حاکمیت قانون «کمیته تحقیق» متشکل از نمایندگان دستگاه‌های مرتبط دولتی و غیردولتی‌ها تشکیل شده که وظیفه دارد احقاق حقوق متضررین از حوادث و اغتشاشات اخیر را با جدیت پیگیری کند.

جنبش انقلابی مردم ایران علیه جمهوری اسلامی از ۲۵ شهریورماه و در پی جانباختن مهسا (ژینا) امینی دختر ۲۲ ساله در پی ضرب‌وجرح مأموران گشت ارشاد آغاز شد. این جنبش از اعتراضاتی در شهرهای مختلف طی نخستین روزها به سرعت به بیش از ۱۶۰ شهر ایران گسترش یافت و اکنون با ورود به پنجمین وارد فاز انقلابی شده است. بسیاری از کارشناسان و تحلیلگران معتقدند که در این مسیر انقلابی دیگر بازگشتی وجود ندارد و دیر یا زود به سرنوشتی جمهوری اسلامی منتهی خواهد شد.

# اروپایی‌ها می‌دانند سپاه پاسداران انقلاب اسلامی یک سازمان تروریستی است ولی در ارتباط با «اتفاق آراء» در اتحادیه و «فروپاشی رژیم» در ایران وقت می‌خرند



یگان‌های امنیتی بسیج

گفته بود چند دولت اروپایی از جمله فرانسه همچنان نگران برجام هستند و از اقدامات تروریستی احتمالی سپاه پاسداران نگران‌اند و معتقدند اگر درهای مذاکرات برجام بسته شود جمهوری اسلامی به تروریسم دامن می‌زند. «رادبو فردا» نیز به نقل از دو دیپلمات اروپایی نوشت فرانسه تمایل چندانی به این اقدام ندارد و با وجود اظهارات وزیر خارجه آلمان «نظرها در برلین نیز در این زمینه قطعی نیست». برخی از کشورهای جنوب اروپا از جمله «پرتغال و مالت» نیز از چنین اقدامی چندان حمایت نمی‌کنند. روز دوشنبه ۳ بهمن‌ماه بریتانیا، اتحادیه اروپا و آمریکا بطور جداگانه تحریم‌های گسترده‌ای را علیه مقامات جمهوری اسلامی به اجرا گذاشتند.

در این میان، جوزپ بورل که در مورد اظهاراتش به خاطر ضرورت حکم دادگاه علیه سپاه پاسداران به شدت زیر ذره‌بین شبکه‌های اجتماعی به ویژه در میان ایرانیان رفته یکروز بعد ادعا کرد همچنان از اعتراضات مردم ایران حمایت می‌کند. او می‌گوید تحریم ۱۸ فرد و ۱۹ نهاد مرتبط با سرکوب مردم در ایران واکنشی به استفاده نامتناسب رژیم ایران از زور علیه مردم است. این در حالیست که صدها ایرانی زیر توییت بورل او را «ترسو» خطاب کرده و با فتوشاپ به وی لباس سپاه پاسداران را پوشانده‌اند.

حامد اسماعیلیون که دختر و همسرش را در شلیک موشک‌های سپاه پاسداران به هوایمای اوکراینی از دست داده خطاب به بورل نوشت «آقای بورل، به تاریخ پاسخ خواهی داد. اما فعلا خوشبختی‌تان در مورد سپاه شما را در برابر هزاران تن که کشته و زندانی شده و در کل خاورمیانه توسط جنایتکاران به گروگان گرفته شده‌اند پاسخگو می‌سازد.»

البته شماری نیز به مواضع متناقض اسماعیلیون در مورد تروریستی اعلام شدن سپاه انتقاد کرده‌اند و پرسیده‌اند چرا وقتی جاستین ترودو نخست وزیر کانادا با قرار دادن سپاه در فهرست سازمان‌های تروریستی این کشور مخالفت کرد او را چنین خطاب قرار نداد؟

تحریم‌های اتحادیه اروپا علیه جمهوری اسلامی که چهارمین بسته تحریمی در چهار ماه گذشته است یکی از بزرگترین لیست‌گذاری‌ها علیه جمهوری اسلامی است که شامل ۱۸ شخص و ۱۹ نهاد مرتبط با سرکوب مردم می‌شود

دیپلمات‌ها می‌گویند این تصمیم ویژه به ۲۰ فوریه (اول اسفند) موکول شده است. اما همزمان شماری از مقامات و نهادهای رژیم در فهرست تحریم‌ها قرار گرفتند.

تحلیلگران می‌گویند بعید است دولت‌های اروپایی با وجود اینهمه مدارک و شواهد و پیگیری سازمان‌های عریض و طویل اطلاعاتی و امنیتی خود در مورد سپاه پاسداران و تروریسم گسترده آن و همچنین تقویت تروریسم در منطقه و جهان اطلاع نداشته باشند اما به نظر می‌رسد دولت‌هایی که موافق تروریستی اعلام شدن سپاه نیستند دلایل خاصی برای مخالفت خود دارند. بعضی از آنها مسائل حقوقی را مطرح می‌کنند و برخی دیگر در تناقضی غیرقابل توضیح بر تهدیدات امنیتی اتفاقا ناشی از همین تروریسم تأکید می‌کنند! برخی ناظران معتقدند تعویق تصمیم‌گیری از سوی به ویژه کشورهای مهم این اتحادیه هشیارانه بوده تا در این مدت بتوانند با رایزنی و ارائه دلایل و احتمالا بده و بستان بین خودشان، همه دولت‌های عضو را قانع برای رأی متفق کنند. با اینهمه گروهی نیز با توجه دادن به همه این نکات به این موضوع مهم اشاره می‌کنند که همچنان آنچه می‌تواند سیاست اروپا را تغییر دهد نقش و حضور مردم در صحنه سیاست و پیشبرد انقلاب آزادخواهانه‌ایست که از اواخر شهریور ۱۴۰۱ آغاز شده است. نهایتا داخل ایران است که فروپاشی رژیم را رقم می‌زند و به همین دلیل غرب به حمایت خود از اعتراضات مردم ادامه می‌دهد و تروریستی اعلام کردن سپاه پاسداران را نیز در خدمت اعلام کردن سپاه پاسداران را نیز در خدمت آن می‌داند.

جوزپ بورل مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا در نظری غیرمستدل اعلام کرده بود که تروریستی اعلام کردن سپاه پاسداران منوط به آن است که یک دادگاه در یکی از کشورهای عضو اتحادیه اروپا در مورد تروریستی بودن سپاه حکم صادر کند. ادعایی که به ویژه در شبکه‌های اجتماعی مورد بحث و مناقشه است. روزنامه دولتی «ایران» اما عدم تصمیم‌گیری شورای وزیران اتحادیه اروپا در مورد تروریستی بودن سپاه را به حساب «عقب‌نشینی» و ترس آنها از «عواقب جبران‌ناپذیر این تصمیم» نوشته است.

آنچه از مواضع دیپلمات‌ها و همچنین اظهارات تحلیلگران پیداست دولت‌های اروپایی در مورد اعلام تروریستی بودن سپاه پاسداران منافع متعارض دارند. ملیسا امیرخیزی مسئول کمیسیون اقتصادی پارلمان بلژیک پیش از این به کیهان لندن

یک منبع مطلع در پارلمان اروپا به کیهان لندن می‌گوید «مسئله اصلی بورل یا شورای وزیران اروپا حکم دادگاه نیست و مطرح کردن حکم دادگاه خریدن زمان است. این احتیاط است و اسمش را نمی‌توان ترس گذاشت اما منافع امنیتی حکم می‌کند که با جمهوری اسلامی تا زمانی که مطمئن نیستند بعد از فروپاشی چه خواهد شد درگیر نشوند.»

اینکه اتحادیه اروپا واحدهای نیروی زمینی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در حداقل ۸ استان را که مستقیم در سرکوب‌ها دخالت دارند تحریم کرده یعنی می‌دانند رابطه نهادهای استانی این سازمان تروریستی با سرکوب سراسری تا چه اندازه است.

حامد اسماعیلیون که دختر و همسرش را در شلیک موشک‌های سپاه پاسداران به هوایمای اوکراینی از دست داده خطاب به بورل نوشت «خوشبختی‌تان در مورد سپاه شما را در برابر هزاران تن که کشته و زندانی شده و در کل خاورمیانه توسط جنایتکاران به گروگان گرفته شده‌اند پاسخگو می‌سازد.»

برخی دولت‌های اتحادیه اروپا مسائل حقوقی را مطرح می‌کنند و برخی دیگر در تناقضی غیرقابل توضیح بر تهدیدات امنیتی اتفاقا ناشی از همین تروریسم تأکید می‌کنند! بعضی ناظران اما معتقدند تعویق تصمیم‌گیری از سوی به ویژه کشورهای مهم این اتحادیه هشیارانه بوده تا در این مدت بتوانند با رایزنی و احتمالا بده و بستان بین خودشان، همه دولت‌های عضو را قانع برای رأی متفق کنند. با اینهمه گروهی نیز با توجه دادن به همه این نکات به این موضوع مهم اشاره می‌کنند که همچنان آنچه می‌تواند سیاست اروپا را تغییر دهد نقش و حضور مردم در صحنه سیاست و پیشبرد انقلاب آزادخواهانه‌ایست که از اواخر شهریور ۱۴۰۱ آغاز شده است. نهایتا داخل ایران است که فروپاشی رژیم را رقم می‌زند و به همین دلیل غرب به حمایت خود از اعتراضات مردم ادامه می‌دهد و تروریستی اعلام کردن سپاه پاسداران را نیز در خدمت آن می‌داند.

در نشست شورای وزیران اتحادیه اروپا که ۲۳ ژانویه (سوم بهمن) در بروکسل برگزار گردید در مورد قرار گرفتن سپاه پاسداران انقلاب اسلامی تصمیم‌گیری نشد. آنطور که



## چهار ماه پس از ثبت شکایت: هیچ اقدامی در روند پرونده شکایت خانواده انجام نشده است

سوک ملی از درگذشت مهسا طی چند روز به اعتراضاتی سراسری تبدیل شد و حالا در پنجمین ماه در قالب جنبشی انقلابی علیه جمهوری اسلامی پیش می‌رود. مقامات جمهوری اسلامی از نخستین روزها پس از درگذشت مهسا تلاش کردند با سناریوسازی علت درگذشت او را به دلائلی غیر از ضرب و جرح و آسیب مغزی ناشی از آن مرتبط کنند. «داشتن بیماری زمینهای»، «سکته قلبی» و «عمل جراحی در کودکی» بخشی از سناریوسازی‌های حکومت بود. سردار پاسدار احمد وحیدی وزیر کشور جمهوری اسلامی با دفاع از بازداشت مهسا امینی گفته بود که «بازداشت بر اساس رویه قانونی انجام شده اما اینکه تخلفی در حین بازداشت انجام شده، تا کنون گزارشی از ضرب و شتم نداشتیم و مأموران گشت ارشاد «بانو» و در استخدام فراجا هستند و اصلاً وسیله ضرب و شتم و باتوم ندارند.» وزیر کشور دولت «قاضی مرگ» افزوده بود که دلایل کامل پزشکی این اتفاق باید ارائه شود چرا که «ظاهراً این مرحومه مشکلات پزشکی قبلی داشته است. البته چون گزارشات پزشکی قانونی تکمیل نشده نمی‌توان نظر قطعی داد ولی سابقه مشکلات پزشکی وجود داشته و براساس گزارشات این خانم در سن پنج سالگی روی مغزشان عمل انجام شده است که توضیحات تکمیلی باید توسط مقامات رسمی این حوزه در آینده داده شود.»

این در حالیست که پدر مهسا امینی داشتن هر گونه بیماری زمینهای فرزندان را دروغ خواند. امجد امینی گفته بود که «ژینا هیچ بیماری‌ای نداشته و کسانی که می‌گویند او صرع یا بیماری زمینهای داشته، دروغ می‌گویند. او نه صرع داشت، نه بیماری قلبی. بیشترین بیماری‌ای که داشته سرماخوردگی بوده.» پدر مهسا همچنین در سخنانی تکان‌دهنده در گفتگو با روزنامه «هم‌میهن» گفته بود که «پرستارهای بیمارستان به من می‌گفتند وقتی آوردنش بی‌نشان بود و می‌پرسیدیم این دختر کیست؟ گفتند در خیابان پیدایش کرده‌ایم. برادرش که بیمارستان را پیدا کرد، تازه آموغع به من زنگ زدند و گرنه ما پیدایش نمی‌کردیم. دکترها به من گفتند اگر ۱۰ دقیقه زودتر می‌رسید خون به مغزش می‌رسید و اینجور نمی‌شد.»

چند روز پس از درگذشت مهسا تلویزیون «ایران اینترنشنال» تصاویر اختصاصی از سی‌تی‌اسکن سر مهسا امینی را منتشر کرد که شکستگی جمجمه در سمت راست سر او بر اثر ضربه را ثابت می‌کند. در تصویر دیگری مربوط به سی‌تی‌اسکن ریه مهسا، ترشحات و خون در ریه او مشاهده شده که به گفته پزشکان ناشی از «ورود به گما در پی ضربه سنگین به سر» بوده است. بیشتر پزشکان زیادی از ایران و خارج از ایران با انتشار مطالبی عنوان کرده بودند که کیبودی زیر چشم و ترشح خون از گوش وی که در تصاویر منتشر شده از او در بیمارستان در که بطور واضح قابل مشاهده بوده نشان از ضربه مغزی و به احتمال زیاد شکستگی قاعده جمجمه دارد.

● به گفته محمد صالح نیکبخت نظر بازپرس پرونده این بوده که نظریه کوتاهی سرباز-پرستارها در احیا و ماساژ قلبی این زن جوان پذیرفته شود.

● محمد صالح نیکبخت: تنها ۳ نفر از ۵ یا ۶ دختری که با مهسا امینی در ون بوده‌اند، حاضر به ارائه شهادت شده‌اند که یکی از آنها گفته «مهسا پشت سرش بوده و چیزی ندیده» دیگری گفته «سرش پایین بوده» یکی دیگر نیز گفته «حاش بد بوده» است.

با گذشت بیش از چهار ماه از جان باختن مهسا (ژینا) امینی در پی ضرب و جرح مأموران گشت ارشاد، وکیل خانواده امینی گفته هیچ اقدامی در روند پرونده قضایی شکایت خانواده انجام نشده است. محمد صالح نیکبخت وکیل خانواده مهسا امینی درباره آخرین وضعیت پرونده شکایت خانواده امینی درباره جان باختن دخترشان گفته که «هیچ اقدامی در مورد پرونده خانم امینی انجام نشده است.» به گفته محمد صالح نیکبخت «نظر بازپرس پرونده این بوده که نظریه کوتاهی سرباز-پرستارها در احیا و ماساژ قلبی این زن جوان پذیرفته شود.» این وکیل دادگستری همچنین از وجود ایراداتی در پرونده از جمله، عدم حضور شاکیان هنگام انجام تحقیقات از مأمورین ون گشت ارشاد و حضور نداشتن پزشکان مورد اعتماد خانواده در جلسه پزشکی قانونی خبر داده است.

آنطور که محمد صالح نیکبخت توضیح داده «پزشک مهسا، درگذشت او «به علت بیماری زمینهای» را رد کرده و دیگر پزشکان نیز گفته‌اند این «موضوع قابل باور نیست». این در حالی است که پزشکی قانونی علت مرگ مهسا امینی را «بیماری زمینهای مربوط به ۱۵ سال پیش» عنوان کرده است.» محمد صالح نیکبخت افزوده که تنها ۳ نفر از ۵ یا ۶ دختری که با مهسا امینی در ون بوده‌اند، حاضر به ارائه شهادت شده‌اند که یکی از آنها گفته «مهسا پشت سرش بوده و چیزی ندیده» دیگری گفته «سرش پایین بوده» یکی دیگر نیز گفته «حاش بد بوده» است.

مهسا امینی دختر ۲۲ ساله در حالی که هفته سوم شهریور به همراه خانواده‌اش از سقز به تهران سفر کرده بود در خیابان توسط مأموران گشت ارشاد بازداشت شد. بازداشت مهسا با خشونت و ضرب و جرح همراه بود و در مرکز پلیس امنیت او بیهوش شد و به کما رفت. مهسا امینی پس از چند روز در بیمارستان «کسری» تهران جانباخت و ۲۶ شهریور در سقز به خاک سپرده شد.

از نخستین ساعات پس از درگذشت مهسا در ۲۵ شهریور، تجمعی در مقابل بیمارستان «کسری» از سوی شهروندان در تهران و در اعتراض به برخوردهای سرکوبگرانه حکومت از جمله گشت ارشاد آغاز شد. این اعتراضات روز بعد و پس از برگزاری مراسم خاکسپاری مهسا در سقز ادامه و یافت و به سرعت به دیگر شهرهای ایران کشیده شد.

از جمله سپاه «نبی‌اکرم» کرمانشاه، سپاه «کربلا» مازندران، سپاه «قدس» گیلان، سپاه «شهادت» آذربایجان غربی، شرکت رادیس ویرا تجارت، نیروی ویژه پلیس، سپاه «نجف» اصفهان، سپاه «ولیعصر» خوزستان، سپاه «ابوالفضل» لرستان، سپاه «بیت المقدس» کردستان و سپاه «سلمان».

بدیهی است این تحریم‌ها اگر واقعا اثربخش باشند و بطور جدی پیگیری و اجرا شوند، بر حوزه‌های اقتصادی و حقوقی (از جمله عدم صدور ویزا یا مصادره اموال) مقامات و وابستگان نظامی و غیرنظامی جمهوری اسلامی به شدت تأثیر خواهند گذاشت.

بعد از تجمع بزرگ ایرانیان در استراسبورگ (دوشنبه ۲۶ دی ۱۴۰۱) تهدیدات مقامات جمهوری اسلامی علیه منافع اروپا در صورت تروریستی اعلام شدن سپاه پاسداران انقلاب اسلامی افزایش پیدا کرد و آنها حتا موضوع حمله به نیروهای اروپایی مستقر در منطقه را مطرح کردند. اینهمه در حالیست که دو هفته پیش از این نیز جو بایدن رئیس جمهوری آمریکا گفت «برجام مرده است» اما تأکید کرد نمی‌توانیم اعلام کنیم «زیرا دلایل طولانی‌ست و سلاح هسته‌ای خواهند داشت.»

با اینهمه لارنس نورمن خبرنگار وال استریت ژورنال در تویییتی به نقل از بورل نوشت: «برجام در وضعیت سکون قرار دارد. نمرده است اما به پیش نیز نمی‌رود.»

از سوی دیگر، حسین امیرعبداللہیان وزیر خارجه جمهوری اسلامی معتقد است «موضوع قرار گرفتن سپاه در لیست تروریستی از زمان اغتشاشات مطرح شد.» همزمان زامداران جمهوری اسلامی بار دیگر تهدید خروج از «ان‌پی‌تی» و بستن تنگه هرمز به عنوان اقدام تلافی‌جویانه علیه اروپا را مطرح می‌کنند.

### کیهان تهران: بندبازی اروپا

روزنامه بدنام «کیهان» چاپ تهران در واکنش به تحریم‌های اتحادیه اروپا می‌نویسد «بندبازی غرب روی طناب پوسیده تحریم، بارها آزموده شده و نظام سلطه را به بن‌بست رسانده اما آنان با پشتوانه غربگرایان داخلی درصد خرید زمان برای متوقف کردن قطار پیشرفت کشور هستند.» در این گزارش همچنین آمده «اروپایی‌ها بعد از اینکه دیدند پروژه آشوب‌آفرینی در ایران به شکست انجامیده و از اغتشاشات اخیر برای تسلیم کردن ایران در مذاکرات هسته‌ای، آبی گرم نمی‌شود برای افزایش فشار و وارد کردن شوک‌های اقتصادی به کشور وارد فاز تشدید تحریم‌ها شدند.»

اینکه اتحادیه اروپا واحدهای نیروی زمینی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در حداقل ۸ استان را که مستقیم در سرکوب‌ها دخالت دارند تحریم کرده یعنی کاملاً دریافته‌اند که رابطه سپاه‌های استانی با سرکوب‌ها تا چه اندازه است.

اما واقعا اروپایی‌ها از چه می‌ترسند که سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را به خاطر فعالیت‌های تروریستی و سرکوب مردم تحریم می‌کنند اما رسماً آن را تروریستی اعلام نمی‌کنند؟! یک منبع مطلع در پارلمان اروپا به کیهان لندن گفت «مسئله اصلی بورل یا شورای وزیران اروپا حکم دادگاه نیست و مطرح کردن حکم دادگاه خریدن زمان است. این احتیاط است و اسمش را نمی‌توان ترس گذاشت اما منافع امنیتی حکم می‌کند که با جمهوری اسلامی تا زمانی که مطمئن نیستند بعد از فروپاشی چه خواهد شد درگیر نشوند.» وی همچنین می‌گوید: «با معلق شدن وضعیت برجام، اروپا در حال حاضر هیچ نظارت و اطلاعاتی در باره وضعیت کنونی ای ایران ندارد و این برای آنها نگران کننده است.»

# ارتجاع سرخ و سیاه، از جمهوری اسلامی تا گروه‌های ۵۷، پس از چهار دهه جنایت و خیانت بار دیگر در یک جبهه علیه پهلوی!



واکنش‌ها به کارزار «وکالت»

تحرکات دست به کار شده و برخی مرتب نسبت به وخیم شدن اوضاع به نظام هشدار می‌دهند. احمد مازنی نماینده سابق مجلس شورای اسلامی نزدیک به اصلاح‌طلبان در یادداشتی در روزنامه «اعتماد» می‌نویسد اروپا تحت تأثیر کوتوله‌های اپوزیسیون قرار گرفته است. محمد مخبر معاون اول دولت جمهوری اسلامی به ریاست ابراهیم رئیسی معروف به «قاضی مرگ» در جلسه با شماری از دانشجویان بسیجی به آنها گفته «دشمنان خارجی با تولید روایت‌های نادرست و هراس‌افکنی به دنبال فرار سرمایه و ایجاد ناامنی اقتصادی در کشور هستند تا بتوانند مانع حرکت جمهوری اسلامی به سمت اهداف متعالی خود شوند.»

## جمهوری اسلامی بازی را به ایرانیان مهاجر باخته

حسین ملائک سفیر پیشین جمهوری اسلامی در جمهوری خلق چین در یادداشتی در روزنامه اعتماد نوشته: «جمهوری اسلامی در خارج از کشور بازی را به ایرانیان مهاجر باخته است. شاید برجام و مسئله اوکراین قابل حل باشد اما نظر و رویکرد ایرانیان خارج از کشور اساساً از طریق مذاکره قابل حل نیست.»

وی افزود: «اعتراضات اخیر در ایران، هرچند در داخل کشور با زور مهار شد، اما ادامه آن در خارج از کشور به شکل بهینه ادامه پیدا کرده و توانسته است به نهادهای سیاسی غربی فشار وارد کند تا تهران را زیر منگنه قرار دهند.»

او همچنین گفت: «مادام که جمهوری اسلامی صدای اعتراضات در داخل را به رسمیت نشناسد، مجبور است در خارج از کشور تاوان و هزینه بدهد.»

براندازان ابتکار عمل را به دست گرفتند

صادق زیباکلام استاد علوم سیاسی دانشگاه تهران

ادعا کرد گروهی از معاندان پس از ناکام ماندن فضا سازی‌ها با کلیدواژه «قطع گاز» و «زمستان سخت ایران» در اقدامی مضحک به رضا پهلوی برای براندازی وکالت دادند. در این گزارش ادعا شده رضا پهلوی وانمود می‌کند که در مسیر براندازی نقش بی‌طرفانه خود را حفظ خواهد کرد اما اساساً حتا در جریان سلطنت طلب هم توافقی برای پذیرش رهبری او نیست!

خبرگزاری «تسنیم» وابسته به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در گزارشی با عنوان «اختلاف رضا پهلوی و تجزیه‌طلبان: واقعیت یا دعوی زرگری؟» به تفسیر مواضع شاهزاده در مورد ضرورت «حفظ تمامیت ارضی» به عنوان شرط حتمی ائتلاف با سایر گروه‌ها پرداخته است. در این گزارش آمده «پهلوی در مصاحبه‌ای با شبکه منوتو، اظهارات صریحی درباره مسئله تمامیت ارضی و علیه تجزیه ایران و مجاهدین خلق ابراز کرد.» به نوشته تسنیم «رضا پهلوی برای آغاز کمپین وکالت به این مواضع نیاز داشت.»

تسنیم در این گزارش اشاره می‌کند «عبدالله مهدی رهبر گروهک تجزیه‌طلب کومله» با حرف‌های رضا پهلوی در مورد ضرورت حفظ تمامیت ارضی ایران مخالف است و آن را «هراس‌افکنی از تجزیه‌طلبی» و «عامل تفرقه» می‌داند با این حال خبرگزاری سپاه اختلاف پهلوی با تجزیه‌طلبان را «جنگ زرگری» خوانده است.

در این میان، قرار گرفتن سپاه پاسداران در فهرست سازمان‌های تروریستی از سوی پارلمان اروپا با کارزار «من وکالت میدهم» وکالت میدهم» همزمان شد. به باور مقامات جمهوری اسلامی این دو مسئله با هم مرتبط است. به ویژه آنکه در جریان گردهمایی استراسبورگ اغلب ایرانیان با پرچم شیروخورشید و شعارهای ملی و ایرانگرایانه مقابل پارلمان اروپا جمع شده بودند. به این ترتیب عوامل نظام نیز از هر دو جناح در موضعی مشترک برای «خنثی کردن» این

● احمد مازنی نماینده سابق مجلس شورای اسلامی نزدیک به اصلاح‌طلبان در یادداشتی در روزنامه «اعتماد» می‌نویسد اروپا تحت تأثیر کوتوله‌های اپوزیسیون قرار گرفته است.

● حسین ملائک سفیر پیشین رژیم در جمهوری خلق چین: «جمهوری اسلامی در خارج از کشور بازی را به ایرانیان مهاجر باخته است. شاید برجام و مسئله اوکراین قابل حل باشد اما نظر و رویکرد ایرانیان خارج از کشور اساساً از طریق مذاکره قابل حل نیست.»

● صادق زیباکلام: براندازی رونق گرفته و براندازان ابتکار عمل را به دست گرفتند.

● خبرگزاری فارس وابسته به سپاه پاسداران در گزارشی به کارزار «من وکالت میدهم» با ادعای آگاهی از «اصول دموکراسی» نوشت: «لمین‌های ضدانقلاب در یک پروژه سلطنت خواهی که مغایر با اصول دموکراسی جهانی است، «شازده پهلوی» را به حکومت بر مردم ایران منصوب کردند.

● حسن یوسفی اشکوری فعال سیاسی ملی- مذهبی در وبسایت «زیتون» در سخنانی دروغ و زشت مدعی شده صحنه‌های پرشماری از حامیان پهلوی‌گرا در خارج از کشور در دست است که حامیان رفتارهایی مانند حمله به تجمعات اعتراضی در خیابان‌ها و یا محل‌ها و یا طرح شعارهایی که جز انحصارطلبی و استبداد و سانسور چیزی دیگری نیست و جز نوعی جزم‌اندیشی و حرکات فاشیستی نامی ندارد.

● سازمان مجاهدین خلق نیز کارزار «وکالت» را اقدام مشترک بقایای ساواک سلطنتی و اطلاعات آخوندی برای تخطئه و لوث کردن قیام مردم ایران خواند!

● همگی این جریان‌ها بار دیگر مانند ۴۳ سال پیش در یک جبهه قرار گرفته‌اند. آزمون برای به پیروزی رساندن انقلاب ارتجاعی ۵۷ و به قدرت رساندن خمینی و رژیم که چهار دهه است جنایت و خیانت و ویران می‌کند، و حالا نیز عملاً در خدمت حفظ همین نظام ضدبشری که از آن انقلاب برآمده بار دیگر در برابر پهلوی قرار گرفته‌اند!

کارزار «#من\_وکالت\_میدهم» که از اواخر دی‌ماه در شبکه‌های اجتماعی آغاز شده و همزمانی آن با رأی پارلمان اروپا به قرار گرفتن سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در فهرست سازمان‌های تروریستی، رسانه‌ها و تحلیلگران و شماری از مقامات حکومتی و انواع ملی- مذهبی و اصلاح‌طلب و سازمان مجاهدین خلق و توده‌ای‌ها و برخی چپ‌ها و احزاب قومی را واداشته تا علیه آن موضعی را اعلام کنند که از یکسو مشترک و از سوی دیگر یادآور دوران انقلاب ۵۷ است که مردم در جنبش انقلابی اخیر خود آن را «فتنه ۵۷» عامل هر فلاکت» نامیده‌اند!

بعضی رسانه‌های داخلی این کارزار را «هشتگ دستوری برای رضا پهلوی» و برخی دیگر «پروژه ارتجاعی احیای دیکتاتوری» نامیدند و شماری دیگر با انتشار کاریکاتورهایی آنچه را می‌پندارند مطرح کرده و همسو با فرمان علی خامنه‌ای برای «جهاد تبیین» علیه پهلوی‌ها دست به کار شدند!

روزنامه همشهری در گزارشی با عنوان «سیرک وکالت»

# «ساخت سنگ مزار جانباختگان» نیز در جمهوری اسلامی جرم است!



مزار محمد حسینی

کاملیا سجادیان اکنون در حالی از بازداشت سنگتراش و شاگردانش خبر داده که تأکید کرده «تا این اندازه توحش را هیچ جای دنیا ندیده بودم». کاملیا سجادیان گفته که «چند روز پیش با دوست خوبم صحبت کردم برای سنگ مزار سید محمد حسینی، دیشب به من خبر داد سنگتراش و شاگردانش را به جرم اندازه گیری قبر بازداشت کرده اند، دوستانم را هم همینطور.» این مادر دادخواه افزوده که «حکومتی خود را قدرت منطقه می داند که از خاک و سنگ مزار متوفی می ترسد. ترس که نه، وحشت! قدرت منطقه ای که تمام این مدت کشورهای عقب مانده را هار کند تا مثل سگ هار زنجیر پاره کرده و به مردم کشورم حمله کنند. خاک بر سر تان که کمترین حرمتی به کسی که از دنیا رفته هم نمی گذارید.»

کاملیا سجادیان با بیان این که دوستانش گفته اند «بالاخره این کار را انجام خواهند داد» و بر مزار محمد حسینی سنگ خواهند گذاشت، گفت که «امروز من مادر سیدمحمد حسینی و محمدحسن ها هستم. برای بچه ای یتیم که حتی مادری نداشت برایش گریه کند مادری می کنم. من مادر محمدحسن ترکمان و سیدمحمد حسینی و همه محمدها هستم. من مادر مظلومیت مردم کشورم هستم» و «تا پای جانم تا آخرین نفس ایستاده ام.»

مقامات جمهوری اسلامی حتی اسم و عکس محمد حسینی را از روی مزار او برداشته اند. محمد (کیان) حسینی جوان پادشاهی خواه بود و در صفحه اینستاگرامش تصاویر زیادی از خاندان پهلوی و پرچم شیروخورشید منتشر کرده بود.

محمد حسینی ورزشکار و استاد ورزش های رزمی بود. مأموران امنیتی جمهوری اسلامی با توقیف ابزارهای ورزش رزمی از خانه او، آنها را به عنوان «سلاح سرد» و «ابزار قتل» به دادگاه ارائه دادند. محمد حسینی از جمله مظلوم ترین بازداشت شدگان جنبش اعتراضی اخیر است که در بیدادگاه رژیم قاضی حتی حاضر نشد به توضیحات او درباره اینکه آنچه در پرونده به عنوان «سلاح سرد» ثبت شده، ابزار ورزشی است و او هیچوقت این ابزار را در خیابان به همراه نداشته است، گوش دهد!

● پدر و مادر محمد حسینی درگذشته بودند و او فامیل نزدیکی نداشت که پیگیر کارهایش در دادسرا باشند. بعد از اعدام نیز خانواده های نداشت که برای تحویل گرفتن پیکر وی مراجعه کنند.

● کاملیا سجادیان مادر محمدحسن ترکمان که فرزند دانشجویش در جریان اعتراضات با گلوله مأموران حکومتی جان باخت پیشتر اعلام کرده بود که گذاشتن سنگ بر مزار محمد حسینی را پیگیری خواهد کرد.

● کاملیا سجادیان: حکومتی خود را قدرت منطقه می داند که از خاک و سنگ مزار متوفی می ترسد. ترس که نه، وحشت!  
● محمد (کیان) حسینی جوان پادشاهی خواه بود و در صفحه اینستاگرامش تصاویر زیادی از خاندان پهلوی و پرچم شیروخورشید منتشر کرده بود.

سنگتراشی که مزار محمد (کیان) حسینی جانباخته جنبش انقلابی را اندازه گیری کرده بود به همراه شاگردانش بازداشت شد. محمد (کیان) حسینی از جمله چهار شهروند جوانی است که به دلیل شرکت در اعتراضات با چوبه دار توسط حکومت به قتل رسید.

نهادهای امنیتی جمهوری اسلامی سنگتراشی را که مزار محمد حسینی، معترض اعدام شده را برای ساختن سنگ مزار وی اندازه گیری کرده بود و افرادی که سنگ را سفارش داده بودند، بازداشت کرده اند.

کاملیا سجادیان مادر محمدحسن ترکمان از کشته شدگان اعتراضات سراسری ایران روز پنجشنبه ۲۹ دی در توییتهای اعلام کرد که مقامات جمهوری اسلامی «سنگتراش و شاگردانش را به جرم اندازه گیری قبر بازداشت کرده اند». کاملیا سجادیان پیشتر اطلاع داده بود که ساخت و نصب سنگ مزار محمد حسینی، معترض اعدام شده را پیگیری خواهد کرد.

محمد (کیان) حسینی جوان ۳۸ ساله، ورزشکار و کارگر یک مرغداری در کرج بود که در حاشیه مراسم چهلم حدیث نجفی از جانباختگان اعتراضات، بازداشت شد و در پرونده قتل یک بسیجی مسلح به اسم روح الله عجمیان به همراه ۱۵ شهروند دیگر متهم شناخته شد. دادگاه برای پنج متهم از جمله محمد حسینی حکم اعدام صادر کرد اما در نهایت حکم سه متهم در دیوان عالی کشور لغو و برای بررسی دوباره به دادگاه هم عرض فرستاده شد اما حکم اعدام محمد مهدی کرمی و محمد حسینی تأیید و در هفدهم دی اجرا شد.

مادر و پدر محمد حسینی پیش از این درگذشته بودند و این جوان کسی را نداشت. چند روز پس از برگزاری نخستین جلسه دادگاه، برخی روزنامه نگاران اطلاع داده بودند که محمد حسینی حتی فامیل نزدیک ندارد که پیگیر کارهایش در دادسرا باشند. پس از اعدام محمد حسینی مقامات قضایی به دلیل اینکه او کسی را برای تحویل گرفتن پیکرش نداشت، وی را با تأخیر در آرامستان اشتهارد به خاک سپردند. بسیاری از شهروندان اما در یادبود محمد حسینی خود را خانواده او خواندند و با روشن کردن شمع، پختن و پخش غذا در میان فقرا یاد او را زنده نگه داشتند. مردم همچنین با حضور بر مزار محمد حسینی و گذاشتن گل، نگذاشتند او غریب بماند.

کاملیا سجادیان مادر محمدحسن ترکمان که فرزند دانشجویش در جریان اعتراضات مازندران با گلوله مأموران حکومتی جان باخت نیز اعلام کرد که گذاشتن سنگ بر مزار محمد حسینی را پیگیری خواهد کرد.

به اعتماد گفته «آتش اعتراضات همچنان شعله ور است، هرچند ممکن است برای مدتی زیر خاکستر برود، اما وزش یک باد یا یک متغیر پیرامونی کافی است تا این شعله ها را قوی تر از قبل شناور کند.»

او در یک مصاحبه مبسوط توضیح می دهد، «مسلم است که از سال ۸۸ به بعد، حرکات اعتراضی در ایران مدام رادیکال تر شده اند. در سال ۸۸ دیدگاه های براندازانه مطرح نبودند، اما سیر تحولات این روزها کار را به جایی رسانده که دکان براندازی رونق زیادی گرفته است... در بخش های مهمی از مردم این حس به وجود آمده که آبی از صندوق های رأی گرم نمی شود... طبیعی است که براندازی رونق پیدا می کند و طرفدارهای خاص خود را می یابد.»

زیباکلام تأکید کرد: «معتقدم رونق براندازی و براندازان، عکس العمل سرخوردگی و ناامیدی مردم در خصوص اصلاحات و تغییر هستند.» او می گوید: «نحوه برخورد با دولت روحانی از ۹۶ تا ۱۴۰۰ شرایطی را به وجود آورد که براندازان ابتکار عمل را به دست گرفتند.»

این استاد اصلاح طلب دانشگاه می افزاید، «از سال ۹۸ به بعد ایده براندازی فرصت بیشتری برای عرضه خود پیدا کرد. به همین دلیل است که طی چهار ماه اخیر، بغض و کینه فراوانی علیه اصلاحات و اصلاح طلبان مطرح شد. کوچک ترین صدایی در خصوص اصلاح و اصلاح طلبی با فحش و کینه و بغض فراوانی توسط اپوزیسیون روبرو می شود. دلیل این امر هم، عملاً ناامیدی از هر نوع تغییر و اصلاح بود.»

وی در مورد ایرانیان خارج کشور نیز گفت: «ایرانیانی که در خارج از کشور داریم که اکثر آنها خواهان دموکراسی هستند. کجا چین و کره شمالی و کوبا یک چنین شرایطی دارند؟ ایرانیان خارج از کشور به مراتب بیشتر از ایرانیان داخل کشور به دنبال آزادی و دموکراسی هستند.»

خبرگزاری فارس وابسته به سپاه پاسداران نیز در گزارشی به کارزار «من وکلات میدهم» واکنش نشان داد و با ادعای آگاهی از «اصول دموکراسی» نوشت: «نماینده های ضدانقلاب که مدعی دموکراسی بوده و شعارهایی از جنس آزادی سر می دادند، این روزها هویت اصلی خود را نشان داده و در یک پروژه سلطنت خواهی که مغایر با اصول دموکراسی جهانی است، «شازده پهلوی» را به حکومت بر مردم ایران منصوب کردند.»

مواضعی که حکومت در مقابل کارزار «من وکالت میدهم» گرفت شبیه همان مواضعی است که ملی-مذهبی ها کمونیست ها و سازمان مجاهدین خلق گرفته اند. حسن یوسفی اشکوری فعال سیاسی ملی-مذهبی در وبسایت «زیتون» در سخنانی دروغ و زشت مدعی شده، صحنه های پرشماری از حامیان پهلوی گرا در خارج از کشور در دست است که حامیان رفتارهایی مانند حمله به تجمعات اعتراضی در خیابان ها و یا محل ها و یا طرح شعارهایی که جز انحصارطلبی و استبداد و سانسور چیزی دیگری نیست و جز نوعی جزم اندیشی و حرکات فاشیستی نامی ندارد!

سازمان مجاهدین خلق نیز کارزار «وکالت» را اقدام مشترک بقایای ساواک سلطنتی و اطلاعات آخوندی برای تخطئه و لوث کردن قیام مردم ایران خواند!

همگی این جریانات بار دیگر مانند ۴۳ سال پیش در یک جبهه قرار گرفته اند. آزمون برای به پیروزی رساندن انقلاب ارتجاعی ۵۷ و به قدرت رساندن خمینی و رژیم که چهار دهه است جنایت و خیانت و ویران می کند، و حالا نیز عملاً در خدمت حفظ همین نظام ضدبشری که از آن انقلاب برآمده بار دیگر در برابر پهلوی قرار گرفته اند!

## نازنین افشین جم در گفتگو با کیهان لایف: سیاستمداران غرب قبل از رها کردن کامل رژیم به یک آلترناتیو موقت نیاز دارند



● نازنین افشین جم- مکی در گفتگو با کیهان لایف درباره چگونگی شکل گرفتن ایده برگزاری شبکه‌ای از همایش‌های آنلاین و چرایی راه‌اندازی آنها و نکاتی از نخستین وینار که ۲۲ ژانویه برگزار شد توضیح داده است.

● نازنین افشین جم: گروهی تأثیرگذار از متخصصان، فعالان، کارآفرینان، بشردوستان و چهره‌های سیاسی در نخستین کنفرانس شرکت داشتند. من به ویژه می‌خواستم برخی از این گروه‌های جدیدتر که به تازگی تشکیل شده‌اند، با یکدیگر گفتگو کنند.

● «من در این گروه‌ها و افرادی مانند شرکت‌کنندگان امید زیادی جهت تشکیل کنفرانس‌هایی با کارشناسان موضوعی می‌بینم که به مسائل دشواری بپردازند که می‌بایست مورد توجه سیاستمداران غرب قبل از رها کردن کامل رژیم و پذیرفتن یک گروه آلترناتیو موقت مثل شورای هماهنگی یا ائتلاف و یا دولت در تبعید قرار بگیرد.»

ناتاشا فیلیپس (کیهان لایف) - نازنین افشین جم- مکی فعال حقوق بشر و یکی از بنیانگذاران کارزار «اعدام کودکان را متوقف کنید» به تازگی شبکه‌ای از کنفرانس‌های آنلاین برای گفت و شنید بین گروه‌های ایرانی مخالف جمهوری اسلامی راه‌اندازی کرده است. این شبکه تلاش می‌کند سازمان‌ها و ایرانیان شاخص مدافع حقوق بشر و طرفدار دموکراسی را گرد آورد تا درباره فرصت‌های همکاری گفتگو کنند.

اولین وینار این شبکه روز ۲۲ ژانویه ۲۰۲۳ برگزار شد و ۲۵ شرکت‌کننده از سازمان‌های مختلف مانند اتحادیه ملی برای دموکراسی در ایران (NUFEDI)، انجمن جهانی ایران (GIA) شورای دموکراسی ایران (IDC) و شماری از جامعه ایرانیان مهاجر از جمله گلشیفته فراهانی بازیگر ایرانی- فرانسوی، حسن شریعتمداری فعال سیاسی و رضا مریدی نماینده پیشین پارلمان کانادا در آن شرکت داشتند. ایران در کشاکش یک خیزش انقلابی علیه حکومت جمهوری اسلامی بسر می‌برد. انقلابی که از ماه سپتامبر پس از قتل حکومتی مهسا امینی در بازداشت گشت ارشاد آغاز شد.

به گفته گروه‌های حقوق بشر، از آغاز اعتراضات، بیش از ۵۰۰ تن از جمله دست‌کم ۷۱ کودک توسط نیروهای امنیتی رژیم ایران کشته شده‌اند. اتحادیه اروپا، بریتانیا و ایالات متحده در یک تلاش هماهنگ برای مهار سرکوب وحشیانه رژیم علیه معترضان، تحریم‌های فزاینده‌ای را در ارتباط با جمهوری اسلامی به اجرا درآورده‌اند.

نازنین افشین جم- مکی در گفتگو با کیهان لایف درباره چگونگی شکل گرفتن ایده این همایش‌های آنلاین و چرایی راه‌اندازی آنها و نکاتی از نخستین وینار توضیح داده است.

● چگونه به ایده برگزاری این کنفرانس‌های آنلاین رسیدید؟

-زمانی که ما در حال تشکیل یک بانک اطلاعاتی جهانی از زندانیان سیاسی ایرانی بودیم و آنها را از طریق سازمان

داوطلب بوده و هر لحظه فراغت خود را وقف این هدف می‌کنند و البته اجرای چنین پروژه‌هایی هزینه‌های طبیعی نیز دارد. شاید بتوان صندوقی برای کمک به آنها ایجاد کرد.

● روند انتخاب سخنرانان در این کنفرانس‌های آنلاین چگونه است؟

-در این نشست فقط از گروه‌هایی دعوت کردم که می‌دانم سخت تلاش کرده‌اند. به همه گفتم که این گردهمایی متعلق به «من» نیست، بلکه یک جمع است و اگر کسی از گروه دیگری که باید آنجا باشد، می‌شناسند، می‌تواند به این کنفرانس بپیوندد. تنها مشکل این است که افزودن هر گروهی به معنی زمان کمتر برای صحبت دیگران بود. لایلا منصوری وکیل دادگستری در آمریکا که در مجامع مختلف فعالیت می‌کند، چند گروه همراه خود داشت. این گروه‌ها یک نظرسنجی درباره سازمان‌ها و اطلاعات تماس که سوشیانت زنگنه‌پور از «اتحاد برای دموکراسی در ایران» (ADI) جمع‌آوری می‌کند، پر کردند و ما این جزئیات را توزیع بین گروه‌ها خواهیم کرد تا بتوانند با یکدیگر در تماس باشند.

● گام بعدی چیست؟

-کنفرانس بعدی قرار است در ماه فوریه برگزار شود و تاریخی برای آن در نظر گرفته شده اما پیش از آن می‌خواهم از دیگران بازخورد بگیرم و ببینم برای کارآمدتر بودن آیا برگزاری گروه‌های کوچک‌تر با کسانی که روی موضوعات یا زمینه‌های مشابه کار می‌کنند مفیدتر خواهد بود یا نه.

\*منبع: کیهان لایف (کیهان لندن به زبان انگلیسی)

\*گزارشگر: ناتاشا فیلیپس

\*ترجمه و تنظیم از کیهان لندن

خود «جمعیت عدالت ایران» در اختیار سیاستمداران سراسر جهان می‌گذاشتیم، متوجه شدیم که چند نفر دیگر نیز پایگاه چنین داده‌هایی را راه‌اندازی کرده‌اند. یعنی هزاران ساعت به دلیل دوباره‌کاری وقت تلف شده. اگر ما از قبل در مورد یکدیگر اطلاع می‌داشتیم، می‌توانستیم تلاش‌های خود را هماهنگ و ادغام کرده و کارآمدتر باشیم. در پروژه‌های دیگر نیز امیدوارم بتوانیم دوباره کاری‌ها را کاهش دهیم و در عوض به جذب و ارائه کمک و داوطلبان حامی برای کسانی بپردازیم که به آن نیاز دارند.

● به نظر شما نکات مهم نخستین کنفرانس چه بود؟ -گروهی تأثیرگذار از متخصصان، فعالان، کارآفرینان، بشردوستان و چهره‌های سیاسی در آن شرکت داشتند. من به ویژه می‌خواستم برخی از این گروه‌های جدیدتر که به تازگی تشکیل شده‌اند، با یکدیگر گفتگو کنند. هر کدام از آنها در رشته خود به ارائه دانش و اطلاعات پرداختند؛ به عنوان مثال، الیکا افتخاری از شورای دموکراسی ایران، کارشناس قوانین تحریم و اجرای تحریم‌های مربوط به آمریکا است. علی رهنما وکیل دادگستری در مسیری که باید در تشکیل شورای انتقالی طی کرد، آگاهی زیادی دارد. ژیزل نعیمی «انجمن جهانی ایران» در مورد چارچوبی که برای تشکیل «مجمع شهروندان» لازم است صحبت کرد.

من در این گروه‌ها و افرادی مانند شرکت‌کنندگان امید زیادی جهت تشکیل کنفرانس‌هایی با کارشناسان موضوعی می‌بینم که به مسائل دشواری بپردازند که می‌بایست مورد توجه سیاستمداران غرب قبل از رها کردن کامل رژیم و پذیرفتن یک گروه آلترناتیو موقت مثل شورای هماهنگی یا ائتلاف و یا دولت در تبعید قرار بگیرد.

من همچنین شنیده‌ام که گروه‌ها برای فعالیت خود نیاز به بودجه دارند اما همه افراد حاضر در این کنفرانس

مازوت سوزی نیست. او گفته که «تا دو سال گذشته در تبریز مازوت سوزی نداشتیم اما آلودگی هوا بود. در این مواقع می‌توان گفت مصرف مازوت عامل ایجاد آلودگی هوا نیست اما می‌تواند در شهرهایی که در مجاورت نیروگاه‌ها هستند، تشدیدکننده آلودگی هوا باشد. بدین جهت در سال‌های گذشته با وجود مصرف صرفاً گاز، به علت وارونگی دما، آلودگی هوا داشتیم.»

علی سلاجقه رئیس سازمان حفاظت محیط زیست اما معتقد است «تعطیلی» چاره‌ساز مشکل آلودگی هوا نیست. علی سلاجقه توضیح داده که «هر چه دمای هوا کاهش پیدا کند، تجمع و انباشت آلودگی‌ها در ارتفاع کمتر و پایین‌تر یعنی نزدیک به سطح زمین اتفاق می‌افتد و هر چه هوا سنگین‌تر شود، آلاینده‌ها امکان انتقال به سطوح بالاتر را ندارند.»

رئیس سازمان حفاظت محیط زیست تأکید کرده که «با توجه به اینکه در روزهای اخیر دمای هوا در نقاط مختلف کشور پائین بوده، آلاینده‌ها از سطح زمین فاصله نگرفتند و متأسفانه در اکثر شهرهای کشور که با مشکل آلودگی هوا مواجه بودند، به ویژه کلان شهرها، با وجود بارش باران و برف شاهد کاهش شاخص‌های آلودگی هوا نبودیم.»

رئیس سازمان حفاظت محیط زیست گفته که «تعطیلی راه درمان نیست؛ بنا بر آسیب‌شناسی‌های صورت گرفته، راه درمان اسقاط خودروهای فرسوده است. بعد از اسقاط خودرو، استفاده از سوخت پاک می‌تواند در بهبودی آلودگی هوا اثرگذار باشد که اقدامات خوبی در این زمینه انجام شده است. راهکار دیگر برای درمان این بحران رسیدگی به وضع صنایع آلاینده است. کنترل فعالیت صنایع آلاینده، اقدامی مهم در جهت بهبود این بحران است که به طور جدی این مسئله را پیگیری می‌کنیم.»

با وجود تأکید رئیس سازمان حفاظت محیط زیست بر اقدامات زیربنایی و حل ریشه‌ای مشکل آلودگی هوا اما سالهاست جمهوری اسلامی برنامه‌ای برای ساماندهی وضعیت زیست‌محیطی کشور از جمله آلودگی هوا ندارد. بی‌اعتنایی دولت به بحرانی که زندگی میلیون‌ها نفر را با مشکل روبرو کرده، انتقاد رسانه‌های «خودی» را نیز در پی داشته است.

روزنامه اطلاعات در شماره روز شنبه اول بهمن نوشت که «قصه آلودگی فزاینده هوا دارد به بحران تبدیل می‌شود. به بحران تبدیل شده بلکه دارد به فاجعه می‌انجامد. مسئولان هم تقریباً هیچ کاری نمی‌کنند جز ابراز تأسف و تعطیلی مدارس. شاید در هر سرزمین دیگری با این همه جمعیت، هوا اینطور می‌شد، خودروهای بنزینی و گازویلی ممنوع می‌شد و فقط خودروهای برقی تردد می‌کرد اما اینجا همچنان دو شرکت بزرگ دولتی زیان‌ده بی‌کیفیت و بی‌کفایت، سخت مشغول رقابتند تا به جای خودرو، آلت قتاله درست کنند و به بهای گزاف به مردم بفروشند و کسی هم حرفی نمی‌زند. انگار در خانه کسی نیست.»

در ادامه این مطلب آمده که «مسئولان در این حوزه اما مرتب اظهار نگرانی می‌کنند و یکی می‌گوید فقط ۳۸ درصد بنزین‌های موجود استاندارد هست و دیگری می‌گوید چاره‌ای جز مازوت سوزاندن برای تأمین برق جمعیت کشور نیست و یکی می‌گوید از خانه بیرون نیایید و یکی مدارس را تعطیل می‌کند و رئیس سازمان محیط‌زیست هم می‌گوید وضع فعلی در شأن مردم نیست! همه قرائن نشان می‌دهد دولت بواقع هیچ برنامه مشخص و تعریف شده و زمانبندی شده‌ای برای بازگرداندن هوای پاک به مردم ندارد و مردم را رها کرده زیر گنبد کبود از سم و غبار و دل به کرم باد و لطف باران بسته است.»

## ادامه بحران آلودگی هوا؛ بی‌اعتنایی دولت صدای «خودی»ها را هم درآورد!



اصلی آلودگی کلانشهرها در فصول سرد است. آمارها نشان می‌دهد در حال حاضر ۹۰ درصد برق ایران از محل نیروگاه‌های حرارتی که با گاز طبیعی، گازوئیل و مازوت کار می‌کنند، تولید می‌شود.

مصطفی رجبی مشهدی سخنگوی صنعت برق هفته گذشته اعلام کرده بود که «از ۱۲۰ نیروگاه کشور حدود ۱۵ نیروگاه کشور از مازوت استفاده می‌کنند. سخنگوی صنعت برق با اشاره به کمبود برق گفته بود که «در مقطع کنونی که کشور با مشکل گاز مواجه است استفاده از سوخت مازوت می‌تواند به تأمین پایدار برق کمک کند.»

داریوش گل‌علیزاده سرپرست مرکز ملی هوا و تغییر اقلیم سازمان حفاظت محیط زیست ایران به تازگی اعلام کرده که «از ۱۶ نیروگاه بخاری در کشور ۱۴ نیروگاه از جمله نیروگاه طوس در مشهد، مفتح در همدان، سهند بناب در تبریز، ایرانشهر در سیستان و بلوچستان، شهید منتظری در اصفهان، شهید منتظر قائم در البرز، شهید رجایی در قزوین و بندرعباس مازوت‌سوزی دارند.»

داریوش گل‌علیزاده افزوده که «تنها نیروگاه بعثت در منطقه ۱۶ تهران قابلیت مازوت‌سوزی دارد که از سال ۹۳ با حکم قضایی این بخش آن پلمب شده است.» سرپرست مرکز ملی هوا و تغییر اقلیم سازمان حفاظت محیط زیست ایرا معتقد است که تنها علت آلودگی هوا

● رئیس مرکز تحقیقات آلودگی هوا؛ سالانه ۴۵ هزار مرگ ناشی از آلودگی هوا وجود دارد که در این میان هفت درصد «مرده‌زایی» است.

● در حال حاضر ۹۰ درصد برق ایران از محل نیروگاه‌های حرارتی که با گاز طبیعی، گازوئیل و مازوت کار می‌کنند، تولید می‌شود و از ۱۶ نیروگاه بخاری در کشور ۱۴ نیروگاه این روزها مازوت می‌سوزانند.

● روزنامه اطلاعات: دولت بواقع هیچ برنامه مشخص و تعریف شده و زمانبندی شده‌ای برای بازگرداندن هوای پاک به مردم ندارد و مردم را رها کرده زیر گنبد کبود از سم و غبار و دل به کرم باد و لطف باران بسته است.

آلودگی هوا در کلانشهرها بطور پیوسته ادامه دارد و زندگی شهروندان را با اختلالات جدی روبرو کرده است. رئیس مرکز تحقیقات آلودگی هوا با ارائه آماری تکانه‌دهنده درباره اثر آلودگی هوا بر سلامت شهروندان از مرگ سالانه ۴۵ هزار نفر در ایران در پی آلودگی هوا خبر داده است. دولت اما با بی‌اعتنایی به این بحران مهم زیست‌محیطی، راهکارهای زیربنایی را رها کرده و با تعطیلی پی در پی مدارس به دنبال حل مشکل آلودگی هوا است.

روز شنبه اول بهمن‌ماه ۱۴۰۱ شرکت کنترل کیفیت هوای تهران گزارش داد که شاخص کیفیت هوا بر روی عدد ۱۴۷ قرار دارد و به عبارت دیگر کیفیت هوا برای گروه‌های حساس ناسالم است. میانگین آلودگی هوای تهران در آخرین روز دی‌ماه نیز بر روی عدد ۱۵۳ و وضعیت قرمز و هوا ناسالم برای همه بود.

کمیته اضطرار آلودگی هوای تهران غروب روز شنبه اول بهمن پس از تشکیل جلسه‌ای اضطراری «به منظور اتخاذ تصمیمات لازم» در زمینه آلودگی هوا اعلام کرد که تمامی کودکان استان‌های استان تهران برای یکشنبه دوم بهمن ماه تعطیل شدند و فعالیت کلیه مدارس و دانشگاه‌های دولتی و غیر دولتی در سطح استان تهران به جز شهرستانهای فیروزکوه و دماوند نیز غیر حضوری شد.

این کمیته همچنین اعلام کرد که تصمیم‌گیری برای برگزاری امتحانات پایان ترم دانشجویان و یا تعویق امتحانات در دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی برعهده روسای دانشگاه‌ها خواهد بود. همچنین آزمون‌های کشوری المپیاد علمی دانش آموزی طبق برنامه برگزار خواهد شد. وضعیت بحرانی آلودگی هوا زندگی مردم را مختل کرده و کوه‌های اطراف تهران حتی از مناطق شمال شهر هم دیگر قابل رویت نیستند.

محمدصادق حسن‌وند رئیس مرکز تحقیقات آلودگی هوا روز شنبه اول بهمن با ارائه آماری تکانه‌دهنده درباره اثر آلودگی هوا بر سلامت شهروندان گفت: «سالانه ۴۵ هزار مرگ ناشی از آلودگی هوا وجود دارد که در این میان هفت درصد مرده‌زایی است.»

به گفته محمدصادق حسن‌وند در پنج سال اخیر و در یک رکوردشکنی تاریخی از روند افزایش آلاینده‌ها، غلظت ذرات معلق کمتر از ۵/۲ میکرون «افزایش شش برابری» پیدا کرده و «همچنین دو سال است که شاهد «برگشت دی اکسید گوگرد» هستیم.»

او با انتقاد از بی‌عملی متولیان در برابر سلامتی مردم، با کنایه گفت: «اثر باد خیلی بیشتر از اقدامات مسئولان در کاهش آلودگی هوا بوده است.»

دولت در فصل پاییز و زمستان از تأمین گاز مورد نیاز کشور ناتوان است و با قطع گاز صنایع، نیروگاه‌های تولید برق ناچار به مازوت‌سوزی می‌شوند. سوخت مازوت، یا نفت کوره، آلودگی زیادی تولید کرده و از جمله دلائل



## موج جدید مهاجرت ایرانیان به دلیل فیلترینگ و اختلال در اینترنت

● رئیس «رصدخانه ملی مهاجرت» گفته که شرایط ناپایدار اینترنتی و ارتباطی که منجر به آسیب دیدن بسیاری از کسب و کارها شده سبب افزایش مهاجرت شده و ترکیه و کشورهای حاشیه خلیج فارس مقاصد اصلی این مهاجرت‌ها هستند.

● نرخ پناهجویی ایرانیان از متوسط نرخ پناهجویی جهانی بالاتر است و پیش‌بینی می‌شود طی شش ماه آلی یک سال آینده اثر اعتراضات ماه‌های اخیر در افزایش آمار پناهجویان ایرانی نمایان شود.

● مشکلات اقتصادی و کاهش ارزش پول ملی در صدر دلایل تمایل مهاجرت از سوی ایرانیان قرار دارد و تنها یک درصد از ایرانیان مهاجر، تمایل به بازگشت به کشورشان دارند.

رصدخانه ملی مهاجرت ایران از افزایش مهاجرت شهروندان به دلیل «وضعیت اینترنت در کشور» خبر داده و تأکید کرده که به دلیل موانعی که برای مهاجرت به اروپا و آمریکا وجود دارد، ترکیه و کشورهای حوزه خلیج فارس به مقصد جدیدی برای «تخلیه بار مهاجرت ایرانیان» تبدیل شده‌اند.

در پنجمین ماه از جنبش انقلابی ایرانیان علیه جمهوری اسلامی همچنان قطع و اختلال اینترنت به عنوان ابزار سرکوب از سوی حکومت به کار گرفته می‌شود. جدا از مشکلاتی که قطع و کاهش سرعت اینترنت و فیلترینگ شدید در روند زندگی شهروندان ایجاد می‌کند، کسب و کارها و استارت‌آپ‌ها نیز از قطع اینترنت دچار زیان گسترده شده‌اند. موج جدید مهاجرت از ایران مربوط به متخصصان و صاحبان کسب و کارهای دیجیتال است.

در همین رابطه بهرام صلواتی رئیس «رصدخانه ملی مهاجرت ایران» با اشاره به تمایل دیگر کشورها به جذب نیروی انسانی متخصص در حوزه آی‌تی و تجارت الکترونیک، گفته «یکی از دلایلی که شرکت‌ها مهاجرت می‌کنند، به مسائل زیرساختی که در این چندوقت اخیر هم پررنگ شده است، مربوط می‌شود. از جمله شرایط ناپایدار اینترنتی و ارتباطی که منجر به آسیب دیدن بسیاری از کسب و کارها شده است. مسئله اینترنت در خیلی از کشورها، امر پیش پا افتاده‌ای و ابتدایی‌ترین زیرساخت ارتباطی است و برای همین مهاجرت گروهی یک تیر و چند نشان می‌شود.»

مدیر رصدخانه مهاجرت ایران، درباره مهاجرت گروهی استارت‌آپ‌ها به کشورهای حوزه خلیج فارس، گفت: «در بحث استارت‌آپ‌ها، شرکت‌ها و تیم‌ها یک موقعیتی است که مهاجرت سرمایه‌گذار یا ایده‌پرداز را داریم. الان خیلی از کشورها به این نکته رسیده‌اند که سرمایه انسانی در ابعاد مختلفش، یعنی در سطح سرمایه‌گذار، ایده‌پرداز، مدیر، بدنه اجرایی و حتی افراد کارشناس، همه ذی‌قیمت هستند و خیلی از شرکت‌ها و تیم‌ها اگر می‌خواهند به کشوری، از

مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار بر مهاجرت در حوزه سلامت هستند. به طور کلی در میان شاغلان بخش سلامت، عواملی مانند عدم تناسب میان درآمد و هزینه‌های زندگی، تبعیض و نابرابری درآمدی در افزایش انگیزه افراد برای مهاجرت بیشتر است. همچنین رانت و روابط ناسالم مدیران و ناکارآمدی مدیران بهداشت و درمان کشور نیز به عنوان عوامل مدیریتی تأثیرگذار بر مهاجرت کادر درمان است.

مهاجرت ایرانیان از کشور ابعاد دیگری هم دارد. از مهاجرت دیگر نیروهای کار از پزشکان و پرستاران تا کارگران حرفه‌ای و استادکاران. بخشی از ایرانیان نیز با خرید ملک در کشورهای همسایه، هم سرمایه‌ریالی خود را از کشور خارج می‌کنند تا از کاهش ارزش آن به دلیل سقوط ارزش ریال جلوگیری شود و هم امکان دریافت اقامت و زندگی در این کشورها را پیدا کند. سالیانه ترکیه به عنوان یکی از اصلی‌ترین مقاصد خرید ملک برای ایرانیان است.

بهرام صلواتی درباره سرمایه‌گذاری ایرانیان در بازار مسکن ترکیه نیز گفته که «در سالنامه ۱۴۰۱ اگر خرید مسکن یا ثبت شرکت در ترکیه را ببینید، متوجه افزایش چشمگیر سهم خرید مسکن از سال ۲۰۱۶ به اینسو خواهید شد. بنابراین ما مشاهده می‌کنیم که بخشی از فرار سرمایه مالی، تحصیلی و سایر موارد، در آنجا انجام می‌شود. من نمی‌دانم مسئولان برای این بحث آمادگی دارند یا خیر؛ چرا که تنها خروج جامعه فراسرمزینی مسئله نیست بلکه بحث نگهداشت، ارتباط با این جامعه و بهره‌برداری از سرمایه‌های‌شان نکته‌ای است که تا الان، دست‌کم بر اساس مقاصد، برنامه‌ریزی خاصی نداشته‌ایم.»

دو هفته پیش رئیس اتاق بازرگانی تهران از خروج سالانه ۱۰ میلیارد دلار سرمایه از ایران خبر داده و گفته این روند رو به افزایش است. گزارش‌ها نشان می‌دهد مشکلات اقتصادی و کاهش ارزش پول ملی در صدر دلایل تمایل مهاجرت از سوی ایرانیان قرار دارد و تنها یک درصد از ایرانیان مهاجر، تمایل به بازگشت به کشورشان دارند.

رئیس اتاق بازرگانی تهران با اشاره به تورم‌های دو رقمی در ۴ دهه اخیر گفته که «تورم در سال‌های اخیر ۳۰ تا ۴۰ درصدی شده است همچنین ارزش پول ملی نسبت به تورم روزانه اُفت پیدا می‌کند و از سوی دیگر ما با مقوله کاهش سرمایه اجتماعی مواجه هستیم. امیدی که برای ما باقی مانده است تحول دیجیتال است که می‌تواند عقب‌ماندگی‌های ما را جبران کند.»

جمله کشورهای حوزه خلیج فارس برون، با این پیشنهادات رو به رو هستند که صرفاً برای ثبت یا ایجاد شرکت اقدام نکنند بلکه برای راه‌اندازی و به نوعی اجرای این ایده هم اقدام کنند.

بهرام صلواتی افزوده که به طور کلی نیروی انسانی ایران، مخصوصاً نیروی کارشناس یا تحصیل‌کرده برای کشورهای دیگر جذاب شده است، «بدین منظور اگر افراد بخواهند کسب و کاری راه بیندازد، بهترین فرصت این است که از تیمی که با آن کار کرده، با آن آشنایی دارد، ایده را می‌شناسد و از همه مهم‌تر هزینه‌اش هم به نسبت هم‌تایانش در آن کشور ارزان‌تر است، استفاده کند.»

او توضیح داده «به دلیل اینکه میل به مهاجرت در داخل کشور افزایش پیدا کرده و از سوی دیگر ظرفیت کشورهای اروپایی یا مقاصد اصلی محدود است، بر این اساس مقاصد جدیدی همچون کشور ترکیه و کشورهای حوزه خلیج فارس شکل گرفته است که قسمتی از بار مهاجرتی ایران دارد در آنجا تخلیه می‌شود.»

از سوی دیگر طی ماه‌های گذشته موج پناهجویی از سوی ایرانیان نیز با افزایش روبرو بوده است. بهرام صلواتی درباره روند پناهجویی از سوی ایرانیان گفته که بررسی آمار پناهجویی از سوی ایرانیان نشان می‌دهد که این آمار در سال ۲۰۲۰ نسبت به ۲۰۱۹ کاهش یافت که ناشی از کرونا بوده است اما در ۲۰۲۱ جریان پناهجویی دارد به سمت بالا برمی‌گردد. این کارشناس افزوده که اثر اعتراضات ماه‌های اخیر در افزایش آمار پناهجویان نیز طی شش ماه آلی یک سال آینده مشخص خواهد شد.

نرخ پناهجویی ایرانیان از متوسط نرخ پناهجویی جهانی بالاتر است. به گفته بهرام صلواتی اگر در سال ۲۰۲۱ جریان رشد پناهجویی در جهان ۳۰ درصد بوده، برای ۳۵ درصد بوده است که از متوسط جهانی مقداری بیشتر است. قطع به یقین اعتراضات و فضایی که شکل می‌گیرد، حتماً اثرش در افزایش شمار پناهجویان ایرانی را در سال آینده خواهد گذاشت. بر اساس داده‌های سالنامه مهاجرت ۱۴۰۱، سه دسته عوامل مرتبط با مسائل اقتصادی، مدیریتی و شغلی-رفاهی بر مهاجرت بخش سلامت تأثیرگذار است. آنطور که نتایج این پیمایش نشان می‌دهد، از نظر عوامل کلان اقتصادی و اجتماعی موثر بر مهاجرت بیش از ۵۰ درصد از افراد شرکت‌کننده معتقد بودند بی‌ثباتی اقتصادی و اجتماعی در ایران، فساد نهادینه در کشور و شیوه حکمرانی در کشور





## گزارش ویژه؛ نگرانی از افزایش حضور نظامی جمهوری اسلامی در آمریکای لاتین

● پاناما اخباری مبنی بر امکان حضور ناوگان نظامی جمهوری اسلامی در کانال پاناما در ماه‌های آینده دریافت کرده است.

● خبر استقرار کشتی‌های جنگی جمهوری اسلامی در کانال پاناما نگرانی کشورهای آمریکای لاتین در رابطه با حضور نظامی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در این منطقه را افزایش داده است.

● فلیپه کاماگو ژنرال بازنشسته پانامائی به کیهان لندن می‌گوید «حرکت‌های سیاسی و نظامی جمهوری اسلامی در ماه‌های اخیر در آمریکای لاتین همگی در همکاری با چین و تا حدی نیز روسیه انجام گرفته‌اند».

● سه شنبه ۲۷ دی مقامات دریانوردی پاناما اعلام کردند که نه تنها دیگر به کشتی‌های جمهوری اسلامی اجازه ثبت در این کشور و استفاده از پرچم پاناما را نخواهند داد، بلکه تا کنون این حق را از ۱۳۶ کشتی مرتبط با جمهوری اسلامی سلب کرده‌اند.

**احمد رأفت - پاناما و کشورهای همجوارش اخباری مبنی بر امکان حضور ناوگان نظامی جمهوری اسلامی در کانال پاناما در ماه‌های آینده دریافت کرده‌اند که نگرانی‌های آنها نسبت به حضور نظامی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در آمریکای لاتین را افزایش داده است. مقامات پانامائی که**

➔ مسعود خوانساری با تأکید بر اینکه وجود جوانان فعال در حوزه استارت‌آپ‌ها و هدایت دانش آنها به بخش‌های صنعتی و بازرگانی می‌تواند شرایط اقتصاد را بهبود ببخشد، گفته که در وضعیت فعلی شاهد خروج نخبگان از کشور در همه زمینه‌ها هستیم. مسعود خوانساری با مقایسه آنچه پس از انقلاب ۵۷ بر سر اقتصاد ایران آمده و آنچه اقتصاد ترکیه در این ۴۳ سال طی کرده گفته که «اقتصاد ایران و ترکیه در سال ۱۳۵۷ نزدیک به هم بود اما اکنون ترکیه ۵۰۰ میلیارد دلار از اقتصاد ایران پیشی گرفته است».

گزارش‌ها از خروج سرمایه از کشور اراقامی باورنکردنی را مطرح می‌کنند؛ آمارهای بانک مرکزی نشان می‌دهد تنها در ۹ ماهه سال گذشته، بیش از ۱۰ میلیارد و ۱۳۴ میلیون دلار سرمایه از ایران خارج شده است.

روزنامه «وطن امروز» نزدیک به جناح اصولگرایان جمهوری اسلامی نیز در اواخر مهرماه گزارشی از وضعیت اقتصادی ایران پس از اعتراضات منتشر کرده و مدعی شده بود که با گذشت یک ماه از اعتراضات سراسری در ایران بیش از ۱۰ هزار میلیارد ریال پول شهروندان از بازار سرمایه خارج شده است.

گزارش‌های قبلی بانک مرکزی میزان خروج سرمایه از ایران در فاصله سال ۱۳۹۰ تا ابتدای سال ۱۳۹۹ را بالغ بر ۱۰۰ میلیارد دلار اعلام کرده بود، یعنی در این مدت سالانه حدود ۱۱ میلیارد دلار از ایران خارج شده است.



چشم‌اندازی از کانال پاناما در بخش اقیانوس اطلس

۵ درصد ناوگان بازرگانی جهانی است در دستور کار قرار دهیم.»

همین کارشناس نظامی پانامائی در ادامه گفتگو با کیهان لندن می‌افزاید «متأسفانه پاناما کشور کوچکی است و از ابزار نظامی و اطلاعاتی کافی برای مقابله با مثلث ایران- روسیه- چین برخوردار نیست و احتیاج داریم که کشورهای قدرتمند ما را برای تأمین امنیت کانال پاناما یاری رسانند، ولی متأسفانه این کشورها از جمله ایلات متحده آمریکا تا کنون این تهدیدها را زیاد جدی نگرفته‌اند.»

سفارت پاناما در مادرید در پاسخ به پرسش کیهان لندن در رابطه با امکان حضور نظامی ناوگان دریائی جمهوری اسلامی در کانال پاناما تنها به یادآوری بی‌طرفی کشورش در رابطه با این آبراه مهم بسنده کرد و افزود بر مبنای معاهده‌ای که در سال ۱۹۷۷ میلادی بین دولت‌های پاناما و ایالات متحده آمریکا به امضا رسیده، ناوگان‌های تجاری تمام کشورها بدون هیچ استثنا و محدودیتی می‌توانند از این کانال عبور کنند. در همین معاهده اشاره شده است که ناوگان‌های نظامی همه کشورها حق عبور از این کانال را دارند، مشروط بر اینکه در هیچ لحظه‌ای دست به اقداماتی نزنند که تردد دیگر کشتی‌ها را مختل کند و یا اینکه فعالیت‌های نظامی انجام دهند.

سه شنبه ۲۷ دی مقامات دریانوردی پاناما اعلام کردند که نه تنها دیگر به کشتی‌های جمهوری اسلامی اجازه ثبت در این کشور و استفاده از پرچم پاناما را نخواهند داد، بلکه تا کنون این حق را از ۱۳۶ کشتی مرتبط با جمهوری اسلامی سلب کرده‌اند. بزرگترین شرکت ثبت کشتی دنیا در پاناما قرار دارد و بخش قابل توجهی از ناوگان تجاری جهان در این کشور به ثبت رسیده و با پرچم پاناما در حرکت است.

شرکت‌هایی که عبور نفتکش‌ها را رصد می‌کنند همگی اعلام کرده‌اند که در سه ماه آخر سال ۲۰۲۲ میلادی حجم محموله‌های نفت خام تولید شده در ایران که از طریق آبی حمل شده‌اند، افزایش چشمگیری داشته و با آغاز سال جدید میلادی نیز این روند با وجود تحریم‌ها رو به افزایش بوده است. برپایه داده‌های همین شرکت‌ها صادرات نفت خام ایران در اواخر سال ۲۰۲۲ میلادی به سمت چندین کشور از جمله چین و ونزوئلا افزایش چشمگیر داشته است. حدس زده می‌شود که جمهوری اسلامی نفت خود را با واسطه‌گری ونزوئلا به دیگر کشورها عرضه کرده و با تخفیفی بین ۲۰ تا ۳۵ درصد به فروش می‌رساند.

در گذشته نیز نسبت به خطرات حضور نظامی جمهوری اسلامی در آمریکای لاتین بارها هشدار داده بودند، می‌گویند اطلاعاتی کسب کرده‌اند که حکایت از اعزام چند کشتی جنگی جمهوری اسلامی در هفته‌های آینده دارد.

بر مبنای اخباری که در برخی از رسانه‌های پاناما منتشر شده است، هدف جمهوری اسلامی و البته جمهوری خلق چین از گسترش حضور نظامی در آمریکای لاتین، ایجاد تهدید جدی برای ایالات متحده آمریکا است. این دو کشور در حال حاضر با برخی کشورهای آمریکای لاتین چون ونزوئلا، نیکاراگوئه و بولیوی معاهده‌های نظامی به امضا رسانده‌اند و در همین زمینه سرگرم گفتگو با دولت جدید برزیل نیز هستند.

رسانه‌های پاناما می‌نویسند ناوگان نظامی جمهوری اسلامی در نظر دارد در نزدیکی کانال پاناما که یکی از مهم‌ترین آبراه‌های عبور برای ناوگان‌های تجاری در تردد بین دو اقیانوس اطلس و آرام است، مستقر شود. برای درک اهمیت این کانال که نه طبیعی بلکه نتیجه کار مهندسان فرانسوی در اواخر قرن نوزدهم است شاید کافی باشد که بدانیم در حالی که که راه معمولی کشتیرانی میان شهرهای نیویورک و سان فرانسیسکو ۲۲۵۰۰ کیلومتر مسافت دارد، عبور از کانال پاناما این مسافت را به ۹۵۰۰ کیلومتر کاهش می‌دهد.

مقامات پاناما و برخی دیگر از کشورهای آمریکای لاتین، سخنان اخیر شهرام ایرانی فرمانده نیروی دریایی جمهوری اسلامی را که ۲۱ دی اعلام کرد نیروی دریایی ایران در سال‌های گذشته در تمامی تنگه‌های راهبردی دنیا، غیر از دو تنگه، حضور داشته که یکی از آنها کانال پاناما است، بسیار جدی گرفته‌اند. این مقام جمهوری اسلامی گفته است که حضور نظامی ما در تنگه پاناما در چند ماه آینده به واقعیت تبدیل خواهد شد. فرمانده نیروی دریایی جمهوری اسلامی این سخنان را در جریان مراسم سومین سالگرد ترور قاسم سلیمانی بیان کرد.

فلیپه کاماگو ژنرال بازنشسته پانامائی و کارشناس نظامی در رابطه با این خبر به کیهان لندن می‌گوید «حرکت‌های سیاسی و نظامی که ما در ماه‌های اخیر در آمریکای لاتین از سوی جمهوری اسلامی شاهد بودیم و همگی در همکاری با چین و تا حدی نیز روسیه انجام گرفته‌اند، شکی باقی نمی‌گذارند که ماه‌های آینده تغییراتی نگران کننده رخ خواهند داد و باید از هم‌اکنون راه‌هایی را برای مقابله با آنها و تأمین امنیت کانال پاناما که محل تردد بیش از

## افزایش تجمعات و اعتراضات صنفی؛ تهدیدی جدی علیه جمهوری اسلامی



روز دوشنبه سوم بهمن شماری از بازنشستگان وزارت آموزش و پرورش در اعتراض به عدم رسیدگی به مطالبات‌شان، در مقابل ساختمان وزارت آموزش و پرورش در تهران، دست به تجمع اعتراضی زدند.

«اتحادیه آزاد کارگران ایران» درباره این تجمع گزارش داده که بی‌اعتنایی وزارت آموزش و پرورش به اجرای رتبه‌بندی و ارزیابی معلمان در تعیین رتبه‌ها، باعث ناامیدی و عصبانیت معلمان شده است. در صورتی که طرح رتبه‌بندی اجرا شود رقم دستمزد بازنشستگان افزایش پیدا خواهد کرد.

روز دوشنبه جمعی از افراد دارای معلولیت نیز در مقابل مجلس شورای اسلامی تجمع اعتراضی برگزار کردند. این تجمع در اعتراض به حذف ردیف بودجه قانون حمایت از معلولان که توسط دولت در بودجه ۱۴۰۲ صورت گرفته برگزار شده است.

خواسته افراد دارای معلولیت بازگشت این ردیف به لایحه بودجه و تخصیص اعتباری شایسته و در خور نیازهای آنان به این قانون است. معترضان خواستار گفتگو با نمایندگان عضو کمیسیون تلفیق هستند. پیش از این برخی نمایندگان انتقاد خود را نسبت به حذف ردیف بودجه قانون حمایت از معلولان اعلام کرده بودند.

این در حالیست که رسانه‌های داخلی از نادیده گرفتن معلولان تجمع‌کننده از سوی نمایندگان مجلس شورای اسلامی خبر داده‌اند. وبسایت «خبرآنلاین» گزارش داده که «این تجمع از ۸ صبح آغاز و تا ساعت ۱۴ ادامه داشت اما در این مدت هیچ‌یک از نمایندگان مجلس یا اعضای کمیسیون تلفیق حاضر به حضور در میان معترضان و پاسخگویی به خواسته‌های آنها نشدند. لازم به ذکر است برخی از اعضای کمیسیون تلفیق از گفتگوی تلفنی با درخواست لغو تجمع معلولان، وعده بازگشت ردیف بودجه قانون مذکور را دادند که این درخواست با مخالفت اعتراض‌کنندگان مواجه شد.» بر اساس این گزارش و به گفته برخی از معترضین اگر بنا بود مشکلات معلولان بدون تجمع و بدون درآمدن

این کارکنان شرکتی و قراردادی که مدت‌هاست در انتظار تغییر قرارداد موقت کار به قرارداد رسمی هستند می‌گویند «بعد از یکسال و نیم انتظار، بایستی این طرح به تصویب برسد؛ دیگر از انتظار خسته شده‌ایم.»

به گزارش «ایلنا» دو روز پیش در روز یکشنبه دوم بهمن، قرار بود ادامه بررسی طرح ساماندهی در صحن مجلس صورت بگیرد که بررسی کلیات بودجه سال آینده در اولویت قرار گرفت و کار به تعویق افتاد.

رامین اناری نماینده کارگران شرکتی و قراردادی نیز در این‌باره گفته که «نمایندگان باید ثابت کنند که پای منافع کارگران ایستاده‌اند و با کارشکنی‌ها و مخالفت‌های برخی مدیران دولتی عقب نمی‌کشند؛ سازمان امور استخدامی از ابتدا مخالف طرح ساماندهی بود؛ در روزهای گذشته رئیس این سازمان بارها مصاحبه کرد و طرح را مورد انتقاد قرار داد؛ نمایندگان مجلس نباید مقابل حامیان سرسخت پیمانکاران کوتاه بیایند.»

روز دوشنبه سوم بهمن ۱۴۰۱ نیز صدها نفر از کارکنان و بازنشستگان مخابرات در شهرهای مختلف به دلیل عقب افتادن حقوق و بی‌توجهی مقامات به خواسته‌هایشان تجمع سراسری را برگزار کردند.

بر اساس گزارش منابع کارگری، کارکنان و بازنشستگان مخابرات در استان‌های چهارمحال و بختیاری، گیلان، خراسان رضوی، اصفهان، تهران، کردستان اردبیل، لرستان، یزد و... در اعتراض به تاخیر در پرداخت مطالبات و فریز کمک هزینه‌های رفاهی مقابل استانداری این استان‌ها تجمع اعتراضی برپا کردند.

همزمان شماری از کارکنان ادارات برق نیز روز دوشنبه سوم بهمن در اعتراض به عدم رسیدگی به مشکلات و مطالبات‌شان مقابل ساختمان وزارت نیرو در تهران تجمع کردند. اعتراض این کارکنان به عدم پرداخت دستمزد کافی و عدم اجرای طرح طبقه‌بندی مشاغل، سختی کار، جمعه‌کاری، حق جذب و دیگر مشکلات اعلام شده است.

● شماری از کارمندان از سازمان‌ها و ارگان‌های مختلف در اعتراض به رسمی نشدن قرارداد استخدام خود از شهرهای مختلف به تهران آمده و مقابل مجلس شورای اسلامی تجمع کردند.

● جمعی از افراد دارای معلولیت نیز در مقابل مجلس شورای اسلامی تجمع اعتراضی برگزار کردند. این تجمع در اعتراض به حذف ردیف بودجه قانون حمایت از معلولان که توسط دولت در بودجه ۱۴۰۲ صورت گرفته برگزار شده است.

● شماری از بازنشستگان وزارت آموزش و پرورش در اعتراض به عدم رسیدگی به مطالبات‌شان، در مقابل ساختمان وزارت آموزش و پرورش در تهران، دست به تجمع اعتراضی زدند.

● بازنشستگان مجتمع کشت و صنعت نیشکر هفت‌تپه نیز روز یکشنبه دوم بهمن در اعتراض به وضعیت بد اقتصادی، فقر، تبعیض و نابرابری دستمزدی تجمع اعتراضی برگزار کردند.

از روزهای گذشته تجمعات اعتراضی فعالان صنفی از جمله کارگران و بازنشستگان در شهرهای مختلف افزایش یافته است. تداوم معوقات دستمزد در آخرین هفته‌های سال و بی‌اعتنایی به وضعیت معیشت افشار حقوق‌بگیر در لایحه بودجه ۱۴۰۲ از جمله دلایل افزایش تجمعات صنفی است.

در یکی از تازه‌ترین تجمعات شماری از مشمولان طرح ساماندهی استخدام کارکنان دولت امروز سه‌شنبه چهارم بهمن‌ماه مقابل مجلس شورای اسلامی تجمع کردند. این کارمندان از سازمان‌ها و ارگان‌های مختلف و از تمام استان‌ها برای شرکت در این تجمع به تهران آمدند.

خبرگزاری «ایلنا» با انتشار خبر این تجمع نوشته که معترضان می‌گویند: انتظار داریم امروز طرح بالاخره در مجلس به تصویب برسد.

## پارلمان اروپا قطعنامه قرار گرفتن سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در فهرست سازمان‌های تروریستی را تصویب کرد



رزمایش امنیتی سپاه و بسیج

حقوق بشری از جمله بیانیه دفتر کمیساریای عالی حقوق بشر سازمان ملل» در مورد وضعیت حقوق انسانی در ایران و با توجه به دلایلی که باعث تحریم‌های شدید دولت‌های غربی علیه جمهوری اسلامی و مقامات سرکوبگر شده بود صادر شد که از موارد مشخص آن اعدام معترضان بازداشتی و سرکوب‌های وحشیانه و شکنجه و تجاوز علیه مردم است. در این قطعنامه آمده پس از قتل مهسا امینی در بازداشت «گشت ارشاد» اقاشر مختلف مردم اعم از دانشجویان و دانش‌آموزان و زنان دست به اعتراض مسالمت‌آمیز زدند اما با واکنش نیروهای سرکوبگر رژیم مواجه شدند.

پارلمان اروپا در قطعنامه خود تأکید کرده سپاه پاسداران انقلاب اسلامی شامل (شبه‌نظامیان بسیج و نیروهای برون‌مرزی سپاه قدس و نیروی هوافضا و نیروی دریایی سپاه) نقش محوری در سرکوب مخالفان داخلی و فعالان سیاسی خارج از ایران دارند و این در حالیست که دو سوم اقتصاد ایران تحت سلطه این نهاد نظامی است. همچنین در این قطعنامه آمده سپاه پاسداران با روسیه در تجاوز به اوکراین همکاری کرده است.

نمایندگان پارلمان اروپا به تقضیل دلایل خود را برای شناسایی سپاه به عنوان سازمان تروریستی اعلام کردند که یکی از آنها بهم زدن صلح و ثبات منطقه توسط سپاه و شبه‌نظامیان وابسته به رژیم ایران است.

در قطعنامه پارلمان اروپا از کشورهای عضو اتحادیه خواسته شد صدور ویزا و رسیدگی به درخواست پناهندگی افرادی که به خاطر اعتراضات مجبور به ترک ایران شده‌اند تسهیل شود.

همچنین نمایندگان پارلمان اروپا تأکید کردند سرویس اقدام خارجی اروپا (EEAS) باید با کشورهای همسایه ایران تماس بگیرد که گذرگاه‌های مرزی را برای فعالان سیاسی باز بگذارند تا آنهایی که مجبور به ترک ایران شده و می‌شوند بدانند با خیال راحت می‌توانند در کشورهای اروپایی تقاضای پناهندگی کنند.

هرچند قطعنامه پارلمان اروپا الزام‌آور نیست اما به اعتقاد تحلیلگران فشارها علیه جمهوری اسلامی را در سطح بین‌المللی افزایش خواهد داد.

● قطعنامه صادر شده دو محور اصلی دارد: ۱) سپاه به لیست سازمان‌های تروریستی اضافه و تحریم‌ها علیه جمهوری اسلامی گسترده‌تر شود و ۲) از معترضان در ایران باید حمایت شود. همچنین نمایندگان پارلمان اروپا خواستار توقف اعدام‌ها در ایران شده‌اند.

● پارلمان اروپا در قطعنامه خود تأکید کرده سپاه پاسداران انقلاب اسلامی شامل (شبه‌نظامیان بسیج و نیروهای برون‌مرزی سپاه قدس و نیروی هوافضا و نیروی دریایی سپاه) نقش محوری در سرکوب مخالفان داخلی و فعالان سیاسی خارج از ایران دارند و این در حالیست که دو سوم اقتصاد ایران تحت سلطه این نهاد نظامی است.

● در قطعنامه پارلمان اروپا از کشورهای عضو اتحادیه خواسته شد صدور ویزا و رسیدگی به درخواست پناهندگی افرادی که به خاطر اعتراضات مجبور به ترک ایران شدند تسهیل شود.

● نمایندگان پارلمان اروپا تأکید کردند سرویس اقدام خارجی اروپا (EEAS) باید با کشورهای همسایه ایران تماس بگیرد که گذرگاه‌های مرزی را برای فعالان سیاسی باز بگذارند تا آنهایی که مجبور به ترک ایران شده و می‌شوند بدانند که با خیال راحت می‌توانند در کشورهای اروپایی تقاضای پناهندگی کنند.

پارلمان اروپا روز پنجشنبه ۱۹ ژانویه (۲۹ دی‌ماه) با اکثریت آراء قرار گرفتن سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در فهرست سازمان‌های تروریستی را تصویب کرد.

این برای نخستین‌بار است که یک نهاد نظامی وابسته به یک دولت به دلیل سرکوب و کشتار مردم آن کشور و همکاری با یک دولت خارجی برای تجاوز به خاک یک کشور مستقل در فهرست سازمان‌های تروریستی قرار می‌گیرد.

قطعنامه صادر شده دو محور اصلی دارد:

۱) سپاه به لیست سازمان‌های تروریستی اضافه و تحریم‌ها علیه جمهوری اسلامی گسترده‌تر شود

۲) از معترضان در ایران باید حمایت شود. همچنین نمایندگان پارلمان اروپا خواستار توقف اعدام‌ها در ایران شده‌اند.

قطعنامه پارلمان اروپا با استناد به گزارش‌های نهاد‌های

صدای آنها حل شود پیش از اینکه تجمعی رخ دهد مشکلات حل می‌شد «ما مسئولان نشان داده‌اند که نه تنها توجهی به افراد دارای معلولیت ندارند بلکه حتی در مورد آنها دغدغه‌مند هم نیستند.»

کارکنان پتروشیمی «بندر امام» هم روز گذشته در اعتراض به حقوق ناچیز و عقب افتادن پرداخت دستمزدها تجمع اعتراضی برگزار کردند. معترضان شعارهایی چون «خوردن حق کارگر حرام است» و «مسئول بی‌کفایت نمی‌خواهیم» سر دادند.

همچنین بازنشستگان مجتمع کشت و صنعت نیشکر هفت‌تپه نیز روز یکشنبه دوم بهمین در اعتراض به وضعیت بد اقتصادی، فقر، تبعیض و نابرابری دستمزدی تجمع اعتراضی برگزار کردند.

کارگران شهرداری یاسوج در اعتراض به عدم پرداخت حقوق‌های معوقه‌شان جلوی شهرداری تجمع کردند و به صورت نمادین یک سفره خالی پهن کردند و دور آن نشستند. کارگران پیمانی این اداره می‌گویند با وجود داشتن ۱۷ تا ۱۸ سال سابقه‌ی کار بین چهارماه تا پنج‌ماه است که بیش‌ترشان حقوقی دریافت نکرده‌اند.

از سوی دیگر کارگران شرکتی پتروشیمی چوار ایلام و کارگران شهرداری گیلان، از عدم رسیدگی به مطالبات معوقه خود انتقاد دارند.

به گزارش خبرگزاری «ایلنا» کارگران شرکتی پتروشیمی چوار ایلام، از مطالبات معوقه خود خبر داده و می‌گویند: «علیرغم بیش از یک سال و نیم انتظار، هنوز طرح طبقه بندی برای ما اجرایی نشده است و امیدی به اجرا شدن هم نداریم.»

این کارگران حدود ششصد نفر هستند و ضمن انتقاد از سطح پایین دستمزد و مزایای مزدی خود بیان کردند: «به هر نهادی که فکرش را بکنید مراجعه کرده ایم، اما بی نتیجه بوده است؛ با رئیس اداره کار استان ایلام صحبت کردیم، چندین بار به اداره کار استان رفتیم، با مدیرعامل پتروشیمی صحبت کردیم، اما جواب‌مان کردند.»

به گفته‌ی این کارگران، پیش از این مسئولان پتروشیمی قول داده بودند که در خصوص کارگرانی که از ابتدای ساخت پتروشیمی مشغول به فعالیت بوده‌اند، طرح طبقه بندی مشاغل اجرایی می‌شود؛ اما تاکنون اقدامی عملی در این راستا صورت نگرفته است.

همچنین جمعی از کارگران شرکتی شهرداری گیلان، از عدم رسیدگی به مطالبات معوقه خود انتقاد دارند. این کارگران با بیان اینکه «طی بخشنامه ای بعد از قبولی در امتحان آزمون استخدامی، مشمول تبدیل وضعیت شده‌اند» می‌گویند که «ما ۷۰ نفر از کارگران شرکتی شهرداری هستیم که براساس بخشنامه وزارت کشور و سازمان شهرداری‌ها باید از نیروی شرکتی به قرارداد مستقیم تبدیل وضعیت شویم اما تا بحال حکم ما صادر نشده است.»

آنها دلیل این وضعیت را «رای صادره در شهریورماه از سوی هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در پی شکایت یکی از شاکیان بخش خصوصی»، عنوان کردند.

افزایش اعتراضات و تجمعات صنفی در پنجمین ماه از جنبش انقلابی علیه جمهوری اسلامی احتمال گسترده شدن اعتراضات خیابانی را افزایش خواهد داد. جمهوری اسلامی اما منابع مالی و توان مدیریت کافی برای اینکه بتواند رضایت عمومی را دستکم در میان اقاشر حقوق‌بگیر ایجاد کند ندارد. در آنسوی لایحه بودجه سال آینده با کسری عملیاتی روبروست که در نتیجه آن، تورم افزایش و فقر و فلاکت گسترده‌تر خواهد شد. اینهمه انگیزه گسترش اعتراضات را افزایش داده و تهدیدی جدی برای جمهوری اسلامی به شمار می‌رود.

## تعرض جنسی علیه نوجوانان؛ از معلم قرآن و خادم مسجد تا مربی فوتبال و سرهنگ پلیس!



خبر تجاوز در مدارس در حالی رسانه‌ای شد که مدت‌هاست به دلیل مسائل مختلف در ایران کلاس‌های آموزشی به نوعی مختل شده است

رسیده است. بنا داریم تا پس از جمع بندی لازم، نتیجه‌گیری و تصمیم نهایی را انجام دهیم.»

این در حالیست که محسن حیدری رئیس هیات فوتبال خراسان رضوی که در ابتدا چنین خبری را تکذیب کرده بود، از تلاش برای کدخدامنشی میان طرفین خبر داد: «خانواده‌ها به اداره کل ورزش و جوانان شکایت کرده بودند. از طرفین خواستیم تا به هیات فوتبال بیایند و پرونده در کمیته اخلاق تشکیل شود.»

مدیر این مدرسه فوتبال گفته است: «تا این لحظه که با شما صحبت می‌کنم هیچ شکایتی به دست ما نرسیده و چنین موضوعی طراحی افرادی در کشور آمریکا است که قصد دارند برای فوتبال و کشور ایران حاشیه درست کنند.» دو ماه پیش از این، سرهنگ ابراهیم کوچکزایی فرمانده نیروی انتظامی چابهار به اتهام تعرض به یک دختر برکنار شد.

اواخر مرداد ۱۴۰۱ نیز روزنامه «هم‌میهن» گزارش داد یک خادم مسجد در یکی از روستاهای توابع قم چندین کودک را با وعده خرید تنقلات و خوراکی فریب می‌داده و در منزل شخصی خود پس از آزار و اذیت جنسی از آنها فیلم و عکس می‌گرفته است.

اما همانطور که در گزارش پیشین کیهان لندن نیز آمده، مشهورترین پرونده در مورد آزار جنسی مربوط به سال ۱۳۹۵ و ماجرای سعید طوسی قاری محبوب علی خامنه‌ای است. او به قاریان نوجوان تجاوز می‌کرد. با اینهمه حکومت اصرار دارد برای تیره‌ی متهمان خاص این پرونده‌ها یا بطور کل مسئله را انکار کند و دیوار حاشا را بالا برد و یا اصلاً موضوع تجاوز و تعرض جنسی را «رابطه جنسی» و «اختلال روانی» قلمداد کند. پرونده‌های مربوطه نیز معمولاً به جایی نمی‌رسند و کسی هم در داخل کشور از جمله در میان رسانه‌ها نیست که آنها را پیگیری کرده و گزارش دهد که سرنوشت پرونده‌ها و متهمان و قربانیان به کجا رسیده است!

که این خبر صرفاً یک سناریو از سوی اتاق فکری در کشور آمریکا است تا چهره نظام جمهوری اسلامی ایران را خراب کند! معلوم نیست «اتاق فکر در کشور آمریکا» چرا باید به سراغ این گروه و این فرد برود در حالی که «چهره نظام جمهوری اسلامی» با جنایات و فساد مزمن نیازی به تخریب از طریق این فرد ندارد!

پدر یکی از افرادی که در این مدرسه مورد آزار قرار گرفته، درباره چگونگی متوجه شدن والدین از این فاجعه گفت: «با توجه به اینکه اکثر بچه‌هایی که در این مدرسه فوتبال ثبت‌نام کرده‌اند در یک محله هستند، این موضوع تعرض دهان به دهان چرخید و خانواده‌های شاکی یکدیگر را پیدا کردند و شکایتی را تنظیم و تسلیم دادسرا کردند تا مسئله روشن شود.»

تعرض در مدارس فوتبال ایران علیه نوجوانان سابقه طولانی دارد. در همین شهر مشهد در سال ۱۳۹۱ تجاوز در یک مدرسه فوتبال با مصاحبه ناصر فریادشیران بازتاب پیدا کرد. این پرونده، اما بدون محکوم شدن فرد یا گروه مسئول، بدون نتیجه خاصی مختومه اعلام شد.

با وجود تلاش وزارت ورزش و هیات فوتبال خراسان رضوی برای کنمان و کوچک شمردن جنایت در حق ۱۵ فوتبالیست نونهال در یک مدرسه فوتبال معروف و البته بدون مجوز در مشهد، تصویری از شکایت‌نامه والدین این کودکان منتشر شده که حکایت از باخبر بودن وزارت ورزش از تعرض جنسی علیه کودکان دارد و مربوط به بیش از ۲۰ روز پیش است.

حمید سجادی وزیر ورزش که اخیراً نام وی به خاطر همکاری در سرکوب اعتراضات در فهرست تحریم‌ها قرار گرفته در واکنش به این جنایت گفت: «در این خصوص، هنوز موضوعی در ابعاد وسیع‌تری ثابت نشده است. در این راستا پیگیری‌های خود را ادامه خواهیم داد تا اصل این ماجرا مشخص شود. شکایتی در این قضیه مطرح نبوده، بلکه تنها دو تا سه شکواییه به دست حراست وزارت ورزش

● نکته‌ی بارز در تقریباً همه پرونده‌های مشابه انکار واقعیت توسط مسئولان و خود متهمان است! به عبارت دیگر، پس از افشای این قبیل فجایع، «انکار سیستماتیک» از سوی مقامات و دستگاه‌های مسئول پیش برده می‌شود.

● در پرونده «مدرسه فوتبال نمازگزاران» رئیس هیات فوتبال خراسان رضوی که در ابتدا چنین خبری را تکذیب کرده بود، از تلاش برای کدخدامنشی میان طرفین خبر داد: «خانواده‌ها به اداره کل ورزش و جوانان شکایت کرده بودند. از طرفین خواستیم تا به هیات فوتبال بیایند و پرونده در کمیته اخلاق تشکیل شود.»

● همانطور که در گزارش پیشین کیهان لندن نیز آمده، مشهورترین پرونده در مورد آزار جنسی مربوط به سال ۱۳۹۵ و ماجرای سعید طوسی قاری محبوب علی خامنه‌ای است. او به قاریان نوجوان تجاوز می‌کرد. با اینهمه حکومت اصرار دارد برای تیره‌ی متهمان خاص این پرونده‌ها یا بطور کل مسئله را انکار کند و دیوار حاشا را بالا برد و یا اصلاً موضوع تجاوز و تعرض جنسی را «رابطه جنسی» و «اختلال روانی» قلمداد کند.

در شرایطی که هنوز خبر و مباحثه در مورد فاجعه‌ی تعرض به ۱۵ نوجوان در مدرسه فوتبال تیم «نمازگزاران» مشهد در جریان است، گزارش شد یک نفر به اتهام تعرض جنسی به یک دانش‌آموز در کوه‌دشت لرستان بازداشت شده است. همزمان پرونده‌ای در مورد آزار جنسی چند دانش‌آموز توسط راننده سرویس مدرسه در یکی از شهرهای جنوب ایران رسانه‌ای شده است!

نکته‌ی بارز در تقریباً همه پرونده‌های مشابه انکار واقعیت توسط مسئولان و خود متهمان است! به عبارت دیگر، پس از افشای این قبیل فجایع، «انکار سیستماتیک» از سوی مقامات و دستگاه‌های مسئول پیش برده می‌شود. فردی که در پرونده تعرض به نونهالان تیم فوتبال در مشهد متهم است با انتشار یک متن بلندبلا مدعی شد

## جمهوری اسلامی همچنان به جرم عدم رعایت حجاب پلمپ و اخراج و سرکوب می‌کند



اعتراض دختر دانشجو بدون حجاب در مدرسه عالی دختران (دانشگاه الزهرا) - چهارشنبه ۳۰ شهریور ۱۴۰۱

● رئیس اتحادیه پوشاک کرج با اعلام اینکه برخی از بانوان فروشنده، پوشش مناسبی در محل کسب و کار خود ندارند گفت: «در بین قوانین صنفی، رعایت شئونات اسلامی نیز ذکر شده و کسبه با توجه به تعهداتی که دارند باید حجاب خود را رعایت کنند.»

● پیشتر در ۲۰ دی ماه عبدالصمد خرم‌آبادی معاون دادستان کل در امور نظارت بر دادرها و ضابطین سراسر کشور در یادداشتی از دستور دادستانی کل کشور به پلیس سراسر کشور خبر داد که قرار است «با قاطعیت با «کشف حجاب» برخورد کنند.»

اسماعیل صدیق رئیس اتحادیه پوشاک کرج با اعلام اینکه برخی از بانوان فروشنده، پوشش مناسبی در محل کسب و کار خود ندارند گفت: «این موضوع منجر به نارضایتی مسئولان استان شده است لذا به مدیران مجتمع‌های تجاری تذکر دادیم که اگر مشکل بی‌حجابی توسط اصناف حل نشود، واحد صنفی را پلمپ می‌کنیم.»

وی با اشاره به اینکه بعد از ناآرامی‌های اخیر، تعدادی از بانوان فروشنده، پوشش مناسبی در محل کسب و کار خود ندارند، افزود: در بین قوانین صنفی، رعایت شئونات اسلامی نیز ذکر شده و کسبه با توجه به تعهداتی که دارند باید حجاب خود را رعایت کنند.

در پنجم دی‌ماه نیز خبرگزاری دانشجویان ایران (ایسنا) از پلمپ دو واحد صنفی در مجتمع دیپلمات ستر شهرستان بروجرد به دلیل «عدم رعایت مقررات اجتماعی و کشف حجاب فروشندگان در محیط مجتمع» از سوی دادستان و اداره نظارت بر اماکن عمومی نیروی انتظامی این شهرستان خبر داد. در همین ارتباط محمد مقیمی رئیس دانشگاه تهران در ۲۹ دی‌ماه از مصوبه جدید شورای فرهنگی دانشگاه تهران درباره برخورد با بی‌حجابی در این دانشگاه خبر داد و گفت: «بر اساس این بخشنامه که از امروز لازم‌الاجراست، در مرحله اول افراد بی‌حجاب در بدو ورود و در داخل محیط دانشگاه از طریق کارت دانشجویی شناسایی خواهند شد. به این افراد در این مرحله تذکر داده می‌شود تا به رعایت قانون برگردند و صرف نظر از هر اعتقاد و دیدگاهی که دارند، قانون را فصل‌الخطاب قرار دهند و به مقررات پوشش تمکین نمایند. در این مرحله نیروهای انتظامات بعد از شناسایی افراد، صرفاً به تذکر قانونی برای رعایت حجاب بسنده خواهند کرد و حتی در قبال افرادی که به تذکر بی‌توجهی می‌کنند، اجازه ورود می‌دهند و برخوردی با آن‌ها نخواهند کرد، اما مشخصات این‌گونه افراد را ثبت نموده و آن را به مراجع ذیصلاح گزارش خواهند داد.»

اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی نیز در ۱۸ دی‌ماه با صدور بیانیه‌ای پیرامون حجاب و عفاف تأکید کردند: «مواجهه با آنچه در جامعه ما «بی‌حجابی» نامیده می‌شود باید کاملاً هوشمندانه و واقع‌بینانه باشد. چنانکه رهبر معظم انقلاب اسلامی هشدار دادند ضعف حجاب بعضی از بانوان را نباید به معنای بی‌اعتقادی آنان به مبانی دینی و مخالفت آنان با انقلاب و جمهوری اسلامی دانست و علاوه بر این باید علاوه بر چادر که حجاب سنتی و فراگیر زنان مسلمان ایران است، انواع دیگر حجاب را، که نمونه‌هایی از آن در دیگر کشورهای اسلامی نیز مشاهده می‌شود در

چارچوب حکم شرعی حجاب محترم و مجاز دانست. از سوی دیگر روز ۲۰ دی‌ماه عبدالصمد خرم‌آبادی معاون دادستان کل در امور نظارت بر دادرها و ضابطین سراسر کشور در یادداشتی از دستور دادستانی کل کشور به پلیس سراسر کشور خبر داد که قرار است «با قاطعیت با «کشف حجاب» برخورد کنند.»

وی در بخشی از این یادداشت گفته است: «دادگاه‌ها می‌توانند کسانی را که مرتکب جرم کشف حجاب می‌شوند علاوه بر پرداخت جزای نقدی به تحمل یک یا چند مورد از مجازات‌های تبعی و تکمیلی مانند تبعید، منع از اشتغال به حرفه یا کار معین، انفصال از خدمات دولتی و عمومی، منع از خروج از کشور، الزام به انجام خدمات عمومی رایگان، منع از عضویت در احزاب، گروه‌ها و دستجات سیاسی یا اجتماعی، توقیف وسایل دخیل در ارتکاب جرم (مانند بستن محل کسب و توقیف وسیله نقلیه، توقیف رسانه)، الزام به یادگیری حرفه، شغل یا کار معین و... به مدت شش ماه محکوم کند.»

به گفته خرم‌آبادی، مجازات جرم تشویق و ترغیب دیگران به کشف حجاب بسیار سنگین‌تر از جرم کشف حجاب است، چرا که تشویق و ترغیب به کشف حجاب یکی از مصادیق بارز تشویق به فساد محسوب می‌شود و مجازات تشویق به فساد به موجب بند (ب) ماده ۶۳۹ قانون مجازات اسلامی یک تا ده سال حبس است بنابراین دادگاه‌ها مکلفند کسانی را به هر طریق دیگران را ترغیب به کشف حجاب می‌نمایند به مجازات فوق‌الذکر محکوم کنند.

حسین طائب رئیس سابق سازمان اطلاعات سپاه (ساس) نیز روز ۱۴ دی ماه در جمع تعدادی از دانشجویان دانشگاه صنعتی اراک اعلام کرد: «در بحث گشت ارشاد باید اول این مسئله را بررسی کنیم که حجاب معروف است یا منکر؟ اگر

معروف و منکر هست آیا بحث امر به معروف و نهی از منکر جزو دین اسلام هست یا نه؟ فلسفه جمهوری اسلامی این است که احکام خدا در جامعه پیاده شود و اگر اصل حجاب را کنار بگذاریم، در واقع فلسفه جمهوری اسلامی را کنار گذاشته‌ایم. در همه جای دنیا اجرای قانون را به پلیس می‌سپارند. دقت کنید که پلیس یک مجموعه نظامی نیست بلکه انتظامی است. اگر پلیس را برای امر حجاب نگذاریم پس چه ارگانی را بگذاریم؟»

در هفته دوم آزمون خبرهایی درباره تعطیلی فعالیت گشت ارشاد در ایران منتشر شد. دادستان کل کشور هم این خبر را تأیید و البته تأکید کرده بود که قوه قضاییه نظارت‌های خود را بر «کنش‌های رفتاری در سطح جامعه» ادامه خواهد داد.

این سخنان موجی از اظهارات متناقض در پی داشت. علی‌خان محمدی سخنگوی ستاد امر به معروف و نهی از منکر در مصاحبه‌ای با وبسایت جماران گفته بود که ماموریت گشت‌های ارشاد به پایان رسیده ولی جایگزین‌هایی باید برای آن در نظر گرفته شود.

سخنگوی ستاد امر به معروف و نهی از منکر همچنین ابراز امیدواری کرده بود که فعالیت گشت ارشاد «در یک چهارچوب نوین‌تر، با استفاده از تکنولوژی‌هایی که در این زمینه هست و با فضایی که یکطرفه نباشد، انجام شود.»

پیش از آغاز خیزش ملی اخیر و در اوایل شهریورماه نیز محمدصالح هاشمی‌گلپایگانی دبیر ستاد امر به معروف و نهی از منکر نیز از استفاده از دوربین‌های تشخیص چهره و هویت برای مقابله با «بدحجابی» خبر داده بود: «اگر شخصی در معابر عمومی مثل مترو رعایت حجاب نکند؛ دوربین مترو از او عکس می‌گیرد و یک مبلغ اثرگذار جریمه می‌شود.»

# اسلامگرایان در دوران مشروطیت ایران

گردیدند. به گفته علیرضا اعرافی مدیر حوزه‌های علمیه «امروز بیش از ۱۰۰۰ مرکز و موسسه علمی و آموزشی حوزوی در قم و سایر مناطق وجود دارد (وبسایت دیده‌بان ایران ۱۷ آبان ۱۴۰۱)». در ۵۰۰ حوزه دینی در ۲۸ استان ۶۰ هزار طلبه زن تحصیل می‌کنند (حسینعلی تهرانی معاون مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه خواهران ۱۷ آبان ۱۴۰۱ خبرگزاری مهر). ۳۵۰۰ طلبه زن خارجی نیز در حوزه‌ها مشغول تحصیل هستند. بطور کلی ۲۰۰,۰۰۰ طلبه در حال حاضر در کشور وجود دارد (سید بهرام حسینی مسول روحانیت). ۱۰۰,۰۰۰ افراد شاغل در کادر مدیر و معاون حوزه‌های علمی کشور هستند (علی اصغر عبداللهی معاون اداری مالی حوزه‌های علمیه خواهران. ایرنا). ۱۰,۰۰۰ نفر تعداد مدرسین و تولیدکنندگان علمی حوزه هستند. قم دارای یک بخش دانشگاهی با ۷۰ هزار دانشجویست. اعرافی مدیر حوزه‌های علمیه» به گفته اعرافی ۲۶ هزار طلبه خارجی از ۱۴۰ کشور در حوزه‌های علمیه مشغول تحصیل هستند. این آمارها گوشه‌ای از آواری است که بر سر مشروطیت ایران خراب شد

مانند لیبرالیسم (آزادیخواهی)، ناسیونالیسم (ملی‌گرایی)، سوسیالیسم (جامعه‌گرایی) و سکولاریسم (جدایی دین و دولت) که محصول تنوع طبقات و گوناگونی گرایش‌ها در دنیای نو بود، می‌گشود.

اسلام در دست استبدادیان ابزاری بود برای جلوگیری از تحولات نو و نگاهبانی از عادات کهن در شکل حکومت، روش زندگی و شیوه اندیشه. در عمر ۷۳ ساله مشروطیت ایران تا انقلاب ۵۷ (۱۳۵۷-۱۲۸۴ خ) حداقل ۱۰ نهاد و سازمان اسلامگرا یکی پس از دیگری به وجود آمد و در برابر مشروطیت و دستاوردهای بزرگ آن قد علم کرد. یعنی بطور متوسط هر ۷ سال یک جریان اسلامگرا برای نابودی حکومت قانون و علیه حقوق اساسی مشروطیت در سپهر سیاسی ایران ظاهر شد. شیوه عمل و برنامه سیاسی هر یک از این جریان‌ها بنا به زمان ظهورش متفاوت بود، اما در نابود کردن دستاوردهای مشروطیت ایران تفاوت چندانی با یکدیگر نداشتند. در ادامه به این جریان‌های دهگانه پرداخته می‌شود.

## ۱- حوزه علمیه قم

● ناکامی حامیان استبداد و دشمنان مشروطه در کنترل قانونگذاری به معنای دست برداشتن آنها از مخالفت با حکومت قانون و دگرگونی‌های نو نبود. مخالفان جنبش مشروطیت مراکز ترویجی و تبلیغی اسلامی برای متشکل کردن محافظه‌کاران مخالف حکومت قانون به وجود آوردند تا از آن طریق بتوانند در مقابل دگرگونی‌های مدرن اجتماعی و اقتصادی واکنش نشان دهند. در درازای ۷۳ سال مشروطیت و حکومت قانون، تاسیسات و تشکیلات‌های مختلفی با پرچم اسلامی در برابر مشروطیت، حکومت قانون و تحولات نوین برآمد کردند. مشروطیت دروازه‌ای بود که با حکومت قانون راه را برای نظریه‌های مدرن مانند لیبرالیسم (آزادیخواهی)، ناسیونالیسم (ملی‌گرایی)، سوسیالیسم (جامعه‌گرایی) و سکولاریسم (جدایی دین و دولت) که محصول تنوع طبقات و گوناگونی گرایش‌ها در دنیای نو بود، می‌گشود.

● در عمر ۷۳ ساله مشروطیت ایران تا انقلاب ۵۷ (۱۳۵۷-۱۲۸۴ خ) حداقل ۱۰ نهاد و سازمان اسلامگرا یکی پس از دیگری به وجود آمد و در برابر مشروطیت و دستاوردهای بزرگ آن قد علم کرد. یعنی بطور متوسط هر ۷ سال یک جریان اسلامگرا برای نابودی حکومت قانون و علیه حقوق اساسی مشروطیت در سپهر سیاسی ایران ظاهر شد. شیوه عمل و برنامه سیاسی هر یک از این جریان‌ها بنا به زمان ظهورش متفاوت بود، اما در نابود کردن دستاوردهای مشروطیت ایران تفاوت چندانی با یکدیگر نداشتند.

احمد تاج‌الدینی - ایدئولوژی مشروطیت ایران با هدف تحکیم استقلال سیاسی، استبدادزدایی و بیرون راندن اندیشه‌هایی که طی سده‌ها در نظام دینی متبلور شده بود و از استبداد نگاهبانی می‌کرد شکل گرفت. با حاکمیت حکومت قانون دیگر نیازی به فرمانروایی احکام شرع و روحانیت نبود.

هنگام تصویب قانون اساسی مشروطیت، حامیان استبداد کهن بر گرد احکام شرع و روحانیونی که نگاهبان آن احکام بودند، حلقه زدند و از اسلام به عنوان ابزار سیاسی استفاده کردند تا در روند جنبش مشروطیت اختلال کنند و قانونگذاری مدرن را از مسیر درست آن منحرف سازند. اصل دوم قانون اساسی مشروطیت معروف به اصل طراز (کنترل روحانیت بر مجلس قانونگذاری) نتیجه چنین تاثیرگذاری بود. این اصل در عمل هرگز به اجرا در نیامد اما نشان از اراده استبدادیان به سیاسی کردن دین در دوران جدید داشت. کوشش استبدادیان به دلیل نیروی جنبش مشروطیت ناکام ماند و اصل مربوط به دخالت روحانیون در مجلس قانونگذاری نسخ عملی گردید.

ناکامی حامیان استبداد و دشمنان مشروطه در کنترل قانونگذاری به معنای دست برداشتن آنها از مخالفت با حکومت قانون و دگرگونی‌های نو نبود. مخالفان جنبش مشروطیت مراکز ترویجی و تبلیغی اسلامی برای متشکل کردن محافظه‌کاران مخالف حکومت قانون به وجود آوردند تا از آن طریق بتوانند در مقابل دگرگونی‌های مدرن اجتماعی و اقتصادی واکنش نشان دهند. در درازای ۷۳ سال مشروطیت و حکومت قانون، تاسیسات و تشکیلات‌های مختلفی با پرچم اسلامی در برابر مشروطیت، حکومت قانون و تحولات نوین برآمد کردند. مشروطیت دروازه‌ای بود که با حکومت قانون راه را برای نظریه‌های مدرن



انقلاب مشروطه و مجلس شورای ملی

تا بر ویرانه‌های آن سده‌های میانه احیا گردد. نقشه راه برای بازگشت به سده‌های میانه (قرون وسطا) در قانون اساسی جمهوری اسلامی و نیز بیانیه گام دوم انقلاب که در آغاز دهه پنجم انقلاب اسلامی به وسیله علی خامنه‌ای رهبر انقلاب صادر گردید ترسیم شده است.

## ۲- دانشکده معقول و منقول

این دانشکده که سپس دانشکده الهیات و معارف اسلامی نامیده شد از نخستین دانشکده‌های دانشگاه تهران بود که در ۱۳۱۳ تاسیس گردید. این دانشکده هرگز نتوانست بنا به وظیفه دانشگاهی به پژوهش علمی در دین بپردازد و تبدیل به پایگاه ترویج الهیات در بزرگترین نهاد علمی و سکولار ایران گردید. بسیاری از اسلامگرایان در این دانشکده درس خوانده و یا تدریس کرده‌اند مانند مرتضی مطهری، محمد بهشتی، محمدجواد باهنر، مهدی کروبی، احمد مهدوی دامغانی و بسیاری دیگر.



### ۳- گروه فداییان اسلام

این جریان بنیادگرای تروریستی در دهه ۱۳۲۰ به وسیله طلبه‌ای به نام سید مجتبی نواب صفوی که از حوزه نجف به ایران اعزام شده بود شکل گرفت. گروه فداییان اسلام ترور مورخ و مصلح اجتماعی احمد کسروی و نخست‌وزیران عبدالحسین هژیر و حاجعلی رزم‌آرا را در کارنامه خود ثبت کرده است. این جریان از لحاظ فکری بنیادگرا و از جهت شیوه عمل تروریستی بود. خمینی از شیفتگان این جریان تروریستی بود. فعالیت‌های فداییان اسلام و ترورهای سیاسی آن با تحولات سیاسی مربوط به نفت در دهه بیست ارتباط مستقیم داشت.

### ۴- حسینیه ارشاد

حسینیه مکانی سنتی برای عزاداری شیعیان است. حسینیه‌ها بنایی ساده و بی‌آلایش داشتند که معمولاً در آنها در ماه‌های محرم و صفر برای حسین و یاران او که در کربلا کشته شدند مراسم سوگواری برگزار می‌گردید. در دهه ۱۳۴۰ حسینیه‌ای در شمال تهران با سرمایه خصوصی، به نام حسینیه ارشاد ساخته شد. این حسینیه برخلاف حسینیه‌های سنتی با هزینه‌ای سنگین در زمینی بزرگ و با معماری زیبایی بنا گردید. اداره کنندگان این حسینیه مدرن شخصیت‌های مذهبی مانند مرتضی مطهری، ناصر میناچی، محمد مفتاح،

### ۵- حلقه اصحاب تاویل و بازگرداندن ایده‌های سده‌های

#### میان به دنیای مدرن

در سال‌های پایانی ۱۳۳۰ خورشیدی در زمانی که جامعه ایران از بحران‌های گوناگون سال‌های ۱۳۲۰-۱۳۳۲ فاصله می‌گرفت، و دولت در تدارک اصلاحات بزرگ اجتماعی، اقتصادی و سیاسی بود، محفلی دینی در تهران شکل گرفت که از آن به نام «حلقه اصحاب تاویل» یاد می‌گردد. این حلقه در طول بیش از پانزده سال فعالیت خود با روشی آرام و خاموش، تأثیرات بزرگ فرهنگی و سیاسی در ایران به بار آورد.

در مرکز این حلقه یک استاد فلسفه و الهیات فرانسوی به نام هانری کربن (Henry Corbin 1۸۹۳-۱۹۷۸) قرار داشت. او در گذشته از کاتولیک به پروتستان گرویده بود. با مارتین‌هایدر (Martin Heidegger ۱۸۸۹-۱۹۷۶) فیلسوف مورد مناقشه آلمانی آشنایی داشت و مترجم بعضی از آثار او به فرانسوی بود و مطالعاتی نیز در آثار عرفانی سده‌های میانه ایران کرده بود. کربن از اعضای برجسته حلقه ارانوس (Eranos) در جنوب سوئیس بود. در این حلقه شخصیت‌هایی از کشورهای مختلف حضور داشتند و موضوع کنفرانس‌های آن پرداختن به موضوعات روحی، معنوی و عرفانی بود. وبسایت amiscorbin.com باره کربن نکات زیر را بیان کرده است:

مستشرق و فیلسوف و از متفکران بزرگ سده ۲۰

پایه‌گذار مطالعات اسلامی سوربن

از ستون‌های حلقه ارانوس ۱۹۴۹-۱۹۷۰

مدیر ایران‌شناسی انستیتوی ایران و فرانسه ۱۹۴۶-۱۹۷۰

بیش از سی سال استاد فلسفه دانشگاه تهران

عضو پایه‌گذار دانشگاه سن جان

بازکننده چشم غرب به وجود دنیای کاملاً ناشناخته معنوی از عرفان و فلسفه در دنیای شرق به ویژه ایران شناساندن شیعه و اسلام به غربیان به ویژه پس از ابن رشد (۱۱۲۶-۱۱۹۸م فیلسوف اندلسی)

هانری کربن بنابر سابقه مطالعات، آثار و فعالیت‌هایش یک متکلم و شخصیت دینی است. مسیر زندگی‌اش نیز تماماً در جستجو و پژوهش در ایده‌های دینی از الهیات مسیحی تا الهیات اسلامی و تصوف و عرفان در سده‌های میانه سیر کرده است. اطلاعات وسیع او از مسیحیت و یهودیت، زمینه مناسبی برای پژوهش در دین اسلام و راستاهای مختلف آن در اختیار او می‌گذاشت. مطالعات کربن ادامه پژوهش‌های لویی ماسینیون است.

کربن در ۱۹۴۵ پس از یک اقامت چندساله در استانبول و پژوهش‌هایی در باره اسلام و تصوف به ویژه تمرکز بر آثار شهاب الدین سهروردی (۱۱۹۱-۱۱۵۴م) به ایران آمد و از سوی دولت فرانسه عهده‌دار ریاست ایران‌شناسی موسسه ایران و فرانسه در تهران گردید. کربن برای تعمیق پژوهش‌هایش در اسلام، تشیع، عرفان و تصوف از طریق حسین نصر و مرتضی مطهری با محمد حسین طباطبایی (علامه)، مفسر شناخته شده قرآن ارتباط یافت. در پیرامون این ارتباط به تدریج جمعی شکل گرفت که بعدها به «اصحاب تاویل» معروف گردید. در این حلقه از کسانی چون حسین نصر (متولد ۱۳۱۲)، نوه شیخ فضل‌الله نوری از سوی مادر، تحصیلات فیزیک در آمریکا، رییس دانشگاه شریف (آریامهر)، رییس دانشکده ادبیات، رییس دفتر شهبانو فرح پهلوی، رییس انجمن شاهنشاهی فلسفه، محمد کاظم عصار (متولد ۱۲۶۳ کاظمین عراق، مرگ ۱۳۵۳ شمسی تهران، روحانی و استاد فلسفه و فقه)، مرتضی مطهری (۱۲۹۸-۱۳۵۸ روحانی، استاد کلام و فلسفه اسلامی و از رهبران فکری انقلاب اسلامی)، جلال آشتیانی (۱۳۰۴-۱۳۸۴ روحانی و استاد الهیات و معارف اسلامی)، جلال همایی (۱۲۷۸-۱۳۵۹ خورشیدی استاد فلسفه و ادبیات)،

مفاهیم دینی بود به صورت اسلامی نو، بسیاری از دانشجویان و تحصیلکردگان را تحت تأثیر قرار داد. در مکتب شریعتی اسلام سنتی با ادبیاتی که از مکاتب جامعه‌شناختی وام گرفته شده بود و گاه رنگی از سوسیالیسم به خود می‌گرفت و متمایل به چپ می‌شد، ارائه می‌گردید. بسیاری از انقلابیون اسلامی در سال ۱۳۵۷ از پیروان مکتب علی شریعتی بودند. فعالیت‌های حسینیه ارشاد به دورانی تعلق دارد که مسجدها و حسینیه‌های سنتی جاذبه‌اش را در جامعه از دست داده بود. به این ترتیب حسینیه ارشاد با فعالیت‌هایش از مکان‌های مهم اسلامگرایی در دورانی گردید که جامعه به سرعت در مسیر دگرگونی‌های صنعتی و توسعه فرهنگ شهرنشینی حرکت می‌کرد. اسلام‌شناسی شریعتی تحت تأثیر مکتب اسلام‌شناسی فرانسوی بود که لویی ماسینیون (Louis Massignon / میلادی ۱۸۸۳-۱۹۶۲) نقش مهمی در آن داشت.

ماسینیون از بنیانگذاران مکتب اسلام‌شناسی فرانسوی است. در جوانی زبان عربی خوانده بود و در دوران جنگ جهانی اول به عنوان افسر مترجم در دفتر اطلاعات ارتش استعماری فرانسه در سرزمین‌های عربی فعال بود و در همان سال‌ها با لورنس عربستان دیدارهایی داشت. پس از جنگ اول جهانی در بخش جامعه‌شناسی اسلامی و جامعه‌گرافی کالج دوفرانس شروع به کار کرد و در باره منصور حلاج مطالعاتی انجام داد. او علاوه بر حلاج بر فاطمه دختر محمدبن عبدالله و سلمان



گروه فداییان اسلام

فارسی نیز تمرکز زیادی کرده بود. ماسینیون بنا به اطلاعات مندرج در ویکی‌پدیا چهار بار به مناسبت‌های مختلف در سال‌های ۱۹۳۰، ۱۹۳۴، ۱۹۴۰ و ۱۹۶۲ میلادی به ایران سفر کرد. در ۱۹۴۰ میلادی به عضویت فرهنگستان ایران انتخاب شد و در همین دوره بود که به عنوان استاد افتخاری دانشگاه تهران برگزیده شد. در ۱۹۶۲ میلادی مراسم بزرگداشتی برای او برگزار گردید که هانری کربن نیز در آن حضور داشت. علی شریعتی در هنگام دانشجویی در فرانسه تحت تأثیر ماسینیون قرار گرفت و کتاب «فاطمه فاطمه» را تحت تأثیر او نوشت. ماسینیون در سیاست فعال بود و با واتیکان همکاری نزدیک داشت. او در دیدارهایش از ایران با برخی زندانیان سیاسی از جمله غلامحسین صدیقی در زندان دیدار کرده بود و در آزادی آنها مداخله داشت. او از اعضای برجسته حلقه ارانوس بود و هانری کربن عضو دیگر آن حلقه در مطالعات اسلامی از او تأثیر پذیرفته بود.

محمدجواد باهنر، علی اکبر رفسنجانی، ابوالقاسم خزعلی و بسیاری دیگر بودند که بعدها در انقلاب اسلامی نقش‌های مهمی بازی کردند. حسین نصر نیز بنا به گفته خودش در جریان ساخت و فعالیت‌های این حسینیه بوده است. نام حسینیه ارشاد بیشتر با نام علی شریعتی گره خورده است. علی شریعتی مبلغی دینی بود که در سخنرانی‌هایش از امامان و مقدسان شیعه، شخصیت‌هایی باب روز می‌ساخت تا برای جوانان جذاب باشد. سازمان اطلاعات و امنیت کشور در آن دوران با فعالیت‌های حسینیه ارشاد هماهویی می‌کرد و آن را ابزاری برای مبارزه با کمونیسم ارزیابی کرده بود. برخی از شخصیت‌های فعال در حسینیه ارشاد مانند مطهری و نصر از موضع اسلام سده‌های میانه‌ای (سلفی‌گری شیعی) در مخالفت با شیوه تجدید نظر شده‌ای که شریعتی از اسلام ارائه می‌کرد، از فعالیت‌های حسینیه ارشاد کناره گرفتند. مجموعه سخنرانی‌ها و آثار شریعتی که در راستای باب روز کردن

داریوش شایگان (۱۳۱۳-۱۳۹۷) با ادیان هندی آشنایی داشت و مدتی نیز به یادگیری زبان سانسکریت پرداخته بود و از طریق حسین نصر با حلقه‌هانی کرین مرتبط گردید و از این طریق با اندیشه‌های اسلامی آشنا شد. از ۱۳۴۶ برای تحصیل دکتری به فرانسه رفت و از آن پس به ایران رفت و آمد می‌کرد (بدیع‌الزمان فروزانفر ۱۳۷۶-۱۳۴۹ استاد برجسته زبان و ادبیات فارسی) محمد معین (۱۳۵۰-۱۳۵۰) استاد و پژوهشگر برجسته زبان و ادبیات، عیسی سیهیدی (۱۲۹۶-۱۳۶۰) دارای دکترای روانشناسی از فرانسه و استاد دانشگاه تهران) و برخی از روحانیون و مذهبی‌ها، از جمله محمد اسماعیل صابنی زنجانی، هادی خسرو شاهی، مکارم شیرازی، شیخ جواد مناقبی، دکتر جزایری، و گهگاه مهندس بازرگان. بعضی از این افراد مانند فروزانفر، عصار، معین، همایی و سیهیدی شخصیت‌های برجسته دانشگاهی بودند و احتمالاً گهگاه در آن نشست‌ها شرکت می‌کردند.

دو عضو ثابت این جمع، حسین نصر و داریوش شایگان در سال ۱۳۴۰ به ترتیب ۲۸ و ۲۷ ساله بودند و پیشینه آکادمیک در معارف اسلامی به ویژه الهیات و تصوف نداشتند. شایگان می‌گوید واژه تاویل برای نخستین بار در این جمع به گوشش خورده است. جلسات این حلقه در روزهای آخر هفته اغلب در منزل یک وکیل دادگستری به نام ذوالمجد طباطبایی در تهران، خیابان بهار برگزار می‌شد.

من یکبار پس از انقلاب به همراه دوستی که با ذوالمجد طباطبایی آشنایی داشت، در همان خانه‌ای که جلسات حلقه تاویل در آن برگزار می‌شد، دیدار کردم. سالی بود که از دو اتاق پیوسته تشکیل شده بود. ذوالمجد طباطبایی ضمن سخن در باره برقراری جلسات در آن محل به زاویه‌ای از اتاق اشاره کرد و گفت، هنگام نماز جلسه متوقف می‌شد و علامه در آن زاویه می‌ایستاد و نماز را اقامه می‌کرد و جمع هم در پشت ایشان می‌ایستادند و به او اقتدا می‌کردند.

من تا آن لحظه از وجود چنان محفلی آگاهی نداشتم و اغلب نام‌هایی که او یاد می‌کرد برای من بیگانه بود. به گفته ذوالمجد طباطبایی از گفتگوهای انجام شده در آن جلسه‌ها یادداشت برداشته می‌شد و در اختیار یکی دو نفر از اعضا قرار می‌گرفت تا آنها را با خود ببرند و دست‌نوشته‌ها را پاک نویس کنند تا بعداً متن اصلاح شده در اختیار جمع قرار گیرد. اما یکی از آن افراد که یادداشت‌های فراوانی برای اصلاح با خود برده بود، یادداشت‌ها را بازنگرداند و مدعی شد که در واقع‌ای مفقود شده است. ذوالمجد طباطبایی به ادعای مفقود شدن نوشته‌ها سخت ابراز تردید می‌کرد و گفت می‌ترسم سال‌ها بعد آن فرد آن نوشته‌ها را به نام خودش منتشر کند. ایشان در بیان خاطره‌ای دیگر گفت که روزی با علامه نشستیم بودم و او در حال زیر و رو کردن اوراق نوشته‌هایش بود که صفحه‌ای با خط بسیار خوش و مهر دربار توجهم را جلب کرد. صفحه تقدیرنامه‌ای بود از سوی شهبانو به علامه طباطبایی. به علامه گفتم آقا این تقدیرنامه در بین کاغذها ممکن است گم شود، اما او اهمیتی به اینجور چیزها نمی‌داد، در حالی که دیگران اینگونه تقدیرنامه‌ها را قاب می‌کردند و برای تفاخر در معرض دید می‌گذاشتند.

علامه طباطبایی فرانسه نمی‌دانست و کرین با آنکه متون فارسی را خوب می‌خواند اما در گفتگو نیازمند مترجم بود. ترجمه گفتگوها با حسین نصر و شایگان بود. داریوش شایگان در کتاب «هانری کرین، آفاق تفکر معنوی در اسلام ایرانی» شرح مبسوطی از افکار کرین ارائه کرده است. ماحصل این افکار با آنچه حسین نصر در باره وسعت مسایل طرح شده در آن جلسات گفته است مطابقت دارد. نصر می‌گوید: «گفتگوهایی که در این جلسات صورت گرفت، در کل قرون وسطا تحقق نیافته بود».

میان ارتقا یافت. در آن زمان اصحاب تاویل، تفسیر و تقلید شبکه‌ای از ارتباطات را به وجود آورده بودند و نقاط حساسی را در نظام مشروطه، در اختیار داشتند. حسین نصر در دربار، رییس دفتر شهبانوی ایران بود، مرتضی مطهری در کرسی استادی دانشگاه نقطه اتصال تاویل‌یان، تفسیریان و تقلیدیان بود، مهدی بازرگان نقطه وصل اصحاب رنگارنگ مصدقی و بخش خصوصی با تاویل‌یان و تفسیریان و تقلیدیان شده بود.

زوج نورالدین کیانوری (نوه پسر فضل‌الله نوری) و مریم فیروز (از ستایشگران صریح «امام خمینی») نیز با کودتایی نرم رهبری حزب توده را به دست گرفتند و خود را به بافته‌های آن شبکه آویزان کردند، و مدعی شدند که بین اسلام راستین امام خمینی و سوسیالیسم تفاوتی نیست، تا قداست امام را در اذهان چپ‌گرایان ساده‌اندیشی رسوخ دهند که نه از سوسیالیسم چیز زیادی می‌دانستند و نه از اسلام. به این ترتیب نیروهای اسلام‌گرای دست راستی ضد مشروطیت، چپ‌های متوهم را نیز به دنبال خود گشاندند، و در یک شبکه تو در تو در جهت براندازی حکومت قانون و نظام دموکراتیک مشروطیت به حرکت درآمدند. انقلاب اسلامی محصول مدیریت و هدایت محافظه‌کاران کهنه‌کاری بود که از چند دهه پیش از انقلاب اسلامی در پوشش اسلام‌گرایی، شاه را مورد حمله قرار می‌دادند تا نظام مشروطیت و حکومت قانون را واژگون کنند.

تأثیر حلقه ارانوس بر اسلام‌گرایی در ایران



سران نهضت آزادی در حاشیه جلسه شورای مرکزی نهضت آزادی ایران- ۱۳۵۶

این حلقه در ۱۹۳۳ میلادی توسط اولگا فروب کاپتین Olga Frobe- Kapteyn در جنوب سوییس در کنار دریاچه ماجیور (lake Maggiore) واقع در آسکو ماشیا Ascona- Moscia واقع در جنوب سوییس در کنار دریاچه ماجیور تاسیس شد و فعالیت‌های آن همچنان ادامه دارد. فعالیت‌های این نهاد در وبسایت رسمی آن انتشار می‌یابد. واژه ارانوس (eranos) در اصل یونانی است و به انجمنی در یونان باستان گفته می‌شد که شرکت‌کنندگان در برگزاری آن سهمی به عهده می‌گرفتند. حلقه ارانوس در راستای هدف‌هایش کنفرانس‌های سالانه برگزار می‌کند. یکی از تالارها در خانه‌ای مشرف به دریاچه که این کنفرانس‌ها در آن برپا می‌شود ارانوس نامیده می‌شود و به این جهت این حلقه، ارانوس نامیده شده است. هدف این کنفرانس‌ها اینگونه در وبسایت رسمی آن درج شده است «ایجاد محلی برای رویارویی و تجربه و جایی که افکار شرقی و غربی با هم برخورد می‌کنند».

ماسینیون و هانری کرین از اعضای حلقه ارانوس

سمت و سوی این جلسات طرح اندیشه‌های قرون وسطا و غرق شدن در آن بود و نه نقد آن. ایده‌های قرون وسطایی به منزله پدیده‌هایی مستقل از زمان و مکان، مورد بررسی قرار می‌گرفت و به شدیدی در مقابل آنها می‌انجامید. این شیفتگی و تأثیرپذیری از پدیده‌های قرون وسطا به ویژه در شرکت‌کنندگانی مانند نصر و شایگان که فاقد آموزش و دانش مدرسه‌ای از تاریخ، الهیات و تصوف و عرفان سده‌های میانه بودند، بیشتر بود.

تاویلی که اصحاب حلقه تاویل در سده بیستم به آن می‌پرداختند با تاویلی که در سده‌های میانه در میان اهل کلام و صوفیان معمول بود تفاوت داشت. تاویل در نزد بسیاری از اهل کلام ابزاری برای عقلانی جلوه دادن دین و شرع بود. صوفیان نیز با تاویلات خود در پی شخصی کردن دین و تلطیف شریعت بودند که همان عرفان و شهود فردی بود. تاویل در نزد «اصحاب تاویل» سده بیستمی نه صوفیانه بود و نه کلامی. اصحاب تاویل در سده بیستم با چنگ زدن به مفاهیم سده‌های میانه‌ای در فکر ساختن ایده و جهان‌بینی‌ای بودند تا بتوانند با ایده‌های برآمده از دنیای صنعتی و جهان مدرن مانند دموکراسی، حکومت قانون، لیبرالیسم، سکولاریسم و سوسیالیسم هم‌اوردی کنند. آنها از پیامدهای اجتماعی ایران در حال دگرگونی و مدرن شدن و صنعتی شدن هراس داشتند. دنیای تاویلی آنها گزیده‌هایی از تشیع و تصوف را

با برداشته‌هایی وهم زده و نامربوط از دوران باستان بهم گره می‌زد تا جهان‌بینی‌ای بسازد که بتواند در چالش‌های اجتناب‌ناپذیر ناشی از پیشرفت، سردرگمی ایجاد کند.

بحران سیاسی ۵۷-۱۳۵۶ فرصتی برای اصحاب تاویل فراهم آورد تا بافته‌های تاویلی‌شان را برای حل مشکل سیاسی چنین فرمول‌بندی کنند: «آشتی شاه با ملت». ملت در زبان تاویلی اصحاب تاویل به معنی روحانیت بود و نه ملتی که در قانون اساسی مشروطیت آمده بود. آنها راه حل برون‌رفت از بحران را همکاری شاه و روحانیت که خمینی نماینده آن شده بود می‌دانستند. حاصل چنان تفکرات تاویلی در بیانیه «صدای انقلاب شما را شنیدیم» که به وسیله حسین نصر و رضا قطبی نوشته شد و شاه با صدایی لرزان در رسانه عمومی خواند، بازتاب یافت. از همان زمان که خمینی به تنه درخت سیب معروف در نوفل‌لوشاتو تکیه زد، به وسیله اصحاب تاویل، اصحاب تفسیر و اصحاب تقلید به مقام قدیسان سده‌های





اخوان المسلمین بود و از تجربه احزاب چپ کشورهای دیگر نیز استفاده می‌کرد (مصاحبه بجنوردی با موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی ۱۲ اسفند ۱۳۹۹). حزب ملل اسلامی پیش از شروع جنگ چریکی شهری، شناسایی شد و بسیاری از اعضای آن پس از یک درگیری مسلحانه مختصر دستگیر و زندانی شدند. اعضای این حزب پس از انقلاب به مقامات مهم رسیدند و در استقرار نظام اسلامی نقش مهمی داشتند، اسلامگرایانی مانند ابوالقاسم سرحدی زاده وزیر کار، سیدمحمد کاظم موسوی بجنوردی استاندار اصفهان، عباس دوزدوزانی وزیر ارشاد، محمدکاظم سیفیان شهردار تهران، عباس آقازمانی (ابوشریف) از فرماندهان اولیه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، جواد منصوری سفیر سابق جمهوری اسلامی در چین و بسیاری دیگر از اعضای این حزب بودند که پس از انقلاب اسلامی به این مقامات رسیدند.

#### ۹- هیئت‌های مولفه اسلامی

این تشکل در بهار ۱۳۴۲ از ائتلاف سه هیئت مذهبی به نام هیات بازار یا گروه مسجد امین‌الدوله، گروه اصفهانی‌های مقیم مرکز و هیات مسجد شیخ علی شکل گرفت. این هیات‌ها مورد تأیید خمینی بودند. این جریان اتحادی بود بین متدینین بازار و روحانیت. ترور حسنعلی منصور و سازماندهی شورش بازار در خرداد ۱۳۴۲ را کارنامه سیاسی این جریان ثبت شده است. هیئت‌های مولفه پس از انقلاب اصلی سخت حاکمیت اسلامی را شکل دادند. در تحولات بعدی برای رقابت با جناح معروف به اصلاح‌طلبان حکومتی، جبهه اصولگرایان را به وجود آوردند. شیوه حکومت اصولگرایان در دو اصل خلاصه می‌شود: سرکوب بدون مرز و غارت بی حساب و کتاب. در دستگاه ایدئولوژیک این جریان، روحانیت مدافع ولایت فقیه، تقلید، اجرای احکام اسلامی و سنت‌گرایی سده‌های میانه جایگاه مهمی دارند.

#### ۱۰- سازمان مجاهدین خلق

این سازمان در سال ۱۳۴۴ با ایدئولوژی ترکیب شده از باورهای عامیانه شیعی و برداشت‌هایی از جامعه‌شناختی کمونیستی به وجود آمد. سازمان مجاهدین خلق از جهت سیاسی خود را ادامه‌دهنده نهضت مشروطیت و پیرو راه مصدق تعریف می‌کند. این سازمان زیر شعار مبارزه با دیکتاتوری شاه در عمل مشروطیت را نقض می‌کرد. در انقلاب اسلامی شرکت کرد و از حامیان خمینی گردید. پس از انقلاب، استقلال ایدئولوژیک و سازمانی‌اش را حفظ کرد. مشی سیاسی جمهوریخواهی و ایدئولوژی آنها در برابر نظریه ولایت فقیه خمینی قرار گرفت و منجر به درگیری خونین مسلحانه بین دو جریان اسلامی چپگرای مجاهدین و راستگرای ولایت فقیه گردید. استقرار مجاهدین خلق در عراق و زندگی در اردوگاه‌های جنگی برای آنها عقبگردهای ایدئولوژیک و شکست‌های سیاسی به بار آورد. کشتار بی‌رحمانه رژیم از مجاهدین خلق یکی از سیاه‌ترین صفحات رژیم اسلامی است. سازمان مجاهدین پس از انتقال به اروپا در سیاست مبارزه مسلحانه تجدید نظر کرد و اعلام کرده است که روش دموکراتیک و سیاسی را برای براندازی جمهوری اسلامی پی می‌گیرد، بی‌آنکه ایدئولوژی و ساختار تشکیلات آن مورد بازبینی قرار گیرد. این سازمان دارای ارتباطات وسیع بین‌المللی است و در خارج کشور از امکانات بزرگ تبلیغاتی برخوردار است و تبلیغات آن نقش موثری در افشای رژیم اسلامی ایفا کرده است.

جریان‌های دهگانه اسلامگرای یادشده یکی پس از دیگری بذر اسلامگرایی را در جامعه پراکندند تا چرخ حکومت قانون و مشروطیت ایران از حرکت باز ایستد. انقلاب اسلامی فقط محصول فعالیت اسلامگرایان نبود، عامل‌های مهم بین‌المللی و داخلی دیگر نیز در انتقال قدرت به اسلامگرایان نقش بازی کردند.

حجتیه را مجبور به انحلال کرد. این انحلال نوعی مانور سیاسی بود تا واغود شود که نیروهای دست راستی نیز مانند نیروهای دست چپی در دولت اسلامی حق تشکل ندارند. کادرهای حجتیه از برخی از مقامات کلیدی کنار گذاشته شدند، اما به عنوان نیروهای مکتبی و مسلمانان صالح، بخشی از آنها جذب بوروکراسی دولت اسلامی شدند و بخشی دیگر نیز در بخش خصوصی فعال گردیدند. حجتیه به عنوان نهاد در سال ۶۲ منحل شد اما به عنوان شبکه و مجموعه‌ای از ارتباطات در درون دولت اسلامی و بیرون از آن به بقای خود ادامه داد.

#### ۷- نهضت آزادی

این جریان در سال ۱۳۴۰ توسط مهدی بازرگان، یدالله سبحانی و محمود طالقانی و تعدادی از مترشعان مصدقی تاسیس شد و مورد تأیید و حمایت محمد مصدق قرار گرفت. نهضت آزادی در بیان مشی سیاسی بر دو عنصر اسلامی بودن و ایرانی بودن تأکید می‌نماید و با مقدم داشت عنصر اسلامی بر ایرانی، می‌گوید «ما نمی‌خواهیم اصول عقایدمان (اسلام) را از سیاست جدا کنیم». به این ترتیب دین و سیاست در هم آمیخته شد و این در هم آمیختگی این جریان را به انقلاب اسلامی پیوند داد. نهضت آزادی با کنفدراسیون دانشجویان ایرانی در خارج کشور و سپس با انجمن‌های اسلامی در اروپا و آمریکا پیوند مستقیم داشت. نهضت آزادی از ستون‌های اصلی سیاسی کردن دین در دوران جدید ایران است. نهضت آزادی

و از بنیانگذاران مکتب اسلام‌شناسی در فرانسه بودند. هر دو این شخصیت‌ها با دانشکده الهیات و فلسفه در ایران و بخش‌هایی از روحانیت حوزه‌ای و شخصیت‌های سیاسی و فرهنگی ارتباط محکمی داشتند. گردانندگان حسینیه ارشاد و اصحاب حلقه تاولیل از این ارتباطات تأثیر پذیرفته بودند.

#### ۶- انجمن حجتیه مهدویه

این نهاد مذهبی در ۱۳۳۲ با هدف مبارزه با آیین بهایی شکل گرفت و در ۱۳۳۶ با نام «انجمن حجتیه مهدویه» ثبت گردید. بنیانگذار حجتیه شیخ محمود ذاکر زاده تولایی (۱۲۷۹-۱۳۷۶) نام داشت و فعالیت‌های آن زیر نظر یک هیئت مدیره اداره می‌گردید و مورد تأیید همه مراجع تقلید بود. فعالیت‌های این نهاد مذهبی در دهه‌های چهل و پنجاه گسترش زیادی یافت. سازمان اطلاعات و امنیت کشور بر حجتیه نفوذ و نظارت کامل داشت.

این نهاد دارای اسانامه و تشکیلات شبه‌حزبی و فعالیت‌هایش علنی و قانونی بود. شعبه‌های آن در شهرهای مختلف فعال بودند. انجمن و اعضای آن بنا بر اسانامه‌اش از دخالت در سیاست اکیدا منع شده بودند. این ممنوعیت در سیاست به معنی سکولار بودن این نهاد نبود. انجمن حجتیه به ولایت دینی مراجع روحانی (ولایت مدنی) باور داشت. ولایت سیاسی فقیه با اصل عدم مداخله سیاسی این نهاد در تضاد بود، اما حجتیه بطور رسمی هیچگاه فعالیت‌های



اتحاد مارکسیسم با اسلام سیاسی در سال ۵۷

با تأیید خمینی نخستین دولت موقت پس از انقلاب اسلامی را تشکیل داد. روش سیاسی نهضت آزادی در اداره دولت تأییدی گردید بر ناسازگاری پیوند اسلامگرایی و لیبرالیسم. پیوندی که بازرگان و طالقانی به آن باور داشتند، و نهضت آزادی را بر آن پایه بنیاد کرده بودند. این پیوند نظری با اندک تکانه انقلاب اسلامی بی‌اعتباری خود را نشان داد. بازمانده‌های این شیوه اندیشه پس از انقلاب در تشکل‌هایی مانند تشکل‌های «ملی-مذهبی» ادامه یافته و در خارج کشور وبسایت «زیتون» ناشر طیفی از این تفکرات است.

#### ۸- حزب ملل اسلامی

این حزب در ۲۸ اسفند ۱۳۴۰ به وجود آمد. بنیانگذار آن محمد کاظم موسوی بجنوردی است. مشی حزب، مبارزه مسلحانه و هدف آن براندازی دولت قانونی و تاسیس حکومت اسلامی بود. گفته شده است که اعضای این حزب مخفی به ۱۲۰ نفر هم رسید. حزب ملل اسلامی تحت تأثیر

سیاسی خمینی را محکوم نکرد و موضعی ناروشن نسبت به انقلاب اسلامی داشت. خمینی پس از انقلاب ناخشنودی خود را از تشکیلات حجتیه اعلام کرد و در پی آن رهبر حجتیه برای اجتناب از درگیری با خمینی، خودش دستور انحلال حجتیه را صادر کرد. فلسفه وجودی حجتیه مبارزه با بهائیت بود که با استقرار حاکمیت اسلامی موضوعیت‌اش را از دست داد، زیرا دولت اسلامی با شدت و خشونت، سیاست بهایی‌ستیزی را خودش به اجرا گذاشته بود. حجتیه پس از انقلاب، سیاست چپ‌ستیزی و ضدیت با کمونیسم را هم در دستور کار خویش قرار داد، اما در این عرصه نیز دولت اسلامی با قلع و قمع احزاب چپگرای میدانی برای فعالیت حجتیه باقی نگذاشت. کیانوری رهبر حزب توده برای تطهیر دولت اسلامی کلیه سیاست‌های فاشیستی حاکمیت را به جریان حجتیه نسبت می‌داد تا از قداست امام خمینی حراست کند. خمینی که اساساً از هر نوع تشکلی هراس داشت، تشکیلات



عکس هفته | اعتراض ایرانیان به حکم ۴۰ سال زندان و ۷۴ ضربه شلاق علیه اولیویه وانداکاستیل امدادگر بلژیکی که توسط جمهوری اسلامی به گروگان گرفته شده است / بروکسل / ۲۲ ژانویه ۲۰۲۳